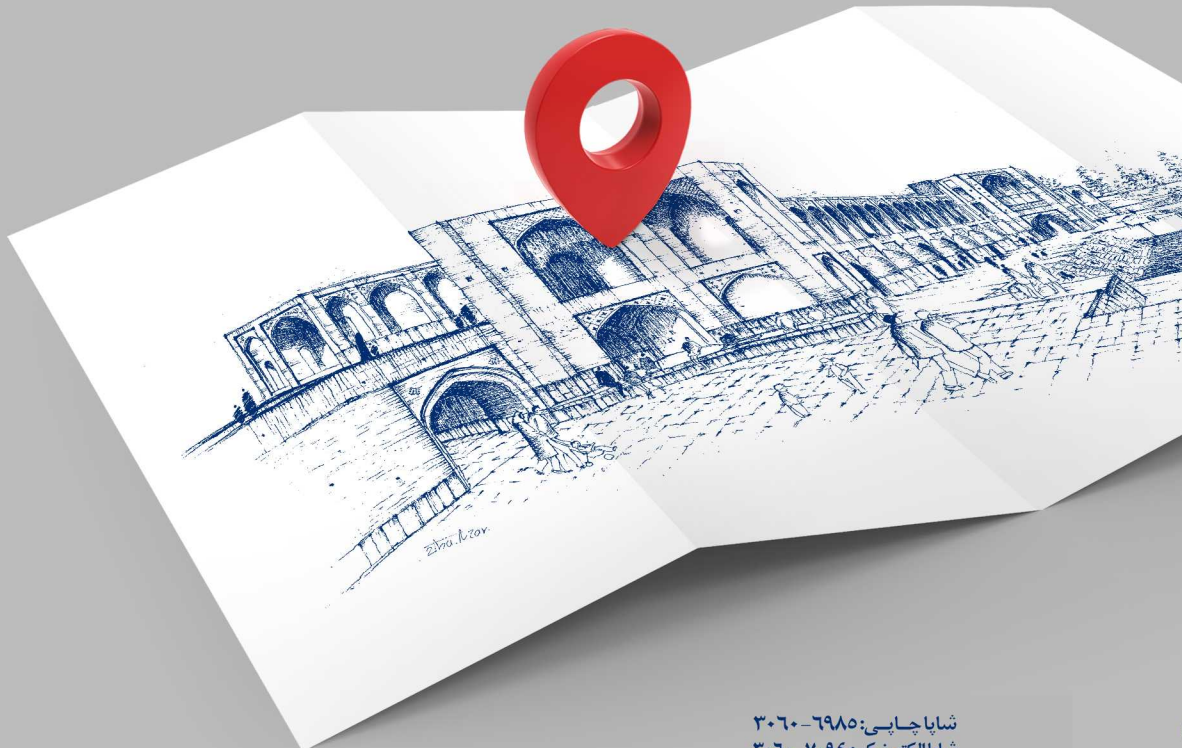


فصلنامه علمی پژوهشهای فضا و مکان در شهر

دوره هشتم، پیاپی (۳۳)، زمستان ۱۴۰۳



- بازخوانی فضاهای جمعی تاریخی: چهارچوبی برای اصول طراحی فضاهای چندعملکردی شهری (مورد مطالعه: شهر اصفهان)
- ارزیابی و تحلیل فضایی مؤلفه‌های مؤثر بر شهر شاد (مطالعه موردی: کلان‌شهر اصفهان)
- تحلیل علم‌سنجی مفاهیم بیگانگی فضایی: بررسی تحولات مفهومی، دگرگونی‌های پارادایمی و روندهای نوین در تحقیقات جهانی
- تحلیل پیامدهای مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان
- ارتباط بین پیکره‌بندی فضایی معماری و مناسک اجتماعی-مذهبی عیلامیان (مورد مطالعه: محوطه چغازنبیل)
- مرور کتاب شناختی مؤلفه‌های مؤثر بر پیاده روی زنان در فضاهای شهری (بازه زمانی ۲۰۲۴-۲۰۱۴)





نشریه علمی پژوهش‌های فضا و مکان در شهر



دوره هشتم، پیاپی ۳۳، زمستان ۱۴۰۳



مدیر داخلی: الهام قاسمی	صاحب امتیاز: جهاد دانشگاهی
مدیر اجرایی: خاطره امیری	مدیر مسئول: مهدی ژیانپور
کارشناس اجرایی: ریحانه سجادی	سر دبیر: محمد مسعود
ویراستار ادبی: آیدا قویدل	دبیر تخصصی: احسان رنجبر
ویراستار انگلیسی: زهرا سادات اسماعیلیان	هیئت تحریریه:
طراح جلد و یونیفورم: عرفان غلامی	نعمت‌الله اکبری، حامد بخشی، فروزنده جعفرزاده‌پور، علی حسنی،
کروکی روی جلد: زیبا آذر	زاهد شفیعی، نعمت‌الله فاضلی، ایرج قاسمی، محمود قلعه‌نویی،
صفحه آرا: جعفر خدادی	محمد مسعود، مهدی منتظرالحجه، مرتضی میرغلامی

مقالات این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه خواهد شد:

www.noormags.com

www.magiran.com

www.Civilica.com

www.ensani.ir

سایت اختصاصی: www.jspr.jdisf.ac.ir

ایمیل: jsprjdisf@gmail.com

jspr.es@acecr.ac.ir

مجوز شماره ۷۸۵۳۹ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شاپا چاپی: ۳۰۶۰-۶۹۸۵

شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۷۰۹۴

فهرست مقالات

بازخوانی فضاهای جمعی تاریخی: چارچوبی برای اصول طراحی فضاهای

چندعملکردی شهری (نمونه موردی: شهر اصفهان) ۵

محسن اورعی، سمیرا منصوری، رودکلیترگس سلطانی ۵

ارزیابی و تحلیل فضایی مؤلفه‌های مؤثر بر شهر شاد (مطالعه موردی: کلان شهر

اصفهان) ۳۱

احمد حجاریان ۳۱

تحلیل علم‌سنجی مفاهیم بیگانگی فضایی: بررسی تحولات مفهومی، دگرگونی‌های

پارادایمی و روندهای نوین در تحقیقات جهانی ۴۷

شیواترایی، امیرحسین شبانی، شیرین طغیانی، مریم فرخی ۴۷

تحلیل پیامدهای مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم کلان شهر اصفهان ۷۱

پسند مهدوی سعیدی، مصطفی بهزادفر، محمد مسعود، سید محمد رشتیان ۷۱

ارتباط بین پیکره‌بندی فضایی معماری و مناسک اجتماعی-مذهبی عیلامیان (مورد

مطالعه: محوطه جغاز نیل) ۹۵

سیما خالقیان، شیما قندهاری، مهدی سعدوندی ۹۵

مرور کتاب شناختی مؤلفه‌های مؤثر بر پیاده روی زنان در فضاهای شهری (بازه

زمانی ۲۰۲۴-۲۰۱۴) ۱۲۳

نیلوفر پناهی، فاطمه مرادی ۱۲۳

مجله «پژوهش‌های فضا و مکان در شهر» یکی از چند تلاش سازنده برای معرفی مفهوم «شهرشناسی» و بازسازی حوزه «مطالعات شهری» در مجموعه جهاد دانشگاهی است. این هدف‌گذاری از درک یک شکاف برمی‌آید؛ شکاف میان موقعیت این حوزه در جهان و ایران. مطالعات شهری در اوایل قرن بیستم مورد پذیرش دانشگاهی قرار گرفت، و در اوایل دهه ۱۹۷۰ به سرعت گسترش یافت. برخی از صاحب‌نظران نیز بر این عقیده‌اند که حوزه مطالعات شهری هرگز تا این اندازه نیرومند نبوده است. با این وجود در سپهر علمی پژوهشی کشورمان این حوزه هنوز به رسمیت شناخته نشده و عمدتاً به یکی از رشته‌های زیرمجموعه‌اش فروکاسته شده است. مطالعات شهری بر اساس اجماع مراکز معتبر علمی در دنیا حوزه‌ای میان رشته‌ای است که اصلی‌ترین هدفش شناخت و فهم شهرها از دیدگاه‌های علمی و نظری معتبر است. این حوزه میان‌رشته‌ای انجمن‌های حرفه‌ای، مجلات و نظریات خود را دارد و عمدتاً از روش‌های علوم اجتماعی استفاده می‌کند. محققین رشته‌های شهرسازی، معماری، و طراحی شهری همچنین تاریخ، جامعه‌شناسی، جغرافیا، اقتصاد، علوم سیاسی و مردم‌شناسی بیشترین دانش مطالعات شهری را تولید کرده‌اند.

مجله «پژوهش‌های فضا و مکان در شهر» با تایید این گزاره که با وجود موضوعات نو و چالش‌برانگیزی که در قرن ۲۱ بوجود آمده است اکنون هم بهترین و هم بدترین زمان برای مطالعه شهرهاست، برای اجتناب از دامن زدن به آشفتگی نظری و روش‌شناختی موجود با تعهد به مرزهای حوزه مطالعات شهری از میان موضوعات بی‌شمار بر مطالعه «فضای شهری» متمرکز خواهد بود. مرکزیت یافتن این موضوع/مفهوم مستلزم اعتقاد به پیچیدگی شهر به عنوان یک پدیده چندوجهی با ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیطی است. بر این اساس تلاش شده است اعضای هیات تحریریه مجله صاحب‌نظرانی متناسب با این ابعاد باشند.

در پایان ضمن دعوت از همه محققین، صاحب‌نظران و فرهیختگان علاقه‌مند به موضوع شهر و حوزه مطالعات شهری به مشارکت مجدانه در انتشار دستاوردهای علمی‌شان، امیدوارم تلاش مجموعه جهاد دانشگاهی و گروه علمی اجرایی مجله منجر به تقویت نگاه میان‌رشته‌ای به موضوعات مختلف از جمله شهر، به رسمیت‌شناسی حوزه مطالعات شهری و مفهوم شهرشناسی و ورود ایده‌ها و رویکردهای جدید به موضوع فضای شهری باشد.

مهدی ژبانیپور

مدیر مسئول



بازخوانی فضاهای جمعی تاریخی: چارچوبی برای اصول طراحی فضاهای چندعملکردی شهری (نمونه موردی: شهر اصفهان)^۱

محسن اورعی

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران.

سمیرا منصوری رودکلی^۲

استادیار، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران.

نرگس سلطانی

استادیار، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران.

چکیده

این پژوهش به تحلیل الگوهای طراحی فضاهای جمعی موفق گذشته و نحوه بهره‌گیری از آن‌ها در طراحی فضاهای چندعملکردی معاصر می‌پردازد. با هدف ارتقای کیفیت زندگی شهری، این پژوهش با استفاده از رویکرد تاریخی-تکاملی و به‌صورت کیفی، به مرور منابع معتبر و تحلیل دوره‌های مختلف تاریخ ایران، از جمله ایلخانیان، تیموریان، صفویان و قاجاریان پرداخته و همچنین نیازهای شهروندان در فضاهای عمومی معاصر را از طریق مصاحبه و مشاهده میدانی در شهر اصفهان بررسی کرده است. نمونه‌های مورد مطالعه شامل پارک‌های شهید رجایی، ناژوان، مرداوینج، پل خواجو، سسی و سه پل، پل شهرستان و مجموعه متروپل در خیابان چهارباغ، به‌طور هدفمند در فضاهای مرکزی شهر اصفهان انتخاب شده و در هرکدام از نمونه‌ها، تعدادی مصاحبه با اشخاص صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهند که فضاهای جمعی سنتی با ویژگی‌های خاصی، چون مقیاس انسانی، تنوع کاربری و ارتباط نزدیک با بافت شهری، به‌عنوان کانون‌های فرهنگی و اجتماعی عمل کرده‌اند و می‌توانند الگویی برای فضاهای معاصر باشند. این فضاها با طراحی‌های باز و قابل دسترس، محیطی صمیمی برای تعاملات اجتماعی فراهم می‌کردند. همچنین، توجه به هویت محلی و فرهنگی در طراحی می‌تواند حس تعلق و هویت جمعی را تقویت کند. با توجه به تحولات اجتماعی و نیازهای جدید شهروندان، این پژوهش بر ضرورت طراحی فضاهای عمومی که پاسخگوی نیازهای متنوع، از جمله تسهیل دسترسی برای افراد توان‌خواه و فضاهای تفریحی برای جوانان باشد، تأکید می‌کند. تحلیل فضاهای جمعی تاریخی مثل بازارها و میدان‌ها نشان می‌دهد که این مکان‌ها به‌عنوان کانون‌های اجتماعی و فرهنگی با ویژگی‌هایی مانند مقیاس انسانی و انعطاف‌پذیری در کاربری، نقشی کلیدی در تعاملات اجتماعی داشتند. این مطالعه پیشنهاد می‌دهد که در طراحی فضاهای شهری معاصر، باید به بازارها

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «طراحی فضای چندعملکردی شهری با هدف تقویت تعاملات اجتماعی و احساس تعلق در جامعه» است که توسط نویسنده نخست (محسن اورعی) و استاد راهنمای اول، نویسنده دوم (دکتر سمیرا منصوری رودکلی) و استاد راهنمای دوم، نویسنده سوم (دکتر نرگس سلطانی) در دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی در حال انجام است.

۲. نویسنده مسئول: s.mansouri@ashrafi.ac.ir

به‌عنوان مراکز فرهنگی و اقتصادی با فضای مشترک برای تعاملات اجتماعی و تجاری، میدان‌ها به‌عنوان نقاط تبادل فرهنگی و سرگرمی و باغ‌ها به‌عنوان مراکز آموزشی و محیط‌های اجتماعی توجه شود. همچنین تأکید بر هویت فرهنگی محلی در طراحی این فضاها به تقویت حس تعلق و هویت جمعی شهروندان کمک می‌کند. در مجموع، استفاده از الگوهای موفق گذشته به بهبود کیفیت زندگی شهری و ایجاد فضاهای اجتماعی غنی و با هویت فرهنگی منجر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فضای جمعی تاریخی، فضای چندعملکردی شهری، اصول طراحی

فضاهای جمعی از دیرباز به عنوان یک عنصر حیاتی در معماری و شهرسازی برای تعاملات اجتماعی و حیات جمعی استفاده می شده است. در معماری ایران بعد از ورود اسلام و از دوره های ایلخانی تا دوره قاجاریه این نوع فضا عملکرد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشتند و تمام عملکردهای ذکر شده با تعاملات اجتماعی انجام می گرفته است. موقعیت قرارگیری، طراحی و ساخت فضاهای جمعی بر طبق نیازهای موجود اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ساخته می شد و همین امر باعث شد تا این فضا به عنوان کانون حیات جمعی مورد استفاده کاربران قرار بگیرد. مطالعات متعدد نشان داده اند که فضاهای جمعی موفق در گذشته، ویژگی های مشترکی مانند مقیاس انسانی، تنوع کاربری، و ارتباط قوی با بافت شهری داشته اند (Alexander et al., 1977) و همین امر باعث موفقیت این فضاها می شد. این فضاها، فراتر از تأمین نیازهای فیزیکی شهروندان، بستر مناسبی را برای تعاملات اجتماعی، فعالیت های فرهنگی و تفریحی فراهم می آورند و در نتیجه به تقویت حس تعلق و هویت جمعی کمک شایانی می کنند (محمودی نژاد، ۱۳۸۸). با توجه به تغییرات اجتماعی - فرهنگی صورت گرفته در بازه زمانی مشخص شده (دوره ایلخانی تا دوره قاجاریه)، بررسی الگوهای ساختاری فضاهای جمعی این دوره ها به ارتقای کیفیت فضای چندعملکردی شهرهای امروز کمک می کند. در عصر حاضر، با توجه به چالش های جدیدی که در فضای شهری به وجود آمده است، نیاز به طراحی فضاهای جمعی با کیفیت و کارآمد بیش از پیش احساس می شود. برای نمونه، پژوهش ها نشان می دهند که فضاهای عمومی با طراحی مناسب به بهبود سلامت روانی و جسمی شهروندان کمک می کنند (Kuo, 2015)؛ همچنین، فضاهای جمعی می توانند به عنوان نقاط کانونی برای ترویج فرهنگ و هنر محلی عمل و به تقویت هویت محلی شهروندان کمک کنند (Florida, 2002). در شهرهای معاصر، فضاهای چندعملکردی به عنوان

یکی از عناصر کلیدی در توسعه شهرها استفاده می شده است. این فضاها قادر به ارائه خدمات متنوعی از قبیل اقتصادی، اجتماعی، جمعی و فرهنگی هستند. خلاء وجود چنین فضایی در حال حاضر در شهر اصفهان به شدت احساس می شود و فضاهای طراحی شده از دوران قبل، به دلیل گسترش افقی شهرها از برخی مناطق دور شده و فضاهای ساخته شده کیفیت قابل قبولی ندارند. «تحلیل تاریخی نشان می دهد که تغییرات ایدئولوژیک و سیاسی به طور قابل توجهی بر دگرگونی فضاهای جمعی در ایران، به ویژه در اوایل دوره اسلامی و عصر صفویه تأثیرگذار بوده است» (حقیقی بروجنی و رهروی پوده، ۱۳۹۹). به همین دلیل، کاربران از اقصی نقاط شهر، از فضاهایی که از دوران پیشین به جا مانده اند، مانند میدان نقش جهان استفاده می کنند. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و تحلیل عمیق تر الگوهای طراحی در فضاهای جمعی موفق گذشته است تا بتوان از این الگوها برای ارتقای کیفیت فضاهای چندعملکردی شهری در حال حاضر بهره گرفت. با تحلیل این الگوها و تطبیق آن ها با نیازهای معاصر، می توان به طراحی فضاهای جمعی پاسخگو و متناسب با نیازهای جامعه دست یافت. به طور خاص، این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که کدام اصول در طراحی فضاهای جمعی گذشته، به ایجاد فضاهایی پویا، جذاب و پاسخگو به نیازهای جامعه منجر شده است؟

پیشینه و چهارچوب نظری

پژوهش های انجام شده در زمینه فضاهای عمومی و طراحی شهری، به بررسی تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این فضاها بر زندگی شهری می پردازند. این پژوهش ها به تحلیل نمونه های مختلفی از فضاهای عمومی در ایران، به ویژه میدان ها، بازارها و خیابان ها می پردازند و نقش آن ها را در شکل دهی به هویت اجتماعی و تعاملات فرهنگی بررسی می کنند. شمس الدین تکیه و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر فضاهای اجتماع پذیر و چندعملکردی در منطقه ۲۲ شهرداری تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که

به‌ویژه میدان بهارستان، از ۱۸۲۶ تا ۱۹۷۸ (م.م) را بررسی کرده است. تأثیرات اجتماعی و فرهنگی این میدان در شکل‌دهی به هویت شهری مورد توجه قرار گرفته است. لطف‌آ و همکاران^۵ (۲۰۱۷) به بررسی تحولات خیابان ولی‌عصر در تهران و تأثیرات آن بر تغییرات شهری پرداخته‌اند. این مقاله به تحلیل نقش این خیابان در شکل‌دهی به الگوهای زندگی شهری و تعاملات اجتماعی می‌پردازد. سهرابی^۶ (۲۰۱۸) تأثیر هنر عمومی بر فضاهای عمومی قبل و بعد از انقلاب اسلامی را بررسی کرده است. نویسنده به تحلیل تغییرات هنری و اجتماعی در این فضاها و تأثیر آن بر هویت فرهنگی جامعه پرداخته است. بندرآبادی و خاستار^۷ (۲۰۱۹) نقش طبقات اجتماعی را در سازمان‌دهی فضایی شهر یزد بررسی کرده‌اند. این مقاله به تأثیر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی بر نحوه استفاده از فضاهای عمومی می‌پردازد. غفوری و وبر^۸ (۲۰۲۰) معرفی فضاهای شهری چندمنظوره را به‌عنوان راه‌حلی برای افزایش کیفیت زندگی مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان تأکید دارند که این فضاها می‌توانند نیازهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را برآورده کنند. تلیکی و همکاران^۹ (۲۰۲۱) کیفیت فضا و رضایت ساکنان در سکونتگاه‌های تاریخی-مذهبی را بررسی کرده‌اند. این مقاله عوامل مؤثر بر رضایت ساکنان را شناسایی کرده و پیشنهادهایی برای بهبود فضاها ارائه می‌دهد. بناکر و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۲) تحلیل میدان بهارستان در تهران را به‌عنوان یک لایه تاریخی از فضاهای عمومی بررسی کرده‌اند. تأثیرات اجتماعی و فرهنگی این میدان در طول تاریخ تحلیل شده است. نراقی^{۱۱} (۲۰۲۲) تاریخ اجتماعی تهران مدرن را به‌عنوان زمینه‌ای برای تحلیل فضاهای عمومی بررسی کرده است. تأثیرات تاریخی و اجتماعی بر شکل‌گیری

مؤلفه تحركات و دسترسی سواره به پیاده از اهمیت بالایی برخوردار است. غفوری (۱۳۹۹) به بررسی طراحی فضاهای چندعملکردی پرداخته و هشستاد نمونه از این فضاها را تحلیل کرده است. نتایج نشان می‌دهد که الگوهای مشترکی در این فضاها وجود دارد که می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک کند. الگویی که بیشترین تکرار را دارد، «مشارکت» است که باید در برنامه‌ریزی و طراحی مد نظر قرار گیرد. غفوری و وبر (۱۳۹۹) به بررسی دوگانگی‌های شهری در مواجهه با افزایش جمعیت پرداخته‌اند. آن‌ها ایده طراحی فضای شهری چندعملکردی را به‌عنوان راه‌حلی پیشنهاد کردند که کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد و نیاز به ساخت فضاهای جدید را کاهش می‌دهد. قربانی پارام (۱۴۰۲) به بررسی مشکلات ناشی از رشد بی‌رویه شهرها و تأثیرات آن بر کیفیت زندگی افراد پرداخته است. این پژوهش اصولی برای طراحی فضاهای باز عمومی چندعملکردی به‌منظور افزایش تعاملات اجتماعی ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که وجود فضاهای متنوع و مؤلفه‌های جذاب به بهبود وضعیت اجتماعی و روحی شهروندان کمک می‌کند.

شی و وولی^۱ (۲۰۱۴) مدیریت فضاهای باز شهری را برای توسعه پایدار بررسی کرده‌اند. این مقاله به اهمیت طراحی مناسب این فضاها و تأثیر آن بر کیفیت زندگی، حفظ محیط‌زیست و تعاملات اجتماعی می‌پردازد. یداللهی و وندر^۲ (۲۰۱۴) بازار تاریخی تبریز را به‌عنوان فضایی عمومی و نقش آن در زندگی اجتماعی تحلیل کرده‌اند. نویسندگان به بررسی تأثیرات این بازار بر هویت محلی و تعاملات اجتماعی مردم پرداخته‌اند. رستمی و همکاران^۳ (۲۰۱۶) موفقیت فضاهای عمومی را با مطالعه باغ‌های تاریخی ایرانی بررسی کرده‌اند. این مقاله به عوامل جذابیت و کارایی این فضاها و پیشنهادهایی برای بهبود طراحی آن‌ها می‌پردازد. مهان^۴ (۲۰۱۷) تجلی مدرنیته در میدان‌های عمومی ایرانی،

5. Lotfata et al.

6. Sohrabi

7. Bondarabadi & Khaštāar

8. Ghafouri & Weber

9. Tilaki et al

10. Benacer et al.

11. Naraghi

1. Shi & Woolley

2. Yadollahi & Weidner

3. Roštami et al

4. Mehan

فضاهای عمومی مورد بحث قرار گرفته است. رضایی و همکاران^۱ (۲۰۲۲) نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات را در ایجاد فضاهای شهری تحلیل کرده‌اند. این مقاله به بررسی چگونگی بهبود ارتباطات و تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی می‌پردازد. پتریشین و همکاران^۲ (۲۰۲۲) تأثیر معماری منظر را بر کیفیت فضاهای شهری بررسی کرده‌اند. نویسندگان به تحلیل چگونگی طراحی فضاهای سبز و منظر شهری و تأثیر آن‌ها بر زندگی روزمره ساکنان می‌پردازند. ایتما و مونا^۳ (۲۰۲۲) به نقش فضاهای جمعی در دستیابی به پایداری اجتماعی توجه کرده‌اند. این مقاله تأکید دارد که این فضاها به تقویت هویت اجتماعی و تعاملات فرهنگی کمک می‌کنند. پراناب و بانسال^۴ (۲۰۲۲) ایده فضاهای عمومی چندمنظوره را برای جوامع پایدار بررسی کرده‌اند. نویسندگان به تحلیل مزایای این فضاها در افزایش تعاملات اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی می‌پردازند. موترنو و آندرونوویکی^۵ (۲۰۲۳) به بررسی زیبایی‌شناسی فرم معماری مراکز اجتماعی و فضاهای داخلی چندمنظوره پرداخته‌اند. تأثیر طراحی معماری بر تجربه کاربری و تعاملات اجتماعی در این فضاها تحلیل شده است. ایوانا و راخیمووا^۶ (۲۰۲۳) به بررسی فضاهای عمومی در ساختار فضاهای چندمنظوره جوانان پرداخته‌اند و تأکید می‌کنند که طراحی مناسب این فضاها به بهبود کیفیت زندگی و افزایش تعاملات اجتماعی کمک می‌کند.

این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فضاهای عمومی به‌عنوان مکان‌های کلیدی در زندگی شهری، تأثیرات عمیقی بر تعاملات اجتماعی، هویت فرهنگی و کیفیت زندگی دارند. نتایج این مطالعات بر اهمیت طراحی و مدیریت مناسب این فضاها تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که فضاهای عمومی به‌عنوان ابزارهایی برای ایجاد پایداری اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی در

1. Rezaei et al
2. Petryshyn et al.
3. Itma & Monna
4. Pranab & Bansal
5. Munteanu & Andronovici
6. Ivina & Rakhimova

شهرها عمل می‌کنند.

با بررسی پژوهش‌های پیشین در زمینه فضاهای عمومی و طراحی شهری، چندین خلأ شناسایی می‌شود. اغلب این مطالعات بر تحلیل تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فضاهای عمومی متمرکز بوده و یا به بررسی نمونه‌های خاصی از فضاهای معاصر و تاریخی پرداخته‌اند (غفوری، ۱۳۹۹؛ شی و وولی، ۲۰۱۴؛ رستمی و همکاران، ۲۰۱۶؛ بندرآبادی و خاستار، ۲۰۱۹؛ بناکر و همکاران، ۲۰۲۲؛ ایتما و مونا، ۲۰۲۲). با این حال، فقدان چهارچوبی یکپارچه برای طراحی فضاهای چندعملکردی شهری که به‌طور هم‌زمان میراث فرهنگی و نیازهای معاصر را در نظر بگیرد، محسوس است. همچنین، کمتر پژوهشی به‌طور خاص بر بازخوانی فضاهای جمعی تاریخی شهرهای ایران، به‌ویژه اصفهان، برای ارائه اصول طراحی شهری متمرکز شده است. در همین راستا، پژوهش حاضر با ارائه چهارچوبی نوین، تلاش می‌کند تا ضمن بازخوانی فضاهای جمعی تاریخی شهر اصفهان، ارتباط بین ویژگی‌های منحصر به فرد این فضاها و اصول طراحی معاصر را برجسته کند. این پژوهش با بهره‌گیری از ارزش‌های تاریخی و فرهنگی فضاهای جمعی اصفهان، راه‌حلی برای بهبود کیفیت طراحی فضاهای چندعملکردی ارائه می‌دهد.

چهارچوب نظری

برای درک بهتر و عمیق‌تر موضوع مورد پژوهش، بررسی برخی مفاهیم بنیادین ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس مبانی نظری این مقاله به دو بخش اصلی تقسیم شده است؛ بخش اول به توضیح و توصیف فضاهای چندعملکردی شهری در زمان معاصر پرداخته و بخش دوم شامل مفاهیم پایه حاوی شناخت فضاهای جمعی در معماری و شهرسازی سنتی ایران و عناصر تشکیل‌دهنده آنها، فضاهای چندعملکردی شهری و در نهایت جایگاه این نوع فضا در معماری و شهرسازی معاصر است.

۱-۳- فضای چندعملکردی شهری

فضاهای چندعملکردی شهری به‌عنوان راه‌حلی برای

و تعاملات عملکردی در این مناطق فراهم می‌کند (Gallent et al., 2004).

در نهایت، طراحی فضاهای چندعملکردی شهری به همکاری بین بخش‌ها و دپارتمان‌های مختلف عمومی نیازمند است. این همکاری به بهبود عملکرد فضاهای سبز شهری و ارائه خدمات بهتر به جامعه کمک می‌کند. در نتیجه، اماکن عمومی چندعملکردی شهری می‌توانند به‌عنوان راه‌حلی برای بهبود کیفیت زندگی در شهرهای متراکم و مناطق حاشیه‌ای مورد استفاده قرار گیرند. این فضاها با ارائه خدمات مختلف به گروه‌های مختلف از ذی‌نفعان، به بهبود عملکرد فضاهای موجود و کاهش نیاز به ساخت تأسیسات جدید کمک می‌کنند. همچنین، طراحی و مدیریت این فضاها به همکاری بین بخش‌ها و دپارتمان‌های مختلف عمومی است تا بتوانند به بهترین شکل ممکن به نیازهای جامعه پاسخ دهند.

مفهوم فضاهای چندعملکردی، اگرچه به‌عنوان یک رویکرد نوین در شهرسازی مطرح شده است (Ghafouri & Weber, 2020)، ریشه در الگوهای فضایی موفق در طول تاریخ دارد. فضاهای جمعی سنتی، مانند میدان‌های تاریخی، مثل میدان نقش جهان در اصفهان (Blake, 2016)، بازارها (نصرالله و یعقوبی، ۱۳۹۵) و باغ‌ها، اغلب کاربری‌های متعددی را در خود جای می‌دادند و نیازهای متنوع جامعه را برآورده می‌کردند. این فضاها نه تنها محل برگزاری رویدادهای اجتماعی و مذهبی بودند، بلکه به‌عنوان مراکز تجاری، فضاهای تفریحی و محل تعاملات اجتماعی نیز عمل می‌کردند. این انعطاف‌پذیری و چندگانگی کاربری، ویژگی بارز فضاهای جمعی موفق در گذشته بوده است و درس‌های ارزشمندی برای طراحی فضاهای چندعملکردی امروزی ارائه می‌دهد (Carmona et al., 2010).

بررسی این فضاهای تاریخی نشان می‌دهد که اصول طراحی مشخصی در موفقیت آنها نقش داشته است. اصولی مانند دسترسی آسان، تنوع کاربری‌ها در مجاورت فضا (Bryce et al., 2013)، کیفیت بالای فضایی (با عناصری مانند آب، گیاه، نور و سایه

بهبود کیفیت زندگی در شهرهای متراکم مورد توجه قرار گرفته‌اند. با افزایش جمعیت شهری، شهرها با چالش‌های متعددی مواجه می‌شوند. از یک سو، رشد افقی شهرها اثرات مخربی بر محیط‌زیست دارد و از سوی دیگر، رشد عمودی به کاهش کیفیت زندگی شهروندان و بروز انواع بیماری‌های روانی منجر می‌شود. این معضل مدیران شهری را با یک پازل پیچیده مواجه کرده است: شهری که باید بتواند تعداد بیشتری از مردم را با کمترین تداخل و با حفظ کیفیت زندگی بهینه جای دهد (Ghafouri & Weber, 2020).

فضاهای چندعملکردی شهری به‌عنوان راه‌حلی برای این مشکل مطرح شده‌اند. این فضاها به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که بتوانند چندین عملکرد مختلف را در مکانی واحد ارائه دهند. مثلاً، فضاهای سبز شهری می‌توانند علاوه بر ارائه خدمات زیست‌محیطی، به‌عنوان مکان‌هایی برای تفریح، ورزش و تجمعات اجتماعی نیز استفاده شوند (Belmeziti et al., 2017; Hansen et al., 2018). این نوع طراحی به بهبود عملکرد فضاهای موجود کمک می‌کند و نیاز به ساخت تأسیسات جدید را کاهش می‌دهد (Ghafouri & Weber, 2020).

یکی از مزایای اصلی فضاهای چندعملکردی شهری، توانایی آن‌ها در ارائه خدمات مختلف به گروه‌های مختلف از ذی‌نفعان است. این فضاها به‌عنوان مکان‌هایی برای فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی عمل و به این ترتیب، نیازهای مختلف جامعه را برآورده می‌کنند (Belmeziti et al., 2018; Pranab & Bansal, 2022). مثلاً، در مطالعه‌ای که در محوطه دانشگاه دوآر لیون فرانسه انجام شد، پیشنهادهایی برای بهبود خدمات شهری بدون افزایش مساحت فضاهای سبز ارائه شد (Belmeziti et al., 2018). علاوه‌بر این، فضاهای چندعملکردی شهری به‌عنوان راه‌حلی برای بهبود کیفیت زندگی در مناطق حاشیه‌ای شهرها نیز استفاده می‌شوند. این مناطق که به‌عنوان «مرز نهایی برنامه‌ریزی» شناخته می‌شوند، به برنامه‌ریزی و مدیریت ویژه‌ای نیاز دارند. اصل چندعملکردی چهارچوبی برای مدیریت تنوع

(Michell, 1978) و وجود عناصر نمادین و فرهنگی (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۸۹) از جمله عواملی بوده‌اند که به پویایی و جذابیت این فضاها کمک می‌کرده‌اند. این اصول، همچنان می‌توانند راهنمای طراحان در خلق فضاهای چندعملکردی امروزی باشند و به ایجاد فضاهایی زنده، پویا و پاسخگو به نیازهای متنوع جامعه کمک کنند (Gehl, 2010). در واقع، بازخوانی و درک این اصول، پلی بین گذشته و حال ایجاد می‌کند و امکان بهره‌گیری از تجربه‌های موفق گذشتگان را در طراحی فضاهای معاصر فراهم می‌سازد.

۲-۳- فضای جمعی در معماری و شهرسازی سنتی ایران بعد از اسلام
با ورود دین اسلام به ایران و اداره‌کشور به دست حاکمان مسلمان، نگرش جدیدی در جامعه با عنوان برابری تمامی اشخاص با یکدیگر شکل گرفت و در این زمان طبقات اجتماعی، ساختار شهری باستانی و دیوارهای شار میانی در شهرها فروریخت. دین اسلام در آیات بسیاری از قرآن کریم به اهمیت جمع‌گرایی و فعالیت‌های جمعی اشاره و به این اعمال توصیه کرده است.^۱ همچنین برخی از احکام و مقررات اسلام، مانند نماز جماعت و مناسک حج واجب، مسلمانان را به جمع‌گرایی و فعالیت‌های جمعی تشویق می‌کند. در ادامه، به بررسی فضاهای جمعی از دوره ایلخانی تا دوره قاجاریه پرداخته‌ایم.

فضاهای جمعی دوره ایلخانی

دوره ایلخانی یکی از دوره‌های حیاتی در تاریخ معماری و شهرسازی ایران به شمار می‌رود. این دوره که با حملات مغول به ایران در قرن سیزدهم میلادی آغاز شد، تغییرات عمده‌ای در ساختار اجتماعی و محیط ساخته‌شده ایران ایجاد کرد. پس از تأسیس سلسله ایلخانی در سال ۱۲۵۶ میلادی، حاکمان مغول به بازسازی شهرهایی که در جریان حملات مغول آسیب دیده بودند، پرداختند و تعدادی شهر جدید نیز تأسیس کردند. یکی از این شهرهای جدید، سلطانیه

بود که به‌عنوان یکی از مراکز مهم شهری از ابتدا توسط ایلخانان طراحی و ساخته شد.

فضاهای جمعی و عمومی در شهرهای دوره ایلخانی نقش کلیدی در زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم ایفا می‌کردند. این فضاها شامل بازارها، میدان‌ها، مسجدها و کاروانسراها بودند که هرکدام به‌نوعی به تعاملات اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کردند. بازارها به‌عنوان مراکز تجاری، محل تجمع بازرگانان و مردم عادی بودند و نقش اساسی در اقتصاد شهر ایفا می‌کردند. میدان‌ها نیز به‌عنوان فضاهای باز عمومی، محل برگزاری مراسم و تجمعات بودند. کاروانسراها محل گردهمایی افراد مختلف از اقوام و فرهنگ‌های گوناگون بودند که باعث می‌شد تبادلات فرهنگی، زبانی و اجتماعی نیز در این فضاها صورت گیرد. بسیاری از کاروانسراها همچنین به‌عنوان مراکز آموزشی و علمی عمل می‌کردند و موجب انتقال دانش و فرهنگ میان مردمان مختلف می‌شدند (Bryceet al., 2013). مسجدها نقش اساسی در ایجاد فضاهای جمعی و عمومی داشتند. حیاط‌های بزرگ مسجدها و فضاهای اطراف آن‌ها به محلی برای تجمع مردم و برگزاری مناسبت‌های اجتماعی تبدیل و باعث تقویت همبستگی اجتماعی در جامعه می‌شد (Naeni & Yasoori, 2016).

معماری دوره ایلخانی تحت‌تأثیر فرهنگ‌های مختلفی قرار داشت که از طریق تعاملات تجاری و فرهنگی به ایران وارد شده بودند (Naiemi, 2022). این تأثیرات در طراحی و ساخت فضاهای جمعی و عمومی به‌وضوح مشهود بود. مثلاً، استفاده از مناره‌ها و حیاط مرکزی در ساخت مسجدها و کاروانسراها، نمایانگر تأثیرات فرهنگی و مذهبی این دوره از معماری اسلامی است. بازارها مسقف و در معابری باریک ساخته شده‌اند و میدان‌ها درخت‌کاری شده و دارای حوض بودند. به‌طور کلی، فضاهای جمعی و عمومی در شهرسازی دوره ایلخانی نه تنها به‌عنوان مراکز تجاری و مذهبی، بلکه به‌عنوان بسترهایی برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کردند.

در ساخت بناهای این دوره، از آجرهای لعابدار و

۱. آیات: (۲۱۷، بقره)، (۱۰۳-۱۰۵، آل عمران)، (۳۸، انعام)، (۱۰، حجرات)، (۲، مائده)، (۳۶ و ۶۷، توبه)

کاشی‌های رنگی به‌عنوان مصالح روکش استفاده می‌شد. این مصالح به بناها جلوه‌ای خاص و زیبا می‌بخشیدند. همچنین، الگوهای نوشتاری در تزئینات بناها غالب بودند که نشان‌دهنده تأثیرات فرهنگی و هنری این دوره است (Kanbarova, 2021). در این دوره، بناهای یادبود و عظیمی ساخته شدند که نشان‌دهنده شکوه و عظمت دوره ایلخانیان بودند. این بناها نه تنها به‌عنوان مراکز مذهبی و فرهنگی، بلکه به‌عنوان نمادهای قدرت و ثروت ایلخانان نیز عمل می‌کردند.

فضاهای جمعی دوره تیموریان فضاهای جمعی در شهرسازی و معماری دوره تیموری در مناطق مرکزی ایران نقش مهمی در شکل‌دهی به ساختار شهری و فرهنگی این مناطق ایفا کرده است. این فضاها نه تنها مکان‌های مذهبی و اجتماعی، بلکه نمادهای فرهنگی و هنری نیز محسوب می‌شوند.

در دوره تیموری، معماری مسجدها به‌عنوان یکی از عناصر اصلی معماری اسلامی مورد توجه قرار گرفت. مسجدهای این دوره به دلیل هماهنگی با محیط و تأثیرپذیری از عوامل مختلف اقلیمی، تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، به نمونه‌های بارزی از معماری ایرانی تبدیل شدند (Naeeni & Yasoori, 2016). سه مسجد مهم این دوره شامل مسجد جامع گوهرشاد، مسجد جامع یزد و مسجد کبود تبریز هستند که هر یک دارای ویژگی‌های منحصر به فردی در طراحی و تزئینات معماری هستند.

ویژگی‌های معماری مسجدهای تیموری به شرح زیر است:

- استفاده از ایوان‌ها: مسجدهای تیموری معمولاً دارای یک یا چند ایوان بودند که به‌عنوان فضاهای باز و نیمه‌باز برای تجمعات عمومی و مذهبی استفاده می‌شدند.
- گنبدها و حیاط‌ها: گنبدهای بزرگ و حیاط‌های وسیع از دیگر ویژگی‌های بارز مسجدهای تیموری بودند که فضایی باز و دلنشین ایجاد می‌کردند.
- تزئینات هندسی: استفاده از الگوهای هندسی پیچیده و تزئینات کاشی‌کاری در دیوارها و سقف‌ها از دیگر ویژگی‌های معماری این دوره بود که به زیبایی و

شکوه مسجدها می‌افزود (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۱۰۳).

در دوره تیموری، شهر سمرقند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز شهری شناخته می‌شد. این شهر با توجه به ویژگی‌های طبیعی، اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی خود، تأثیرات زیادی بر شکل‌گیری فضاهای شهری داشت (Vakili, 2020). از ویژگی‌های بارز فضاهای شهری

در این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فضای سبز: ایجاد فضای سبز در داخل و خارج از شهرها یکی از ویژگی‌های بارز فضاهای جمعی در دوره تیموریان بود. این فضاهای سبز به‌عنوان مکان‌های تفریحی و اجتماعی عمل می‌کردند و نقش مهمی در زیباسازی شهرها داشتند (Vakili, 2020).

- ساخت جاده‌های اصلی شهری: ساخت راه‌های اصلی شهری با استفاده از ساختمان‌های مختلف و کاربری‌های متنوع زمین، یکی دیگر از ویژگی‌های مهم فضاهای جمعی در این دوره بود. این جاده‌ها مکان‌هایی برای تجمع‌های اجتماعی، جشن‌ها و مراسم‌های مختلف بودند که به تقویت روابط اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کردند (Vakili, 2020).

- گسترش مجموعه‌های شهری با استفاده از میدان‌ها: میدان‌ها به‌عنوان نقاط مرکزی شهر، محل تجمع و فعالیت‌های اجتماعی بودند که البته با بناهای مهم محصور می‌شدند.

- پیاده‌راه‌های تفریحی: پیاده‌راه‌های تفریحی و خیابان‌های مراسمی نیز در شهرهای دوره تیموریان وجود داشتند که به‌عنوان مکان‌های اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کردند. این پیاده‌راه‌ها با توجه به دینامیک‌های اجتماعی و الگوهای تعاملات اجتماعی طراحی شده بودند (Razavi, 2019).

فضاهای جمعی دوره صفویه

شهرسازی و معماری دوره صفویه در مناطق مرکزی ایران، به‌ویژه در شهر اصفهان، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های شهرسازی اسلامی شناخته می‌شود. این دوره با توجه به تحولات اجتماعی،

فرهنگی و اقتصادی، تغییرات عمده‌ای در فضاهای جمعی و شهری ایجاد کرد که تفاوت‌های قابل توجهی با دوره تیموری دارد. شهر اصفهان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز شهری تبدیل شد (Asadi, 2023). از ویژگی‌های بارز فضاهای شهری در این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- گستردگی و منسجم بودن: در دوره صفویه، فضاهای شهری به‌صورت شبکه‌ای و منظم طراحی شدند که نسبت به دوره‌های قبلی، نظم و هماهنگی بیشتری داشتند.

- توسعه میدان‌های بزرگ: در حالی که میدان‌ها در دوره‌های قبلی بودند، در دوره صفویه به‌شکل گسترده‌تری به‌عنوان نقاط مرکزی شهرها توسعه یافتند. میدان‌ها در این دوره به‌صورت باز طراحی و با بناهایی محصور می‌شدند. میدان نقش جهان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و شناخته‌شده‌ترین میدان‌ها نماد این دوره است.

- تزئینات هنری و معماری: اگرچه تزئینات در دوره‌های قبل نیز وجود داشت، اما در دوره صفویه به اوج زیبایی و شکوه خود رسیدند. این تزئینات شامل الگوهای هندسی و انتزاعی است که در بناهایی مانند چشمه عمارت و باغ‌شاه در بهشهر به کار رفته‌اند (Ebrahimet al., 2022). استفاده از کاشی‌کاری‌های رنگارنگ و گچبری‌های دقیق در این دوره به یک استاندارد تبدیل شد.

توجه به اقلیم و طراحی هوشمند: در این دوره، طراحی فضاهای به شرایط اقلیمی توجه بیشتری داشت و از فناوری‌های معماری برای بهبود کیفیت زندگی بهره‌برداری بیشتری شد.

تمرکز بر هویت ملی و مذهبی: در دوره صفویه، توجه به هویت شیعه و فرهنگ ایرانی به‌عنوان یک عامل کلیدی در طراحی فضاهای بناها بسیار مشهود بود. این در حالی است که در دوره‌های قبلی تأکید بر هویت اسلامی به‌طور کلی بیشتر بود (Emami, 2016). تزئینات کاشی‌کاری، حیاط‌های وسیع و گنبد‌های بزرگ نیز از ویژگی‌های مسجدهای این دوره است. در

معماری عمومی دوره صفویه، نمادهای قدرت و دین به‌وضوح قابل مشاهده است. این نمادها به‌طور عمده در ساختمان‌های عمومی، مانند مسجدها، مدرسه‌ها و کاروانسراها به کار رفته‌اند.

عناصر جمعی در این دوران بدین شرح است:

۱. قهوه‌خانه‌ها: قهوه‌خانه‌ها به‌عنوان یک نهاد جدید در دوران صفویه، فضایی برای تجمع مردم و تبادل افکار و اطلاعات بودند. این مکان‌ها به‌ویژه در میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ اصفهان نقش مهمی در شکل‌گیری زندگی عمومی داشتند.

۲. کاروانسراها: کاروانسراها به‌عنوان مراکز تجاری و اقامتی برای مسافران و تاجران عمل می‌کردند. کاروانسرای زین‌الدین و مجموعه بازار قیصریه در اصفهان نمونه‌هایی از این فضاها هستند که تأثیرات اقتصادی و اجتماعی مهمی داشتند.

۳. باغ‌ها: باغ‌های صفوی مانند باغ چهلستون و باغ هشت بهشت، نه تنها به‌عنوان فضاهای تفریحی بلکه به‌عنوان نمادهای قدرت و هنر معماری صفوی شناخته می‌شدند.

۴. مسجدها: مسجدها جامع و محلی به‌عنوان مراکز عبادی و اجتماعی، نقش مهمی در تجمع مردم و برگزاری مراسم مذهبی داشتند. مسجد شاه و مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان از نمونه‌های برجسته این دوران هستند.

۵. بازارها: بازارها به‌عنوان مراکز تجاری و اقتصادی، محل تجمع تاجران و مردم برای خرید و فروش کالاها بودند. بازار قیصریه در اصفهان یکی از مهم‌ترین بازارهای این دوران بود.

۶. حمام‌ها: حمام‌های عمومی به‌عنوان فضاهای بهداشتی و اجتماعی، محلی برای تجمع مردم و تبادل اخبار و اطلاعات بودند. حمام علی قلی آقا در اصفهان یکی از نمونه‌های معروف این دوران است.

۷. مدرسه‌ها: مدرسه‌ها و حوزه‌های علمیه به‌عنوان مراکز آموزشی و فرهنگی، نقش مهمی در تربیت علما و دانشمندان داشتند. همچنین در ساختار فضایی مدرسه‌ها مکان‌هایی برای مباحثه ساخته شده بود.

به راحتی انجام شود. این ویژگی باعث می‌شود که میدان‌ها به عنوان نقاط مرکزی و محوری در شهر عمل کنند (Shafiee et al., 2016). خیابان‌ها نیز نسبت به

دوره پیشین عریض‌تر شده و پیاده‌روها ساخته شدند.

مسجدها و اماکن مذهبی: این فضاها نه تنها به عنوان مکان‌های عبادت، بلکه به عنوان مراکز تجمع اجتماعی

و فرهنگی نیز عمل می‌کردند. در این دوره، مسجدها و اماکن مذهبی به عنوان پناهگاه‌هایی برای افراد در

مواقع بحران و نزاع‌های اجتماعی نیز استفاده می‌شدند (Vejdani, 2019). این فضاها به دلیل نقش مهمی که

در زندگی روزمره مردم داشتند، به عنوان نقاطی برای حفظ و تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی شناخته

می‌شدند.

محله‌ها: به عنوان واحدهای اجتماعی کوچک‌تر، به تعاملات اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کردند و نقش

مهمی در زندگی روزمره مردم داشتند (اسماعیل دخت و اسماعیل دخت، ۱۴۰۰).

فضاهای عمومی و پارک‌ها: فضاهای عمومی و پارک‌ها نیز از دیگر عناصر جمعی شهری در دوره

قاجاریه بودند. این فضاها به عنوان نقاط تجمع اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کردند و نقش مهمی در

حفظ و تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی داشتند. پارک‌ها و فضاهای سبز به عنوان نقاطی برای تفریح و

استراحت مردم، به بهبود کیفیت زندگی شهری کمک می‌کردند (Lak & Hakimian, 2019).

المان‌هایی که در فضاهای جمعی استفاده می‌شدند شامل: کاشی‌کاری‌های هفت‌رنگ که در تزیینات

بناهای عمومی و خصوصی به کار می‌رفت. این کاشی‌ها با طرح‌ها و نقش‌های متنوعی از جمله گل‌ها، پرندگان

و اشکال هندسی تزیین می‌شدند و به فضاهای شهری زیبایی و رنگ می‌بخشیدند. استفاده از کاشی‌های

هفت‌رنگ نه تنها به دلیل زیبایی‌شناسی بلکه به دلیل مقاومت و دوام آن‌ها در برابر شرایط جوی مختلف

بوده است؛ گلدان‌ها که در تمامی بناهای این دوره از جمله مسجدها، مدرسه‌ها، کاخ‌ها و عمارت‌ها به کار

رفته‌اند. این گلدان‌ها با استفاده از مواد مختلف به‌ویژه

مدرسۀ چهارباغ در اصفهان یکی از نمونه‌های برجستۀ این دوران است.

۸. پل‌ها: پل‌های صفوی مانند پل خواجه و سی و سه پل در اصفهان، نه تنها به عنوان سازه‌های مهندسی بلکه

به عنوان فضاهای اجتماعی و تفریحی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

۹. خیابان‌ها: خیابان‌های صفوی مانند خیابان چهارباغ، به عنوان فضاهای عمومی و اجتماعی، محل تجمع مردم

و برگزاری مراسم و جشن‌ها بودند (Emami, 2016; Bryceet al, 2013; Salsman, 2019).

در مجموع، شهرسازی دوره صفویه با ایجاد فضاهای جمعی متنوع، نقش بارزی در شکل‌گیری هویت

اجتماعی و فرهنگی مردم ایفا کرده و به عنوان یکی از دوره‌های طلایی در تاریخ شهرسازی ایران شناخته

می‌شود.

فضاهای شهری دوره قاجاریه

دوره قاجاریه (۱۲۱۰-۱۳۴۴ ه. ش) یکی از دوره‌های مهم در تاریخ معاصر ایران است که با تحولات

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل توجهی همراه بود. این دوره به‌ویژه با تأثیرات فرهنگی و اجتماعی ناشی از

تماس با غرب و مدرنیزاسیون مشخص می‌شود. در این زمان، فضاهای جمعی مانند میدان‌ها و بازارها به عنوان

مراکز اصلی تعاملات اجتماعی و اقتصادی در شهرها عمل می‌کردند. در این دوره، فضاهای جمعی مانند

میدان‌ها و بازارها نقش مهمی در زندگی اجتماعی و اقتصادی شهرها ایفا می‌کردند. این فضاها به عنوان

مراکز تجمع و تعامل اجتماعی، تجاری و فرهنگی عمل می‌کردند. برخی از ویژگی‌های مهم این فضاها عبارت‌اند از:

نوع و دسترسی پذیری: میدان‌ها و بازارهای دوره قاجار به‌گونه‌ای طراحی شده بودند که دسترسی آسانی برای

عموم مردم فراهم کنند. این فضاها معمولاً در مرکز شهر و در نزدیکی مراکز مهم تجاری و اداری قرار داشتند.

اتصال خیابان‌ها به میدان: خیابان‌های اصلی شهر به میدان‌ها متصل می‌شدند و این اتصال‌ها به‌گونه‌ای

طراحی شده بودند که جریان ترافیک و حرکت مردم

کاشی‌های هفت‌رنگ ساخته می‌شدند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که منشاء این گل‌های پراکنده با معانی نمادین زندگی، رشد و جاودانگی، سفال‌های یافت شده در سیلک کاشان است که در دوران باستان رایج بوده و پس از اسلام با همان محتوا و تم به صورت اشکال اسلیمی گسترش یافته‌اند (Benisi & Zarezadeh, 2019). نقوش هندسی و اسلیمی که در تزئینات بناها به کار می‌رفتند. این نقوش که اغلب به صورت متقارن و تکراری طراحی می‌شدند، دارای معانی نمادین و فلسفی بوده و به نوعی بیانگر نظم و هماهنگی در جهان هستی بوده‌اند. استفاده از آب‌نماها و حوض‌ها که نه تنها به زیباسازی فضا کمک می‌کردند، بلکه به دلیل شرایط آب و هوایی ایران، نقش مهمی در خنک‌سازی و ایجاد رطوبت در فضاهای شهری داشتند. آب‌نماها و حوض‌ها اغلب در مراکز عمومی مانند باغ‌ها، میدان‌ها و حیاط‌های داخلی بناها قرار می‌گرفتند و با کاشی‌کاری‌ها و نقوش زیبا تزئین می‌شدند.

در دوره قاجاریه، عناصری مانند خیابان‌ها و میدان‌ها به معنای امروزی وارد شهرسازی ایران شدند. این تغییرات به دلیل سفرهای اروپایی و تأثیرات فرهنگی ناشی از آن‌ها بود (Yekta, 2015). به طوری که این روند نه تنها به شکل‌گیری ساختارهای جدید در شهرها کمک کرد، بلکه باعث ایجاد فضایی پویا و متنوع برای تعاملات اجتماعی و اقتصادی نیز شد.

چهارچوب نظری:

این پژوهش با هدف شناسایی اصول طراحی فضاهای جمعی موفق گذشته و بهره‌گیری از آن‌ها برای ارتقای کیفیت فضاهای چندعملکردی شهری معاصر، به ویژه در شهر اصفهان، از یک چهارچوب نظری ترکیبی مبتنی بر رویکرد تاریخی-تکاملی استفاده می‌کند.

فضاهای چندعملکردی شهری: این فضاها به عنوان راه‌حلی برای بهبود کیفیت زندگی در شهرهای متراکم معرفی شده‌اند. طراحی آن‌ها، که شامل تلفیق کاربری‌های مختلف در یک مکان است، می‌تواند به کاهش نیاز به ساخت زیرساخت‌های جدید و بهبود تعاملات اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی کمک

کند. نمونه‌هایی مانند بازارها و باغ‌ها از دوران گذشته نشان می‌دهند که ایده چندکاربردی بودن در فرهنگ و معماری ایران سابقه‌ای طولانی دارد.

فضاهای جمعی در شهرسازی سنتی ایران: از دوران ایلخانی تا صفویه، فضاهای جمعی مانند مسجدها، بازارها، میدان‌ها، کاروانسراها و باغ‌ها نه تنها به عنوان مراکز فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، بلکه به عنوان نمادهای فرهنگی و هویتی عمل کرده‌اند. الگوهای موفق تاریخی مانند میدان نقش جهان اصفهان و مسجدهای جامع، اصولی مانند دسترسی آسان، زیبایی بصری و تنوع کاربری‌ها را ارائه داده‌اند که می‌توانند الهام‌بخش طراحی فضاهای چندعملکردی امروزی باشند.

فضاهای جمعی سنتی مانند بازارها، میدان‌ها و باغ‌ها، به عنوان کانون‌های تعامل اجتماعی و فرهنگی عمل کرده‌اند. بازارها به عنوان مراکز تجمع و تعامل اجتماعی، فضایی را برای ارتباطات انسانی فراهم می‌کنند. این فضاها به دلیل طراحی‌های باز و قابل دسترس، امکان تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌کنند. مثلاً، بازارهای سنتی با طراحی‌های مسقف و معابر باریک، فضایی صمیمی و نزدیک به هم ایجاد می‌کردند که به راحتی امکان گفت‌وگو و تبادل نظر را فراهم می‌آورد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از رویکرد تاریخی-تکاملی برای بررسی فضاهای جمعی گذشته و استخراج الگوهایی برای ارتقای کیفیت فضاهای چندعملکردی شهری استفاده شده است. روش حاضر این امکان را می‌دهد تا تحولات و تغییرات در طراحی و کاربری این فضاها را در طول زمان تحلیل کرد و فهمید که چگونه ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر شکل‌گیری آنها تأثیر گذاشته است. این مقاله به شیوه کیفی استخراج شده و از نظر ماهیت کاربردی است.

برای تأمین روایی و پایایی در روش پژوهش کیفی از روش ارزیاب (Guba and Lincoln, 1994) استفاده شد. بر پایه این روش چهار معیار قابلیت اعتبار،

انتقال‌پذیری، قابلیت ثبات و تأیید‌پذیری جهت ارزیابی در نظر گرفته شد. به‌منظور افزایش قابلیت اعتبار کارهای ذیل صورت گرفت: روش خودبازبینی محقق (self-monitoring) بازبینی توسط اعضای تیم پژوهشی؛ مؤلفه‌ها و مفاهیم به‌دست‌آمده توسط اعضای تیم مورد ملاحظه و بازبینی قرار گرفت و نظرات نهایی استخراج شدند.

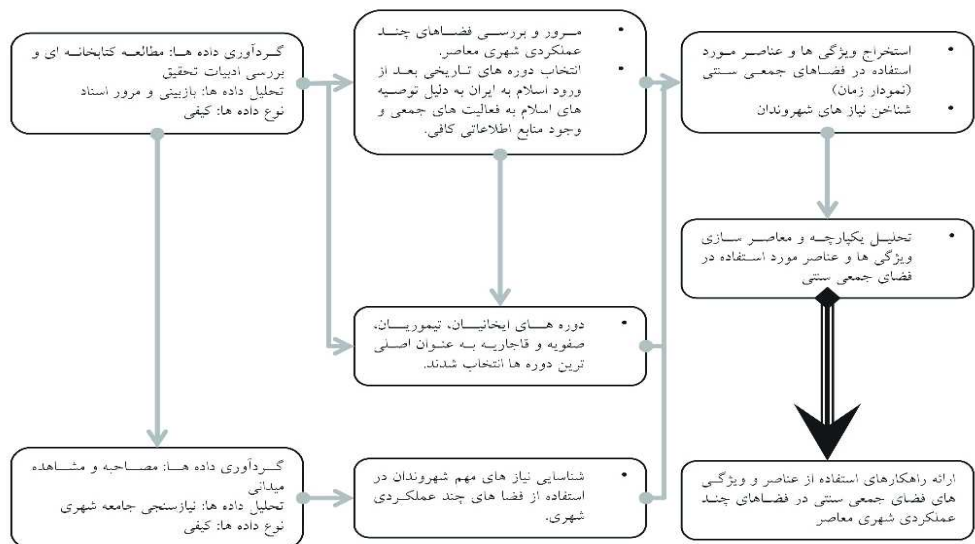
روش کسب اطلاعات موازی (peer debriefing) بررسی توسط خبرگان: در این مرحله نظرات خبرگان حوزل مدیریت در مورد مفاهیم و مؤلفه‌ها دریافت شد، همچنین از تعدادی از خبرگان دانشگاهی که در پژوهش مشارکت نداشتند برای حصول اطمینان از انتقال‌پذیری مقوله‌ها و مفاهیم مستخرج مورد مشورت قرار گرفتند. در همه مراحل کار و به‌منظور ایجاد اطمینان، جزئیات پژوهش و یادداشت‌برداری‌ها ثبت و ضبط شد. با استفاده از این فایل‌های ضبط‌شده پس از هر مصاحبه، سؤال‌های مصاحبه بررسی شدند و خلاءهایی که احتمال رفع آنها وجود داشت، با پرسش‌های دیگر در مصاحبه‌های بعدی از بین رفت و همین امر تقویت پایایی ابزار سنجش را کمک نمود.

در گام نخست، به بازبینی و مرور اسناد و منابع کتابخانه‌ای معتبر پرداخته شد. در این مرحله، دوره‌های حکومتی بعد از ورود اسلام به ایران به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. هدف از این انتخاب، شناسایی دوره‌هایی بود که اطلاعات تاریخی آن‌ها موجود بوده و تعاملات اجتماعی در آن‌ها شدت بیشتری یافته است. به این ترتیب، دوره‌های ایلخانیان، تیموریان، صفویان و قاجاریان به‌عنوان دوره‌های اصلی مورد تحلیل ساختاری-تاریخی قرار گرفتند. با وجود سلسله‌های کوچک‌تر در بین این دوره‌ها، تمرکز بر حکومت‌های مهم‌تر و تأثیرگذارتر بوده است.

علاوه‌بر این، در این گام به شناخت فضاهای چندعملکردی شهری در دوران معاصر نیز پرداخته شد. در بخش مطالعات میدانی، با حضور در سطح شهر اصفهان و انجام مصاحبه‌هایی با شهروندان در پارک‌های شهید رجایی، ناژوان، مرداویج، پل خواجو،

سی و سه پل، پل شهرستان و مجموعه متروپل در خیابان چهارباغ، نیازها و انتظارات ساکنان و شهروندان از فضاهای جمعی تحلیل شد. همچنین، مشاهدات میدانی از وضعیت فضاهای عمومی و تعاملات اجتماعی در این مکان‌ها، به جمع‌آوری داده‌های کیفی و درک بهتر از نیازها و انتظارات شهروندان کمک کرد و به تحلیل دقیق‌تری از فضاهای جمعی و چندعملکردی منجر شد.

مکان‌های مورد مطالعه با هدف ایجاد تنوع در نوع فضاهای عمومی و پوشش دادن گستره‌ای از نیازها و انتظارات شهروندان در مناطق مختلف شهر اصفهان تعیین شده‌اند. این مکان‌ها شامل فضاهای تاریخی (مانند پل خواجو و سی و سه پل)، فضاهای طبیعی (مانند پارک ناژوان)، و فضاهای تجاری-شهری (مانند مجموعه متروپل و خیابان چهارباغ) هستند. این انتخاب‌ها با در نظر گرفتن تنوع عملکردی، تاریخی، و اجتماعی فضاها صورت گرفته تا به شناسایی نیازهای متنوع شهروندان کمک کند. علاوه‌بر این، دسترسی به این مکان‌ها و میزان حضور شهروندان در آن‌ها از عوامل دیگر انتخاب بوده است. در ملاک انتخاب نمونه در روش پژوهش کیفی مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده موضوع پژوهش و افرادی است که درخصوص موضوع پژوهش اطلاعات مفیدی به پژوهشگر می‌دهند (مارشال و راسمن، ۱۳۸۱). به همین دلیل، به‌طور هدفمند و با شیوه نمونه در دسترس با ملاک حداکثر تنوع نمونه‌ها انتخاب شدند و تا اشباع نظری ادامه یافت. اشباع نظری نیز زمانی حاصل می‌شود که داده‌های اضافی، کمکی به تکمیل و مشخص کردن یک مقوله نظری نمی‌کنند و نمونه‌ها از آن پس اشباع به نظر می‌رسند (ذکائی، ۱۳۸۱). مصاحبه توسط نمونه‌های در دسترس از مراجعه‌کنندگان به فضاهای منتخب، در حد اشباع تکمیل شد که در پارک شهید رجایی ۳۸ مورد، در پارک ناژوان ۵۴ مورد، پارک مرداویج ۲۳ مورد، پل خواجو ۴۰ مورد، پل شهرستان ۲۲ مورد، مجموعه متروپل ۱۰ مورد و خیابان چهارباغ ۷۹ مورد مصاحبه انجام شد. در گام دوم، ویژگی‌ها و عناصر فضاهای جمعی بر



نمودار شماره (۱): معرفی گام های پژوهش (منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)

Diagram 1: Introduction of Research Steps

قرار می گیرد. هدف از این بخش، شناسایی الگوهای معماری مؤثر در ایجاد فضاهای چندعملکردی و بررسی تطبیقی این الگوها با نیازهای معاصر است. با تکیه بر یافته های پژوهش، به ارزیابی شباهت ها، تفاوت ها و عواملی که بر کیفیت فضاهای جمعی تأثیرگذار بوده اند، پرداخته و اصول هایی برای بهبود طراحی فضاهای چندعملکردی در شهرهای امروز ارائه خواهد.

ویژگی ها و عناصر مورد استفاده در طول تاریخ ایران دستخوش تغییراتی تکاملی شده است؛ به این معنی که فضاهای عمومی در یک دوره ایجاد و در دوره های بعدی صرفاً ویژگی های جدیدی وابسته به نیاز جامعه به این فضاها اضافه می شد (نمودار شماره ۲). در نهایت، می توان گفت که فضاهای جمعی در این دوره ها، به طور مستمر تکامل یافتند. در حالی که در دوره های ایلخانی و تیموری، فضاهای جمعی بیشتر به منظور تسهیل تعاملات تجاری و مذهبی طراحی می شدند، در دوره صفوی این فضاها به نمادهای هویت ملی و

حسب دوره های تاریخی استخراج و به صورت نمودار زمان بررسی شده است.

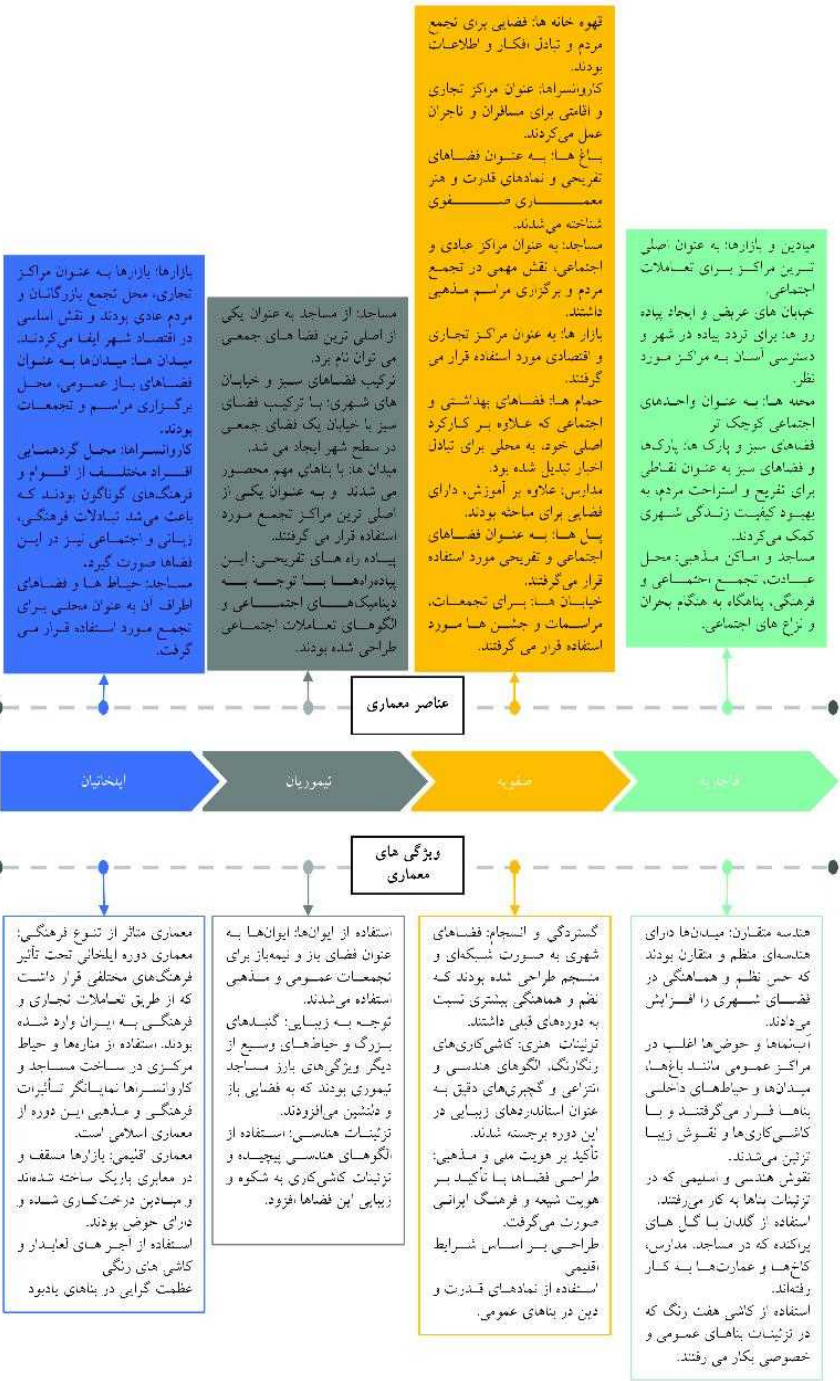
در گام سوم، به تحلیل یکپارچه و ادغام این موضوع پرداخته شده که عناصر مورد استفاده در فضاهای جمعی گذشته را به چه صورت در زمان حاضر می توان مورد استفاده قرار داد.

در گام پایانی، اصول استفاده از عناصر فضای جمعی گذشته به صورتی که در زمان حال و با عناصر جدید مورد استفاده قرار گیرند تحت عنوان نتایج ارائه شده است (نمودار شماره ۱).

یافته های پژوهش

تحلیل و تفسیر داده های به دست آمده در هر پژوهش، به منظور ارزیابی و درک عمیق تر از موضوع مورد مطالعه، ضروری است. در این بخش، یافته های حاصل از بررسی معماری فضاهای جمعی در دوره های تاریخی ایلخانی، تیموری، صفوی و قاجاریه به منظور درک ویژگی ها و عناصر کلیدی هر دوره مورد تحلیل

1. Time Line



تهوه خانه ها: فضایی برای تجمع مردم و تبادل افکار و اطلاعات بودند.

کاروانسراها: عنوان مراکز تجاری و اقامتی برای مسافران و تاجران عمل می کردند.

باغ ها: به عنوان فضاهای تفریحی و نمادهای قدرت و هنر معماری مسافری شناخته می شدند.

مساجد: به عنوان مراکز عبادی و اجتماعی، نقش مهمی در تجمع مردم و برگزاری مراسم مذهبی داشتند.

بازار ها: به عنوان مراکز تجاری و اقتصادی مورد استفاده قرار می گرفتند.

حمام ها: فضاهای بهداشتی و اجتماعی که علاوه بر کارکرد اصلی خود، به محلی برای تبادل اخبار تبدیل شده بود.

مدارس: علاوه بر آموزش، دارای فضایی برای نماز بودند.

پل ها: به عنوان فضاهای اجتماعی و تفریحی مورد استفاده قرار می گرفتند.

خیابان ها: برای تجمعات، مراسمات و جشن ها مورد استفاده قرار می گرفتند.

میدان و بازارها: به عنوان اصلی ترین مراکز برای تعاملات اجتماعی.

خیابان های عرضی و ایجاد پیاده رو ها، برای تردد پیاده در شهر و دسترسی آسان به مراکز مورد نظر.

محله ها: به عنوان واحدهای اجتماعی کوچک تر.

فضاهای سبز و پارک ها: پارکها و فضاهای سبز به عنوان فضایی برای تفریح و استراحت مردم، به بهبود کیفیت زندگی شهری کمک می کردند.

مساجد و اماکن مذهبی: محل عبادت، تجمع اجتماعی و فرهنگی، بناگاهها به هنگام بحران و نزاع های اجتماعی.

بازارها، بازارها: به عنوان مراکز تجاری، محل تجمع بازرگانان و مردم عادی بودند و نقش اساسی در اقتصاد شهر ایفا می کردند.

میدان ها: میدانها به عنوان فضاهای باز عمومی، محل برگزاری مراسم و تجمعات بودند.

کاروانسراها: محل گردشگری افراد مختلف از اقوام و فرهنگ های گوناگون بودند که باعث می شد تبادلات فرهنگی، زبانی و اجتماعی نیز در این فضاها صورت گیرد.

مساجد: حیاط ها و فضاهای اطراف آن به عنوان محلی برای تجمع مورد استفاده قرار می گرفت.

مساجد: از مساجد به عنوان یکی از اصلی ترین فضا های جمعی می توان نام برد.

ترکیب فضاهای سبز و خیابان های شهری: با ترکیب فضای سبز یا خیابان یک فضای جمعی در سطح شهر ایجاد می شد.

میدان ها: با بناهای مهم محصور می شدند و به عنوان یکی از اصلی ترین مراکز تجمع مورد استفاده قرار می گرفتند.

پیاده راه های تفریحی: این پیاده راه ها با توجه به دینامیک های اجتماعی و الگوهای تعاملات اجتماعی طراحی شده بودند.

عناصر معماری



ویژگی های معماری

معماری متأثر از تنوع فرهنگی؛ معماری دوره ایلمانی تحت تأثیر فرهنگ های مختلفی قرار داشت که از طریق تعاملات تجاری و فرهنگی به ایران وارد شده بودند. استفاده از مناره ها و حیاط مرکزی در ساخت مساجد و کاروانسراها نمایانگر تأثیرات فرهنگی و مذهبی این دوره از معماری اسلامی است.

معماری قتیبی: بازارها منسقف و در معماری پارک ساخته شده اند و میدانین درخت کاری شده و دارای حوض بودند.

استفاده از آجر های لعابدار و کاشی های رنگی عظمت گرایی در بناهای بادبند

استفاده از ایوان ها؛ ایوانها به عنوان فضای باز و نیمه باز برای تجمعات عمومی و مذهبی استفاده می شدند.

توجه به زیبایی: گنبد های بزرگ و حیاط های وسیع از دیگر ویژگی های بارز مساجد تیموری بودند که به فضایی باز و دلنشین می افزودند.

ترتیبات هندسی: استفاده از الگوهای هندسی پیچیده و ترتیبات کاشی کاری به شکوه و زیبایی این فضاها افزود.

گسترده و اسباجم: فضاهای شهری به صورت شبکه ای و منسجم طراحی شده بودند که نظم و هماهنگی بیشتری نسبت به دوره های قبلی داشتند.

ترتیبات هنری: کاشی کاری های رنگارنگ، الگوهای هندسی و انتزاعی و گچبری های دقیق به عنوان اسناد ردهای زیبایی در این دوره برجسته شدند.

تأکید بر هویت ملی و مذهبی: طراحی فضاها با تأکید بر هویت شیعه و فرهنگ ایرانی صورت می گرفت.

طراحی بر اساس شرایط اقلیمی: استفاده از نمادهای قدرت و دین در بناهای عمومی.

هندسه متقارن: میدانها دارای هندسه ای منظم و متقارن بودند که حسن نظم و هماهنگی در فضای شهری را افزایش می دادند.

آبنماها و حوض ها: اغلب در مراکز عمومی مانند بازارها، میدانها و حیاط های داخلی بناها قرار می گرفتند و با کاشی کاری ها و نقوش زیبا ترین می شدند.

نقوش هندسی و اسلیمی که در ترتیبات بناها به کار می رفتند.

استفاده از گلدن با گل های پراکنده که در مساجد، مدارس، کاخ ها و عمارت ها به کار رفته اند.

استفاده از کاشی هفت رنگ که در ترتیبات بناهای عمومی و خصوصی بکار می رفتند.

نمودار ۱: نمودار زمان برای دوره های تاریخی بررسی شده (منبع: نویسندهگان، ۱۴۰۳)

جدول شماره (۱): شباهت‌ها و تفاوت‌های عناصر و ویژگی‌ها

تفاوت‌ها	شباهت‌ها
وجود نداشتن نظم در برخی دوره‌ها	مسجد به‌عنوان یک عنصر شهری
توجه نداشتن به عوامل زیبایی‌شناسانه در برخی دوره‌ها	میدان‌ها به‌عنوان یک عنصر شهری؛ در کنار بازارها میدانچه
استفاده از تزئینات کاشی در دوران صفویه بسیار پررنگ شد	بازارها به‌عنوان یک عنصر شهری؛ اکثر فضاهای جمعی در نزدیکی یا درون بازارها قرار گرفته‌اند
تأکید بر هویت ملی در دوران صفویه و بعد از آن	وجود فضاهای تجاری در فضاهای تجمعی
	توجه به فرهنگ، مصالح بومی و معماری اقلیمی

(منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)

و نیازهای اجتماعی به وجود آمد، این فضاها نیز تغییر شکل دادند و نیازهای جدیدی را به وجود آوردند. مطالعات میدانی نشان داده‌اند که در فضاهای تفریحی مانند زاینده‌رود، نبود مکان‌های مناسب برای عبادت و آرامش روحی، مردم را وادار می‌کند تا از چمن و پیاده‌رو برای عبادت استفاده کنند. این موضوع نه تنها به فضای سبز آسیب می‌زند، بلکه خطر برخورد با عابران و دوچرخه‌سواران را نیز به دنبال دارد. در گذشته، مکان‌های خاصی برای عبادت و فراغت وجود داشت، اما امروزه نیاز به طراحی فضاهای عبادی در فضاهای عمومی که دسترسی آسان داشته باشد، بیشتر احساس می‌شود.

ظهور بحران‌های جهانی مانند پاندمی کووید ۱۹ نیز تأثیرات عمیقی بر فضاهای شهری گذاشته است. در سال‌های اخیر، فضاهای عمومی به دلیل عدم رعایت نکات بهداشتی بسته شدند و زندگی روزمره به شدت مختل شد. این مسئله نشان می‌دهد که طراحی این فضاها باید به گونه‌ای باشد که در مواقع بحران، هم به لحاظ بهداشتی و هم از نظر ایمنی به نیازهای جامعه پاسخگو باشد.

علاوه بر این، کیفیت و بهداشت سرویس‌های بهداشتی در فضاهای عمومی نیز از موضوعات مهمی است که به طور مکرر مورد توجه شهروندان قرار می‌گیرد. بسیاری از مردم به دلیل عدم وجود فضاهای بهداشتی مناسب از ورود به برخی مکان‌ها خودداری می‌کنند.

مذهبی تبدیل شدند و در دوره قاجاریه نیز با الهام از تغییرات مدرن، به فضاهای چندکارکردی و متنوعی برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی تبدیل شدند. این تغییرات نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و سازگاری معماری فضاهای جمعی با تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر دوره است.

این شباهت‌ها و تفاوت‌ها (جدول شماره (۱)) دلیل بر کارکرد خوب یا بد آنها نمی‌شود، بلکه این موضوع کاملاً روشن است که این فضاها با تمام ویژگی‌ها در زمان ساخت، بهترین عملکرد را نشان داده‌اند. بنابراین در حال حاضر وابسته به نیازهای انسان و جامعه برخی از ویژگی‌ها باید حذف و برخی ویژگی‌ها به صورت دیگری در زمان معاصر طراحی و اجرا شوند. بنابراین باید شباهت‌های عناصر سنتی را با عناصر امروزی تطبیق داده شود و جواب مناسبی برای پاسخ به نیازهای جوامع امروز پیدا کرد. تحلیل نیازهای شهری؛ از گذشته تا امروز

فضاهای شهری همواره بخش مهمی از زندگی اجتماعی ما بوده‌اند و تغییرات در این فضاها نمایانگر تحولات اجتماعی و فرهنگی جوامع هستند. در گذشته، فضاهای عمومی به‌عنوان مکان‌هایی برای تعامل اجتماعی و تجمع افراد به شمار می‌آمدند. مانند میدان‌های بزرگ، کافه‌ها، و پارک‌ها که مردمی با فرهنگ‌ها و طبقات اجتماعی متفاوت در آن‌ها گرد هم می‌آمدند. اما با تغییراتی که در سبک زندگی، فناوری

ویژگی ها

تنوع فرهنگی	طراحی دیوارپوش‌ها با الگوهای محلی. استفاده از نقوش سنتی در فرش‌ها و مبلمان. مجسمه‌ها و آثار هنری از هنرمندان محلی. فضاهای هنری و نمایشگاه‌های فرهنگ محلی.
معماری اقلیمی	سقف‌های سبز و باغ‌های باغ برای جذب رطوبت. پنجره‌های دو جداره با فیلتر UV حرارت. استفاده از دیوارهای خنک کننده و سایه‌بان‌ها. طراحی فضاهای داخلی با استفاده از نور طبیعی.
مصالح	بیش‌تر از پارچاتی و سبک. شیشه‌های حرارتی مقاوم و سبک‌تری. چوب‌های نازک‌تر و زیاده‌اشباع شده. پلی کریبات برای پوشش‌های سبک و مقاوم. مواد طبیعی مانند بامبو و کاه.
عظمت گرایی	میدان‌های عمومی یا ساختارهای بزرگ و فضایی. پارک‌ها و فضاهای سبز چندمنظوره. طراحی تصویری با سنگ‌های طبیعی و معماری. فضاهای اجتماعی با نیمکها و نشیمن‌ها.
تزیینات هندسی	استفاده از پل‌های دیواری با الگوهای پیچیده. نورپردازی مدرن با الگوهای هندسی. به کارگیری لوژام دکوری با طراحی هندسی. کاشی‌های با طراحی هندسی برای تک‌پوش‌ها.
انسجام	مسیرهای پیاده و دوچرخه‌سواری با نشانه‌گذاری روشن. مجتمع‌های چندمنظوره با فضاهای عمومی متصل. استفاده از فناوری‌های هوشمند برای مدیریت ترافیک. طراحی فضاهای سبز و پارک‌های محلی متصل به مراکز.
هویت ملی و مذهبی	گنجاندن نمادهای ملی در نمای ساختمان‌ها. استفاده از رنگ‌های ملی در طراحی داخلی. تابلوهای اطلاعاتی با محتوا و گرافیک محلی. فضاهای معنوی و عبادت با طراحی مدرن.
هندسه متقارن	طراحی میدان‌های عمومی و باغ‌ها با تقارن واضح. آب‌نماهای با الگوهای هندسی و سرزرد. استفاده به فضاهای سبز با الگوهای هندسی. پلهای هندسی و طراحی نشیمن‌های متقارن.
آب و هوا و حوض	آب‌نماهای هوشمند با تغییر شکل و رنگ نور. حوض‌های دارای سیستم تصفیه و چراغ‌های LED. ایجاد مسیرهای آبی با فواره‌های متنوع. طراحی حوض‌هایی با نشیمن‌های برای تفریح اجتماعی.
فضای سبز	طراحی باغ‌های عمودی و پارک‌های میوه‌ای. استفاده از گیاهان بومی و مقاوم به خشکی. باغ‌های مشترک برای محله‌ها و فضاهای اجتماعی. فضاهای سبز ساحلی و پرچین‌های گیاهی.

نمودار شماره (۳): اصول استفاده از ویژگی‌های فضاهای جمعی سنتی در فضاهای چندعملکردی معاصر

(منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)

می‌کنند. این رفتار نشان می‌دهد که نیاز به فضاهای اجتماعی‌پذیر بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین، برای طراحی و بهسازی فضاهای شهری، لازم است به نیازهای عمیق جامعه توجه شود و فضاها به گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند پاسخگوی نیازهای اجتماعی، بهداشتی و ایمنی باشند. این مطالعات میدانی نه تنها بر نیازهای حال حاضر تأکید دارند، بلکه می‌توانند به مبنایی برای برنامه‌ریزی‌های آینده تبدیل شوند، تا فضاهای عمومی به بهشت‌های اجتماعی تبدیل شوند که همگان در آن احساس راحتی و امنیت کنند. **تطبيق عناصر و ویژگی‌های سنتی با نیازهای امروز:**

بر اساس مشاهدات میدانی، استاندارد نبودن این سرویس‌ها به نارضایتی عمومی می‌انجامد و نیاز به بازنگری در طراحی و تأمین آن‌ها احساس می‌شود. بسیاری از فضاهای جمعی امروز تنها به یک فضای باز ساده با تعدادی اصله درخت و صندلی محدود شده‌اند و اغلب بدون نگرش معماری یا جامعه‌شناختی ساخته می‌شوند. مردم به‌ویژه در پارک‌ها به دنبال فضاهای اجتماعی هستند که بتوانند در کنار یکدیگر جمع شوند و تعاملات خود را برقرار کنند؛ مثلاً، در پارک شهید رجایی اصفهان، بعضی از بازدیدکنندگان نیمکت‌ها را برای نشستن و گفت‌وگو به صورت روبه‌رو جابه‌جا

جدول شماره (۲): معاصر سازی عناصر جمعی گذشته

عناصر سنتی	عناصر مورد استفاده
قهوه‌خانه‌ها	به جای قهوه‌خانه‌ها که در گذشته اغلب به عنوان پاتوق استفاده می‌شدند، می‌توان از کافه‌های روباز استفاده کرد تا علاوه بر ایجاد محیطی خانوادگی، به پاتوقی برای جوانان نیز تبدیل شود.
بازارها	استفاده از برخی واحدهای تجاری به صورت پراکنده حول یک محور هندسی خاص، می‌تواند حس بازار ایجاد کند و به نیازهای تجاری استفاده‌کنندگان پاسخ دهد.
مسجدها	می‌توان از نمازخانه‌های کوچک به صورت پراکنده در فضا استفاده کرد تا تمام مخاطبان بتوانند از این محیط برای عبادت استفاده کنند.

(منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)

به‌عنوان مراکز خرید، بلکه به‌عنوان فضاهای فرهنگی و اجتماعی نیز شناخته می‌شوند. نمودار شماره (۳)، اصول استفاده از ویژگی‌های فضاهای جمعی سنتی در فضاهای چندعملکردی معاصر را تبیین کرده است. این ویژگی‌ها شامل عناصری مانند تنوع فرهنگی، معماری اقلیمی، مصالح، عظمت‌گرایی، تزئینات هندسی، انسجام، هویت ملی و مذهبی، هندسه متقارن، آب‌نما و حوض و فضای سبز است. هدف اصلی از بررسی این ویژگی‌ها، شناسایی ظرفیت‌های نهفته در این اصول برای پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران فضاهای معاصر و ایجاد فضاهایی است که علاوه بر حفظ هویت بومی، کارکردهای چندگانه داشته باشند. در این بخش، به تحلیل ارتباط میان این ویژگی‌ها و نیازهای معاصر شهروندان پرداخته می‌شود.

۱. تنوع فرهنگی

تنوع فرهنگی یکی از اصول کلیدی فضاهای جمعی سنتی است که حس هویت و تعلق محلی را تقویت می‌کند. در فضاهای سنتی ایران، استفاده از الگوهای محلی مانند طرح‌های اسلیمی، نقش‌مایه‌های کاشی‌کاری، و نمادهای فرهنگی در تزئینات دیوارها و مبلمان شهری، به‌خوبی بیانگر فرهنگ بومی و هویت منطقه‌ای بوده است. این اصول در فضاهای معاصر نیز می‌توانند با به‌کارگیری آثار هنری هنرمندان محلی، برپایه نمایشگاه‌های موقت از صنایع دستی و آثار

با توجه به نیازهای جوامع امروز، برخی از فضاهای جمعی تاریخی مانند کاروانسراها حذف می‌شوند، اما برخی عناصر مانند قهوه‌خانه‌ها، بازارها، باغ‌ها و مسجدها باید معاصر سازی شده و بقیه عناصر مانند میدان‌ها و خیابان‌ها با ماهیت اصلی خود می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. در جدول شماره (۲) معاصر سازی بر اساس اجتماع‌پذیری و عملکردی فضاهای جمعی تاریخی گرفته است. اعتبارپذیری یافته‌ها با استفاده از خود بازمینی پژوهشگران در پی فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها انجام شده است.

فضاهای جمعی سنتی، به‌دلیل طراحی‌های هوشمندانه و توجه به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، به‌عنوان الگوهای ارزشمند برای توسعه فضاهای معاصر شناخته می‌شوند. این فضاها معمولاً شامل ویژگی‌هایی مانند مقیاس انسانی، تنوع کاربری و ارتباط نزدیک با بافت شهری هستند (نمودار شماره (۳)).

ترکیب ویژگی‌های فضاهای جمعی سنتی با فضاهای چندعملکردی معاصر

در طراحی فضاهای چندعملکردی معاصر، می‌توان از این ویژگی‌ها بهره برد. مثلاً، می‌توان بازارهای سنتی را به‌صورت مدرن طراحی کرد تا علاوه بر کاربری تجاری، فضایی برای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز فراهم کنند. این بازارها می‌توانند به‌عنوان مکان‌هایی برای برگزاری نمایشگاه‌ها، کنسرت‌ها و رویدادهای اجتماعی عمل کنند. به این ترتیب، بازارها نه تنها

هنری، و حتی نصب تندیس‌ها و مجسمه‌های مرتبط با تاریخ و فرهنگ منطقه به کار گرفته شوند. این کارها به تقویت ارتباط شهروندان با فضا کمک و فضایی ایجاد می‌کند که نه تنها حس زیبایی‌شناختی دارد، بلکه بیانگر ارزش‌های فرهنگی جامعه است.

۲. معماری اقلیمی

معماری اقلیمی همواره در فضاهای سنتی ایران برای تطبیق با شرایط محیطی و ایجاد آسایش برای کاربران طراحی می‌شده است. در طراحی فضاهای داخلی، استفاده از پنجره‌های بزرگ برای بهره‌گیری از نور طبیعی و کاهش مصرف انرژی، و همچنین سایبان‌ها و سقف‌های سبز برای جذب و کنترل حرارت محیط، از ویژگی‌های بارز این نوع معماری است. در فضاهای معاصر، به‌کارگیری مصالح مدرن مانند شیشه‌های دوجداره با فیلتر UV برای کاهش تابش مستقیم نور خورشید، و طراحی پوسته‌های ساختمانی هوشمند، علاوه بر کاهش هزینه‌های انرژی، محیطی راحت‌تر و پایدارتر ایجاد می‌کند. این رویکرد نه تنها به پایداری محیط زیست کمک می‌کند، بلکه حس تعامل کاربران با طبیعت را نیز تقویت می‌کند.

۳. مصالح

انتخاب مصالح مناسب در طراحی فضاهای جمعی همواره یکی از عوامل تأثیرگذار بر پایداری، دوام، و جذابیت این فضاها بوده است. در گذشته، مصالح سنتی مانند چوب، سنگ، و آجرهای محلی که با محیط سازگار بودند، به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌شدند. در طراحی فضاهای معاصر، می‌توان این رویکرد را با به‌کارگیری مصالح نوین مانند سیمان‌های حرارتی سبک که مقاومت بالایی در برابر تغییرات دما دارند، چوب‌های فرآوری‌شده برای دوام بیشتر، و پوشش‌های طبیعی مانند بامبو و کاه ادامه داد. این مصالح نه تنها زیبایی طبیعی دارند، بلکه به کاهش اثرات زیست‌محیطی و ارتقای پایداری کمک می‌کنند.

۴. عظمت‌گرایی

عظمت‌گرایی یکی از ویژگی‌های برجسته در معماری

سنتی ایران است که حس احترام و بزرگی را در کاربران ایجاد می‌کند. این حس غالباً از طریق طراحی ورودی‌های بلند و باشکوه، فضاهای باز و وسیع با مسیرهای دسترسی آسان، و ترکیب فضاهای سبز با عناصر معماری حاصل می‌شود. در فضاهای معاصر، می‌توان این مفهوم را با ایجاد ورودی‌های بزرگ که حس دعوت‌کنندگی دارند و ترکیب فضاهای سبز با نیمکت‌ها و سایبان‌ها برای ایجاد نقاط استراحت و تعامل اجتماعی اجرا کرد. چنین طراحی‌هایی علاوه بر کارایی، تأثیر روانی مثبتی بر کاربران دارند و فضایی دلپذیر و خوشایند برای حضور آن‌ها ایجاد می‌کنند.

۵. تزئینات هندسی

تزئینات هندسی در معماری سنتی ایران بیانگر هماهنگی، نظم، و زیبایی بودند. الگوهای پیچیده گچ‌بری و کاشی‌کاری در دیوارها، سقف‌ها، و حتی کف‌پوش‌ها، حس تعادل و ظرافت را القا می‌کردند. این الگوها معمولاً با استفاده از طرح‌های تکرارشونده و متقارن طراحی می‌شدند که از نمادهای طبیعت و ریاضیات الهام گرفته بودند. در فضاهای معاصر، به‌کارگیری این اصول می‌تواند از طریق طراحی نماها با خطوط هندسی مدرن، نقش‌های برجسته در دیوارهای داخلی، یا استفاده از کاشی‌های الگودار در مسیرهای عبوری و نقاط تجمع تحقق یابد. این تزئینات علاوه بر زیبایی، حس تاریخی و فرهنگی فضا را نیز تقویت می‌کنند.

۶. فضای سبز

فضای سبز همواره به‌عنوان یکی از عناصر اصلی در فضاهای جمعی مطرح بوده است. باغ‌های سنتی ایران با طراحی هندسی منظم، استفاده از گیاهان بومی و ایجاد مسیرهای متقاطع، علاوه بر زیبایی‌شناسی، حس آرامش و تعامل را تقویت می‌کردند. در فضاهای معاصر، می‌توان این مفهوم را با طراحی پارک‌های شهری که شامل باغچه‌های کوچک، مسیرهای پیاده‌روی، و فضاهای تجمع اجتماعی هستند، گسترش داد. استفاده از گیاهان بومی نه تنها از نظر زیست‌محیطی پایدار است، بلکه ارتباط شهروندان با طبیعت را نیز

افزایش می‌دهد. علاوه بر این، طراحی فضاهای سبز با چیدمان‌های متنوع و رنگارنگ می‌تواند جذابیت بصری و کارکرد اجتماعی فضا را ارتقا دهد.

۷. انسجام

انسجام به معنای پیوستگی و هماهنگی میان اجزای مختلف یک فضا است. در معماری سنتی، فضاها معمولاً به گونه‌ای طراحی می‌شدند که جریان طبیعی حرکت میان بخش‌های مختلف (مانند حیاط، ایوان و فضای داخلی) به راحتی برقرار باشد. در فضاهای معاصر نیز، این اصل می‌تواند با ایجاد مسیرهای پیاده‌روی متصل به فضاهای سبز، ترکیب فضاهای اجتماعی با نقاط استراحت و طراحی پل‌های ارتباطی بین فضاهای داخلی و خارجی اجرا شود. به‌کارگیری تکنولوژی هوشمند در مدیریت این ارتباطات نیز بر انسجام و عملکرد بهینه فضا تأثیر مثبت می‌گذارد. نتیجه این طراحی‌ها، ایجاد فضاهایی است که کاربران در آن حس راحتی و هماهنگی را تجربه می‌کنند.

۸. هویت ملی و مذهبی

هویت ملی و مذهبی یکی از عناصر جدایی‌ناپذیر در فضاهای جمعی سنتی بوده است. این هویت از طریق معماری و نمادپردازی، مانند استفاده از گنبدها، طاق‌ها و نقش‌مایه‌های مذهبی در طراحی ساختمان‌ها، به تصویر کشیده می‌شود. در فضاهای معاصر، می‌توان این مفهوم را از طریق طراحی نماها و فضاهای داخلی با الهام از الگوهای سنتی و بومی ادامه داد. مثلاً، طراحی میدان‌هایی با محوریت مسجد یا استفاده از نقش‌مایه‌های ایرانی-اسلامی در تزئینات و نورپردازی می‌تواند این حس هویت را به کاربران منتقل کند. چنین طراحی‌هایی به حفظ ارتباط فرهنگی نسل‌های جدید با سنت‌های کهن کمک می‌کند.

۹. هندسه متقارن

هندسه متقارن یکی از ویژگی‌های برجسته معماری سنتی ایران است که حس نظم و زیبایی را القا می‌کند. این اصل در طراحی باغ‌های ایرانی، مانند باغ فین کاشان یا باغ شازده ماهان، به وضوح دیده

می‌شود. مسیرهای مستقیم و متقاطع، آب‌نماهای مرکزی، و تقارن در چیدمان گیاهان از ویژگی‌های بارز این طراحی‌ها هستند. در فضاهای معاصر، این تقارن می‌تواند با استفاده از عناصر معماری مدرن مانند دیوارهای شیشه‌ای متقارن، پنجره‌های بلند یا طراحی نماهایی با الگوهای متقارن هندسی بازآفرینی شود. این اصول علاوه بر زیبایی بصری، حس آرامش و هماهنگی را نیز در کاربران تقویت می‌کنند.

۱۰. آب‌نما و حوض

آب‌نماها و حوض‌ها یکی از عناصر اصلی در طراحی فضاهای سنتی ایرانی هستند که حس آرامش و طراوت را به کاربران منتقل می‌کنند. در باغ‌های ایرانی، حوض‌ها و جویبارها نه تنها به زیبایی فضا کمک می‌کردند، بلکه به عنوان سیستم خنک‌کننده طبیعی نیز عمل می‌کردند. در فضاهای معاصر، این عنصر می‌تواند با به‌کارگیری تکنولوژی‌های مدرن مانند نورپردازی LED در آب‌نماها، طراحی حوض‌های کوچک در مسیرهای پیاده‌روی، و اتصال آن‌ها به فضای سبز و مسیرهای حرکتی گسترش یابد. این طراحی‌ها علاوه بر ایجاد جذابیت بصری، تعامل کاربران با محیط طبیعی را افزایش می‌دهند.

تمام این ویژگی‌ها که از فضاهای جمعی سنتی الهام گرفته شده‌اند، در فضاهای معاصر می‌توانند بازآفرینی شوند تا نیازهای امروزی کاربران را با حفظ هویت فرهنگی و تاریخی برآورده کنند. هر یک از این ویژگی‌ها با ارائه اصول کاربردی و راهکارهای نوآورانه، فضایی متعادل، پایدار و جذاب برای تعاملات اجتماعی و بهره‌برداری عمومی ایجاد می‌کنند.

میدان‌ها و فضاهای عمومی

میدان‌ها در فضاهای جمعی سنتی به عنوان نقاط مرکزی تجمع و تعامل اجتماعی عمل می‌کردند. در طراحی معاصر، می‌توان این میدان‌ها را به فضاهای چندعملکردی تبدیل کرد که شامل امکاناتی مانند کافه‌ها، رستوران‌ها و فضاهای بازی برای کودکان باشد. مثلاً، میدان نقش جهان می‌تواند به فضایی تبدیل شود

Table 3: Comparison of research findings with previous research

مطالعات پیشین	پژوهش حاضر
مطالعه فضاهای تاریخی و معاصر به صورت جداگانه	تطبیق و ترکیب فضاهای تاریخی و معاصر
تمرکز بر جنبه‌های عملکردی و اجتماعی	تأکید بر اهمیت هویت فرهنگی و محلی در طراحی
بررسی وضع موجود	ارائه اصول طراحی

(منبع: نویسندهگان، ۱۴۰۳)

بررسی دقیق فضاهای جمعی تاریخی مانند بازارها، میدان‌ها و مسجدها نشان داد که این فضاها نه تنها به عنوان مکان‌های اجتماعی، بلکه به عنوان کانون‌های فرهنگی و اقتصادی با ویژگی‌هایی، چون مقیاس انسانی، انعطاف‌پذیری در کاربری و ارتباط مستقیم با بافت شهری، نقش کلیدی در تعاملات اجتماعی ایفا می‌کردند.

تحلیل این الگوها برای طراحی فضاهای شهری معاصر چند اصول نوآورانه را مطرح می‌کند که به حل چالش‌های فعلی شهرها کمک می‌کند:

- بازارهای معاصر به عنوان مراکز فرهنگی-اقتصادی: یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های بازارهای تاریخی، حضور فضاهای عمومی و خصوصی در کنار هم بود. این فضاها به طور همزمان به نیازهای اجتماعی و اقتصادی پاسخ می‌دادند. برای نمونه، در طراحی بازارهای مدرن می‌توان به جای تفکیک کامل بخش‌های تجاری و اجتماعی، فضای مشترکی برای تعاملات اجتماعی و تجاری ایجاد کرد. این فضاها باید به گونه‌ای طراحی شوند که مشتریان و بازدیدکنندگان بتوانند به راحتی از هر دو جنبه اجتماعی و تجاری فضا استفاده کنند.

- میدان‌ها و فضاهای عمومی به عنوان کانون‌های اجتماعی و تفریحی: میدان‌های تاریخی به عنوان مراکز تجمع و فعالیت‌های اجتماعی نقش برجسته‌ای داشتند. اما در دنیای معاصر، میدان‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که به جای تنها محل تجمع، فضایی

که در آن علاوه بر برگزاری مراسم و جشن‌ها، امکانات تفریحی و فرهنگی نیز وجود داشته باشد.

باغ‌ها و فضاهای سبز

باغ‌ها و فضاهای سبز سنتی به عنوان نقاط کانونی برای تفریح و استراحت، نقش مهمی در زندگی شهری ایفا می‌کنند. در طراحی فضاهای معاصر، می‌توان از این باغ‌ها به عنوان فضاهای چندعملکردی استفاده کرد که شامل مسیرهای پیاده‌روی، فضاهای بازی و مناطق نشیمن باشد. مثلاً، باغ‌های سنتی می‌توانند به فضاهایی برای برگزاری رویدادهای اجتماعی، کلاس‌های آموزشی و فعالیت‌های فرهنگی تبدیل شوند.

توجه به هویت محلی

توجه به هویت محلی و فرهنگی در ترکیب این عناصر نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. با حفظ و تقویت ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی فضاهای جمعی سنتی، می‌توان به ایجاد فضاهایی با هویت قوی و جذاب برای شهروندان دست یافت. مثلاً، استفاده از مصالح بومی و طراحی‌های محلی در فضاهای معاصر به تقویت حس تعلق و هویت جمعی کمک می‌کند.

فضاهای تجربه محور

با توجه به تغییرات در ارزش‌ها و پیشرفت‌های فناوری، به نظر می‌رسد که فضاهای شهری باید از رویکرد کارایی محوری به سمت تجربه‌محوری تغییر کنند. به کارگیری هنر مینیمالیستی و طراحی‌های نوآورانه به خلق تجربه‌های فضایی غنی کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تحلیل اصول طراحی فضاهای جمعی موفق در گذشته و تطبیق آن‌ها با نیازهای معاصر، به دستاوردهایی ارزشمند دست یافته است (جدول شماره (۳)). این یافته‌ها به بهبود طراحی فضاهای جمعی در شرایط کنونی کمک می‌کنند و به درک بهتر از نیازهای اجتماعی و فرهنگی معاصر منجر می‌شوند. جدول شماره (۳): مقایسه یافته‌های پژوهش با پژوهش‌های پیشین

برای فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و تفریحی باشند. این فضاها می‌توانند به‌عنوان نقاط تبادل فرهنگی، رویدادهای هنری و جشن‌ها عمل کنند و نیاز به فضای تعاملات اجتماعی را در کنار فعالیت‌های روزمره تأمین کنند.

- باغ‌ها و فضاهای سبز به‌عنوان مراکز اجتماعی و محیط‌های آموزشی: باغ‌ها و فضاهای سبز سنتی تنها برای استراحت طراحی نمی‌شدند، بلکه نقش مهمی در فرهنگ و آموزش نیز ایفا می‌کردند. در طراحی فضاهای سبز معاصر، به‌جای تمرکز صرف بر جنبه‌های تفریحی، باید به جنبه‌های آموزشی و فرهنگی نیز توجه کرد. برای مثال، باغ‌ها می‌توانند شامل فضاهایی برای فعالیت‌های هنری، کارگاه‌های آموزشی و رویدادهای فرهنگی باشند تا به‌عنوان مراکز اجتماعی و فرهنگی پویا شناخته شوند.

- طراحی فضاهای عمومی متناسب با هویت فرهنگی و نیازهای معاصر: یکی از مهم‌ترین نکات این پژوهش توجه به هویت محلی و فرهنگی در طراحی فضاهای عمومی است. فضاهایی که بر اساس نیازهای محلی و فرهنگی طراحی شوند، به تقویت حس تعلق و هویت جمعی شهروندان کمک می‌کنند. برای مثال، استفاده از عناصر معماری بومی در طراحی فضاهای شهری در کنار تأمین نیازهای مدرن، به تقویت پیوند جامعه با تاریخ و فرهنگ محلی منجر می‌شود.

این پژوهش نشان داد که استفاده از الگوهای موفق گذشته برای طراحی فضاهای جمعی معاصر نه تنها به بهبود کیفیت زندگی شهری کمک می‌کند، بلکه به ایجاد فضاهایی با هویت فرهنگی و اجتماعی قوی نیز می‌انجامد. با توجه به تحولات اجتماعی و نیازهای جدید، باید فضاهایی طراحی شوند که نه تنها پاسخگوی نیازهای فیزیکی، بلکه نیازهای فرهنگی، اجتماعی و روانی شهروندان را نیز برآورده کنند.

منابع

۱. حقیقی بروجنی، سمر، رهروی پوده، ساناز. (۱۳۹۹). دگردیسی در فضاهای جمعی ایران تا انتهای عصر صفوی. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۳(۲)، ۳۶۷-۳۹۸.

<https://doi.org/10.22059/JHIC.2021.307406.654165>
۲. محمودی نژاد، هادی. (۱۳۸۸). فضا و مکان در طراحی شهری، تهران: انتشارات هله.
۳. غفوری، عطیه. (۱۳۹۹). مشارکت: مبنای طراحی فضاهای شهری چندعملکردی. منظر، ۱۲(۵۳)، ۲۶-۳۹.

Doi: 10.22034/manzar.2020.242655.2080
۴. شمس‌الدین تکیه، سیدمحسن، اقبالی، ناصر، و شیعه، اسماعیل. (۱۳۹۸). ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد فضاهای چندعملکردی اجتماع‌پذیر در حوزه‌های شهری با رویکرد محلی-جهانی (موردپژوهی: منطقه ۲۲ شهرداری تهران). نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، ۱۱(۲)، ۱-۱۴.

https://journals.iau.ir/article_663705.html
۵. غفوری، عطیه، و وبر، کریستین. (۱۳۹۹). فضاهای شهری چندعملکردی: اصولی برای افزایش کیفیت زندگی شهری در شهرهای متراکم. منظر، ۱۲(۵۱)، ۳۶-۴۷.

Doi: 10.22034/manzar.2020.214183.2023
۶. قربانی پارام، افشین. (۱۴۰۲). طراحی فضاهای چندعملکردی شهری با رویکرد افزایش تعاملات اجتماعی و حفظ محیط‌زیست در منطقه ۲۲ تهران. مطالعات علوم محیط‌زیست، ۸(۴)، ۷۲۸۴-۷۲۹۴.
Doi: 10.22034/jess.2023.390751.1992

۷. هیلن برند، روبرت. (۱۳۸۹). معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، چاپ پنجم، روزه، ۱۰۱-۱۰۳.
۸. اسماعیل دخت، مریم، & اسماعیل دخت، محمدرضا. (۱۴۰۰). پدیدارشناسی مفهوم محله با تأکید بر محلات شهر شیراز در دوران قاجار. گردشگری فرهنگ، ۲(۷)، ۳۳-۴۲.

Doi: 10.22034/toc.2022.323845.1069
۹. آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر. (۱۳۸۹). معماری ایران در دوره تیموریان. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. نصرالله، سید محمدرضا؛ یعقوبی، مجتبی. (۱۳۹۵). بازخوانی مؤلفه‌های فضاهای عمومی سنتی

6. 18. Bondarabady, H., & Khavarian-Garm-sir, A. (2019). An analyses of the role of socio-economic classes in the spatial organization (a case study of Yazd, Iran). *Journal of Archaeological Science: Reports*. <https://doi.org/10.1016/J.JASREP.2019.04.021>.
7. 19. Bryce, D., O’Gorman, K., & Baxter, I. (2013). Commerce, empire and faith in Safavid Iran: the caravanserai of Isfahan. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 25, 204-226. <https://doi.org/10.1108/09596111311301603>.
8. 20. Dennis, M., & James, P. (2017). Eco-system services of collectively managed urban gardens : exploring factors affecting synergies and trade-offs at the site level. *Ecosystem services*, 26, 17-26. <https://doi.org/10.1016/J.ECOSER.2017.05.009>.
9. 21. Ebrahim, A., Karim, H., & Reza, R. (2022). Study of Safavid buildings Decorations (With sample survey of the Cheshme Emarat and Behshahr Baghshah). *Vestnik Tomskogo gosudarstvennogo universiteta. Kul’turologiya i iskusstvovedenie*. <https://doi.org/10.17223/22220836/47/20>.
10. 22. Emami, F. (2016). Coffeeshouses, Urban Spaces, and the Formation of a Public Sphere in Safavid Isfahan., 33, 177-220. https://doi.org/10.1163/22118993_03301P008.
11. 23. Florida, R. (2002). *The Rise of the Creative Class and How It’s Transforming Work, Leisure, Community and Everyday Life*. New York: Basic Books. DOI:10.2307/3552294
12. 24. Gallent, N., Shoard, M., Andersson, J., Oades, R., & Tudor, C. (2004). Inspiring England’s urban fringes: multi-functionality ایران (مورد مطالعه: بازار تبریز). فصلنامه علمی - پژوهشی باغ نظر، ۱۳(۳۷)، ۵۳-۶۶.
۱۱. مارشال، کاترین؛ راس من، گرچن ب. (۱۳۸۱). روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۲. ذکایی، سعید. (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۹(۱۷)، ۰-۰
SID. <https://sid.ir/paper/425293/fa>
1. Alexander, C., Ishikawa, S., & Silverstein, M. (1977). *A pattern language: Towns, buildings, construction*. Oxford University Press.
2. 14. Asadi, S. (2023). Power discourse: reflecting Shah Abbas I’s political thoughts on Safavid architecture and urban development (Isfahan’s Baghshahr Utopia). *Arts & Humanities Open Access Journal*. <https://doi.org/10.15406/ahoaj.2023.05.00184>.
3. 15. Belmeziti, A., Cherqui, F., & Kaufmann, B. (2018). Improving the multi-functionality of urban green spaces: Relations between components of green spaces and urban services. *Sustainable Cities and Society*. <https://doi.org/10.1016/J.SCS.2018.07.014>.
4. 16. Benisi, T., & Zarezadeh, F. (2019). EXAMINING THE ORIGIN OF FLOWERPOT MOTIFS IN THE BUILDINGS OF QAJAR ERA. *The International Archives of the Photogrammetry, Remote Sensing and Spatial Information Sciences*. <https://doi.org/10.5194/ISPRS-ARCHIVES-XLII-2-W11-231-2019>.
5. 17. Benacer, H., Golkar, N., & Aouissi, K. (2022). Public spaces as a palimpsest of city layers: The case of Baharestan Square in Tehran (Iran). *Journal of the Geographical Institute Jovan Cvijic, SASA*. <https://doi.org/10.2298/ijgi2203341b>.

19. 31. Lotfata, A., Panahandehkhah, M., & Lotfata, Y. (2018). Historical Development and Transformation of Vali-Asr Street, Tehran. *Journal of Sustainable Development*. <https://doi.org/10.5539/JSD.V11N5P249>.
20. 32. Mehan, A. (2017). MANIFESTATION OF MODERNITY IN IRANIAN PUBLIC SQUARES: BAHARESTAN SQUARE (1826–1978)., 1, 411-420. <https://doi.org/10.2495/HA-V1-N3-411-420>.
21. 33. Morozova, A., & Daroudi, A. (2022). Written and Pictorial Sources on the Architecture of Persia and Central Asia during the Era of Timur's and Timurids' Rule. *Vestnik of Saint Petersburg University. Arts*. <https://doi.org/10.21638/spbu15.2022.409>.
22. 34. Munteanu, A., & Andronovici, D. (2022). Aesthetics of the architectural form of community centers - the appearance of multifunctional interior spaces. *International Science Journal of Engineering & Agriculture*. <https://doi.org/10.46299/j.isjea.20220105.02>.
23. 35. Naeeni, D., & Yasoori, K. (2016). Studying the Effect of Continent on Three Important Mosque of Timurid Period (Blue Mosque of Tabriz, Goharshadjame Mosque, Jame Mosque of Yazd). *Mathematical Models and Methods in Applied Sciences*, 10, 205. <https://doi.org/10.5539/MAS.V10N2P205>.
24. 36. Naiemi, A. (2022). The Ilkhanid City of Sultaniyya: Some Remarks on the Citadel and the Outer City. *Iran*, 60, 91 - 120. <https://doi.org/10.1080/05786967.2020.1744469>.
25. 37. Naraghi, A. (2022). A Social History of Modern Tehran.. <https://doi.org/10.1017/9781009188906>.
- and planning. *Local Environment*, 9, 217 - 233. <https://doi.org/10.1080/1354983042000219342>.
13. 25. Ghafouri, A., & Weber, C. (2020). Multifunctional Urban Spaces a Solution to Increase the Quality of Urban Life in Dense Cities., 12, 34-45. <https://doi.org/10.22034/MANZAR.2020.214183.2023>.
14. 26. Hansen, R., Olafsson, A., Jagt, A., Rall, E., & Pauleit, S. (2017). Planning multifunctional green infrastructure for compact cities: What is the state of practice?. *Ecological Indicators*. <https://doi.org/10.1016/J.ECOLIND.2017.09.042>.
15. 27. Itma, M., & Monna, S. (2022). The Role of Collective Spaces in Achieving Social Sustainability: A Comparative Approach to Enhance Urban Design. *Sustainability*. <https://doi.org/10.3390/su14148756>.
16. 28. Ivina, M., & Rakhimova, P. (2023). PUBLIC SPACES IN THE STRUCTURE OF MULTIFUNCTIONAL YOUTH SPACES. *Bulletin of Belgorod State Technological University named after. V. G. Shukhov*. <https://doi.org/10.34031/2071-7318-2023-8-4-67-76>.
17. 29. Kanbarova, G. (2021). FEATURES (XIII-XIV CENTURIES) ILKHANATE PERIOD ARCHITECTURE STYLE., 1031-1048. <https://doi.org/10.51582/INTERCONF.19-20.02.2021.105>.
18. 30. Kuo, M. 2015. How might contact with nature promote human health? Promising mechanisms and a possible central pathway. *Frontiers in Psychology*. 6: 1093. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2015.01093>

- and Identity in Safavid Iran 930-1077/1524-1666. *The Undergraduate Historical Journal at UC Merced*. <https://doi.org/10.5070/h361046135>.
33. 45. Shafiee, A., Faizi, B., & Yazdanfar, C. (2016). THE STUDY OF THE EVOLUTION OF SQUARES IN 3 PERIODS OF SAFAVID, QAJAR AND PAHLAVI WITH HISTORICAL – EVOLUTIONARY AND FORM APPROACH (ISFAHAN AND TEHRAN STYLES). *Journal of Fundamental and Applied Sciences*, 8, 138-162. <https://doi.org/10.4314/JFAS.V8I2S.10>.
34. 46. Shi, W., & Woolley, H. (2014). Managing for Multifunctionality in Urban Open Spaces: Approaches for Sustainable Development. *Journal of Urban Management*, 3, 3-21. [https://doi.org/10.1016/S2226-5856\(18\)30081-5](https://doi.org/10.1016/S2226-5856(18)30081-5).
35. 47. Sohrabi, N. (2018). MEMORIALIZATION OF WAR BETWEEN CONFLICTS OF INTEREST BEFORE AND AFTER THE ISLAMIC REVOLUTION: PUBLIC ART AND PUBLIC SPACE IN IRAN. *ARTis ON*. <https://doi.org/10.37935/AION.V0I7.202>.
36. 48. Tilaki, M., Marzbali, M., Safizadeh, M., & Abdullah, A. (2021). Quality of place and resident satisfaction in a historic – religious urban settlement in Iran. *Journal of Place Management and Development*. <https://doi.org/10.1108/JPMD-07-2020-0067>.
37. 49. Vakili, S. (2020). A Comparative Study of Urban Spaces Between Samarkand City in the Timurid Period and Isfahan City in the Safavid Period. *Landscape Architecture and Regional Planning*. <https://doi.org/10.1016/j.larp.2020.08.001>.
26. 38. Paskaleva, E. (2023). Samarqand's Congregational Mosque of Bibi Khanum as a Representation of Timurid Legitimacy and Rulership. *Manazir Journal*. <https://doi.org/10.36950/manazir.2023.5.4>.
27. 39. Petryshyn, H., Kryvorychko, O., Lukashchuk, H., Danylko, N., & Klishch, O. (2022). Changing the Qualities of Urban Space by Means of Landscape Architecture. *Architectural Studies*. <https://doi.org/10.56318/as2022.01.022>.
28. 40. Pranab, P., & Bansal, V. (2022). Investigating the Idea of Multifunctional Public Spaces for Sustainable Communities. *ECS Transactions*. <https://doi.org/10.1149/10701.18923ecst>.
29. 41. Razavi, N. (2019). Paradise Extended; Re-examining the Cultural Anchors of Historic Pleasure Avenues. *The Urban Book Series*. https://doi.org/10.1007/978-3-030-22762-3_3.
30. 42. Rezaei, M., Marzi, R., & Shojaee, E. (2022). Embedded heritage: the role of information and communication technology (ICT) in urban placemaking (case study: Tehran's citadel). *Journal of Historical Archaeology & Anthropological Sciences*. <https://doi.org/10.15406/jhaas.2022.07.00265>.
31. 43. Rostami, R., Lamit, H., Khoshnava, S., & Rostami, R. (2016). Successful public places: A case study of historical Persian gardens. *Urban Forestry & Urban Greening*, 15, 211-224. <https://doi.org/10.1016/J.UFUG.2015.08.011>.
32. 44. Salsman, T. (2019). Constructing Safavid Iran: Space, Pastoralism, Power,

- perspective. Routledge.
44. 56. Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2010). *Public places-urban spaces: The dimensions of urban design*. Architectural Press.
45. 57. Gehl, J. (2010). *Cities for people*. Island Press.
46. 58. Ghafouri, A., & Weber, S. (2020). Multifunctional urban spaces: A solution for increasing the quality of urban life in dense cities. *Manzar*, 12(53), 6-15.
47. 59. Michell, G. (1978). *Architecture of the Islamic world: Its history and social meaning*. Thames and Hudson.
48. 60. Oldenburg, R. (1989). *The great good place: Cafes, coffee shops, community centers, beauty parlors, general stores, bars, hangouts, and how they get you through the day*. Paragon House.
49. 61. OECD. (2001). *Multifunctionality: Towards an analytical framework*. OECD Publications.
50. 62. Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research* (pp. 105–117). Sage Publications, Inc.
- org/10.11648/j.larp.20200503.11.
38. 50. Vejdani, F. (2019). Urban Violence and Space: Lutis, Seminarians, and Sayyids in Late Qajar Iran. *Journal of Social History*, 52, 1185 - 1211. <https://doi.org/10.1093/JSH/SHY010>.
39. 51. Yadollahi, S., & Weidner, S. (2014). Iranian Historical Bazaar as Public Space, case study: Tabriz bazaar. *NeuroRehabilitation*, 99. <https://doi.org/10.14575/GL/REHAB2014/088>.
40. 52. Yekta, Z. (2015). Architecture of Iran in Qajar Era. *The International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 5. <https://doi.org/10.6007/IJARBS/v5-i5/1638>.
41. 53. Lak, A., & Hakimian, P. (2019). Collective memory and urban regeneration in urban spaces: Reproducing memories in Baharestan Square, city of Tehran, Iran. *City, Culture and Society*. <https://doi.org/10.1016/J.CCS.2019.100290>.
42. 54. Blake, S. (2016). *Half the world: The social architecture of Safavid Isfahan, 1590–1722*. Edinburgh University Press.
43. 55. Bryce, J., Stewart, C. M., & Stokes, M. (Eds.). (2013). *The city as a cultural landscape: Socio-material formations in historical*

نحوه ارجاع به این مقاله:

اورعی، محسن، منصوری رودکی، سمیرا و سلطانی، نرگس. (۱۴۰۳). بازخوانی فضاهای جمعی تاریخی: چهارچوبی برای اصول طراحی فضاهای چندعملکردی شهری (نمونه موردی: شهر اصفهان). پژوهشهای فضا و مکان در شهر، ۸(۳۲)، ۲۹-۵. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2047395.1092>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2047231.1091>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_720327.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International

(CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





ارزیابی و تحلیل فضایی مؤلفه‌های مؤثر بر شهر شاد (مطالعه موردی: کلان‌شهر اصفهان)

احمد حجاریان^۱

استاد یار، گروه جغرافیا، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

در راستای تحقق حقوق شهروندی و توسعه پایدار فضاهای شهری، طی سالیان اخیر نظریه پردازان و برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای مفاهیم متعددی را مطرح کرده‌اند. شهر سالم، شهر دوستدار کودک، شهر سبز، شهر الکترونیکی، شهر شاد و... از این مفاهیم کلیدی هستند. در این میان شهر شاد با دربرگرفتن شاخص‌ها و متغیرهای متعددی، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد، به‌گونه‌ای که متضمن سلامت روحی و جسمی شهروندان است. پژوهش حاضر ماهیتی توسعه‌ای-کاربردی و روشی توصیفی-تحلیلی دارد و با هدف ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر شاخص‌های شهر شاد کلان‌شهر اصفهان انجام شده است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی میدانی در سطح خانوار جمع‌آوری، و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران معادل ۳۱۵ خانوار برآورد شد. با بهره‌گیری از روش‌های کمی و آماری از جمله رگرسیون چندگانه در محیط نرم‌افزار SPSS، معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار LISREL و تحلیل چندمتغیره فازی در محیط GIS، به بررسی میزان شاخص‌های شهر شاد و اولویت‌بندی مؤلفه‌های مؤثر در منطقه مورد نظر پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در کلان‌شهر اصفهان، شاخص‌های شهر شاد متوسط رو به بالاست؛ از لحاظ برخورداری از شاخص‌های شهر شاد هم به ترتیب اولویت، شاخص‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی با ۰/۵۱۱، ۰/۲۸۷ و ۰/۲۶۶ درصد بیشترین نقش را در شاخص‌های شهر شاد کلان‌شهر اصفهان دارند که نشانگر مهم بودن بعد کالبدی نسبت به بقیه ابعاد است. همچنین در خصوص شاخص‌های شهر شاد در کلان‌شهر اصفهان بیشترین مساحت مربوط به طبقه متوسط زیاد و بسیار زیاد با مقدار ۳۹۴ کیلومتر مربع است.

واژگان کلیدی: شهر شاد، مؤلفه‌های فضایی، معادلات ساختاری، سیستم اطلاعات جغرافیایی، کلان‌شهر اصفهان.

۱. پسادکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، اصفهان
ایمیل نویسنده مسئول: a.hajarian@ltr.ui.ac.ir

بایدار و از مفاهیم محوری آن است که از سال ۲۰۰۰ به بعد در بحث‌های سازمان ملل در نظر گرفته شده است (Oraki et al, 2019: 3) همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد شادی بر شاخص امید به زندگی شهروندان تأثیر مستقیمی دارد (Shahbazi et al, 2020:1) و با احساس ناشی از نتایج موفقیت‌آمیز در زندگی افراد نیز ارتباط دارد، به‌گونه‌ای که افراد شادتر در مقایسه با دیگران، موفقیت‌های بیشتری در زندگی خود کسب کرده‌اند (Diener & Chan, 2011: 111; Lawrence et al., 2015: 25). به‌دلیل اهمیت شاخص شادی در توسعه پایدار فضاهای شهری، از دیدگاه مونتگومری (اولین نظریه‌پرداز شهر شاد)، یک شهر پس از تأمین نیازهای اولیه مانند غذا و مسکن، باید موارد مذکور را تأمین کند: لذت را به حداکثر برساند و از سختی‌ها بکاهد؛ به‌جای مریضی، ما را به‌سوی سلامتی هدایت کند؛ به انسان آزادی واقعی، حرکت و ساخت زندگی را که آرزو دارد، ارائه دهد؛ به‌شیوه‌ای عادلانه فضا، خدمات، امکانات، لذت و تفریح، سختی و هزینه را به افراد اختصاص دهد؛ بیشتر از همه ما را در ساخت قوی‌تر کردن گروه‌های بین دوستان، خانواده‌ها و غریبه‌ها توانمند کند که به زندگی معنا می‌بخشد و باید سرنوشت مشترک ما را تصدیق کند و جشن بگیرد و درها را به‌سوی یکدلی و همکاری و تعاون بگشاید و همچنین به ما کمک کند که از عهده بزرگ‌ترین چالش قرن معاصر، یعنی شادمانی، برآیم (Jain, 2019: 2). کاهش سطح و میزان شادی و نشاط در میان شهروندان، زمینه کاهش حس تعاون اجتماعی و پیوندهای گروهی، کاهش همبستگی خانوادگی و محلی، کاهش حمایت‌های عاطفی و رضایت‌مندی و تضعیف شدن حضور در عرصه‌های همگانی و... را به‌دنبال دارد (Munar et al, 2020: 1). کیفیت شهر و فضاهای شهری عاملی مؤثر بر شادی است و میزان شادی در فضاهای شهری نیز نمودی از کیفیت فضاهاست. از این رو، می‌توان شادی را همچون سرزندگی، کیفیتی پایه در فضاهای شهری دانست.

در سال ۲۰۲۱، کشور فنلاند با کسب بالاترین

رشد جمعیت در شهرهای بزرگ، نگرانی‌های زیادی را درخصوص توانایی‌های آینده برای رفع مشکلات اساسی آنها ایجاد کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد از سال ۲۰۰۷ میلادی، بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود این نسبت در آینده شتاب بیشتری خواهد گرفت و با روند سریعی افزایش خواهد یافت. این افزایش جمعیت به‌ویژه در شهرهای کشورهای در حال توسعه مشهود است و این مهم، مشکلات زیادی را در زمینه‌های مختلف به‌همراه دارد (فاضلیان و عظیمی، ۱۳۹۳: ۴۵). به‌عبارتی این عوامل سبب شده‌اند دانشمندان و صاحب‌نظران درخصوص این مهم که جامعه کنونی یک دوره طولانی مدت ناپایداری را طی می‌کند، با هم توافق عمومی داشته باشند (Steffen et al, 2014: 232) و تعداد زیادی از پیشگامان اجتماعی و دولت‌ها در سراسر جهان، ناپایداری موجود در جهان را درک کرده‌اند و تمایل دارند فعالیت‌های خود را در جهت و به‌سمت پایداری تغییر دهند (Missimer et al, 2010: 123). از مهم‌ترین ارکان پایداری اجتماعی و دستیابی به توسعه پایدار، ارتقای کیفیت زندگی ساکنان فضاهای مختلف سکونتی است که ابعاد و مؤلفه‌های متعددی را می‌توان برای آن در نظر گرفت. در این میان شادی و نشاط، از مهم‌ترین مؤلفه‌های کیفیت زندگی محسوب می‌شود (سماواتی و رنجبر، ۱۳۹۷: ۶۷). اهمیت شادی و نشاط در میان شهروندان تا حدی است که در بیشتر جوامع، لذت و شادی بیشتر از زندگی به‌عنوان یک هدف اصلی و شاخص مطرح است (Wiking, 2019: 2, Ballas, 2021: 1). احساس شادی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان به‌شمار می‌رود. در بیان اهمیت شادی در توسعه فضاهای شهری ذکر این نکات کفایت می‌کند که هدف اصلی دولت‌ها تأمین شادی بیشتر شهروندان است (Veenhoven, 2017: 1011) و تأمین شور و نشاط و شادی شهروندان یکی از اهداف نهایی توسعه

امتیاز شادترین کشور دنیا لقب گرفت و پس از آن کشورهای ایسلند، دانمارک، سوئیس و هلند به ترتیب در جایگاه‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم قرار گرفته‌اند. هر پنج کشور اول این فهرست، کشورهای اروپایی هستند. کشور ایران رتبه ۷۷ را از بین ۹۵ کشور به دست آورده و بعد از کشورهای همچون ساحل عاج، آفریقای جنوبی و کامرون قرار گرفته است. سال ۲۰۲۰، ایران رتبه ۱۱۸ را به خود اختصاص داده بود و بعد از ایران، کشورهای، همچون اوگاندا، لیبیا، کنیا، تونس، لبنان، فلسطین، میانمار و کومور قرار گرفته بودند. احتمالاً در صورتی که تمام ۱۵۳ کشور رتبه‌بندی می‌شدند، ایران همان رتبه ۱۱۸ خود را حفظ کرده بود و تغییرات مثبت آن‌چنانی دیده نمی‌شد. با توجه به وضعیت ناخوشایند شاخص‌های شهر شاد و اهمیت آن در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و در مجموع اثرگذاری قابل توجه در رسیدن به توسعه پایدار شهری، بررسی وضعیت شهر شاد و عوامل مؤثر بر آن، ابزار مهمی برای ارتقای سطح شهر شاد توسط مدیران شهری و دست‌اندرکاران توسعه کلان‌شهر اصفهان است. در این راستا، به ارزیابی هر یک از شاخص‌های کیفیت محیط شهری در سه بعد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی پرداخته شده است؛ این پژوهش با هدف پاسخ به این سؤال انجام شده که کلان‌شهر اصفهان به لحاظ شاخص‌های شهر شاد از چه سطحی برخوردار است؟ کدام مؤلفه‌ها در شاخص‌های شهر بیشتر نقش و تأثیر را داشته‌اند؟

پیشینه و چهارچوب نظری

شهر شاد یکی از مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر به آن توجه شده است. این مفهوم بیشتر به سیاست‌ها و برنامه‌هایی اشاره دارد که به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و افزایش سطح رضایت آنها از زندگی شهری انجام می‌شود. نظریه شهر شاد برای اولین بار با نگاهی طراحانه در کتاب شهر شاد اثر چارلز مونتگومری، در سال ۲۰۱۳، مطرح شد و ایده آن زمانی به ذهن مونتگومری خطور کرد که در سال ۲۰۰۰ به دیدار شهردار منطقه بوگوتا رفت؛ شهری که در حال تبدیل از شهری پردغدغه به شهری شاد بود. مونتگومری

در کتاب خود از علم روان‌شناسی (رابرت تایلر)، عصب‌شناسی (پل زاک)، برنامه‌ریزی شهری (یان گل)، علوم سیاسی (رابرت پوتنام) و تجربه‌های اجتماعی خود استفاده کرده است. تعریف‌های متعددی از نشاط شده است و معمولاً هرکدام از این تعریف‌ها بر یک بعد نشاط بیش از دیگر ابعاد آن تأکید می‌کنند؛ برای مثال ممکن است برخی از آن‌ها بر ابعاد شناختی نشاط تأکید بیشتری کنند، برخی نیز بر ابعاد احساسی و عاطفی و برخی دیگر بر کارکردهای نشاط (McCaber et al., 2011).

رادان^۱ (۲۰۱۴) معتقد است که شادی احساسی است که زمانی که افراد متوجه می‌شوند همه چیز دقیقاً همان چیزی است که باید باشد، تجربه می‌کنند. شادی تحت تأثیر همه عوامل مؤثر بالقوه در حوزه رفاه شامل موارد ذیل است: درآمد؛ ویژگی‌های شخصی؛ ویژگی‌های اجتماعی توسعه‌یافته؛ چگونگی گذراندن وقت؛ نگرش و اعتقاد به خود، دیگران و زندگی؛ روابط؛ محیط زیست گسترده‌تر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (Dolan et al., 2008: 101).

اهمیت «نشاط» به میزانی است که سازمان ملل^۲ از سال ۲۰۰۰ به بعد برای سطح توسعه‌یافتگی کشورها آن را به‌عنوان متغیری کلیدی در دستور کار قرار داده است. در تدوین برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ایران نیز به این مسئله توجه شده است؛ به‌گونه‌ای که بند «ب» ماده ۹۷ قانون توسعه برنامه چهارم به‌صراحت موضوع بسط و گسترش روحیه نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی را به‌منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی از جمله تکالیف قانونی دولت تعیین کرده است (Costanza et al., 2008: 78). مفهوم شادی ناخالص ملی^۳ یا GNH بیانگر پیشرفت و توسعه و فراتر از رشد اقتصادی است و ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و دولتی را در بر می‌گیرد (Schroeder, 2018: 56).

1. Radwan

2. United Nations

3. Gross National Happiness

و همکاران (۲۰۱۶)، شاخص عملکرد محیط‌زیست بر شادی تأثیر مثبت و معناداری دارد. پیفیر و کلوتیر (۲۰۱۶)، بیان می‌کنند، ارتباطات اجتماعی بر شادی تأثیر قوی و مثبتی دارد. حمایت اجتماعی، ارتباطات اجتماعی و صداقت در جامعه بیانگر تفاوت‌های اصلی در شادی است (Helliwell, 2018: 57). فرهنگ و تنوع فرهنگی منبعی برای غنی‌سازی بشر هستند (United Nations, 2017) و به‌عنوان عاملی که حس منحصر به فرد بودن و معنی را به شهر می‌دهد، بر تحقق شهر شاد مؤثر است (Durand & Exton, 2019: 2). اقتصاد شادی، شاخص‌های جدید از مطالعات اقتصادی است که به مطالعه کمی و کیفی شادی می‌پردازد و درآمد را عامل اصلی اثرگذار بر شادی می‌داند (Graham, 2009: 34). ذکر این نکته لازم است که در بین افراد و کشورها درآمد بالاتر به افزایش شادی منجر می‌شود، اما با گذشت زمان رشد درآمد لزوماً با سطح شادی بالاتری همراه نیست (Michelangeli, 2015: 23). کیفیت شهر و فضاهای شهری عاملی مهم در وضعیت شادی جامعه است (Dye, 2008: 4). بهبود شرایط عینی مثل شرایط محیط شهری و کالبدی به شادی بیشتر منجر خواهد شد (Veenhoven, 2014: 70).
نشاط یا شادمانی^۳ به‌عنوان یکی از احساسات مثبت، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه دارد. شادمانی همواره با خرسندی، خوش‌بینی و امید و اعتماد همراه است و از این رو، به‌عنوان یک کاتالیزور، نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیند توسعه جامعه و فرد دارد. این نهادها، در ایجاد مصاحبت‌ها و همیاری‌های اجتماعی که عاملی مؤثر در بروز آرامش هیجانی و کاهش افسردگی است، مؤثرند (Chan & Lee, 2006). مدیریت شهری از طریق طراحی، منظر شهری، برگزاری جشن‌ها و برنامه‌های شاد بر نشاط شهروندان اثر می‌گذارد (بخشی، ۱۳۹۵).
شهر شاد با به وجود آمدن رشته روان‌شناسی شهری

شادی شهری را می‌توان به‌عنوان مفهومی تعریف کرد که درک مثبت از یک مکان را برای افرادی که در آن زندگی می‌کنند، به وجود می‌آورد و آنها را تهییج می‌کند تا زمان طولانی‌تری در آنجا بمانند و یا دوباره آن مکان را با همان تجربه انتخاب کنند (Sepe, 2017: 290). شهر شاد، شهری با کیفیت زندگی بالاست که نتیجه تأمین نیازهای ساکنان به بهترین شکل است (Brdulak & Brdulak, 2017: 456). شهرهایی که برای زندگی بسیاری از مردم مکان‌های مناسبی هستند، همه چیزهای مورد نیاز زندگی مردم را دارند؛ بنابراین می‌توانند بر شادی مردم تأثیر بگذارند. شهر شاد، شهری زنده و پویاست که روابط اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌کند و مشارکت مردمی را رونق می‌بخشد. از طرفی موجب حفظ سلامتی می‌شود، طول عمر را افزایش می‌دهد و زمینه‌های خردورزی و اندیشه را به وجود می‌آورد (جمینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴). شهر شاد به رشد مردم و افزایش کیفیت مکان‌ها کمک می‌کند. در بهینه‌کاوای انجام‌شده از شهرهای شاد جهان می‌توان به سئول اشاره کرد؛ براساس گزارش شرکت طراحی و مشاوره آرکادیس^۱ که به ارزیابی و سپس رتبه‌بندی صد شهر بزرگ جهان براساس چند شاخص محدود و مشخص می‌پردازد، سئول کره جنوبی شادترین شهر جهان است. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: شکاف درآمدی، جرم و جنایت، آموزش، توازن میان کار و زندگی، بهداشت و سلامت و توان مالی. براساس گزارشی جهانی شادی سازمان ملل در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ میلادی، به ترتیب کشورهای فنلاند، نروژ و دانمارک رتبه اول تا سوم را به خود اختصاص دادند (Helliwell, 2018: 56). این گزارش‌ها با استفاده از نظرسنجی مؤسسه گالوپ از کشورهای جهان، براساس نماگر سرانه تولید ناخالص ملی، حمایت اجتماعی، امید به زندگی، آزادی در انتخاب و تصمیم‌گیری زندگی و میزان فساد انجام شده و به بررسی میزان شادی و توزیع جغرافیایی آن در ۱۵۷ کشور جهان پرداخته است. طبق پژوهش حسابی و همکاران (۱۳۹۷) و میرزایی

2. Hilarity
3. Happiness

1. ARCADIS

جدول شماره (۱): پیشینه مطالعات صورت گرفته در حوزه شهر شاد

محقق/سال	عنوان	نتایج
کاسارینو ^۱ و همکاران (۲۰۲۱)	تأثیر تغییر و تحولات محیط شهری در تأمین فضایی شاد برای گروه‌های آسیب‌پذیر در کشورهای در حال توسعه	نتایج پژوهش نشان داد که پروژه‌های بازآفرینی شهری و تغییر و تحولات برنامه‌ریزی شده در فضاهای شهری (مانند فضاهای سبز، حمل‌ونقل و امنیت) که با مشارکت فعال شهروندان همراه بوده و به زندگی پایدار، افزایش احساس ایمنی و رضایت و رفاه مسکونی، به‌ویژه برای افراد کم‌درآمد و زنان منجر شده است، بر تأمین فضای شاد و شادی شهروندان تأثیر زیادی داشته است.
مانارا ^۲ و همکاران (۲۰۲۰)	شناسایی اثرات شادی‌بر مؤسسات آموزش عالی در کشورهای شیلی، کلمبیا و اسپانیا	نتایج این پژوهش نشان داد، شادی به‌عنوان عنصری کلیدی با افزایش و ارتقای سطح عملکرد و بهره‌وری، در موفقیت مؤسسات آموزش عالی تأثیر بسزایی دارد.
زنگ ^۳ و همکاران (۲۰۲۰)	بررسی رابطه بین مالکیت خانه و شادی	نتایج استراتژی‌های شناسایی نشان می‌دهد که مالکیت خانه بر رفاه ذهنی تأثیر مثبتی دارد. علاوه بر این، نتایج برای مشخصات مختلف قوی هستند و تحت تأثیر محدودیت‌های مالی، که صاحبان خانه‌های جدید با آن مواجه‌اند، نیستند. یافته‌های ما برای سیاست‌گذاران، برای تحریک نرخ مالکیت خانه و ارتقای رفاه ذهنی پیامدهای مفیدی دارد.
جین (۲۰۱۹)	مفهوم شهر شاد و تبیین شهرهای هوشمند	وی بیان می‌دارد شهر شاد، بهترین شهر برای فرداست و مشخصه‌های آن را به این صورت معرفی می‌کند که شهر شاد شهری است بدون آلودگی، ایمن برای زنان و کودکان؛ که ضمن فراهم کردن امکانات برای رشد فکری و پیوند عاطفی شهروندان و همچنین زیرساخت‌های عمومی و تفریحی، حمل‌ونقل عمومی و کتابخانه‌های عمومی، زمینه پیاده‌روی برای عابران پیاده و در مجموع فضای کلی نشاط‌آوری را فراهم می‌کند.
نصیری و همکاران (۱۴۰۳)	تبیین وضعیت معیارهای شهر شاد در برنامه‌ریزی شهری (مطالعه موردی: شهر سلمان شهر)	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، میانگین احساس شادی بر مبنای روش وینهورن در بین شهروندان شهر سلمان شهر ۵/۶۵ از ۱۰ بوده است. طبق نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپرمن، تمام متغیرهای پژوهش با متغیر وابسته پژوهش (شادی) در ارتباط هستند و همین‌طور طبق نتایج آزمون کروسکال-والیس شاخص‌های مورد بررسی در بین مناطق پنج‌گانه شهر سلمان شهر تفاوت معناداری دارند.
سجاد مهابادی و مختارزاده (۱۴۰۱)	بررسی تحلیل و ارزیابی شهر شاد در شهر جدید فولادشهر در راستای پایداری محلات شهری	نتایج ارزیابی ۱۹ محله فولادشهر براساس چهار بعد زیست‌محیطی، کالبدی-عملکردی، اجتماعی و اقتصادی و زیرمعیارهای آن نشان می‌دهد محله ۲۸ رتبه اول و محله C ۷ در رتبه نوزدهم قرار گرفته‌اند که می‌توان عواملی همچون توسعه بدون برنامه فولادشهر و کم‌توجهی به فضاهای شهری در محلات جدید تأسیس شده، کم‌توجهی به هویت در محلات، نبود کاربری‌های موردنیاز شهروندان، کم‌توجهی مدیران شهری به زیباسازی محلات، ایمنی پایین معابر، میزان درآمد پایین شهروندان، نبود شغل در شهر، نبود فضاهای تفریحی و... در کاهش میزان شادی و نشاط شهروندان محلاتی که در رتبه‌های پایین قرار دارند، مؤثر دانست.
حکمت‌نیا و همکاران (۱۴۰۰)	به تدوین سناریوهای مؤثر بر تحقق‌پذیری مؤلفه‌های شهر شاد ارومیه	نتایج پژوهش نشان داده است که سناریوهای محتمل از مجموع ۱۵۲ حالت ممکن دارای ضریب ۳۸ درصد برای وضعیت مطلوب، ۳۵ درصد برای وضعیت ایستا و ۲۵ درصد برای وضعیت بحرانی بوده است، که احتمال تحقق وضعیت مطلوب بیش از دیگر وضعیت‌ها محتمل بوده است، که خود نشانگر تحقق شاخص‌های شهر شاد برای ارومیه در آینده، به شرط اجرایی شدن پیشنهادهای ارائه‌شده در پژوهش حاضر است.

1. Cassarino
2. Munar
3. Zheng

جدول شماره (۲): ضریب پایایی شاخص‌های پژوهش

محلّه	متغیر	ضریب پایایی	آلفا کرونباخ
شهر اصفهان	کالبدی	۰/۸۸	۰/۷۸
	اجتماعی	۰/۸۳	۰/۸۱
	اقتصادی	۰/۷۴	۰/۷۹

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات آمیخته (کمی-کیفی) که با استفاده از روش‌های پیمایشی (استفاده از پرسش‌نامه) و تحلیلی (تحلیل چندمتغیره، رگرسیون، و معادلات ساختاری) صورت‌بندی شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. محدوده مطالعاتی پژوهش، کلان‌شهر اصفهان است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش در دو مرحله انجام شد، در مرحله اول جهت سنجش وضعیت شاخص‌های شهر شاد منطقه مورد مطالعه، حجم نمونه پژوهش مطالعه از طریق فرمول کوکران معادل ۳۱۵ خانوار برآورد شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است، سطح خطای نمونه‌گیری پنج درصد بوده و نمونه‌ها با سطح اطمینان ۹۵ درصد انتخاب شده است؛ بدین صورت که در محیط GIS نمونه‌ها به صورت رندمی، با استفاده از تابع Hawth's Tools گزینش شدند؛ از منوی Sampling Tools با انتخاب گزینه Generate Random Points تعداد ۳۱۵ نمونه به صورت نقطه‌ای انتخاب شد. روایی پرسش‌نامه نیز با استفاده از پیش‌آزمون و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ در محیط نرم‌افزار SPSS تعیین شد که گویای هماهنگی و پایایی بالای داده‌هاست (جدول شماره (۲)).

در مرحله دوم پس از جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، جهت سنجش وضعیت منطقه مورد مطالعه و رتبه‌بندی آنها، داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه و معادلات ساختاری و تحلیل چندمتغیره فازی^۱ در محیط

با مطالعات استانی میلیگرام (۱۹۸۴-۱۹۳۳) از سال ۱۹۷۰ به وجود آمد (صفاری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲). این رویکرد سابقه نسبتاً نویی در شهرسازی دارد و توجه اصلی آن به موضوع زندگی اجتماعی است. ایده شهر شاد مونته‌گومری با تأکید بر طراحی شهری بود و زمانی به ذهن وی خطور کرد که به دیدار شهردار بوگاتا رفت؛ شهری که در حال تبدیل شدن از شهری پر از مشکلات به شهری شاد بود. اقدامات شهردار بوگاتا، از جمله نخستین اقدامات قابل بحث در افزایش شادی در شهر بوده است (Montgomery, 2013: 98). براساس دیدگاه مونته‌گومری، یک شهر پس از تأمین نیازهای اولیه مانند غذا و مسکن باید به ما آزادی واقعی، امکان حرکت و ساخت زندگی‌ای را که آرزو داریم ارائه دهد. همچنین، به شیوه‌ای عادلانه، به افراد فضا، خدمات، امکانات، لذت، تفریح و هزینه تخصیص دهد (Montgomery, 2013: 99). ایجاد شهر شاد نیازمند زیرساخت‌های عاطفی است. فرهنگ کلی نظم و انضباط، حمایت اجتماعی، همکاری و مشارکت اساسی‌ترین زیرساخت‌های عاطفی را تشکیل می‌دهند. شهرهایی که مردم از امنیت، آسایش، سهولت در زندگی و تهییج فکری بالاتری برخوردارند، امروزه شهرهای شاد خوانده می‌شوند. شهرهای شاد، درحالی‌که فرصت‌های کافی برای کسب درآمد را ارائه می‌دهند، از طریق طراحی و ایجاد فرهنگ مشترک، فرصتی برای نوآوری ایجاد می‌کنند. بنابراین شهرهای شاد مراکز خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی اجتماعی هستند (Trilok, 2019: 46).

1. WLC

جدول شماره (۳): ضرایب میزان شدت روابط میان متغیرهای مؤثر بر شاخص‌های شهر شاد کلان‌شهر اصفهان حاصل از خروجی رگرسیون

نام متغیر	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		T	سطح داری معنی
	B	B خطای	Beta	Beta		
(ثابت)	-۷/۱۰۵	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
کالبدی	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۱۱	۰/۵۱۱	۰/۴۱۴	۰/۰۰۰
اقتصادی	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۶۶	۰/۲۶۶	۵/۱۸۸	۰/۰۰۰
اجتماعی	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۸۷	۰/۲۸۷	۹/۹۷۳	۰/۰۰۰

(منبع یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال با ۴۸/۳ درصد؛ مؤلفه نوع مسکن، مسکن آپارتمانی با ۷۱/۷ درصد؛ مؤلفه سطح تحصیلات، کارشناسی با ۳۸/۳ درصد؛ مؤلفه وضعیت فعالیت، بیکار و آزاد با ۳۵ درصد؛ وضعیت مالکیت مسکن، استیجاری ۴۶ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

تحلیل رگرسیون مؤلفه‌های مؤثر بر شاخص‌های شهر شاد

در تحلیل استنباطی با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و استفاده از رگرسیون چندگانه، شاخص‌های تأثیرگذار بر میزان شاخص‌های شهر شاد کلان‌شهر اصفهان مشخص شد. بدین صورت که براساس ضریب بتا متغیرهای پنهان با توجه به شدت اثر هر کدام، اولویت‌بندی شد (جدول شماره (۳)).

ضریب بتای متغیرهای پنهان در کلان‌شهر اصفهان به ترتیب، شاخص کالبدی با مقدار ضریب بتای ۰/۵۱۱ در اولویت اول، شاخص اجتماعی با ۰/۲۸۷ در اولویت دوم و نهایتاً شاخص اقتصادی با ضریب ۰/۲۶۶ در اولویت سوم قرار گرفته است (جدول شماره (۲)). سطح معنی‌داری آزمون نیز (۰/۰۰۰) کمتر از مقدار ضریب خطای پژوهش (۰/۰۵) به دست آمده است؛ بنابراین فرضیه صفر رد و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد وجود رابطه بین ابعاد سه‌گانه شاخص‌های شهر

نرم‌افزارهای SPSS، LISREL و GIS تحلیل شدند و جهت وزن‌دهی شاخص‌ها و میزان تأثیرگذاری آنها بر شاخص‌های شهر شاد، با استفاده از روش دلفی از ۲۰ نفر متخصص و کارشناس، متناسب با موضوع پژوهش و از روش تحلیل سلسله‌مراتبی^۱ در محیط نرم‌افزار Expert choice استفاده شد.

مدل معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای آشکار^۲ و متغیرهای مکنون^۳ است؛ این روش برای نشان دادن برآورد و آزمون فرضیه‌ها درباره رابطه علی بین متغیرهای آشکار و پنهان به کار می‌رود (Zampetakis & Moustakis, 2006).

یافته‌ها و بحث

یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیف متغیرهای اصلی پژوهش و سپس تحلیل داده‌ها ارائه می‌شوند؛ در تحلیل توصیفی، داده‌های گردآوری شده از نمونه‌های آماری پژوهش با استفاده از ابزارهای توصیفی شامل جدول‌ها و نمونه‌های فراوانی مشخصات اجتماعی پاسخگویان منطقه مورد مطالعه بررسی شد. با توجه به نتایج به‌دست آمده در مؤلفه‌های مورد بررسی، در جنسیت، جنس مؤنث با ۵۶/۷ درصد، در مؤلفه سن،

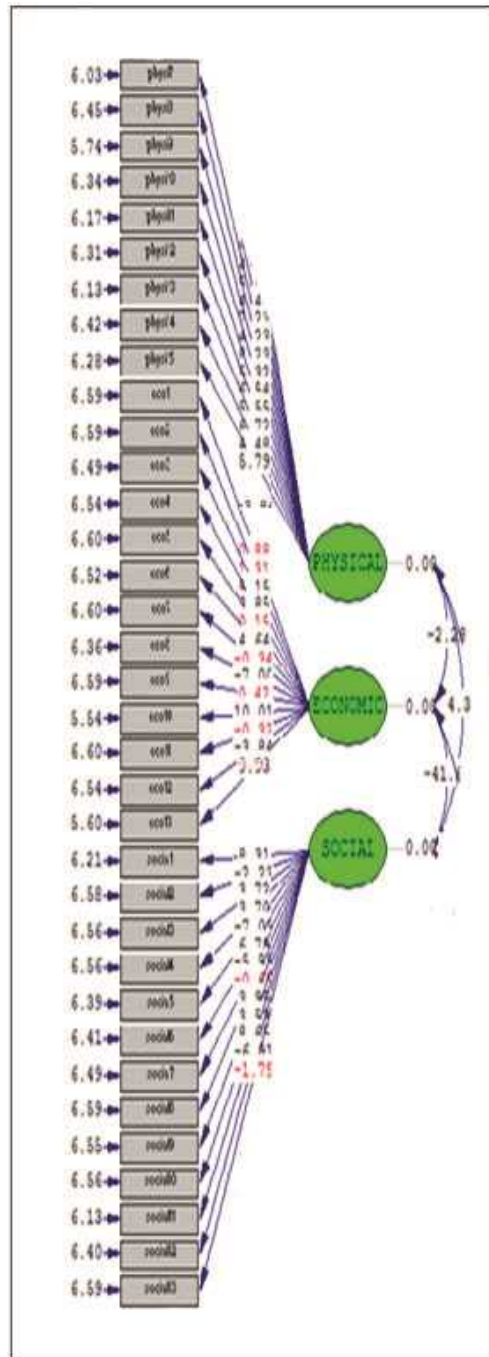
1. AHP
2. Observed
3. Latent

شاد تأیید می‌شود. در ادامه و به منظور اعتبارسنجی از طریق مدل معادلات ساختاری، پس از جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه‌ای، عملیات کدگذاری روی داده‌ها در نرم‌افزار SPSS انجام شد.

داده‌های کدگذاری شده در محیط نرم‌افزار لیزرل^۱ فراخوانی شد و تجزیه و تحلیل‌های لازم در خصوص آنها صورت گرفت. قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به وسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. اگر بار عاملی کمتر از $0/3$ باشد، رابطه ضعیف در نظر گرفته و از آن صرف نظر می‌شود. بار عاملی بین $0/3$ تا $0/6$ قابل قبول است و اگر بزرگ‌تر از $0/6$ باشد، بسیار مطلوب است؛ همچنین در تحلیل لیزرل، شاخص‌هایی که میزان T آنها کمتر از $1/96$ باشد به رنگ قرمز نشان داده و از آنها نیز صرف نظر می‌شود که در این پژوهش نیز چنین عمل شد (شکل شماره (۱)).

با توجه به بارهای عاملی، متغیرهای آشکار مربوط به هر متغیر پنهان مورد بررسی در جدول ذیل اولویت‌بندی شدند.

با توجه به بارهای عاملی مستخرج در مدل استاندارد شده در نرم‌افزار LISREL (جدول شماره (۴)) در کلان‌شهر اصفهان به این ترتیب بیان شده است که از بین ۳۵ مؤلفه، تعداد ۲۷ مؤلفه به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر (با شدت اثر متفاوت) انتخاب شد، به ۹ شاخص کالبدی، تعداد ۹ مؤلفه، از بین ۱۳ شاخص اجتماعی، تعداد ۱۰ مؤلفه و از بین ۱۳ شاخص اقتصادی تعداد ۸ مؤلفه، به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر باقی ماندند و از ۸ مؤلفه به‌دلیل ضریب کمتر از $0/3$ درصد صرف نظر شد. از سوی دیگر، باید اشاره کرد که در شاخص کالبدی، کیفیت نورپردازی در شب با بار عاملی $0/93$ بیشترین ارتباط و تأثیرگذاری را دارد؛ در بعد اجتماعی میزان رضایت از احساس و سلامتی روحی با بار عاملی $0/91$ ، میزان رضایت ساکنان از درآمد سرپرست خانوار امنیت شغلی سرپرست خانوار در بعد خانوار اقتصادی با $0/79$ درصد در اولویت اول قرار دارند.



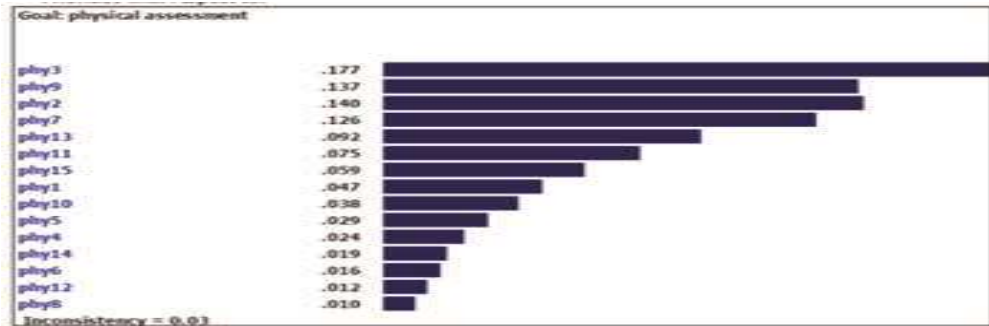
شکل شماره (۱): نمودار T value شاخص‌های شهر شاد

1. LISREL

جدول شماره (۴): اولویت بندی متغیرهای آشکار پژوهش براساس بارهای عاملی مدل استاندارد شده و وزن فازی کلان شهر اصفهان

وزن فازی	بار عاملی	مشاهده (متغیرهای آشکار قابل)	کد متغیر آشکار	ضریب بتا	متغیر پنهان
۰/۰۰۶	۰/۳۴	کیفیت خدمات دهی تسهیلات	Physi1	۰/۵۱۱	کالبدی
۰/۰۴۲	۰/۵۷	کیفیت فضاهای آبی	Physi2		
۰/۰۶۵	۰/۵۶	هاکیفیت معابر و دسترسی	Physi3		
۰/۰۲۶	۰/۴۴	میزان رضایت از دسترسی به ایستگاه حمل و نقل عمومی	Physi4		
۰/۱۴۲	۰/۷۱	دسترسی به فضاهای باز و محیط های طبیعی	Physi5		
۰/۱۷۹	۰/۷۶	کیفیت منظر محله	Physi6		
۰/۰۱۹	۰/۴۴	میزان رضایت از دسترسی به فضاهای مشترک	Physi7		
۰/۲۷۲	۰/۹۳	کیفیت نورپردازی در شب	Physi8		
۰/۲۷۲	۰/۴۴	های شهری کیفیت زیرساخت	Physi9		
۰/۲۰۲	۰/۸۳	سطح امنیت در محله	Soc1	۰/۲۸۷	اجتماعی
۰/۱۶۴	۰/۷۱	ها و اجتماعات با فرهنگ ارتباط با گروه	Soc2		
۰/۲۷۰	۰/۹۱	میزان رضایت از احساس و سلامتی روحی	Soc3		
۰/۰۹۴	۰/۵۹	میزان رضایت از احساس و سلامتی جسمی	Soc4		
۰/۰۴۹	۰/۳۹	میزان شرکت در جشن های بومی و مراسم ها	Soc5		
۰/۰۳۹	۰/۳۶	توجه به فعالیت های تفریحی در برنامه های هفتگی	Soc6		
۰/۰۶۴	۰/۴۷	میزان مشارکت	Soc7		
۰/۱۱۷	۰/۶۱	حس تعلق به محیط مسکونی	Soc8		
۰/۰۹۴	۰/۵۹	ارتباط و تعامل با همسایگان	Soc9		
۰/۱۶۴	۰/۷۱	تعداد برگزاری جلسه های حل مشکلات و امور خیریه	Soc10		
۰/۲۷۲	۰/۷۷	تنوع در قیمت زمین و مسکن	Eco1	۰/۲۶۶	اقتصادی
۰/۲۷۲	۰/۷۹	امنیت شغلی سرپرست خانوار	Eco2		
۰/۲۲۵	۰/۶۹	رضایت از شغل و درآمد سرپرست خانوار	Eco3		
۰/۱۶۵	۰/۶۵	فرصت کسب و کار محلی برای اعضای خانواده	Eco4		
۰/۱۱۹	۰/۵۵	فرصت های شغلی گوناگون برای اعضای خانواده	Eco5		
۰/۰۹۷	۰/۵۱	تناسب هزینه و درآمد خانوار	Eco6		
۰/۰۷۱	۰/۳۹	میزان مراجعه به پزشک در میان اعضای خانوار در طول	Eco7		
۰/۰۵۱	۰/۳۳	انعطاف پذیری شرایط و محیط کاری سرپرست خانوار	Eco8		

(منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۲)



شکل شماره (۲): وزن‌های مربوط به شاخص کالبدی در نرم‌افزار اکسپرت چویس

مؤثر بر اساس بارهای عاملی مستخرج از تحلیل لیزرل و نظر کارشناسان مربوطه اولویت‌بندی و بین طیف ۱ تا ۹ امتیازدهی شد. با توجه به اینکه شاخص کالبدی در بین مؤلفه‌های مؤثر در اولویت اول قرار دارد، برای همین وزن‌های مربوط به شاخص کالبدی در ذیل آورده شده است (شکل شماره (۲)).

پس از اینکه وزن هرکدام از شاخص‌های آشکار محاسبه شد، با استفاده از روش Weighted Sum شاخص‌های آشکار مربوط به هر شاخص پنهان با یکدیگر ترکیب و هم‌پوشانی شد که نتیجه آن استخراج ۳ نقشه ترکیبی برای هرکدام از شاخص‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. کلان‌شهر اصفهان از نظر شاخص کالبدی و اقتصادی در محدوده جنوب و جنوب غرب در وضعیت مطلوبی قرار دارد. سایر قسمت‌ها نیز در وضعیت متوسط و متوسط رو به بالا قرار گرفته است. از نظر شاخص اجتماعی محدوده شمال و شمال‌شرق در وضعیت مطلوبی قرار دارد، سایر بخش‌ها از کیفیت پایین اجتماعی برخوردارند. از نظر شاخص اجتماعی وجود لکه‌های کوچک سبز نشان‌دهنده این است که کلان‌شهر اصفهان کیفیت بالایی ندارد و بیشتر قسمت‌ها در وضعیت متوسط و متوسط رو به پایین قرار دارند (شکل شماره (۳)).

نمایش تصویری وضعیت کلان‌شهر اصفهان براساس شاخص‌های شهر شاد

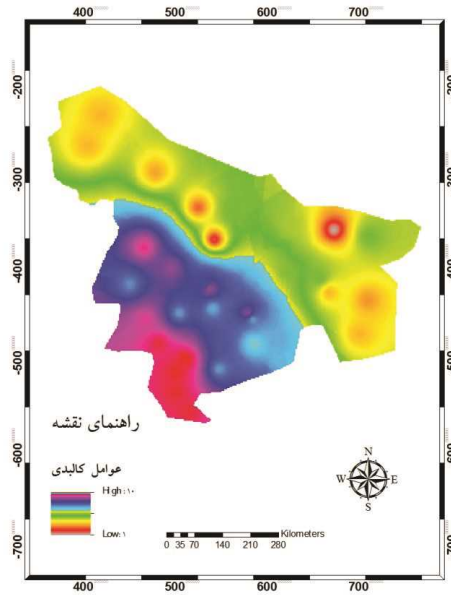
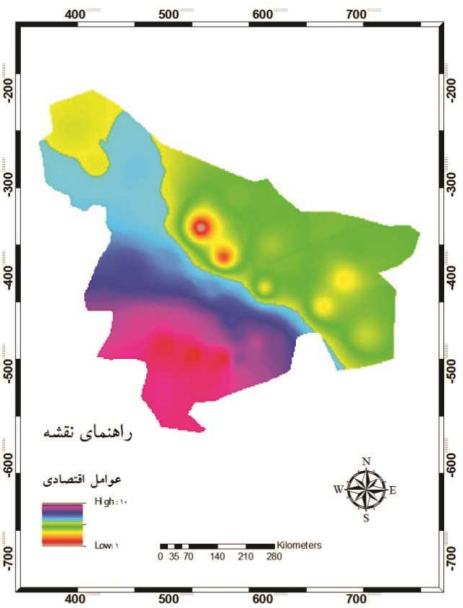
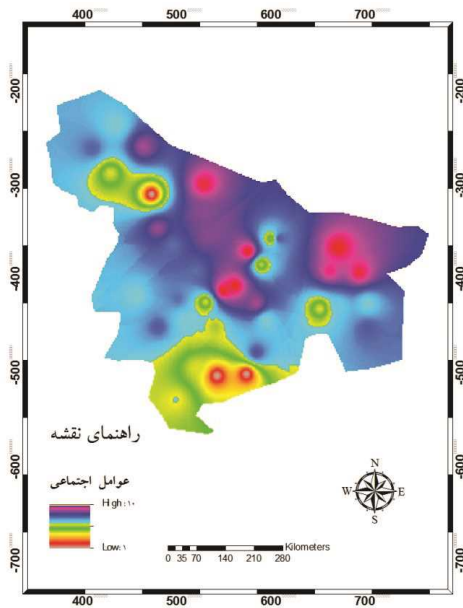
با استفاده از نرم‌افزار SPSS و LISREL تحلیل شاخص‌های پنهان و آشکار انجام گرفته و در مرحله بعدی وارد نرم‌افزار GIS شدند تا وضعیت شاخص‌های شهر شاد در سطح منطقه مورد مطالعه به صورت بصری نشان داده شود. در محیط نرم‌افزار GIS جهت درون‌یابی از روش IDW^۱ بهره گرفته شد. سپس هرکدام از لایه‌های درون‌یابی شده^۲ به لایه رستری^۳ تبدیل می‌شود و با امتیاز ۱ تا ۵ وضعیت شاخص مورد نظر را در سطح کلان‌شهر اصفهان نشان می‌دهد. با این توضیح که عدد ۱ نشان‌دهنده پایین‌ترین وضعیت و کم‌ترین امتیاز و هرچقدر به عدد ۵ نزدیک‌تر می‌شویم، نشان‌دهنده بالاترین امتیاز و ایدئال‌ترین وضعیت شاخص است. پس از تبدیل لایه‌ها به رستر، هرکدام از لایه‌ها با روش Fuzzy Membership فازی‌سازی شدند که وضعیت شاخص‌های شهر شاد را بین صفر و یک نشان می‌دهد، به طوری که عدد ۱ نشان‌دهنده بهترین وضعیت و عدد صفر نشانگر بدترین وضعیت است.

جهت وزن‌دهی شاخص‌ها و میزان تأثیرگذاری آنها بر شاخص‌های شهر شاد، متناسب با موضوع پژوهش و تحلیل سلسله‌مراتبی، فرم وزن‌دهی بین کارشناسان و متخصصان در حوزه شهرسازی توزیع شد و مؤلفه‌های

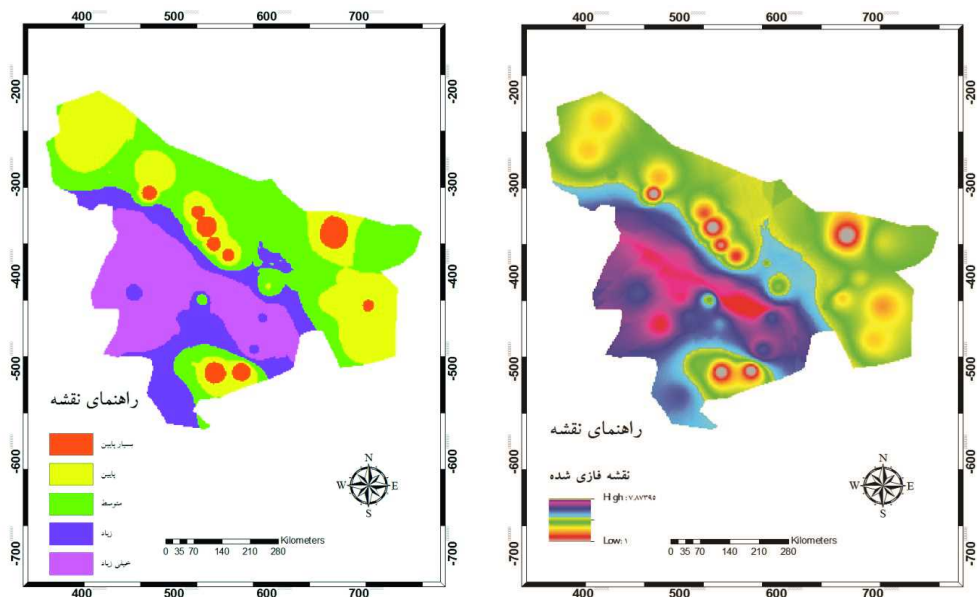
1. Inverse Distance Wighted

2. IDW

3. Rašter



شکل شماره (۳): وضعیت کلان شهر اصفهان براساس شاخص های مؤثر شهر شاد



شکل شماره (۴): نقشه نهایی سنجش شاخص های شهر شاد کلان شهر اصفهان شکل شماره (۵): نقشه نهایی و ریکلسی شده سنجش شاخص های شهر شاد

جدول شماره (۵): وضعیت شاخص های شهر شاد براساس مؤلفه های مؤثر براساس مساحت (هکتار)

شهر اصفهان های شهر شاد کلان میزان شاخص	درجه قابلیت	کلاس
۳۸/۰۳۰۸	بسیار پایین	۱
۱۱۸/۹۵۸۵	پایین	۲
۱۸۱/۴۱۶۹	متوسط	۳
۸۹/۹۳۹۳	زیاد	۴
۱۲۴/۲۹۸۸	بسیار زیاد	۵

(منبع: یافته های پژوهش)

در جنوب نیز در وضعیت متوسط رو به بالا قرار دارد. سایر قسمت ها که با لکه های زرد در قسمت شمالی شهر نمایش داده شده از کیفیت پایینی برخوردار است. این بررسی نشان از آن دارد که در بین مؤلفه های مؤثر بر شاخص های شهر شاد، بعد کالبدی بیشترین تأثیر و نقش را ایفا می کند و بر سایر مؤلفه ها نیز تأثیر می گذارد. برخورداری از شاخص های شهر شاد براساس مساحت

وضعیت نهایی شاخص های شهر شاد کلان شهر اصفهان

با استفاده از توابع Intersect و Reclass نقشه نهایی حاصل از شاخص های شهر شاد در مقیاس فازی رتبه بندی و در قالب شکل ۴ و ۵ نمایش داده شده است. در کلان شهر اصفهان، محدوده غرب و مرکز در وضعیت مطلوبی قرار دارد. قسمت های محدودی

در پنج کلاس بسیار پایین، پایین، متوسط، زیاد و بسیار زیاد محاسبه شده است (جدول شماره ۵). کلان‌شهر اصفهان در کلاس متوسط با ۱۸۱/۴۱۶۹، بیشترین میزان را در این کلاس‌ها به خود اختصاص داده است. همچنین کلان‌شهر اصفهان در کلاس بسیار پایین با ۳۸/۰۳۰۸ هکتار، کم‌ترین میزان را در سطح کلاس‌ها به خود اختصاص داده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رشد فزاینده شهرنشینی در دوران معاصر توجه به ایجاد شاخص‌های شهر شاد را ضروری کرده، از این رو، تمرکز بر پتانسیل‌های فضاهای شهری در راستای دستیابی به شهر شاد از نکات قابل توجه در برنامه‌ریزی شهری به شمار می‌رود و یکی از نیازهای جامعه امروزی برنامه‌ریزی برای افزایش شادی است. امروزه شهرها به مکان‌هایی آشفته تبدیل شده‌اند که به طور قابل ملاحظه‌ای بر نشاط شهروندان تأثیر می‌گذارد. رشد سریع شهرنشینی در کلان‌شهر اصفهان باعث ایجاد مشکلاتی جسمی و روحی شده است که افزایش نشاط اجتماعی و مؤلفه‌های مؤثر بر شادی شهروندان می‌تواند در حل مشکلات مزبور تأثیر بگذارد. بنابراین ارزیابی هریک از شاخص‌های شهر شاد و شناسایی عوامل تأثیرگذار در ارتقای آن را ضروری می‌سازد؛ از این رو، در راستای فرضیه‌های پژوهش، هدف اصلی این پژوهش، سنجش شاخص‌های شهر شاد با اتکا بر مؤلفه‌های مؤثر کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در کلان‌شهر اصفهان است؛ نتایج پژوهش نشان می‌دهد کلان‌شهر اصفهان از لحاظ برخورداری از شاخص‌های شهر شاد هم به ترتیب اولویت، شاخص کالبدی با ۰/۵۱۱ درصد، شاخص اجتماعی با ۰/۲۸۷ درصد و در نهایت شاخص اقتصادی با ۰/۲۶۶ درصد بیشترین نقش را در شاخص‌های شهر شاد در منطقه مورد مطالعه داشته‌اند که نشان می‌دهد بعد کالبدی مهم‌تر از بقیه ابعاد است. در مقایسه پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های انجام‌شده، اورکی و همکاران (۱۳۹۸) به تحلیل فضایی عوامل مؤثر بر شهر شاد از نگاه شهروندان پرداخته‌اند. یافته‌هایشان نشان می‌دهد که مهم‌ترین

عامل تأثیرگذار ویژگی‌های کالبدی از جمله کیفیت منظر است که با پژوهش حاضر همسوست. جمینی و همکاران (۱۴۰۰) به ارزیابی بررسی و تحلیل وضعیت شهر شاد و شناسایی تعیین‌کننده‌های آن در فضاهای کوچک شهری پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که ساختار کالبدی-فضایی دارای بیش‌ترین نقش در نشاط اجتماعی و مشارکت پایین دارای کمترین نقش و اثرگذاری است. همچنین سماواتی و همکاران (۱۳۹۷) به بازشناسی عوامل مؤثر بر شادی در فضاهای عمومی شهری پرداخته‌اند و نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که در سطح ویژگی‌های اجتماعی، زیر شاخص میزان رضایت از احساس و سلامتی جسمی بیشترین تأثیر را بر میزان شهر شاد دارد که با پژوهش حاضر همسوست.

در نهایت، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل نشان می‌دهند که برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تمرکز بر ایجاد فضاهای جمعی، تسهیل در مشارکت شهروندی، ارتقای کیفیت زندگی و ارائه خدمات عمومی مطلوب به ارتقای شهر شاد کمک می‌کند. دقت در ماهیت عوامل شناسایی شده به‌عنوان تعیین‌کننده‌های شهر شاد در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد این عوامل زیرمجموعه و تابعی از متغیری کلان با عنوان مدیریت یکپارچه و کارآمد شهری هستند که می‌تواند با اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر ابعاد مختلف توسعه فیزیکی-کالبدی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی کلان‌شهر اصفهان، در ارتقا، توسعه و شکوفایی شهر شاد در محدوده مطالعاتی مؤثر باشد. در جهت نیل به ایجاد محیطی شاداب و شادی‌آفرین در کلان‌شهر اصفهان پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

ایجاد محیط امن برای گذران اوقات فراغت شهروندان از طریق نظارت مستقیم پلیس؛ متنوع‌سازی کاربری‌های موجود؛ ایجاد و احیای فضای سبز برای دلپذیر کردن محیط؛ کاهش آلودگی صوتی؛ ایجاد نورپردازی شهری برای به وجود آوردن منظر شبانه.

8. Dorling, D. (2008). *Injustice: Why social inequality persists*. Bristol: Policy Press. , 2009.
 9. Fazelian P, Azimi S. (2010) Examining teachers' views on how to freshen up schools according to the physical standards of designing educational spaces. The title of the publication. 1 (29): 41-61. (In Persian).
 10. Graham, G. (2009). "Rethinking the good life". *State of the World*, 164-180.
 11. Hekmatnia, H., mousavi, M., Rasooli, M., & Saeedpour, S. (2021). The Creation of Scenarios Affecting the Achievability of the Indicators of Happy City (Case Study: Urmia City). *Journal of Geography and Regional Development*, 19(1), 264-237. doi: 10.22067/jgrd.2021.50954.0(In Persian).
 12. Jain, T.K (2019): Concept of Happy City: The Smart Cities of the Future, SSRN Electronic Journal, DOI:10.2139/ssrn.3314531.
 13. Jamini, D., Jamshidi, A., & Esmaili, Z. (2021). Review and analysis of the happy city situation and Identification its determinants in small urban spaces (Case: Ravansar Township). *Urban Environmental Planning and Development*, 1(4), 15-28. (In Persian).
 14. Jain, T.K (2019). Concept of Happy City: The Smart Cities of the Future, SSRN Electronic Journal, DOI:10.2139/ssrn.3314531.
 15. Mahabadi, N. S. and Mokhtarzadeh, S. (2022). Happy city evaluation in the new town of Fooladshahr in order to sustainable urban neighborhoods. *Journal of Urban Sustainable Development*, 3(6), 19-34. doi: 10.22034/usd.2022.696823.
 16. McCaber, k., Bare, M., Thomas, J.K., and
1. Ballas, D., & Dorling, D. (2021). "Measuring the impact of major life events upon happiness". *International Journal of Epidemiology*, 36(6), 1244-1252
 2. Brdulak, I., & Brdulak, D. (2017). Suicide rates, life satisfaction and happiness as markers for population mental health. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 41, 333-337.
 3. Cassarino, M.; Shahab, S and Biscaya, S (2021): Envisioning Happy Places for All: A Systematic Review of the Impact of Transformations in the Urban Environment on the Wellbeing of Vulnerable Groups. *Sustainability*, 13, 8086. <https://doi.org/10.3390/su13148086>.
 4. Chan, K. E., & Lee, R. J. (2006). Is there a bubble in the housing market? An Analysis, *Brookings Papers on Economic Activity*, September.
 5. Coșanza, D. Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L (2008). 'I wouldn't start from here': Some reflections on the analysis of housing markets. *Housing, Theory and Society*, 288-291.
 6. Diener, E., & Chan, M. E. (2012). Very happy people. *Psychological Science*, 13(1), 81-84.
 7. Dolan, P., Peasgood, T., & White, M. (2008). Do we really know what makes us happy? A review of the literature on the factors associated with subjective wellbeing. *Journal of Economic Psychology*. <http://dx.doi.org/10.1016/j.joep.2007.09.001>. Durand & Exton, 2019.

- Geography, 22(80), 1-18. doi: 10.22034/iga.2024.709220. (In Persian).
21. Samavati, S., & Ranjbar, E. (2019). Identifying factors affecting happiness in urban public space (Case Study: Pedestrian Zone of Historic Part of Tehran). *Motaleate Shahri*, 8(29), 3-18. doi: 10.34785/J011.2019.828. (In Persian).
22. Veenhoven, R., & Hagerty, M. (2006). "Rising happiness in nations 1946–2004: A reply to Easterlin". *Social Indicators Research*, 79(3), 421- 436.
23. Wiking, M. (2019). *The Key to happiness: how to find purpose by unlocking the secrets of the world's happiest people*. Penguin UK.
24. Zampetakis, L. A., & Moustakis, V. (2006). Linking creativity with entrepreneurial intentions: A structural approach. *The International Entrepreneurship and Management Journal*, 2, 413-428.
25. Zheng, X. Yuan, Z. & Zhang, X. (2020). Does happiness dwell in an owner-occupied house? Homeownership and subjective well-being in urban China, *Cities*, 96, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102404>.
- Lea, A., (2011), Promoting happiness and life satisfaction in school children. *Canadian journal of school psychology*, 26 (3), 177-192.
17. Montgomery, Charles. (2013), *Happy City: Transforming Our Lives through Urban Design*, Publisher: Farrar, Straus and Giroux, Random House, Penguin Books, first edition.
18. Munar, J.L.S., Juana-Espinosa, S.D., Martínez-Buelvas, L., Abarca, Y.V and Tirado, J.O (2020): Organizational Happiness Dimensions as a Contribution to Sustainable Development Goals: A Prospective Study in Higher Education Institutions in Chile, Colombia and Spain, *Sustainability*, 12, 10502; doi:10.3390/su122410502.
19. oraki, P., rezaei, M. R., mobaraki, M., & akbarian, S. R. (2019). Spatial Analysis effective factors happy city from the perspective of the citizens Case Study: Yazd City. *Sustainable city*, 2(3), 19-39. doi: 10.22034/jsc.2019.189162.1038. (In Persian).
20. Nasiri, A., Ebrahimi, L., Ramezanipour, M. and Bozorgmehr, K. (2024). Explaining the status of happy city criteria in urban planning, Case study of Salmanshahr city.

نحوه ارجاع به این مقاله:

حجاریان، احمد. (۱۴۰۳). ارزیابی و تحلیل فضایی مؤلفه‌های مؤثر بر شهر شاد (مطالعه موردی: شهر اصفهان). پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، ۳۳(۳)، ۳۱-۴۵. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2053593.1116>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2053593.1116>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_723120.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





تحلیل علم‌سنجی مفاهیم بیگانگی فضایی: بررسی تحولات مفهومی، دگرگونی‌های پارادایمی و روندهای نوین در تحقیقات جهانی

شیوا ترابی

دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

امیرحسین شبانی*

استادیار، گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

شیرین طغیانی

استادیار، گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

مریم فرخی

استادیار، گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

فرایندهای ناشی از قطبی شدن اجتماعی فضاهای عمومی شهری، به‌طور فزاینده تحت تأثیر نابرابری‌های سیستماتیک، سیاست‌های محدودکننده شهری و توسعه‌های کنترل‌نشده از طریق مکانیزم‌های مختلفی، چون معماری خصمانه، فضای شهری نابرابر، سلطه تکنولوژی و تقلیل‌گرایی، بر چشم‌انداز فضاهای عمومی شهری سایه گسترانیده و احساس بیگانگی فضایی را تعمیق بخشیده است. میراث چنین تاکتیک‌هایی چیزی جز تقلیل عرصه عمومی، نقصان معنا و افت روح اجتماعی در فضاهای شهری نیست، که چرخه بیگانگی را ادامه می‌دهد. در تبارشناسی و فهم چنین وضعیتی، آنچه حائز اهمیت است، اینست که سیر تکوینی و تبارشناختی جریان‌های فکری و ساختاری مولد بیگانگی فضایی که به تدریج به فروپاشی سرمایه‌های اجتماعی و افسول کارکردهای کنش‌گرایانه فضاهای عمومی منجر شده‌اند، واکاوی و بازشناسی گفتمانی شوند. بنابراین نمی‌توان به عوامل روزافزون چالش‌برانگیز نابرابر فضایی که به فرآیند پیش‌رونده طرد از فضاهای شهری منجر می‌شود، توجهی نکرد. از این رو، در این پژوهش، با بهره‌گیری از مرور نظام‌مند مفاهیم و استفاده از چک‌لیست استاندارد پریزما و ابزارهای تحلیل علم‌سنجی، همچون ووس و یوور، به واکاوی ابعاد نظری و روندهای پژوهشی بیگانگی فضایی پرداخته شده است. تحلیل‌ها با جست‌وجو در پایگاه‌های داده معتبر اسکوپس، وب آو ساینس و گوگل اسکولار در بازه زمانی ۱۸۶۷ تا ۲۰۲۵ انجام گرفته است. مرور نظام‌مند مفاهیم، تعاملات پیچیده میان ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فضایی را به‌عنوان سازوکارهای کلیدی در تولید و بازتولید این پدیده شناسایی کرده و نشان می‌دهد که بیگانگی فضایی نتیجه نابرابری‌های ساختاری و تغییرات کلان اقتصادی-اجتماعی است که به شکل‌گیری گسست‌های

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری شیوا ترابی با عنوان «واکاوی پارادایم تولید فضای شهری با رویکردی بر قرانت‌پذیری فضا در مقابله با بحران بیگانگی (نمونه موردی: میدان عتیق اصفهان)» است که به راهنمایی آقای دکتر امیرحسین شبانی و خانم دکتر شیرین طغیانی و استاد مشاور خانم دکتر مریم فرخی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، در گروه شهرسازی، در حال انجام می‌باشد.
*نویسنده مسئول: ashabani@iaun.ac.ir

فضایی منجر می‌شود. به موازات آن، تحلیل علم‌سنجی، با شناسایی شبکه‌های هم‌تألفی، جریان‌های فکری مسلط و الگوهای انتشاری دانش در این حوزه نشان می‌دهد که بیگانگی فضایی نه تنها در تقویت نابرابری‌های اجتماعی و فضایی نقش‌آفرین است، بلکه از رهگذر سازوکارهای قدرت و کنترل، به انضباط فضایی، بحران‌های هویتی و افت کیفیت زیست‌پذیری شهری منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: فضای شهری، بیگانگی فضایی، انزوا، تحلیل علم‌سنجی.

دگرگونی‌های عمیق شده و دیگر چالش‌های فضای عمومی شهری به مسئله‌ای فراتر از کیفیت و توزیع مناسب فضاهای شهری محدود نمی‌شود. در باب فضاهای شهری نوظهور، این مسئله تحت عنوان حکایت یک شکست و تقلیل مفهوم عرصه عمومی، شکل‌گیری فضاهای انتزاعی و فرسایش هویت اجتماعی و فرهنگی بروز می‌یابد. در واقع، این چالش تأکیدی بر افت عملکرد اجتماعی و فراگیر بودن فضاهای شهری است (Carmona, 2021; Sennett, 2018; Putnam, 2000). مسئله اصلی افت عملکرد فضاهای شهری، حاکی از یک جریان اپیستمه^۱ در امر تولید فضای شهری متأثر از روابط سرمایه، ایدئولوژی، تنازع سیاسی، تکنولوژی و سازش با موانع و فشارهای جهانی است (Hou & Knierbein, 2017; Mayer, 2013) که با تناقضات فضایی نوپدید، همچون شکل‌گیری فضاهای انتزاعی، بیگانگی فضایی، زوال معنا و افت روح اجتماعی فضا مواجه شده است (Bourdieu, 2011; Fraser, 2002). از آنجایی که روح اجتماعی و خصلت مدنی، سازنده روح شهروندی و اعتماد است، به نظر می‌رسد که افت عرصه عمومی با افت روح عمومی، که در قلب حس جمعی ما از جامعه مدنی قرار دارد، هم‌راستا شده است (Carmona & Tiesdell, 2007). در این میان، فضاهای شهری به عرصه‌هایی نمایش نابرابری‌های اجتماعی تبدیل شده‌اند؛ بستری که دسترسی به منابع و فرصت‌ها به شکل ناعادلانه‌ای توزیع می‌شود. این نابرابری‌ها در کنار تحولات تکنولوژیک، به گسست روابط اجتماعی و ایجاد شکاف‌های عمیق‌تر در زندگی شهری منجر شده است (Videman, 2001; Green, 2020). پیامد این شرایط، زایش مداوم فضاهایی است که به جای تقویت تعاملات اجتماعی، به تقویت انزوا و کاهش حس تعلق به بسترهای مدنی

فضای عمومی شهری، افزون بر جایگاه کلیدی‌اش در ساختار فیزیکی و معماری شهر، به واسطه لایه‌های نمادین و ادراکی، همواره در مرکز فرآیندی پویا و پیوسته قرار دارد که عرصه تعارض و مبارزه بر سر معانی، هژمونی و بازتولید ارزش‌هاست (Low & Smith, 2006) و به‌عنوان نماد نظام اجتماعی و یکی از عناصر شاخص در پیکربندی سیستم شهر عمل می‌کند (Madanipour, 2003; Ramlee et al., 2015; Qi et al., 2024). بنابراین، فضای عمومی شهری با راهبردهای اجتماعی درگیر است و همین عامل آن را بیش از جوانب کالبدی-فیزیکی‌اش، به پدیده‌ای اجتماعی مبدل کرده و علتی اجتماعی دارد (Madanipour, 2019; Su, Zhang, & Chen, 2020; Soares et al., 2023). از این رو، باید فضای شهری را نه از منظر قلمرویی جغرافیایی و هندسی صرف و منفعل، بلکه از وجه ابزاری آن مورد تأمل قرار داد (Lefebvre, 1974).

در دنیای معاصر، تغییر سبک زندگی، فرهنگ شهری و نسیم جهانی شدن، همراه با افزایش نابرابری‌های اجتماعی، فرآیندهای فضایی را تحت تأثیر قرار داده است. این فرآیندها در قالب رویکردهای تکنوکراتیک که به دنبال تولید فضایی قابل مدیریت و به‌نظر همگن و یکدست هستند (Graham & Marvin, 2001; Sadowski & Pasquale, 2015; Kitchin et al., 2017)، موجب شده که فرآیند تولید فضای شهری، تحت سلطه فزاینده فناوری و منطق سرمایه‌داری، دچار گسست از زمان، مکان و جامعه شود و به ابزاری برای بازتولید از خود بیگانگی، کالاوارگی و تکرار الگوهای سلطه بدل گردد؛ روندی که در بستر فن‌سالاری و رویکردهای تقلیل‌گرایانه شکل گرفته است و استمرار می‌یابد (Brenner, 2019; Madanipour, 2020; Zuboff, 2019) که خود به تداوم نابرابری‌ها و تشدید شکاف‌های اجتماعی و فضایی منجر می‌شود و فهم کنش اجتماعی را از کار انداخته می‌اندازد (Lefebvre, 1974). از این رو، عملکرد فضاهای شهری دستخوش

۱. Episteme: مفهومی است که از آثار فیلسوف فرانسوی میشل فوکو به‌ویژه در کتاب آرایش دانش (The Order of Things) گرفته شده است. اپیستمه به معنای ساختارهای بنیادین و ناخودآگاه دانشی است که در یک دوره خاص تاریخی یا فرهنگی، شرایط ممکن بودن دانایی و فهمیدن را تعیین می‌کند. این مفهوم به‌نوعی به نظام‌های دانشی اشاره دارد که در هر دوره تاریخی شکل می‌گیرند و بر اساس آن‌ها انسان‌ها واقعیت‌ها و مفاهیم را درک و تفسیر می‌کنند.

شهری می‌انجامد. بنابراین، برخی از فضاهای شهری به کهکشانی لایتناهی از ایزدهایی که تجلی بیگانگی هستند تبدیل شده، فضایی که بیگانگی در متن روابط زندگی اجتماعی آن غالباً به صورت مکانی تجلی پیدا می‌کند (Harvey, 2000; Sadowski, 2020; Van, 2018).

در حالی که این استدلال از نظر ظرفیت‌سازی برای تغییرات اجتماعی در زندگی شهری خوش‌بینانه نیست، پیکربندی‌های فضایی، فضاهای نوپدید را به‌عنوان فرصتی منحصر به فرد برای تجربه چگونگی غلبه بازنمایی‌های فضا بر (مبارزه در) زندگی روزمره شناسایی می‌کند. جامعه نه تنها فضایی فیزیکی برای زندگی روزمره ساکنان است، بلکه فضایی عاطفی است که در آن روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و حفظ می‌شود (Madanipour, 2020; Viderman, 2020).

روابط اجتماعی روزمره در جامعه به‌عنوان سازوکاری برای ایجاد حمایت عاطفی و تسهیل دسترسی به منابع اجتماعی عمل می‌کند. این فرایند از طریق تقویت سرمایه اجتماعی، نه تنها به تحکیم پیوندهای درون‌گروهی و انسجام اجتماعی منجر می‌شود، بلکه مشارکت مدنی و شبکه‌های اعتماد متقابل را نیز تقویت می‌کند (Putnam, 2000; Tonkiss, 2005).

در این چهارچوب، ارتباطات اجتماعی به‌مثابه عاملی کلیدی در بازتولید پیوندهای اجتماعی و شکل‌دهی به فضاهای کنش جمعی، نقش مهمی در کاهش احساس انزوا و ارتقای کیفیت زندگی ایفا می‌کند (Forrest & Kearns, 2001; Coleman, 1990).

انزوا و بیگانگی فضایی در سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از ابعاد کلیدی در مطالعات شهری و اجتماعی مطرح شده است. این مفهوم که ریشه در مباحث فلسفی و اجتماعی دارد، در حوزه فضاهای شهری به بررسی پیوند میان محیط‌های فیزیکی و اجتماعی، تجربه‌های فردی و جمعی و تأثیرات فضا بر هویت و تعاملات اجتماعی پرداخته است. در حالی که پژوهش‌های متعددی به بررسی تأثیرات فضاهای شهری بر بیگانگی اجتماعی و فردی پرداخته‌اند، بخش عمده‌ای از

این مطالعات بر تجربه‌های فردی متمرکز است و کمتر به تحلیل تحول نظری و تاریخی این مفهوم در مطالعات شهری توجه کرده‌اند. این در حالی است که اندیشمندانی همچون کاستلز معتقدند فضای شهری نه تنها بازتاب جامعه، بلکه خود بخشی از سازوکارهای اجتماعی آن است و شاخص‌های فضای عمومی به‌طور مستقیم با ارزش‌ها و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جوامع پیوند دارند. با این حال، خلأ نظری قابل توجهی در بررسی چگونگی تحول مفهوم بیگانگی فضایی در چهارچوب‌های نظری مختلف و تصور آن در واکنش به تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وجود دارد. علاوه بر این، پژوهش‌های اندکی به تحلیل شبکه‌های علمی و روندهای همکاری بین‌المللی در این حوزه پرداخته‌اند. بنابراین، ضرورت پرداختن به این بعد از فضای شهری از آن جهت است که شناختی کامل و عمیق از این عرصه زندگی جمعی زمینه‌ساز ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی و کاهش بحران بیگانگی فضایی است؛ چراکه فضای شهری در صورت مناسب آن، بستری است برای وقوع و پرورش حیات مدنی و در وجه نامناسب آن محیطی برای تضعیف زندگی اجتماعی و آغاز بیگانگی. از این‌رو، مطالعه حاضر با بهره‌گیری از روش‌های علم‌سنجی و مرور سیستماتیک، به بررسی تحولات نظری و تاریخی مفهوم بیگانگی فضایی و شناسایی متغیرهای کلیدی مرتبط می‌پردازد. همچنین، با تحلیل شبکه‌های پژوهشی، به الگوهای همکاری علمی میان کشورها، نویسندگان و مؤسسات فعال در این حوزه می‌پردازد و جایگاه این مفهوم در گفتمان معاصر مطالعات شهری را تبیین می‌کند.

بر این اساس، سؤالات اصلی پژوهش به شرح ذیل است:

- مفهوم بیگانگی فضایی چگونه در طول زمان در متون نظری و مطالعات شهری توسعه و تحول یافته و چه تغییراتی در چهارچوب‌های نظری و رویکردهای تحلیلی آن مشاهده می‌شود و چه چهارچوبی برای تحلیل و دسته‌بندی متغیرهای مرتبط می‌توان ارائه داد؟
- چه ارتباطی بین بیگانگی فضایی و مفاهیم مرتبط مانند قدرت، هویت و تضادهای اجتماعی وجود دارد؟

Nelischer & Loukaitou-Sideris, 2022; Green, 2001) و به شکل گمنامی، شکست پیوندهای اجتماعی و طرد از فضا در میان کاربران نمود پیدا می‌کند (Hou & Knierbein, 2017; Purcell, 2014; Soja, 2010) و تداوم چنین وضعیتی به سقوط جامعه منجر می‌شود که اساس ساختار اجتماعی است (Bauman, 2000; Sennett, 2018; Low, 2011). بیگانگی فضایی ارتباط نزدیکی با مفاهیمی، چون فرسایش هویت شهری، نابرابری اجتماعی و انزوای اجتماعی دارد. هنگامی که فضاهای شهری به‌طور فزاینده‌ای قطبی می‌شوند، کاربران فضا احساس بی‌ارتباطی با محیط فیزیکی و نیز بافت اجتماعی را تجربه می‌کنند. این بیگانگی به فرسایش هویت شهری و تشدید نابرابری‌های اجتماعی منجر می‌شود. همچنین، احساس بیگانگی فیزیکی و اجتماعی افراد را به انزوا می‌کشاند که این امر، چرخه‌های حذف و نابرابری در فضاهای شهری را تقویت می‌کند (Haselbacher et al., 2024; Vela-Jimenez & Sianes, 2021; Sassen, 2016).

مفهوم بیگانگی فضایی در طول زمان، تحولاتی اساسی در متون نظری و مطالعات شهری تجربه کرده است. این تحول از ریشه‌های نظری مارکسیستی گرفته شده و از یک تحلیل اقتصادی صرف به یک پدیده پیچیده و چندبعدی گسترش یافته است که در آن، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و تغییرات تکنولوژیک نیز در نظر گرفته شده‌اند (Harvey, 2008). بیگانگی فضایی در ابتدا به‌عنوان شکاف میان افراد و محیط‌های زندگی‌شان به‌ویژه در دنیای سرمایه‌داری تحلیل می‌شد. در این تحلیل، کارل مارکس با مفهوم بیگانگی، به از خودبیگانگی کارگران از محصولات کار خود اشاره داشت که در نهایت به بیگانگی از محیط زندگی‌شان منجر می‌شود. در این رویکرد، بیگانگی فضایی به‌طور ویژه به رابطه کارگران با فضای تولید و سکونتشان مرتبط است (Fainstein, 2000; Marx, 1844). این دیدگاه بعدها در مطالعات شهری، گسترش یافته و به توضیح چگونگی تبدیل شدن فضاهای شهری به ابزارهایی برای تحقق

• الگوی همکاری بین‌المللی میان کشورها و پژوهشگران در حوزه مطالعات فضای شهری و بیگانگی فضایی چگونه شکل گرفته و چه روندها و شبکه‌های پژوهشی در این زمینه قابل شناسایی است؟ این سؤالات چهارچوبی است برای هدایت پژوهش علم‌سنجی منابع نظری جهانی در حوزه بیگانگی فضایی در مقاله حاضر. از این رو، لازم است ابتدا به شناسایی و بررسی تحولات تاریخی و نظری در مفهوم بیگانگی فضایی و دیگر مفاهیم مرتبط، با تأکید بر نقاط عطف و تغییرات کلیدی پردازیم و چگونگی ارتباط بین بیگانگی فضایی و مفاهیم مرتبط دیگر از طریق داده‌های تجربی و نظری را بررسی کنیم و چهارچوبی برای تحلیل و دسته‌بندی متغیرهای مرتبط ارائه و پس از آن با استفاده از ابزارهای علم‌سنجی، تجزیه و تحلیل انتشارات علمی، نویسندگان و مؤسسات فعال در این حوزه را انجام دهیم.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بیگانگی^۱ مفهومی است که در علوم اجتماعی، فلسفه و روان‌شناسی به احساس جدایی یا گسست فرد از خود، دیگران یا محیط اطراف اشاره دارد. در فلسفه مارکسیستی، بیگانگی به معنای احساس از خودبیگانگی فرد در جامعه‌ای است که در آن فرد نمی‌تواند محیط اجتماعی یا اقتصادی خود را کنترل کند (Marx, 1844). در علوم اجتماعی، این مفهوم به فرآیندهایی اشاره دارد که موجب جدایی فرد از اجزای مختلف جامعه یا محیط می‌شود (Simmel, 1908). در زمینه فضای شهری، بیگانگی به احساسی از گسست یا جدایی اشاره دارد که افراد یا جوامع در ارتباط با محیط فیزیکی خود تجربه می‌کنند (Green, 2016; Zou & Xiang, 2012; Lees, 2001). این پدیده زمانی بروز می‌کند که شیوه تولید، عملکرد و مدیریت یک فضا تحت تأثیر فرآیندهای تکنوکراتیک با نیازها، ارزش‌ها، باورها و هویت کاربران آن هم‌خوانی نداشته باشد (Lefebvre, 1991; Harvey, 2001; Mouratidis, 2021; Graham & Marvin, 2001).

1. Alienation

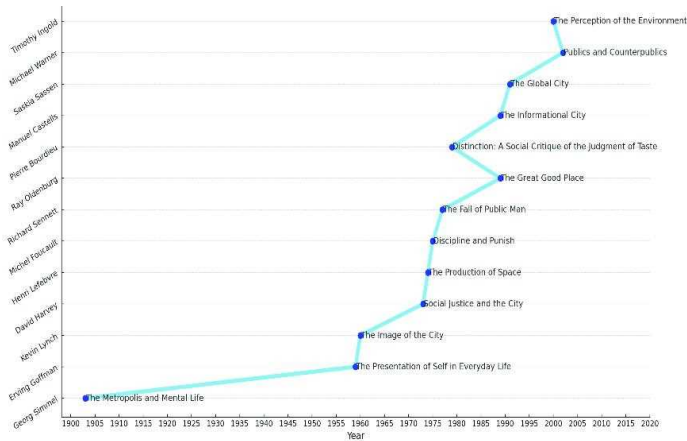
در شهرها مرتبط است و نابرابری‌های فضایی، که ناشی از سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری و اقتصادی است، به بیگانگی ساکنان از محیط‌هایشان منجر می‌شود. سوجا معتقد بود که افراد باید در فرآیند شکل‌دهی به فضاهای شهری نقش فعال داشته باشند تا بتوانند بیگانگی فضایی را کاهش دهند (Soja, 2010; Fraser, 2015). علاوه بر این، تحولاتی در دنیای دیجیتال و فضای مجازی رخ داد که باعث شده‌اند مفهوم بیگانگی فضایی به ابعاد جدیدی بسط یابد. فضاهای دیجیتال و ارتباطات مجازی موجب انتقال تعاملات اجتماعی از فضاهای فیزیکی به دنیای مجازی شده‌اند که خود نوع جدیدی از بیگانگی را به همراه دارد. در این فضاهای مجازی، افراد بیشتر به تعاملات دیجیتال پرداخته و از پیوندهای اجتماعی در دنیای فیزیکی فاصله می‌گیرند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این بیگانگی جدید، در قالب انتقال تعاملات اجتماعی به محیط‌های غیرفیزیکی، از نوع جدیدی از بیگانگی فضایی خبر می‌دهد که در آن انسان‌ها از محیط‌های خود و تجربه‌های واقعی زندگی شهری جدا می‌شوند (Sharma, 2014).

تصویر شماره (۱) تحول نظریه‌ها و مفاهیم کلیدی مربوط به بیگانگی در فضا و محیط‌های شهری را از اوایل قرن بیستم تا اوایل قرن بیست و یکم به تصویر می‌کشد. در تصویر شماره (۱) و جدول شماره (۱)، نظریه‌پردازان، آثار شاخص و تحلیل‌های کلیدی آورده شده است. این زمان‌بندی یک گفتمان غنی و در حال تحول درباره بیگانگی در فضاهای شهری را منعکس می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه نظریه‌پردازان مختلف به درک این پدیده در طول زمان کمک کرده‌اند. تم‌های کلیدی شامل تأثیرات روان‌شناختی شهرسازی، تأثیر سرمایه‌داری و جهانی‌سازی و اهمیت فضاهای عمومی برای جامعه و نقش هویتی آن در زندگی شهری است. این نظریات، پیچیدگی و چندوجهی بودن مسئله بیگانگی شهری را به نمایش می‌گذارد.

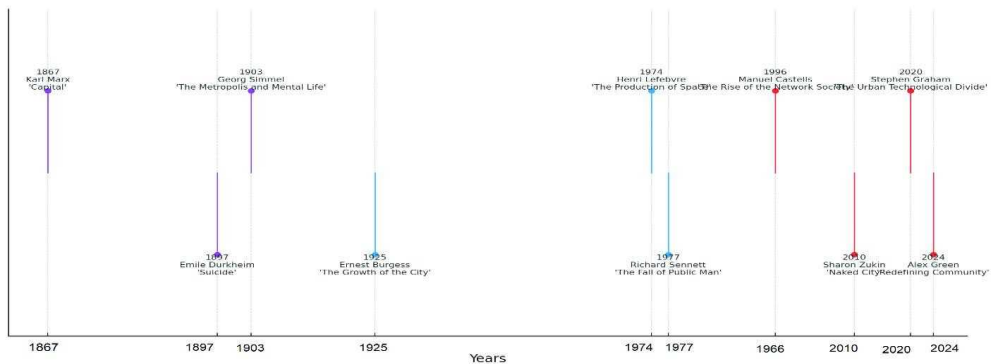
تصویر شماره (۲) تحول مفهوم بیگانگی فضایی را از اقتصاد سیاسی مارکس تا تحولات فناوری مدرن گرین^۱

منافع سرمایه‌داری و بیگانگی ساکنان نسبت به خود و محیط زندگی‌شان پرداخته است (Lefebvre, 1974). یکی از نقاط عطف در تکامل مفهوم بیگانگی فضایی، به نظریه هانری لوفور در کتاب تولید فضا بازمی‌گردد، جایی که او به تشریح چگونگی تولید اجتماعی فضا پرداخته و نشان داده است که چگونه فضاهای شهری تحت تأثیر منافع اقتصادی و سرمایه‌داری، به فضاهای بیگانه‌کننده تبدیل می‌شوند که نه تنها افراد را از محیط فیزیکی‌شان، بلکه از هویت اجتماعی و فرهنگی خود نیز بیگانه می‌کنند (Fraser, 2015; Purcell, 2014). لوفور نشان داد که بیگانگی فضایی ناشی از استثنا کردن مردم از فرآیندهایی است که فضاها را شکل می‌دهند، که این امر به احساس بی‌قدرتی و جدایی اجتماعی منجر می‌شود (Lefebvre, 1974). بر اساس این دیدگاه، فضاهای شهری تحت سلطه نهادهای سرمایه‌داری به گونه‌ای طراحی می‌شوند که تنها به نفع گروه‌های خاص و سرمایه‌داران است و ساکنان محلی در این فضاها جایی برای شکل دادن به زندگی اجتماعی و فرهنگی خود ندارند. با گسترش فرآیندهای نئولیبرالی در دهه‌های اخیر، مفهوم بیگانگی فضایی به ابعادی اقتصادی‌تر و اجتماعی‌تر نیز گسترش یافت. در این راستا، دیوید هاروی در تحلیل‌های خود به آثار نابرابری‌های فضایی ناشی از سیاست‌های گسترش سرمایه‌داری اشاره کرده است که شامل فرآیندهایی مانند نوسازی شهری و خصوصی‌سازی فضاهاست. این فرآیندها به جابه‌جایی و طرد گروه‌های مردم از فضاهای شهری و در نتیجه به تشدید احساس بیگانگی و بی‌هویتی در میان ساکنان این فضاها منجر می‌شود (Harvey, 2013; Soja, 2010; Fraser, 2015). در این زمینه، فضاهای شهری به مکانی برای منفعت‌طلبی اقتصادی بدل می‌شوند و دیگر کارکرد اجتماعی خود را از دست می‌دهند که این موضوع بیگانگی ساکنان از محیط‌شان را بیشتر می‌کند. در اواخر قرن بیستم، ادوارد سوجا با بهره‌گیری از نظریات لوفور، مفهوم عدالت فضایی را چهارچوبی انتقادی معرفی کرد. طبق این رویکرد، عدالت اجتماعی به روابط فضایی

1. Green, D



تصویر شماره (۱): بررسی تحولات زمانی نظریه‌ها در حوزه بیگانگی فضایی ماخذ: نگارندگان

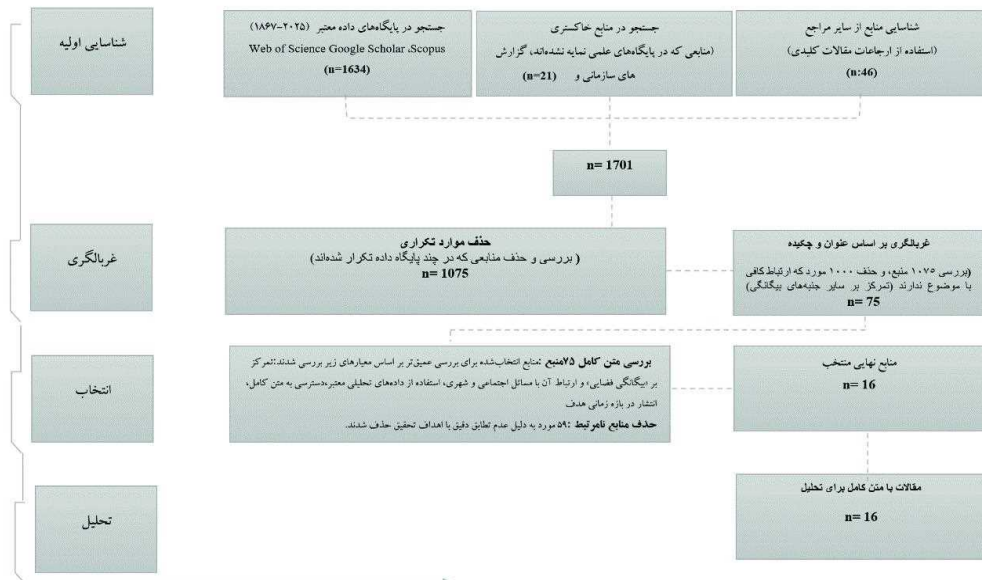


تصویر شماره (۲): تحلیل روند تاریخی نظریه‌ها در حوزه بیگانگی فضایی ماخذ: نگارندگان

روش پژوهش

پژوهش حاضر دارای رویکرد قیاسی-استقرایی و ماهیت توصیفی-تحلیلی است، به طوری که ابتدا با تحلیل کیفی مقالات کلیدی، مفاهیم و شکاف‌های پژوهشی استخراج (استقرایی) و سپس با تحلیل علم‌سنجی داده‌های کمی، روندها و چهارچوب‌های نظری موجود شناسایی شده است (قیاسی). در بخش توصیفی، روندهای تاریخی و ویژگی‌های متون علمی، مانند تعداد استنادها، نویسندگان کلیدی و موضوعات شاخص معرفی می‌شوند. در بخش تحلیلی، برای

دنبال می‌کند. آثار اولیه بر جدایی انسان از فضا در نتیجه نابرابری‌های اقتصادی و تغییرات اجتماعی تأکید دارند، در حالی که نظریه‌پردازان مدرن بر تأثیر فناوری و جهانی‌سازی در بازتعریف فضا و روابط انسانی تمرکز می‌کنند. در طول زمان، فضا به عنوان محصول نیروهای اجتماعی و اقتصادی شناخته شده که می‌تواند جدایی انسان‌ها از محیط و جامعه‌شان را تقویت کند. این تحلیل نشان می‌دهد که بیگانگی فضایی نتیجه پیچیده‌ای از فرایندهای تاریخی، فناوری و سیاسی است.



نمودار شماره (۱): جریان فرایند غربالگری و انتخاب منابع بر اساس چهارچوب PRISMA

دقیق کلمات کلیدی شامل اصطلاحات «بیگانگی فضایی^۱» و «بیگانگی شهری^۲» امکان شناسایی جامع منابع را طی پژوهش فراهم آورد. معیارهای ورود به مطالعه شامل آثاری با دسترسی به متن کامل، پوشش زمانی ۱۸۶۷ تا ۲۰۲۵ و تمرکز بر جنبه‌های نظری بیگانگی فضایی بوده است، درحالی‌که منابع صرفاً تجربی و مطالعات غیر مرتبط کنار گذاشته شدند. فرآیند پالایش و غربالگری منابع علمی با رویکردی نظام‌مند و مبتنی بر چهارچوب استاندارد پریزما اجرا شد. در مرحله نخست، تعداد ۱۰۷۵ منبع اولیه شناسایی شد که پس از ارزیابی مقدماتی مبتنی بر تحلیل عنوان و چکیده، تعداد هزار منبع به دلیل فقدان قرابت محتوایی کافی با مسئله پژوهش از فرایند بررسی خارج شدند. در گام بعدی، ۷۵ منبع منتخب مورد واکاوی عمیق از حیث تطابق مفهومی و روش‌شناختی با پرسش اصلی پژوهش و اهداف آن قرار گرفتند. در نهایت، صرفاً ۱۶ منبع که دارای انسجام علمی، ارتباط وثیق با موضوع

شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر بیگانگی فضایی، مروری سیستماتیک از مطالعات موجود در این حوزه بر اساس چهارچوب استاندارد پریزما^۱ انجام شده است. این روش با هدف تحلیل دقیق مفاهیم بیگانگی فضایی، شناسایی متغیرهای کلیدی، ارزیابی توزیع این مفاهیم در نظریات مختلف و استخراج شکاف‌های موجود در پژوهش‌های پیشین، فرآیندی منسجم و استاندارد را دنبال کرده است. براین اساس، محتوای مقالات منتخب از نظر مفاهیم نظری و رویکردهای پژوهشی بررسی و چهارچوبی برای درک تحولات بیگانگی فضایی ارائه شده است. سؤال اصلی این پژوهش، بررسی نحوه بازنمایی مفاهیم بیگانگی فضایی در آثار نظریه‌پردازان مختلف است و چهارچوبی برای تحلیل و دسته‌بندی متغیرهای مرتبط ارائه می‌دهد. جست‌وجوی منابع علمی در این مطالعه، از طریق پایگاه‌های معتبر همچون اسکوپس^۲، وب‌آو ساینس^۳ و گوگل اسکولار^۴ انجام شده است. ترکیب

1. PRISMA
2. Scopus
3. Web of Science
4. Google Scholar

5. Spatial Alienation
6. Spatial Alienation

جدول شماره ۱. مفاهیم کلیدی در ادبیات و متون جهانی بیگانگی

Variables	Theoretical studies															Repetition			
	Marc. K. 1887	Durkheim, E. 1897	Simmel, G. 1903	Bergson, E. 1925	Lefebvre, H. 1974	Harvey, D. 1973	Goffman, E. 1959	Sennett, R. 1977	Castells, M. 1996	Zakaria, S. 2010	Deleuze, G. 2015	Mousser, H. 2015	McGinty, J. P. 2018	Graham, S. 2020	Katz, P. 2021		Schwenberger, E. 2022	Grew, D. 2024	
انزوا		•	•	•		•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	16
محیطی اجتماعی بیگانگی																			
جدول شماره ۱. مفاهیم کلیدی در ادبیات و متون جهانی																			
محیط خصمانه			•	•										•				•	3
مقیاس غیر انسانی و معماری ناهمگون														•			•		2
محیط ساخته شده جبرگانه			•	•		•											•		3
فقر فضایی (محرومیت زیرساختی و خدماتی)				•		•										•	•		4
سرمایه داری	•					•				•				•					4
نابرابری استفاده			•		•											•	•		4
بی قدرتی سیاسی						•			•								•		3
خصوصی سازی						•			•	•									3
کالایی سازی	•				•	•			•	•				•		•	•	•	8
جهانی سازی									•					•	•	•	•	•	5
مصرف گرایی						•							•	•	•				4
تفکیک اجتماعی			•				•	•							•	•	•	•	6
گست فرهنگی								•						•	•	•	•	•	5
گست هویتی			•					•	•					•		•	•	•	7
فقدان زیرساخت اجتماعی					•									•		•	•		3
فقدان امنیت														•		•	•		3
فقدان فرصت تعامل			•						•					•	•	•	•	•	6
کثرتی شدن فضا	•		•			•	•	•								•	•		7
اضطراب محیطی							•							•	•	•	•	•	4
بی تفاوتی و فقدان تعلق			•					•						•	•	•	•	•	7
انزوا و تنهایی			•					•	•					•	•	•	•	•	7

ماخذ: نگارندگان

مجلات شاخص منتشر شده‌اند. سپس با استفاده از نرم افزار ووس و یوور، به تحلیل داده‌ها از طریق، تحلیل شبکه‌ای با ترسیم نقشه روابط استنادی، شبکه نویسندگان کلیدی و خوشه‌بندی موضوعات از طریق تحلیل هم‌رخدادی جهت شناسایی موضوعات رایج و نوظهور در حوزه بیگانگی فضایی بررسی شده است. این رویکرد به شناسایی روندهای اصلی و تمرکز بر مقالاتی که بیشترین تأثیر علمی را داشته‌اند، کمک می‌کند.

بحث و یافته‌های پژوهش

۱-۴- برآیند تحلیل محتوایی در چهارچوب مرور نظام مند
بر اساس چهارچوب مرور نظام مند منابع منتخب،

پژوهش و انطباق کامل با معیارهای گزینش بودند، جهت تحلیل نهایی برگزیده شدند. این فرآیند با رعایت دقت حداکثری به منظور تضمین اعتبار، روایی و جامعیت به انجام رسیده است (نمودار شماره ۱)). در روش علم‌سنجی، داده‌ها از پایگاه‌های معتبر وب آو ساینس و اسکوپس با استفاده از عبارت‌های «بیگانگی فضایی» و «بیگانگی شهری» در عنوان و چکیده جمع‌آوری شده است. ابتدا با تمرکز بر مقالات دهه اخیر و با تأکید بر معیارهایی، مانند سال انتشار، تعداد استنادها، شاخص تأثیر مجله و نویسندگان برجسته، از بین ۱۰۷۵ مقاله، ۸۶۵ مقاله انتخاب و تحلیل شده است.

مقالات انتخاب شده بالاترین استنادها را دارند و در

در ادامه شاخص‌هایی، مانند تفکیک اجتماعی، گسست فرهنگی، گسست هویتی، فقدان فرصت تعامل، تنهایی و انزوا، عوامل مهم دیگری در ایجاد بیگانگی فضایی در لایه اجتماعی شناخته شده‌اند. این موضوع نیز بیانگر این است که روابط اجتماعی و هویت افراد، به شدت تحت تأثیر محیط فیزیکی و ساختارهای اجتماعی قرار دارد. بررسی و تحلیل نظریات و شناسایی شاخص‌های مؤثر بر بیگانگی فضایی حاکی از آن است که سایه‌های پنهان منابع قدرت و نیروهای بالادست، موجب خلق فضاهایی شده است که با فرهنگ، ارزش‌ها و اهداف جامعه مدنی همگام نیست. از این رو، پیکر شهرهای معاصر، شاهد مغلوب شدن منافع عمومی در برابر منافع خصوصی، شکل‌گیری انضباط فضایی، بهنجارسازی حضور افراد در فضا و متعاقباً از پیش تعیین‌بخشی الگوهای رفتاری در فضا، افت معنا و تحمیل بیگانگی به آن شده است. همچنین روند کلی مطالعات نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، توجه بیشتری به نقش عوامل اجتماعی و روان‌شناختی در ایجاد بیگانگی فضایی شده است. همچنین، به مطالعات در زمینه ارتباط بین بیگانگی فضایی و نابرابری اجتماعی، به‌طور فزاینده‌ای توجه شده است.

۴-۲- یافته‌های مبتنی بر رویکرد علم‌سنجی ۴-۲-۱- تحلیل هم‌رخدادی^۱ دو آیتم

هم‌رخدادی در تحلیل‌های علم‌سنجی به معنای هم‌زمان ظاهر شدن دو یا چند کلمه، عبارت یا مفهوم در یک سند است. این هم‌زمانی نشان‌دهنده ساختار موضوعی، ارتباط مفهومی و معنایی بین آن مفاهیم است (Zhang & Yu, 2020). تصویر شماره (۳) یک شبکه هم‌رخدادی از تحلیل‌های کتاب‌سنجی در بین ۸۶۵ مقاله در نرم‌افزار ووس و یوور است که در آن روابط بین اصطلاحات مختلف مرتبط با مفهوم «بیگانگی» به صورت بصری نشان داده شده است. هر گره در این شبکه، نمایانگر کلمات کلیدی و اصطلاحات پرتکرار است. اندازه گره‌ها به تعداد رخدادها در آن

1. Co-occurrence

کلمه در داده‌های منبع بستگی دارد. برای مثال، کلمه «بیگانگی^۲» در مرکز و با اندازه بزرگ. نشان‌دهنده اهمیت مرکزی آن در کل شبکه است که با طیف وسیعی از اصطلاحات دیگر مرتبط است که ماهیت چندوجهی بیگانگی و ارتباط آن با جنبه‌های مختلف زندگی شهری را مشخص می‌کند. خطوطی که گره‌ها را به هم متصل می‌کنند، نشان‌دهنده پیوند میان هم‌رخدادی کلمات کلیدی در اسناد مختلف است. به عبارتی، اگر دو کلمه در یک مقاله یا منبع به‌طور مکرر کنار هم استفاده شده باشند، بین آن‌ها یک پیوند برقرار می‌شود. ضخامت پیوندها نیز نشان‌دهنده قدرت هم‌رخدادی است. بر اساس تصویر شماره (۱) و نتایج به‌دست آمده (جدول شماره (۲) اصطلاح بیگانگی با بیشترین تعداد هم‌رخدادی بین دو آیتم و معادل ۳۲۰ مرتبه تکرار و ۱۵۰ پیوند و مجموع ۱۲۰۰ قدرت پیوند، بالاترین تأثیرگذاری و حضور در شبکه را دارد که نشان‌دهنده تمرکز قابل توجه اسناد و مطالعات بر موضوع بیگانگی در تحلیل‌های مرتبط با فضای شهری و فضای اجتماعی است. اصطلاحات کلیدی پرتکرار شهر، اجتماع و هویت. به ترتیب با تعداد هم‌رخدادی، ۲۸۰، ۲۵۰ و ۲۲۰، مجموع پیوند ۱۱۰، ۱۲۰ و ۹۵ و مجموع قدرت پیوند ۹۰۰، ۸۵۰ و ۷۵۰. جایگاه بعدی را دارند، این موضوع نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌های شهری و مسائل اجتماعی و هویتی به شدت با مفهوم بیگانگی فضایی مرتبط هستند و از نظر مفهومی عدالت اجتماعی، انسجام اجتماعی و سرمایه‌داری رابطه معنادار با مسئله بیگانگی فضایی دارند. در تحلیل خوشه‌های اصلی، خوشه آبی ارتباط مفهوم بیگانگی با مفاهیم «اعیان‌سازی»، «برنامه‌ریزی شهری» و «پایداری» را نشان می‌دهد. این روابط و پیوند به تأثیر تغییرات ساختاری و تحولات شهری در مسئله بیگانگی فضایی اشاره دارد. فرآیند نوسازی شهری معمولاً باعث جابه‌جایی جمعیت‌های بومی و اقبال کم‌درآمد از مناطق خرد می‌شود. این تغییرات به ایجاد حس بیگانگی فضایی در میان ساکنان بومی

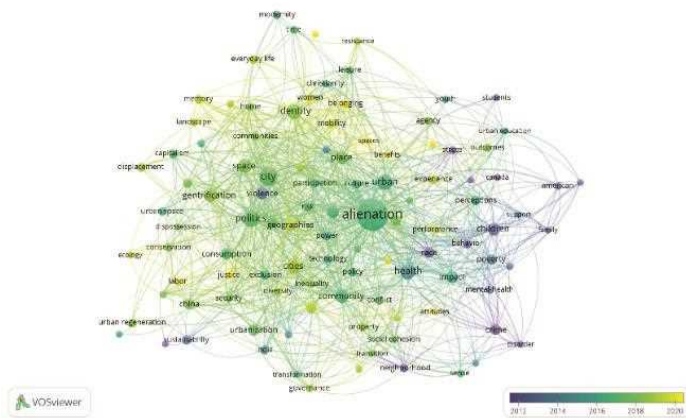
2. Alienation

جدول شماره (۲): بررسی تعداد هم‌رخدادی، پیوند و قدرت پیوند بین دو آتیم

ID	Cluster	Item	Total Link	Total Link Strength	Occurrences	توضیحات مفهومی
1	3	Alienation	150	1200	320	مرکز شبکه؛ نمایانگر بیگانگی، مرتبط با مفاهیمی چون هویت، نابرابری، و جامعه.
2	1	Urban	120	900	280	هسته شبکه؛ مفاهیم مرتبط با شهر و توسعه شهری، از جمله فضا و سیاست‌های شهری.
3	2	Community	110	850	250	نمادی از اجتماع و انسجام اجتماعی، که به عدالت اجتماعی و همبستگی محلی اشاره دارد.
4	1	Identity	95	750	220	مرتبط با هویت اجتماعی و فردی؛ اشاره به نقش هویت در شکل‌دهی فضاهای شهری.
5	4	Crime	85	700	200	نمایانگر جرائم شهری؛ در ارتباط با مفاهیمی چون فقر، عدالت اجتماعی، و انسجام محلی.
6	2	Race	80	680	190	نشان‌دهنده چالش‌های نژادی و عدالت اجتماعی؛ پیوند مستقیم با جامعه و سیاست‌های تبعیض‌زدا.
7	5	Gentrification	75	620	180	فرآیند نوسازی شهری و تغییرات اقتصادی-اجتماعی در محله‌ها؛ تأثیر مستقیم بر بی‌عدالتی فضایی و جابه‌جایی جمعیتی.
9	3	Poverty	60	500	150	نشان‌دهنده فقر و پیامدهای اقتصادی اجتماعی آن؛ پیوند نزدیک با جرم، انسجام اجتماعی، و حاشیه‌نشینی.
10	4	Social Cohesion	55	450	140	نمایانگر پیوندهای اجتماعی در شهرها؛ ارتباط تنگاتنگ با جامعه، نژاد، و سلامت.
11	5	Urbanization	50	400	130	فرآیند گسترش شهری و پیامدهای آن بر ساختار اجتماعی و فضایی شهر.
12	3	Space	48	380	120	به فضاهای شهری و نقش آن‌ها در سیاست‌گذاری و زندگی روزمره اشاره دارد.
13	1	Gender	45	360	110	نقش جنسیت در تعاملات اجتماعی و شکل‌دهی فضاهای شهری؛ پیوند مستقیم با هویت و بی‌عدالتی اجتماعی.
14	5	Capitalism	40	320	100	تأثیر نظام سرمایه‌داری بر شهرسازی و ساختارهای فضایی؛ مرتبط با نوسازی شهری و بی‌عدالتی اقتصادی.

منجر می‌شود؛ زیرا محیط‌های آشنا دستخوش تغییرات هویتی و اجتماعی می‌گردند. در حوزه برنامه‌ریزی شهری نیز، سیاست‌های توسعه شهری، اگر بدون در نظر گرفتن تنوع فرهنگی و اجتماعی مناطق صورت گیرند، فضاهایی ایجاد می‌کنند که مردم محلی با آن‌ها احساس بیگانگی کنند. برخلاف تلاش‌های برنامه‌ریزی پایدار برای ارتقای کیفیت زندگی، اگر این برنامه‌ها بدون مشارکت مردم محلی انجام شوند، ممکن است به حذف یا انزوای گروه‌هایی خاص منجر شود و حس بیگانگی را تقویت کند. خوشه قرمز، ارتباط مفاهیم کلیدی «جرم»، «فقر»، «انسجام اجتماعی» با بیگانگی را نشان می‌دهد. این خوشه نمایانگر تأثیرات بیگانگی بر جامعه و انسجام اجتماعی است. در واقع بیگانگی می‌تواند شکاف‌هایی در انسجام اجتماعی ایجاد کند. افرادی که از بستری‌های عمومی شهری طرد و از جامعه خود بیگانه می‌شوند، معمولاً از روابط اجتماعی مؤثر نیز فاصله می‌گیرند و این امر به کاهش همبستگی اجتماعی می‌انجامد. خوشه سبز، شامل مفاهیمی مانند «هویت»، «فضا» و «جامعه» این خوشه نیز بر روی تأثیرات بیگانگی بر فضاها و هویت‌های اجتماعی متمرکز است. بیگانگی فضایی با از بین رفتن ارتباط فرد با مکان و کاهش حس تعلق همراه است. این امر ناشی از تحولات کالبدی یا اجتماعی در مکان‌های زندگی افراد است. خوشه زرد شامل ارتباط مفاهیم «سرمایه‌داری»، «کار» و «تصرف» با بیگانگی است، که زمینه‌های اقتصادی و طبقات اجتماعی در حوزه بیگانگی را

منجر می‌شود؛ زیرا محیط‌های آشنا دستخوش تغییرات هویتی و اجتماعی می‌گردند. در حوزه برنامه‌ریزی شهری نیز، سیاست‌های توسعه شهری، اگر بدون در نظر گرفتن تنوع فرهنگی و اجتماعی مناطق صورت گیرند، فضاهایی ایجاد می‌کنند که مردم محلی با آن‌ها احساس بیگانگی کنند. برخلاف تلاش‌های برنامه‌ریزی پایدار برای ارتقای کیفیت زندگی، اگر این برنامه‌ها بدون مشارکت مردم محلی انجام شوند، ممکن است به حذف یا انزوای گروه‌هایی خاص منجر شود و حس بیگانگی را تقویت کند. خوشه قرمز، ارتباط مفاهیم کلیدی «جرم»، «فقر»، «انسجام اجتماعی» با بیگانگی را نشان می‌دهد. این خوشه نمایانگر تأثیرات بیگانگی بر جامعه و انسجام اجتماعی است. در واقع بیگانگی



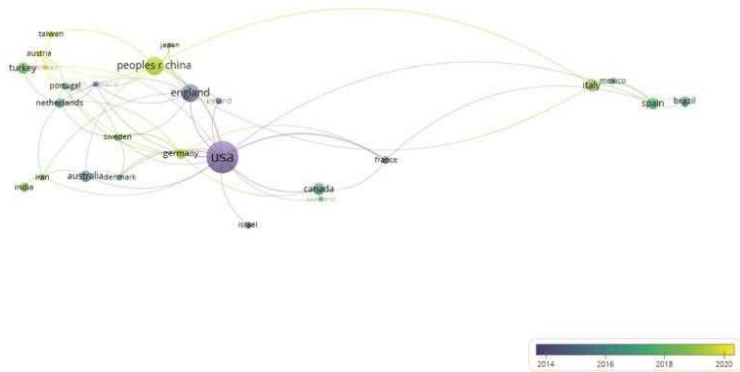
تصویر شماره (۴): تحلیل هم‌زمانی وقوع دو آیتم

اجتماعی-فرهنگی و فضایی است. از این رو، اقدامات و سیاست‌های اصلاحی در مقابله با بحران بیگانگی باید در چندین سطح به صورت سیستماتیک و هماهنگ پیاده‌سازی شوند.

۴-۲-۳- تحلیل هم‌زمانی وقوع دو آیتم در نمای هم‌پوشانی شبکه

تحلیل هم‌زمانی وقوع دو آیتم در نمای هم‌پوشانی شبکه به بررسی و شناسایی ارتباطات و همبستگی‌های مشترک بین اصطلاحات و مفاهیم در مطالعات مرتبط با حوزه بیگانگی در سال‌های زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ بر اساس امتیاز میانگین سال انتشار در شبکه می‌پردازد. نمای هم‌پوشانی شبکه در تصویر شماره (۴) نشان‌دهنده تحول تدریجی در تمرکز پژوهش‌های مرتبط با بیگانگی است. در طول زمان، پژوهش‌ها از موضوعات کلی‌تری، مانند سیاست و شهر به سمت حوزه‌های خاص‌تری همچون بازسازی شهری، فقر و نابرابری و مسائل اجتماعی سوق یافته‌اند. این تغییرات، به‌ویژه از سال‌های اولیه (۲۰۱۲-۲۰۱۵) که تمرکز عمده بر مسائل اجتماعی نظیر جرم و نابرابری بود، به تدریج به مسائل پیچیده‌تری، مانند سیاست‌های بازسازی شهری، پایداری، هویت و مسائل اجتماعی در فضاهای شهری تغییر کرده است. هم‌زمانی برجسته

بررسی می‌کند. ارتباط بین مفاهیم در این خوشه حاکی از این است که پدیده سرمایه‌داری و سلب مالکیت از طبقات پایین‌تر جامعه، چه از طریق سیاست‌های شهری و چه از طریق سازوکارهای اقتصادی، یکی از دلایل اصلی بیگانگی اقتصادی و اجتماعی است. این تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهد که بیگانگی مفهومی چندبعدی است که در تعامل با ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فضایی، تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع و محیط‌های شهری دارد. از تحولات کالبدی و برنامه‌ریزی شهری گرفته تا نابرابری‌های اقتصادی و بحران هویت، بیگانگی پیوندی عمیق با بسیاری از مفاهیم کلیدی در مطالعات شهری و اجتماعی دارد. همچنین پیوندهایی که بین خوشه‌ها قرار دارند، نشانگر روابط میان موضوعی هستند. این پیوندها نشان می‌دهند که مفاهیم چگونه از یک حوزه پژوهشی به حوزه دیگر گسترش یافته‌اند. برای مثال، ارتباط بین خوشه‌های آبی و زرد نشان‌دهنده پیوندهای بین «بیگانگی» و «هویت» است که نشان می‌دهد پژوهش‌های بسیاری به موضوع بیگانگی و تأثیر آن بر هویت اجتماعی پرداخته‌اند. با توجه به تعداد دفعات هم‌رخدادی، می‌توان نتیجه گرفت که بیگانگی فضایی محصولی از روابط پیچیده و چندوجهی میان ساختارهای سیاسی-اقتصادی،



تصویر شماره (۵): شبکه مطالعات و اسناد منتشرشده کشورها در حوزه بیگانگی فضایی

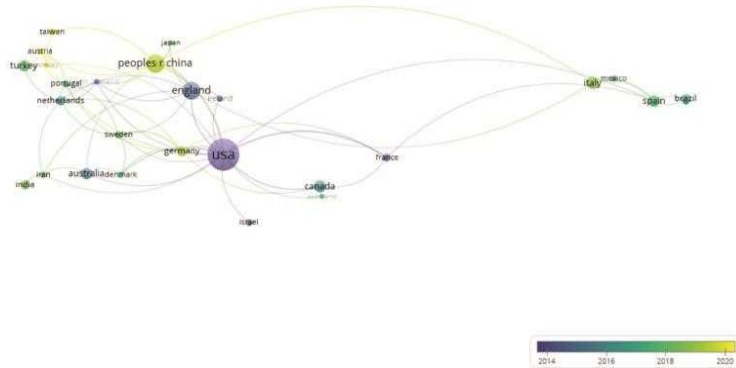
حوزه‌های بیگانگی اجتماعی، نابرابری و توسعه شهری، به دلیل تأثیرگذاری گسترده رتبه اول را به خود اختصاص داده است. تمرکز بر موضوعات مرتبط مانند عدالت اجتماعی، نژادپرستی، بیگانگی در جوامع چندفرهنگی نشان از اهمیت این مفاهیم در بافت اجتماعی آمریکا دارد. نابرابری‌های طبقاتی و تنوع فرهنگی در این کشور زمینه‌ساز شکل‌گیری گفتمان‌های بیگانگی در سطحی عمیق‌تر شده است. کشور چین به دلیل تمرکز مطالعات و اسناد بر بیگانگی ناشی از دگرگونی‌های اقتصادی و فرهنگی در رتبه بعدی قرار می‌گیرد. چین به دلیل رشد سریع اقتصادی و فرآیند گسترده شهرنشینی، با مسائلی نظیر مهاجرت داخلی (از روستا به شهر)، بیگانگی فرهنگی، و تغییرات اجتماعی روبه‌روست. پیامدهای مدرنیزاسیون و شکاف میان ارزش‌های سنتی و مدرن در جامعه چینی از مهم‌ترین موضوعات مطالعات بیگانگی در این کشور است.

انگلستان نیز پیشرو در مطالعات بیگانگی ناشی از نولیبرالیسم و با رتبه سوم است. انگلستان نقش کلیدی در تحلیل تأثیرات سیاست‌های نولیبرالیستی، بحران‌های هویتی و بازتولید نابرابری‌های اجتماعی در حوزه مطالعات بیگانگی ایفا می‌کند. پژوهش‌های این کشور به‌طور خاص بر نقش بیگانگی در بافت‌های

میان مفاهیم سیاست و شهرنشینی همراه با تغییرات رنگی در نمودار، بیانگر روند تکاملی در اولویت‌های علمی و تغییرات پژوهشی است. این روند نشان‌دهنده توجه فزاینده پژوهشگران به تعاملات پیچیده بین سیاست‌های شهری و تجربه زیسته افراد در فضاهای شهری است. به‌ویژه در زمینه‌هایی که با بازسازی محیطی، عدالت اجتماعی، هویت و تأثیرات روانی و اجتماعی مرتبط هستند. همچنین، افزایش ارتباطات میان مفاهیم بازآفرینی شهری، پایداری و سیاست در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۲۰، نشان‌دهنده توجه پژوهشگران به تأثیر سیاست‌گذاری‌های شهری و پایداری محیطی بر فرآیندهای بیگانگی است. این تغییرات نشان می‌دهد که تأثیرات کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی بر سیاست‌های شهری به‌ویژه در رابطه با بیگانگی و طرد شهری به یک محور پژوهشی مهم تبدیل شده است.

۴-۲-۴- تحلیل شبکه مطالعات و اسناد منتشرشده کشورها در حوزه بیگانگی فضایی در نمای تجسم شبکه

بر اساس تصویر شماره (۵) و جدول شماره (۳) مرکز اصلی تعاملات علمی و پژوهشی در حوزه بیگانگی ایالات متحده است که با شبکه گسترده‌ای از همکاری‌های علمی و بیشترین حجم مطالعات در



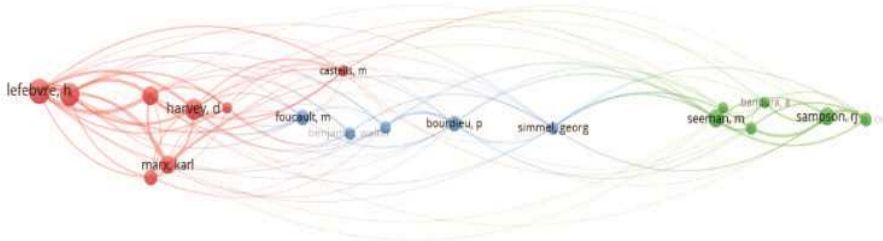
تصویر شماره (۵): شبکه مطالعات و اسناد منتشر شده کشورها در حوزه بیگانگی فضایی

جدول شماره (۳): رتبه‌بندی کشورها در مطالعات بیگانگی بر اساس اهمیت و تأثیرگذاری

رتبه	کشور	دلیل الویت
۱	ایالات متحده	پیشرو در مطالعات نابرابری، عدالت اجتماعی، و از خود بیگانگی در جوامع چندفرهنگی
۲	چین	تأثیرات مدرنیزاسیون، شهرنشینی، و تغییرات فرهنگی
۳	انگلستان	مطالعات تولید البسم و باز تولید نابرابری
۴	آلمان و فرانسه	تمرکز بر بحران‌های هویتی و سیاست‌های اجتماعی
۵	هند	تأثیر مهاجرت داخلی، مدرنیزاسیون، و نابرابری اجتماعی
۶	ایران	نابرابری طبقاتی، تغییرات هویتی، فضای حکمرانی، جهانی‌سازی
۷	ترکیه	حاشیه‌نشینی، مهاجرت، و تغییرات هویتی
۸	کشورهای اروپایی کوچک	رفاه اجتماعی و عدالت فضایی

کشور در چهارچوب نابرابری اجتماعی و شهری است و ایران به دلیل تمرکز مطالعات بر تغییرات هویتی و طبقاتی دارای رتبه بعدی است. در ایران، بیگانگی بیشتر در بافت نابرابری طبقاتی، تغییرات هویتی در کلان‌شهرها، فضای حکمرانی (قدرت، کنترل و منابع سرمایه) و پیامدهای جهانی‌سازی مطالعه می‌شود، شرایط اقتصادی-اجتماعی و تأثیرات مدرنیزاسیون بر هویت اجتماعی از موضوعات کلیدی در مطالعات هستند و کشور ترکیه در آخرین رتبه قرار دارد. کشور ترکیه به دلیل مواجهه با تأثیرات جهانی‌سازی و تغییرات هویتی و موقعیت جغرافیایی (نقش میانجی بین اروپا و آسیا)، موضوعات بیگانگی را در این کشور را پیچیده‌تر کرده است و مطالعات در این کشور به صورت پراکنده و

شهری، سیاست‌های اجتماعی و عدالت فضایی متمرکز است. رتبه چهارم به صورت هم‌زمان به کشورهای آلمان و فرانسه، به دلیل تمرکز مطالعات بر بحران‌های هویتی و اجتماعی، اختصاص دارد. این کشورها از بیگانگی به‌عنوان مفهومی کلیدی برای بررسی تأثیرات بحران‌های مهاجرتی و نابرابری اقتصادی بهره می‌گیرند. سیاست‌های اجتماعی و نقش عدالت در جامعه اروپایی یکی از حوزه‌های مهم در این مطالعات است. هند نیز به دلیل جایگاه خاص در میان کشورهای در حال توسعه، دارای رتبه پنجم است؛ زیرا تأثیرات گسترش شهرنشینی و مدرنیزاسیون بر ساختار اجتماعی این کشور، زمینه‌ای غنی برای پژوهش در حوزه بیگانگی فراهم کرده است. تمرکز مطالعات این



تصویر شماره (۷): شبکه هم‌استنادی منابع

خوشهٔ بنفش به بررسی پایداری، گردشگری و تأثیرات آن بر بیگانگی اجتماعی می‌پردازد. منابعی مانند Sustainability-Basel Annals of که در حالی که بیگانگی را بررسی می‌کنند، در حالی که Tourism Research به ارتباط میان گردشگری و ایجاد یا کاهش بیگانگی اجتماعی می‌پردازد. پیوند این خوشه با خوشهٔ سبز، اهمیت عوامل پایدار و محیطی در بهبود بهزیستی روانی و کاهش بیگانگی را برجسته می‌کند. این ارتباطات نشان‌دهندهٔ رویکردی چندوجهی است که از حوزه‌های شهری، اجتماعی، روان‌شناسی و پایداری برای تحلیل و درک بهتر پدیده بیگانگی استفاده می‌کند.

۲-۳-۴- تحلیل شبکه هم‌استنادی منابع

یکی از روش‌های کلیدی در علم‌سنجی و کتاب‌سنجی، برای ارزیابی ارتباط و همبستگی میان منابع علمی به کار می‌رود. این روش بر اساس تعداد دفعاتی که دو یا چند منبع علمی به‌طور هم‌زمان در مقالات دیگر استناد شده‌اند، میزان هم‌پوشانی فکری یا شباهت موضوعی بین آن‌ها را شناسایی می‌کند. در نمودار هم‌استنادی، هر گره نمایانگر یک منبع علمی یا نویسنده است و گره‌های بزرگ‌تر نشان‌دهندهٔ منابع پرارجاع‌تر و محوری‌تر هستند. همچنین، رنگ‌های خوشه‌ها در نمودار، گروه‌های استنادی را که از نظر موضوعی به یکدیگر نزدیک هستند، مشخص می‌کنند. در این راستا، در تصویر شماره (۷)، خوشهٔ قرمز شامل نویسندگانی مانند مارکس^۱، هاروی^۲ و لفبوره^۳ است که به نظریات

اجتماعی و اقتصاد سیاسی پرداخته‌اند، در حالی که خوشهٔ آبی نویسندگانی چون فوکو^۴ و بوردیو^۵ را شامل می‌شود که به مباحث قدرت، گفتمان و ساختارهای اجتماعی می‌پردازند. خوشهٔ سبز نیز نویسندگانی چون سمپسون^۶ و سیمن^۷ را در بر می‌گیرد که در حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی فعالیت کرده‌اند. پیوندهای میان گره‌ها در نمودار شماره (۷) نشان‌دهندهٔ هم‌استنادی بین نویسندگان است و ضخامت این خطوط بیانگر شدت ارتباط میان آن‌هاست. پیوندهای قوی بین نویسندگانی، چون مارکس، هاروی و لفبوره ارتباط تنگاتنگ نظریات آن‌ها را در تحلیل‌های اجتماعی و فضایی نشان می‌دهد. در همین حال، مرکزیت گره‌هایی مانند هاروی و فوکو بیانگر نقش کلیدی آن‌ها در شکل‌دهی به گفتمان‌های علمی این حوزه است. علاوه بر این، ارتباطات بین خوشه‌ها نمایانگر هم‌پوشانی مفهومی میان نظریات مختلف است؛ برای مثال، پیوند بوردیو (از خوشهٔ آبی) با هاروی و فوکو بیانگر تأثیر متقابل نظریات اجتماعی و فلسفی در تحلیل فضا و ساختارهای اجتماعی است. این ساختار شبکه‌ای نشان‌دهندهٔ تنوع و تعامل میان دیدگاه‌های نظری در این حوزه است.

۳-۳-۴- تحلیل شبکه هم‌نویسندگی

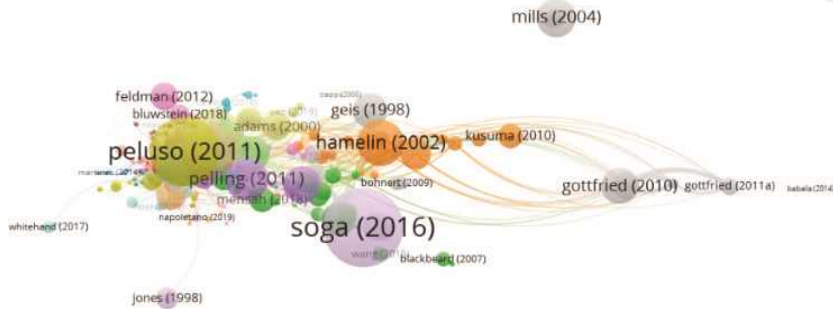
تحلیل هم‌نویسندگی یکی از روش‌های مهم در کتاب‌سنجی است که برای مطالعه و بررسی

۴-۳-۲- تحلیل شبکه هم‌استنادی منابع

یکی از روش‌های کلیدی در علم‌سنجی و کتاب‌سنجی، برای ارزیابی ارتباط و همبستگی میان منابع علمی به کار می‌رود. این روش بر اساس تعداد دفعاتی که دو یا چند منبع علمی به‌طور هم‌زمان در مقالات دیگر استناد شده‌اند، میزان هم‌پوشانی فکری یا شباهت موضوعی بین آن‌ها را شناسایی می‌کند. در نمودار هم‌استنادی، هر گره نمایانگر یک منبع علمی یا نویسنده است و گره‌های بزرگ‌تر نشان‌دهندهٔ منابع پرارجاع‌تر و محوری‌تر هستند. همچنین، رنگ‌های خوشه‌ها در نمودار، گروه‌های استنادی را که از نظر موضوعی به یکدیگر نزدیک هستند، مشخص می‌کنند. در این راستا، در تصویر شماره (۷)، خوشهٔ قرمز شامل نویسندگانی مانند مارکس^۱، هاروی^۲ و لفبوره^۳ است که به نظریات

4. Michel Foucault
5. Pierre Bourdieu
6. John Sampson
7. William Seeman

1. Karl Marx
2. David Harvey
3. Henri Lefebvre



تصویر شماره (۸): شبکه هم‌نویسندگی

بیگانگی در فضاهای شهری و اجتماعی ارائه داده‌اند. نزدیکی این گره‌ها به یکدیگر نشان‌دهنده پیوند مفهومی و روش‌شناختی میان آن‌هاست، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند تأثیرات اجتماعی بیگانگی و نقش تغییرات فضایی.

سوجا با حضور در یک موقعیت کلیدی‌تر، نمایانگر نسل جدیدی از پژوهش‌ها در این حوزه است که به بررسی عدالت فضایی و تولید فضا در چهارچوب بیگانگی پرداخته است. پژوهش‌های این نویسنده احتمالاً بر مفاهیم نوآورانه‌تری مانند تأثیر فناوری و تکنولوژی بر بیگانگی اجتماعی و روان‌شناختی تأکید دارد. از سوی دیگر، ادmond هالمن^۱ به‌عنوان یک نویسنده تأثیرگذار پیشین، نقش مهمی در توسعه مفاهیم نظری بیگانگی داشته است و اتصالات گسترده او در شبکه نشان‌دهنده تأثیر طولانی مدت آثارش بر پژوهش‌های بعدی است. این نویسنده در مباحث مربوط به مفاهیم کلاسیک بیگانگی، به‌ویژه در زمینه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی فعالیت کرده است. در خوشه‌های رنگی این نقشه، تقسیمات موضوعی و محتوایی متمایزی را مشاهده می‌کنید. این خوشه‌ها نشان‌دهنده دسته‌بندی‌های مفهومی یا روش‌شناختی هستند که هر گروه از نویسندگان در آن تخصص دارند. برای مثال، خوشه‌های مرتبط با پلینگ^۲

همکاری‌های علمی بین پژوهشگران، مؤسسات حتی کشورها از طریق بررسی مقالات علمی منتشر شده استفاده می‌شود. این تحلیل به درک بهتر شبکه‌های علمی، الگوهای همکاری و تأثیرگذاری نویسندگان در یک حوزه پژوهشی کمک می‌کند (Zhang & Yu, 2020). نتایج تحلیل هم‌نویسندگی نشان می‌دهد که کدام نویسندگان با یکدیگر همکاری کرده‌اند و چه تعداد مقالات مشترک دارند. این به شناسایی شبکه‌های اصلی همکاری در یک حوزه کمک می‌کند. با استفاده از تحلیل هم‌نویسندگی، نویسندگان کلیدی که بیشترین همکاری را با دیگران دارند و مقالات پرتکرار و پرآستاد را منتشر کرده‌اند، شناسایی می‌شوند. این نویسندگان معمولاً رهبران فکری در زمینه علمی خاصی هستند. از طریق تحلیل هم‌نویسندگی می‌توان روندهای همکاری در طول زمان را شناسایی کرد. برای مثال، ممکن است مشاهده شود که در سال‌های اخیر همکاری بین‌المللی در یک حوزه علمی مرتبط با بیگانگی فضایی افزایش یافته است. تصویر شماره (۸) به‌وضوح ساختار پژوهشی حوزه بیگانگی را نشان می‌دهد و نمایانگر خوشه‌هایی از نویسندگان تأثیرگذار است که در حوزه‌های مختلف این موضوع نقش دارند. پلوسو، پلینگ و سوجا عنوان گره‌های مرکزی این شبکه هستند که نشان‌دهنده آستاد گسترده به آثار آن‌ها و تأثیرگذاری عمیق در این حوزه است. تحلیل شبکه نمایانگر این است که این نویسندگان مفاهیمی بنیادین را در زمینه

1. Soja, 2016
2. Louis-Edmond Hamelin, 2002
3. Pelling, 2011

پلوسو^۱ به بررسی پایداری اجتماعی و تأثیرات محیطی پرداخته، درحالی که خوشه‌های متصل به گاتفرید^۲ به تأثیر تکنولوژی و جهانی شدن بر بیگانگی در فضاهای شهری و مدرن تمرکز دارند. میلز^۳ و وایت‌هد^۴ به دلیل موقعیت‌های حاشیه‌ای خود در نقشه، احتمالاً دیدگاه‌های خاص یا حوزه‌های پژوهشی تخصصی‌تری را در این زمینه ارائه کرده‌اند که ارتباط کمتری با سایر پژوهش‌های رایج دارد. در مجموع، شبکه هم‌استنادی ارائه‌شده تصویری از پویایی‌های پژوهشی در حوزه بیگانگی را نشان می‌دهد، از مفاهیم کلاسیک و پایه‌ای گرفته تا موضوعات نوظهور و چندرشته‌ای. حضور نویسندگان برجسته‌ای مانند پلوسو و سوجا نشان‌دهنده اهمیت پژوهش‌هایی است که از تعامل میان علوم فضایی، اجتماعی، سیاسی و تکنولوژیک نشئت گرفته‌اند. درک این شبکه به شناسایی حوزه‌های شکاف علمی در این زمینه کمک می‌کند.

ترکیب و تلفیق نتایج علم سنجی

نتایج تحلیل‌های به‌دست‌آمده از انگاشت‌های مفهومی، تحلیل‌های هم‌رخدادی، هم‌زمانی، هم‌استنادی و هم‌نویسندگی با استفاده از نرم‌افزار ووس و یوور، تبیینی جامع و چندلایه از مفهوم «بیگانگی فضایی» در ادبیات مطالعات شهری و اجتماعی ارائه می‌دهند. این تحلیل‌ها به‌وضوح نشان می‌دهند که بیگانگی فضایی یک پدیده پیچیده، میان‌رشته‌ای و درهم‌تنیده است که در پیوندی دیالکتیکی با فرآیندهای ساختاری اقتصادی، اجتماعی و کالبدی تولید و بازتولید می‌شود. این پدیده ماهیتی نظام‌مند دارد که در بستر مناسبات قدرت، گفتمان‌های هژمونیک و نابرابری‌های تاریخی، به خلق فضاهایی می‌انجامد که در مقابل کاربران خود، به‌طور تبعیض‌آمیز عمل می‌کنند. بنابراین، این پدیده نه‌تنها بر ساختارهای اجتماعی، بلکه بر نحوه تعاملات فضایی و مکان‌های عمومی تأثیرگذار است.

1. Peluso, 2011
2. Gottfried, 2010
3. Mills, 2004
4. Whitehead, 2017

واژگانی قرار گرفت و بیشترین پیوند را با مفاهیمی، چون «شهر»، «جامعه» و «هویت» نشان داد. این مسئله دلالت بر جایگاه محوری بیگانگی فضایی در بازنمایی بحران‌های هویتی، شکاف‌های اجتماعی و تنش‌های ناشی از تحولات کالبدی و سیاست‌گذاری‌های نوسازی شهری دارد. به‌علاوه، نتایج تحلیل خوشه‌ای چهار حوزه دلالتی اصلی را مشخص کرد که شامل پیوند بیگانگی با دگرگونی‌های کالبدی-فضایی، نابرابری‌های اجتماعی، بحران‌های هویتی و ساختارهای اقتصاد سیاسی هستند. این تحلیل‌ها در نهایت نشان می‌دهند که بیگانگی فضایی به‌عنوان یک پدیده چندوجهی، با چندین عامل در ارتباط است که هرکدام به‌طور مداوم این فضاها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تحلیل هم‌زمانی مفاهیم نیز نشان داد که در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۵، گفتمان علمی حول بیگانگی فضایی از مفاهیم کلی‌تری نظیر «شهر» و «سیاست» به‌سوی مضامین پیچیده‌تری همچون «پایداری»، «بازسازی شهری» و «نابرابری اجتماعی» چرخش یافته است. این تحول نه‌تنها بر چندبعدی بودن این پدیده تأکید دارد، بلکه ضرورت تحلیل آن را در چهارچوب‌هایی تلفیقی و عدالت‌محور نیز برجسته می‌سازد. در این راستا، توجه به تحولات محیطی و اجتماعی و ارتباط آن با سیاست‌های شهری و بازسازی فضای شهری، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. تحلیل هم‌استنادی به‌ویژه بر وجود سه جریان نظری کلیدی دلالت دارد: نخست، رویکرد اقتصاد سیاسی با محوریت اندیشمندانی، چون مارکس، هاروی و لوفور که به تولید اجتماعی فضا و نقد نابرابری‌های ساختاری می‌پردازند؛ دوم، جریان گفتمانی-انتقادی با حضور اندیشمندانی چون فوکو و بوردیو که بر مفاهیمی نظیر قدرت، گفتمان، میدان و بازتولید سلطه متمرکز است؛ و سوم، رویکرد روان‌شناختی-اجتماعی که از طریق مفاهیم انسجام اجتماعی، احساس تعلق و کنش متقابل فرد-فضا، تجربه زیسته بیگانگی را واکاوی می‌کند. این سه جریان، به‌واسطه هم‌پوشانی مفهومی، به شکل‌گیری منظومه‌ای نظری منتهی می‌شوند که تحلیل بیگانگی فضایی را در سه سطح خرد، میانه و کلان ممکن

می‌سازد. از این رو، می‌توان گفت که تحلیل بیگانگی فضایی نیازمند رویکردی چندجانبه و تطبیقی است که به تناسب نیازهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بایستی پاسخ دهد. تحلیل شبکه هم‌نویسندگی نیز بر ماهیت چندرشته‌ای و پویای دانش تولیدشده در این حوزه تأکید دارد. مشارکت پژوهشگران پرنفوذ از حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی محیطی، جغرافیای شهری و مطالعات فناوری موجب شده است تا مرزهای معرفتی کلاسیک جابه‌جا شده و امکان تولید دانش در بستری تلفیقی و مشارکتی فراهم شود. این روند هم‌افزایی میان رشته‌ها و دیدگاه‌ها، به غنای تحلیل‌های ارائه‌شده در مورد بیگانگی فضایی می‌افزاید و به ایجاد راهکارهای جدید در زمینه سیاست‌گذاری شهری کمک می‌کند.

در نهایت در پرتو تلفیق نتایج برآمده از تحلیل علم‌سنجی، می‌توان نتیجه گرفت که «بیگانگی فضایی» صرفاً نمود بیرونی یک اختلال روان‌شناختی یا بحران اجتماعی نیست، بلکه فرآیندی پیچیده، ساختاری و فضا‌مند است که در بطن سازوکارهای سلطه، سیاست‌گذاری‌های فضا‌محور، نظم‌های کالبدی و گفتمان‌های هژمونیک ریشه دارد. این پدیده در هم‌تیدگی با نظام‌های قدرت و سرمایه، نه تنها در ساحت فردی و زیسته، بلکه در لایه‌های کلان‌تر نظم اجتماعی، نابرابری‌های فضایی را بازتولید و مشارکت مدنی را به صورت نظام‌مند تضعیف می‌کند. بیگانگی فضایی نتیجه برهم‌کنش پیچیده و پویای نهادها، ساختارها و ذهنیت‌های اجتماعی است که با تنظیم جریان‌های کالایی، نمادین و هویتی در فضا، نوعی انزوا در شهر را نهادینه می‌کند. افزون بر این، این پدیده در نتیجه پیوندهای دیالکتیکی میان سیاست‌های مکان‌مند (محل‌محور)، الگوهای توزیع نابرابر منابع، و فرایندهای طرد کالبدی و نمادین، به شکل‌گیری «فضاهای طردشده» یا «فضاهای بی‌تعلق» می‌انجامد که در آن‌ها امکان کنش‌گری، هویت‌مندی و مشارکت برای گروه‌های خاص به‌طور سیستماتیک محدود می‌شود. در چنین بستری، فضا نه به‌عنوان ظرفی

خنثی، بلکه به‌مثابه برساخته‌ای اجتماعی-سیاسی عمل می‌کند که در آن دسترسی و تملک فضایی برای کاربران را به شدت طبقاتی و تبعیض‌آمیز می‌سازد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بیگانگی فضایی به‌عنوان یک پدیده پیچیده و چندبعدی، ریشه در سازوکارهای کلان اقتصادی، اجتماعی و فضایی دارد و بازتابی از دینامیک‌های قدرت، توزیع نابرابر منابع و فرایندهای انحصاری تولید فضا در بافت شهری است. این پدیده نه تنها به افزایش شکاف‌های اجتماعی و فضایی می‌انجامد، بلکه تهدیدی جدی برای انسجام اجتماعی و پایداری شهرها محسوب می‌شود. برای مقابله با بحران بیگانگی فضایی و جلوگیری از تشدید این شکاف‌ها، ضروری است که سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری به‌طور هم‌زمان و متقارن به ابعاد مختلف این پدیده پرداخته و رویکردی جامع، میان‌رشته‌ای و فرابخشی را اتخاذ کنند که در آن ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی بیگانگی فضایی به‌طور سیستماتیک تجزیه و تحلیل شود و اقدامات مؤثری در جهت کاهش آن صورت گیرد. با این حال، تحلیل انتقادی ادبیات مفهومی و نظری موجود نشان می‌دهد که بسیاری از پژوهش‌ها تحت تأثیر رویکردهای کلان‌ساختاری و نظریه‌های مسلط غربی قرار دارند و از پرداختن به روایت‌های زیسته و تجربه‌های محلی غفلت کرده‌اند. این رویکردها، اگرچه در تبیین ساختارهای نابرابری و سلطه مؤثرند، اما در ترجمه مفاهیم به راهبردهای عملیاتی برای سیاست‌گذاری فضایی ناکارآمد بوده‌اند. در این راستا، توجه به ساختارهای پیچیده اقتصادی و اجتماعی که در بروز بیگانگی نقش دارند، نیازمند استراتژی‌های خاصی است که بر کاهش نابرابری‌های اجتماعی و فضایی تأکید دارند. به‌ویژه، ضرورت اتخاذ رویکردهای عدالت‌محور در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری به‌منظور بازاندیشی در الگوهای سازمان‌یابی فضایی، بازتوزیع عادلانه منابع و تقویت همبستگی اجتماعی احساس می‌شود. از سوی دیگر، تحلیل هم‌استنادی منابع علمی پیرامون

بیگانگی فضایی نشان می‌دهد، در تحلیل‌های مرتبط با بیگانگی فضایی، مفاهیم و نظریات بسیاری از چهره‌های برجسته نظریه‌پردازان غربی مانند لوفور، هاروی، فوکو و بوردیو غالب است. این رویکردها که در تبیین روابط قدرت، تولید فضا و نابرابری‌های فضایی مؤثر بوده‌اند، بیشتر بر مبنای ساختارهای کلان‌ساختاری و گفتمان‌های انتقادی شکل گرفته‌اند. با این حال، توجه به تنوع دیدگاه‌ها و نظریات محلی، به‌ویژه در زمینه‌های جغرافیایی و فرهنگی مختلف، می‌تواند موجب گسترش دامنه تحلیل‌ها و ارائه فهمی جامع‌تر از پدیده بیگانگی فضایی شود. این تنوع دیدگاه‌ها و تجربه‌های بومی، به‌ویژه از جهان جنوب، می‌تواند به غنای نظریه‌های موجود و تطبیق آن‌ها با واقعیت‌های محلی و فرهنگی کمک کند. در کنار این تحولات، ساختار هم‌نویسندگی پژوهش‌ها در این حوزه نشان می‌دهد که با وجود تنوع ظاهری میان‌رشته‌ای، تولید دانش پیرامون بیگانگی فضایی عمدتاً در حلقه‌ای محدود از مؤسسات و پژوهشگران متمرکز شده است. این تمرکز، جریان‌های انتقادی محلی را تضعیف می‌کند و تنوع جغرافیایی تجربه‌های زیسته از بیگانگی را نادیده می‌گیرد. فضای شهری باید بستری برای تولید و بازتولید روابط اجتماعی باشد و نه عاملی برای تعمیق شکاف‌های طبقاتی و انزوای اجتماعی. از این رو، برنامه‌ریزی و طراحی شهری باید از رهیافتی چندبعدی تبعیت کند که در آن ساختارهای کالبدی، مناسبات قدرت و نظم گفتمانی مسلط در فرآیندهای تولید فضا به‌طور هم‌زمان واکاوی شوند. به‌طور کلی، مواجهه مؤثر با پدیده بیگانگی فضایی مستلزم اتخاذ رویکردی تلفیقی، بازاندیشانه و چندسطحی است که قادر به مداخله در سطوح فردی، نهادی و ساختاری باشد. این رویکرد باید ابعاد گفتمانی، کالبدی، هویتی و سیاسی فضا را در یک چهارچوب نظری-عملی یکپارچه لحاظ کرده و بر پایه اصول عدالت فضایی، برنامه‌ریزی و طراحی شهری مشارکتی و حساسیت فرهنگی، به بازاندیشی در الگوهای فضایی مسلط و تکوین راه‌حل‌هایی برای کاهش بیگانگی فضایی و افزایش مشارکت اجتماعی

منجر شود. تنها از خلال چنین رویکردی می‌توان به تدوین راهبردهایی مؤثر و چندسطحی برای کاهش بیگانگی و تحقق شهرهایی زیست‌پذیر، هویت‌مند و عادلانه دست یافت. این راه‌حل‌ها باید به‌صورت مستمر، متناسب با تحولات کلان اقتصادی-اجتماعی و دگرذیسی‌های نظام فضایی شهرها، مورد بازنگری قرار گرفته و بر اساس اصول انعطاف‌پذیری، انطباق‌پذیری و پایداری اجتماعی تنظیم شوند. در نهایت، سیاست‌های مداخله در فضاهای شهری نه تنها باید معطوف به توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و کالبدی باشد، بلکه باید به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی نیز توجه کند تا بتواند به‌طور جامع و پایدار بحران بیگانگی فضایی را مهار کرده و شهرهایی با هویت اجتماعی پایدار، تعاملات معنادار و زیست‌پذیر برای بازپیوند انسان با فضا ایجاد کنند

منابع:

1. Bauman, Z. (2011). *Collateral damage: Social inequalities in a global age*. Polity Press. <https://doi.org/10.3917/mana.152.0235>
2. Bourdieu, P. (2002). The forms of capital. In *Readings in Economic Sociology* (pp. 280–291). https://home.iitk.ac.in/~amman/soc748/bourdieu_forms_of_capital.pdf
3. Bourdieu, P. (2008). *The logic of practice* (R. Nice, Trans.). Stanford University Press. (Original work published 1990). https://monoskop.org/images/8/88/Bourdieu_Pierre_The_Logic_of_Practice_1990.pdf
4. Brenner, N. (2019). *New urban spaces: Urban theory and the scale question*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780190627188.001.0001>
5. Carmona, M. (2021). *Public places, urban spaces: The dimensions of urban design* (3rd ed.). Routledge.
6. Carmona, M., & Tiesdell, S. (2007). *Urban*

- Building & Community Development* (4th ed.). SAGE Publications.
16. Harvey, D. (2000). *Spaces of hope*. University of California Press.
 17. Harvey, D. (2008). The right to the city. *New Left Review*, 53, 23–40. <https://doi.org/10.1111/j.0309-1317.2003.00492.x>
 18. Harvey, D. (2013). *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution*. Verso.
 19. Hou, J., & Knierbein, S. (Eds.). (2017). *City unsilenced: Urban resistance and public space in the age of shrinking democracy*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315647241>
 20. Kitchin, R., Coletta, C., Evans, L., Heaphy, L., & Mac Donncha, D. (2017). Smart cities, urban technocrats, epistemic communities, and advocacy coalitions. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 42(1), 20–33.
 21. Lees, L. (2012). The urban injustices of New Labour's "new urban renewal": The case of the Aylesbury Estate in London. *Anti-pode*, 44(4), 1100–1127.
 22. Lefebvre, H. (1974). *La production de l'espace*. Anthropos.
 23. Low, S. M. (2000). *On the plaza: The politics of public space and culture*. University of Texas Press.
 24. Low, S. M., & Smith, N. (Eds.). (2006). *The politics of public space*. Routledge.
 25. Madanipour, A. (2019). *Urban public space: The political economy of design and planning*. Routledge.
 26. Madanipour, A. (2020). *Urban design, design: Theory, process and practice*. Routledge.
 7. Coleman, J. S. (1990). *Foundations of social theory*. Belknap Press of Harvard University Press.
 8. DeVerteuil, G. (2021). Governing the homeless in an age of compassion: Homelessness, space and the new moral geography. *Urban Studies*, 58(3), 541–556.
 9. Fainstein, S. S. (2000). New directions in planning theory. *Urban Affairs Review*, 35(4), 451–478.
 10. Forrest, R., & Kearns, A. (2001). Social cohesion, social capital and the neighbourhood. *Urban Studies*, 38(12), 2125–2143. <https://doi.org/10.1080/00420980120087081>
 11. Fraser, B. (2015). Urban alienation and cultural studies: Henri Lefebvre's recalibrated Marxism. In B. Fraser (Ed.), *Toward an urban cultural studies: Henri Lefebvre and the humanities* (pp. 43–67). Palgrave Macmillan.
 12. Fraser, N. (2011). Habermas, the public sphere, and democracy: A critical assessment. In *The Oxford handbook of political theory* (pp. 185–207). Oxford University Press.
 13. Graham, S., & Marvin, S. (2001). *Splintering urbanism: Networked infrastructures, technological mobilities and the urban condition* (1st ed.). Routledge.
 14. Green, J. N. (2001). Review of *On the plaza: The politics of public space and culture* by Setha M. Low. *Journal of Political Ecology*, 8(1), 77–78. <https://doi.org/10.2458/v8i1.21612>
 15. Green, M., & Haines, A. (2015). *Asset*

36. Sadowski, J. (2020). The Internet of Things and the politics of technosocial order. *First Monday*, 25(7). <https://doi.org/10.5210/fm.v25i7.10441>
37. Sadowski, J., & Pasquale, F. (2015). The spectrum of control: A social theory of the smart city. *First Monday*, 20(7).
38. Sassen, S. (2016). *Expulsions: Brutality and complexity in the global economy*. Harvard University Press.
39. Sennett, R. (2018). *Building and dwelling: Ethics for the city*. Farrar, Straus and Giroux.
40. Sharma, S. (2014). *Speeding capsules of alienation? Social (dis)connections amongst drivers, cyclists and pedestrians in Vancouver, BC*. *Geoforum*, 51, 59–66. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2013.10.002>
41. Sharma, S. (2014). *Urbanization and social change: The impact of migration on urban development*. Routledge.
42. Shi, Y., & Shen, J. (2018). Migration and social exclusion in China's urbanisation. *Habitat International*, 79, 39–47.
43. Simmel, G. (1908). The Sociology of Space. In *Essays on Sociology, Philosophy, and Aesthetics* (pp. 43–63). Translated by K. Wolff.
44. Soares, A., Silva, M., & Oliveira, R. (2020). Public space and social strategies: A comparative analysis of urban environments. In J. Smith (Ed.), *New perspectives on urbanism and social interaction* (pp. 45–67). Springer.
45. Soja, E. W. (2010). *Seeking spatial justice*. University of Minnesota Press.
27. Marx, K. (1967). *Capital: A critique of political economy* (Vol. 1). Progress Publishers.
28. Mayer, M. (2013). First world urban activism: Beyond austerity urbanism and creative city politics. *City*, 17(1), 5–19.
29. Mouratidis, K. (2021). Urban planning and quality of life: A review of pathways linking the built environment to subjective well-being. *Cities*, 115, 103229. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103229>
30. Nelischer, C., & Loukaitou-Sideris, A. (2022). Intergenerational public space design and policy: A review of the literature. *Journal of Urban Affairs*, 38(1), 155–174. <https://doi.org/10.1177/08854122221092175>
31. Preciado, P. B. (2020). The losers conspiracy. *Artforum*.
32. Purcell, M. (2014). Possible worlds: Henri Lefebvre and the right to the city. *Journal of Urban Affairs*, 36(1), 141–154.
33. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.
34. Qi, J., Mazumdar, S., & Vasconcelos, A. C. (2024). Understanding the relationship between urban public space and social cohesion: A systematic review. *International Journal of Community and Wellbeing*, 7, 155–212. <https://doi.org/10.1007/s42413-024-00204-5>
35. Ramlee, M., Omar, D., Mohd Yunus, R., & Samadi, Z. (2015). Revitalization of urban public spaces: An overview. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 201, 360–367. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.08.187>

[org/10.1177/1206331220938644](https://doi.org/10.1177/1206331220938644)

50. Zhang, Y., & Yu, M. (2020). A bibliometric analysis of the research trends on artificial intelligence in education. *Education and Information Technologies*, 25(2), 1371–1395.

51. Zou, F., & Xiang, H. (2016). Spatial disconnection in rapidly urbanizing areas: A case study of megacities. *Journal of Urban Sociology*, 31(4), 341–358. <https://doi.org/10.1007/s12115-016-0084-7>

52. Zuboff, S. (2019). *The age of surveillance capitalism: The fight for a human future at the new frontier of power*. PublicAffairs

46. Su, Y., Zhang, X., & Chen, X. (2023). How to alleviate alienation from the perspective of urban community public space—Evidence from urban young residents in China. *Habitat International*, 102836. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2023.102836>

47. Tonkiss, F. (2005). *Space, the city and social theory*. Polity Press.

48. Van Dijck, J., Poell, T., & de Waal, M. (2018). *The platform society: Public values in a connective world*. Oxford University Press.

49. Viderman, T. (2020). Quarantine: Alienated space by expert knowledge. *Space and Culture*, 23(3), 259–264. <https://doi.org/10.1177/1096344620938644>

نحوه ارجاع به این مقاله:

ترابی، شیوا، شبانی، امیرحسین، طغیانی، شیرین و مریم فرخی. (۱۴۰۳). تحلیل علم‌سنجی مفاهیم بیگانگی فضایی: بررسی تحولات مفهومی، دگرگونی‌های پارادایمی و روندهای نوین در تحقیقات جهانی. پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، ۸(۳۳)، ۴۷–۷۰. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2056654.1128>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2056654.1128>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_724070.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





تحلیل پیامدهای مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان^۱

پسند مهدوی سعیدی

دانشجوی دکتری رشته شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مصطفی بهزادفر^{۲*}

استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

محمد مسعود

استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

سید محمد رشتیان

استادیار گروه شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم‌گیری کلان‌شهر اصفهان، به‌عنوان ضرورتی اجتماعی و فرهنگی، به تقویت شفافیت، عدالت و کارایی در مدیریت شهری منجر می‌شود و از این طریق، نیازها و چالش‌های خاص جمعیت زنان در سیاست‌گذاری‌های شهری به‌طور دقیق‌تری مدنظر قرار می‌گیرد. حضور فعال زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری شهری اصفهان، ضمن افزایش تنوع دیدگاه‌ها، به توسعه پایدار و توزیع عادلانه منابع و امکانات شهری کمک می‌کند و زمینه را برای کاهش نابرابری‌های جنسیتی فراهم می‌آورد. نبود مشارکت کافی زنان در ساختارهای تصمیم‌گیری کلان‌شهر اصفهان، به نادیده گرفتن موضوعات مهمی، مانند امنیت شهری، دسترسی به خدمات عمومی و تعادل بین کار و زندگی منجر می‌شود که تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی تمام شهروندان دارد. از این رو، هدف این پژوهش تحلیل پیامدهای مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان است. پژوهش حاضر از نوع کیفی، از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی اکتشافی است. جامعه آماری شامل محدوده قانونی کلان‌شهر اصفهان در سال ۱۴۰۳ است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه و پرسش‌نامه است. از آماره T تک‌نمونه‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. حجم نمونه برای توزیع پرسش‌نامه شامل ۴۰۰ نفر از زنان شاغل در سازمان‌ها و نهادهای حاکمیتی، دولتی و خصوصی کلان‌شهر اصفهان است که به‌صورت تصادفی بین شهروندان توزیع شده است. حجم نمونه برای مصاحبه شامل ۲۰ نفر از خبرگان است که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که از مجموع ۸۴ مضمون پایه مربوط به پیامدهای مقتدرسازی زنان کلان‌شهر اصفهان تنها ۲۰ مورد بالاتر از سطح میانگین هستند. همچنین مجموع میانگین کل مضامین پیامدهای مقتدرسازی زنان در کلان‌شهر اصفهان برابر با ۲/۷۹۲۲ است که بیانگر وضعیت نامطلوب

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان: (مقتدرسازی زنان به منظور ارتقای جایگاه آنان در محیط تصمیم شهری (مورد پژوهی اصفهان) باراهنمایی نویسنده دوم و سوم و مشاور نویسنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) است.

۲. ایمیل نویسنده مسئول: behzadfar@iust.ac.ir

آن است. در این میان، تنها وضعیت مضامین رفع تبعیض و زندگی و سلامتی، بالاتر از میانگین است. در نتیجه، وضعیت پیامدهای مقتدرسازی زنان در کلان‌شهر اصفهان در سطح نامناسب و ضعیفی قرار دارد؛ زیرا مجموع مقدار آماره T کل مضامین منفی است و مقدار میانگین کل مضامین نیز پایین‌تر از حد وسط است. **واژگان کلیدی:** مقتدرسازی زنان، پیامدها، محیط تصمیم، کلان‌شهر اصفهان.

شهرها به عنوان قلب تپنده تمدن و پیشرفت، همواره صحنه‌ای از دگرگونی‌ها، نوآوری‌ها و تعاملات اجتماعی بوده‌اند. در این فضاها پویا و پیچیده، نقش زنان به عنوان عناصر کلیدی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی غیرقابل انکار است. با این حال، برخلاف پیشرفت‌های چشمگیر در سال‌های اخیر، زنان هنوز با چالش‌های متعددی در حوزه‌های مختلف از جمله دسترسی به منابع، فرصت‌های شغلی، مشارکت در تصمیم‌گیری و برخورد با نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی روبرو هستند. مقتدرسازی زنان در شهر، فرایندی است که به آن‌ها امکان می‌دهد تا در محیطی امن، عادلانه و پشتیبان، استعدادها و توانمندی‌های خود را شکوفا و نقش مؤثرتری در شکل‌دهی به آینده جامعه ایفا کنند. این فرایند تنها به معنای افزایش حقوق قانونی یا اقتصادی نیست، بلکه شامل تقویت هویت فردی، افزایش اعتماد به نفس، تسهیل دسترسی به آموزش و بهداشت و ایجاد فضاهایی است که صدای زنان به طور برابر شنیده شود. با توجه به اینکه شهرها به عنوان مراکز جمعیتی و اقتصادی جهان، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به آینده جوامع ایفا می‌کنند، مقتدرسازی زنان در این فضاها به تحولی عمیق در تمام ابعاد زندگی شهری منجر می‌شود. این تحول نه تنها به وضعیت زنان بهبود می‌بخشد، بلکه به پیشرفت کل جامعه نیز کمک شایانی می‌کند؛ زیرا جوامعی که زنان در آن مقتدرند، از پتانسیل تمام اعضای خود به بهترین شکل بهره‌مند می‌شوند؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری در مقتدرسازی زنان در شهرها، ضرورتی اخلاقی و اجتماعی است که به ایجاد شهرهایی امن‌تر، پایدارتر و عادلانه‌تر منجر می‌شود.

تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جوامع مدرن، نقش زنان را در عرصه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه تصمیم‌سازی و مدیریت شهری برجسته‌تر کرده است. در دهه‌های اخیر، توجه به موضوع مقتدرسازی زنان یکی از اهداف اصلی توسعه پایدار و عدالت اجتماعی در سطح جهانی و محلی است. این

رویکرد نه تنها به دنبال کاهش نابرابری‌های جنسیتی است، بلکه به دنبال افزایش مشارکت مؤثر زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری کلان‌شهری و بهبود کیفیت زندگی جامعه نیز هست. به بیان بهتر، مقتدرسازی زنان در محیط‌های تصمیم‌گیری شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات توسعه‌ای در قرن بیست و یکم شناخته می‌شود. این فرایند که شامل افزایش دسترسی زنان به منابع، قدرت تصمیم‌گیری و حضور آنها در سطوح مختلف برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است، نقشی کلیدی در ایجاد شهرهای عادلانه‌تر، پایدارتر و شمولی‌تر ایفا می‌کند. با توجه به اینکه شهرها مراکزهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهان هستند، وجود زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری شهری نه تنها به بهبود شرایط زندگی آنها انجام می‌پذیرد، بلکه به ارتقای کیفیت زندگی تمام افراد شهری کمک می‌کند. مقتدرسازی زنان در این زمینه به معنای رفع موانع ساختاری، فرهنگی و اجتماعی موجود در برابر حضور آنها در فضاها و فرایندهای تصمیم‌گیری است. این موضوع به طور عمیق به مسائلی، همچون برابری جنسیتی، مدیریت منابع شهری، طراحی شهری شمولی و توسعه پایدار پیوسته است. از این رو، امروزه، مقتدرسازی زنان یکی از اهداف کلیدی توسعه پایدار در سطح جهانی و محلی است. این فرایند نه تنها به افزایش فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان می‌پردازد، بلکه نقش آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌های حیاتی و مدیریت منابع تقویت می‌کند. شهر اصفهان، یکی از مهم‌ترین کانون‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران، با وجود ظرفیت‌های بالقوه برای پیشرفت و توسعه، همچنان با چالش‌های متعددی در حوزه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های شهری مواجه است. مقتدرسازی زنان در این شهر نه تنها به معنای افزایش حضور آن‌ها در موقعیت‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی است، بلکه شامل ایجاد زمینه‌هایی برای تغییر الگوهای فرهنگی، اجتماعی و ساختاری است که مانع از بروز استعدادها و توانمندی‌های زنان می‌شود. تحلیل پیامدهای مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم‌سازی کلان‌شهر اصفهان، به بررسی دقیق

عوامل ساختاری، فرهنگی و اقتصادی نیازمند است که هم‌اکنون موانعی در این مسیر ایجاد می‌کنند. از طرف دیگر، این تحلیل باید به فرصت‌ها و مزایایی پردازد که مقتدرسازی زنان می‌تواند برای توسعه پایدار شهر، بهبود مدیریت منابع و افزایش مشارکت شهروندی به ارمغان آورد. با این حال، این فرایند پیامدهای گسترده و چندبعدی دارد و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی را در بر می‌گیرد؛ بنابراین، بررسی دقیق این پیامدها نه تنها به درک بهتر نقش زنان در توسعه شهری کمک می‌کند، بلکه راهبردهای مؤثرتری برای ایجاد شهرهایی که به صورت واقعی برای همه قابل دسترس باشند، فراهم می‌آورد. در کلان‌شهر اصفهان، با وجود زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی غنی، زنان همچنان با چالش‌های متعددی در دستیابی به حقوق برابر و مشارکت مؤثر مواجه هستند. بررسی پیامدهای مقتدرسازی زنان در این شهر به شناسایی عوامل تسهیل‌کننده و موانع موجود کمک می‌کند و به طراحی سیاست‌های هدفمندتر برای بهبود وضعیت زنان و جامعه به‌طور کلی منجر می‌شود. مقتدرسازی زنان در کلان‌شهر اصفهان، علاوه بر تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی خود زنان، به تحولات مثبتی در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منجر می‌شود. افزایش مشارکت زنان در بازار کار، بهبود دسترسی به آموزش و سلامت و تقویت نقش آن‌ها در فضاهای عمومی و تصمیم‌گیری‌های شهری، همگی از جمله پیامدهای مثبت این فرایند هستند. با وجود این، برای درک دقیق‌تر این پیامدها، به بررسی‌های تحلیلی و داده‌محوری نیاز است که بتواند ابعاد مختلف این موضوع را در قالب شاخص‌های قابل اندازه‌گیری ارزیابی کند. این رویکرد به‌عنوان چهارچوبی عملی برای برنامه‌ریزی و سنجش پیشرفت در مسیر مقتدرسازی زنان در اصفهان استفاده می‌شود.

سنجش پیامدهای مقتدرسازی زنان در کلان‌شهر اصفهان به دلیل تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این شهر بسیار ضروری است. با توجه به روند رو به رشد مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی

و اقتصادی، شناخت دقیق از چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از این تحول به برنامه‌ریزی‌های هدفمند برای بهبود کیفیت زندگی آن‌ها و جامعه کمک می‌کند. اصفهان به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای ایران، با وجود زیرساخت‌های فرهنگی و اقتصادی منحصر به فرد، شاهد تغییراتی در نقش‌های سنتی و مدرن زنان است که به بررسی دقیق پیامدهای اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی آن نیاز دارد. این موضوع نه تنها به درک بهتر از وضعیت زنان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به کاهش نابرابری‌های جنسیتی و ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی در این شهر منجر شود؛ بنابراین، تحلیل این پیامدها به‌عنوان راهکاری مؤثر در جهت تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار مدنظر قرار می‌گیرد.

یکی از شکاف‌های پژوهشی در حوزه سنجش پیامدهای مقتدرسازی زنان در کلان‌شهر اصفهان، بی‌توجهی به ابعاد چندبعدی و تعاملی این پدیده است. بیشتر مطالعات موجود تنها بر جنبه‌های اقتصادی یا اجتماعی مقتدرسازی تمرکز کرده‌اند و به‌ندرت به بررسی همزمان ابعاد فرهنگی، سیاسی و روان‌شناختی آن پرداخته شده است. این در حالی است که مقتدرسازی زنان در یک شهر پیچیده و چندلایه مانند اصفهان، تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله بافت فرهنگی-مذهبی منطقه، ساختارهای اجتماعی-اقتصادی خاص شهر و شبکه‌های اجتماعی محلی قرار دارد. بنابراین، نبود پژوهش‌هایی که به‌طور جامع به بررسی این ابعاد متعدد و نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر پردازد، یکی از شکاف‌های اصلی در این حوزه به شمار می‌آید. شکاف دیگر، کمبود مطالعات مقایسه‌ای بین مناطق مختلف شهر اصفهان یا بین این شهر و دیگر کلان‌شهرها، مانع از درک عمیق‌تر از الگوها و عوامل مؤثر بر مقتدرسازی زنان شده است. بنابراین، انجام پژوهش‌های این پژوهش به شناسایی دقیق‌تر پیامدهای مقتدرسازی زنان و عوامل کلیدی مؤثر بر آن کمک می‌کند. در این راستا، سنجش پیامدهای مقتدرسازی زنان شهری طی یک فرایند صورت پذیرفته است. به این معنا که ابتدا ادبیات پژوهش و مفهوم‌سازی مقتدرسازی زنان شهری صورت

پذیرفته و پس از آن به استخراج پیامدهای حاصل از این امر از طریق مصاحبه با نخبگان اقدام شده است. در نهایت، پیامدهای مقتدرسازی زنان شهری اصفهان از طریق پرسش‌نامه سنجش شده است.

مبانی نظری

مقتدرسازی به معنای دادن قدرت و اختیار است (Reza&Yasmin, 2019) و فرایندی است که افراد و گروه‌های غیرتوانمند را قادر می‌سازد تا قدرت کنترل بر زندگی خود و توانایی انتخاب‌های راهبردی زندگی را به دست گیرند (Toufique, 2016). از این رو، این فرایند اجتماعی چندبعدی به افراد کمک می‌کند تا بر زندگی خود کنترل داشته باشند. این فرایندی است که قدرت را در افراد تقویت می‌کند تا در زندگی خود، اجتماعات و در جامعه‌شان از طریق اقدام در مورد موضوعاتی که آن‌ها را مهم تعریف می‌کنند، استفاده شود (Endalcachew, 2016) و از طریق آن فرد توانایی تعیین سرنوشت را به دست آورد، یعنی زندگی‌ای را که برایش ارزش قائل است (Galièa et al., 2019). کابیر مقتدرسازی را به عنوان تغییری تعریف کرد که به گسترش توانایی افراد برای انتخاب زندگی استراتژیک در شرایطی اشاره دارد که قبلاً این توانایی از آن‌ها سلب شده بود (Kabeer, 1999). مقتدرسازی برای یک زن به معنای ترکیبی از تغییرات در آرزوها و دستاوردهای اوست، یعنی اینکه بتواند انتخاب‌های زندگی خود را برای تعقیب اهدافش تعریف کند (Kuma&Godana, 2022). همین‌طور وسیله‌ای برای کسب اطمینان از توانایی‌ها و پتانسیل‌های خود است. مقتدرسازی ظرفیت تصمیم‌گیری یک فرد و قدرت در دست گرفتن کنترل منابع را نشان می‌دهد. این اصطلاح به عنوان فرایند توانمندسازی افراد ناتوانی تعریف شده که می‌توانند با به دست آوردن کنترل زندگی خود، وضعیت خود را تغییر دهند (Akram et al., 2015). اصطلاحات کلیدی که در ارتباط با مقتدرسازی در بسیاری از مطالعات استفاده شده عبارت‌اند از: انتخاب، گزینه، کنترل و قدرت (Malhotra et al., 2002). مقتدرسازی به عنوان ظرفیت یک گروه یا فرد برای انتخاب مؤثر،

یعنی انتخاب و سپس تبدیل آن انتخاب‌ها به اقدامات و نتایج مطلوب تعریف می‌شود (Malhotra&Schuler, 2022) و برای نشان دادن طیف وسیعی از مفاهیم و مقتدرسازی به عنوان افزایش دارایی‌ها و قابلیت‌های افراد و گروه‌های مختلف برای تعامل، تأثیرگذاری و پاسخگو نگه داشتن نهادهایی که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند، استفاده شده است (Malhotra&Schuler, 2022; Kabeer, 2005). این فرایند به صورت مستقیم دیده نمی‌شود و مقتدرسازی هم حقوق و هم مسئولیت‌هایی را به همراه دارد و ممکن است به محدود شدن برخی از آزادی‌ها منجر شود (Mahmud et al., 2012). از این رو موضوعی قابل توقف نیست، فرایند بهبود مستمر در زمینه محیط اجتماعی-اقتصادی است (Reza, 2018)؛ بنابراین، مفهوم سازه‌ای است که افراد و نقاط قوت و شایستگی‌ها، سیستم‌های کمکی طبیعی، رفتارهای فعالانه را به سیاست‌های اجتماعی و تغییرات اجتماعی پیوند می‌دهد. مقتدرسازی فرایندی است که مرزهای بین حوزه عمومی و خصوصی را می‌شکند و از امر شخصی به امر اجتماعی، که حس شخصی و اشتراکی را به هم متصل می‌کند، خارج می‌شود. مقتدرسازی فرایند بهبود مستمر است، اگرچه ممکن است نتیجه این فرایند را مقتدرسازی نیز نامید، اما، به طور مشخص‌تر، نتیجه مقتدرسازی باید خود را به صورت توزیع مجدد قدرت بین افراد، جنسیت‌ها، گروه‌ها، طبقات، کاست‌ها، نژادها، گروه‌های قومی یا ملت‌ها نشان دهد. برای مقتدرسازی، فرد به توانایی فکری، ظرفیت تصمیم‌گیری، قدرت مقتدرانه و کاهش نابرابری جنسیتی نیاز دارد (Reza&Yasmin, 2019). مقتدرسازی به وضعیتی اطلاق می‌شود که افراد ناتوان کنترل بیشتری بر منابع و ایدئولوژی‌ها به دست می‌آورند و با اصطلاحاتی، مانند خودمختاری، قدرت، موقعیت و نمایندگی همراه بوده است. از سال ۱۹۹۰، زنان به عنوان عوامل اصلی توسعه پایدار شناخته شده‌اند و برابری و مقتدرسازی زنان به عنوان محوری برای رویکردی جامع‌تر جهت ایجاد الگوها و فرایندهای جدید توسعه پایدار تلقی می‌شود (Singh&Singh, 2020).

از این رو، مقتدرسازی زنان رایج شد. زنان در خصوص به دست آوردن کنترل بر زندگی خود و مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی که بر آن‌ها در خانه و جامعه تأثیر می‌گذارد، در دولت و سیاست‌های توسعه بین‌المللی شرکت می‌کردند (Reza&Yasmin, 2019).

توانمندسازی زنان به معنای توانایی آنان در تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر نتایج مهم برای خود و خانواده‌شان است (Akram et al., 2015). این فرایند، دامنه انتخاب‌های در دسترس زنان را گسترش می‌دهد و به نتایجی منجر می‌شود که بازتاب‌دهنده ترجیحات و ارزش‌های زنان هستند (Kabeer, 2005).

مقتدرسازی زنان از مقتدرسازی سایر گروه‌های محروم، به دلیل مسائل خاص زنان، مانند پویایی‌های خانوار و خانوادگی و روابط قدرت بین زن و مرد، جداسازی (Malhotra&Schuler, 2022) و فرایندی است که آگاهی، بدیل‌ها، منابع، صدا، عاملیت و مشارکت، بخشی جدایی‌ناپذیر از آن هستند (Sanawar, 2018). کمیسیون زنان و توسعه، چهارچوب و روش‌شناسی مقتدرسازی را طراحی کرد. کمیسیون بر این نظر بود که مقتدرسازی در دو سطح، یعنی فردی و جمعی رخ می‌دهد. اما مدل قبلی عمدتاً جنبه‌های فردی مقتدرسازی را برجسته می‌کرد و چهار مفهوم اصلی مقتدرسازی را که دارایی‌ها، دانش، اراده و ظرفیت هستند، شناسایی کرد. این مدل منابع را به دارایی (منابع مادی که قدرت اقتصادی بیشتری به فرد می‌دهد) و دانش (تکنیک‌ها، آموزش، سواد و مهارت‌های تحلیل انتقادی را در اختیار افراد قرار می‌دهد) تقسیم می‌کند. اراده به‌عنوان قدرت یا قدرت روانی در درون فرد برای انتخاب خود و به‌دنبال آن ظرفیتی تعریف می‌شود که به‌عنوان داشتن فرصت برای استفاده از منابع (دارایی، دانش و اراده)، تصمیم‌گیری و بر عهده گرفتن مسئولیت توصیف می‌شود (Singh&Singh, 2020). در نتیجه، مقتدرسازی زنان شهری به فرایندی اشاره دارد که در آن زنان در محیط‌های شهری از طریق دسترسی به منابع، فرصت‌ها و قدرت تصمیم‌گیری توانمند می‌شوند تا بتوانند نقش فعالی در جامعه ایفا کنند. این مفهوم شامل

بهبود وضعیت زنان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از طریق آموزش، اشتغال، شرکت در تصمیم‌گیری‌های محلی و دسترسی به خدمات شهری منصفانه است. مقتدرسازی زنان شهری نه تنها به بهبود کیفیت زندگی خود زنان کمک می‌کند، بلکه به توسعه پایدار شهرها نیز می‌انجامد.

چهارچوب نظری مقتدرسازی زنان شامل دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و اقتصادی است که به چگونگی دستیابی زنان به قدرت و خودمختاری می‌پردازد. این چهارچوب بر اصول اساسی مانند منابع، عاملیت، آگاهی از نابرابری‌های مبتنی بر جنسیت، ساختارهای اجتماعی-اقتصادی محلی و جهانی و تلاقی جنسیت با سایر مقولات اجتماعی (به‌عنوان مثال، نژاد، طبقه، قومیت) تمرکز دارد (Kabeer, 1999). رویکرد قابلیت با تمرکز بر آزادی برای دستیابی به نتایج مطلوب، بر اهمیت فراهم کردن فرصت‌ها و منابع برای زنان تأکید می‌کند (Sen, 1987-1993). چهارچوب‌های دیگر بر ابعاد اقتصادی (Pavanello, 2021; Anderson et al., 2015)، اجتماعی-فرهنگی، خانوادگی-بین‌فردی، روانی، حقوقی، تکنولوژیک (Kabir et al., 2023) و ابعاد سیاسی زندگی زنان تأکید دارند (Malhotra et al., 2002). مفهوم مقتدرسازی زنان تکامل یافته است و منعکس‌کننده تجربه‌ها و دیدگاه‌های متنوع زنان در زمینه‌های مختلف است. در حقیقت، مقتدرسازی فرایند پیچیده‌ای است که به رویکردی کل‌نگر نیاز دارد که به سطوح فردی و اجتماعی می‌پردازد. در ادبیات قبلی، مقتدرسازی زنان بر حسب قدرت، آزادی، خودمختاری، تصمیم‌گیری، تحرک، خودکارآمدی، درآمد و شفقت به خود مفهوم‌سازی شده است. مقتدرسازی در ادبیات دانشگاهی مختلف، اغلب در ارتباط با مفاهیم قدرت، منابع، عاملیت، فرصت و انتخاب، به‌طور متفاوتی تعریف شده است (Chowdhury et al., 2024). مقتدرسازی زنان به‌عنوان توانایی بهبود کیفیت زندگی، چه از نظر مالی و چه در رابطه با خودمختاری، به‌عنوان ظرفیت تصمیم‌گیری، برابری با مردان و حذف وابستگی

تعریف شده است. (Reza&Yasmin, 2019) مقتدرسازی زنان مفهومی نسبتاً پیچیده و چندبعدی است که بر افزایش ظرفیت زنان برای انتخاب‌های استراتژیک زندگی متمرکز است، به‌ویژه در شرایطی که چنین فرصت‌هایی از آن‌ها سلب شده است (Dellie et al., 2024). مقتدرسازی زنان و دختران به توانایی آن‌ها برای به دست آوردن قدرت و کنترل بر زندگی خود اشاره دارد که شامل افزایش آگاهی، ایجاد اعتمادبه‌نفس، گسترش انتخاب‌ها، افزایش دسترسی و کنترل بر منابع و اقداماتی برای تغییر ساختارها و نهادهایی است که تبعیض و نابرابری جنسیتی را تقویت و تداوم می‌بخشد. این امر نشان می‌دهد که زنان و دختران برای مقتدر شدن، نه تنها باید از قابلیت‌های برابر (مانند آموزش و بهداشت) و دسترسی برابر به منابع و فرصت‌ها (مانند زمین و اشتغال) برخوردار باشند، بلکه باید از حقوق، قابلیت‌ها، منابع و فرصت‌ها برای انتخاب و تصمیم‌گیری استراتژیک استفاده کنند (مانند فرصت‌های رهبری و مشارکت در نهادهای سیاسی) (UNDP, 2024). براین اساس، مقتدرسازی در فرایندهای حفظ مزایای زنان در سطوح فردی، خانگی، اجتماعی و گسترده‌تر نقش اساسی دارد (Malhotra et al., 2002). این امر شامل اقدام برای ارتقای وضعیت زنان از طریق سوادآموزی، آموزش، یادگیری و افزایش آگاهی است (Endalcachew, 2016). مقتدرسازی زنان با شاخصی اندازه‌گیری می‌شود که جنبه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی محیطی را که زنان در آن زندگی می‌کنند در بر می‌گیرد. این شاخص بر چهار حوزه متمرکز است: نخست، شاخص کنترل بر منابع اقتصادی، اطلاعاتی را در مورد اینکه آیا زن مورد نظر مالک زمین است و آیا مقداری پول در اختیار دارد، ترکیب می‌کند. دوم، شاخص تصمیم‌گیری نشان‌دهنده توانایی زن در تصمیم‌گیری مستقل برای خرید است که عبارت‌اند از: خریدهایی کوچک (غذا و اقلام شخصی)، ظروف، پوشاک برای کودکان، لباس سنتی زنانه، اقلام پوشاک برای مردان، هزینه‌های مربوط به تحصیل، هزینه‌های پزشکی،

تعمیر خانه و فروش زمین. سوم، تحرک توانایی زن برای بازدید از مکان‌های خاص یا مشورت با همسران خود را اندازه‌گیری می‌کند. این‌ها عبارت‌اند از: اقوام/دوستان نزدیک، بازار در محل، نزدیک‌ترین بیمارستان/درمانگاه/پزشک، سینما/نمایشگاه، بانک‌ها/اداره پست/دفاتر عمومی نزدیک، دفاتر غیردولتی/برنامه‌های آموزشی. چهارم، آگاهی سیاسی (Toufique, 2016; Sanawar, 2018).

شاخص مقتدرسازی زنان با زندگی و سلامتی خوب، آموزش، دانش مهارت‌سازی، کار و شمول مالی، مشارکت در تصمیم‌گیری و رهایی از خشونت سروکار دارد. شاخص جهانی شکاف جنسیتی، مقتدرسازی زنان را در پنج حوزه اصلی ارزیابی می‌کند: پیشرفت تحصیلی، سلامت و رفاه، فرصت‌های اقتصادی، مشارکت اقتصادی و توانمندسازی سیاسی (United Nations Development Programme, 2023). شاخص جهانی جنسیت، از چهار شاخص مشتمل بر مشارکت اقتصادی و فرصت‌ها، پیشرفت تحصیلی، سلامت و بقا و مشارکت سیاسی استفاده کرده است. (Forum WE, 2023) برای درک چندبعدی مقتدرسازی، پژوهشگران از ترکیبی از عوامل متعدد فراتر از متغیرهای سطح کلان برای توصیف مقتدرسازی در زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی مختلف استفاده کرده‌اند. عده‌ای از پژوهشگران بر شش مقوله برای مقتدرسازی زنان تأکید کرده‌اند که مشتمل بر تحرک، امنیت اقتصادی، توانایی تأثیرگذاری بر تصمیم‌های خانوادگی، اثربخشی در بخش عمومی و خوشه غیرخانوادگی است. برخی بر چهار بعد مقتدرسازی شامل عزت‌نفس، مشارکت در تصمیم‌گیری خانواده، آزادی حرکت و کنترل منابع تأکید کرده‌اند. عده‌ای دیگر مقتدرسازی زنان را با استفاده از ابعاد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، حقوقی، سیاسی و روانی اندازه‌گیری کرده‌اند. ابعاد تصمیم‌گیری، دانش، فیزیکی، عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و اتکابه‌خود نیز برای اندازه‌گیری مقتدرسازی زنان استفاده شده است. در توسعه شاخص مقتدرسازی زنان، به مقوله‌های مختلف شامل خشونت

جدول شماره (۱): ابعاد فرایند مقتدرسازی زنان

پارامتر	تبیین	بعد
افزایش عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس زنان رفع تبعیض و تمام اشکال خشونت علیه زنان و کودکان دختر	شناخت زنان از شرایط و علل تبعیت خود در سطوح خرد و کلان. این شامل انتخاب‌هایی است که ممکن است برخلاف انتظارات و هنجارهای فرهنگی باشد	شناختی
ایجاد و تقویت مشارکت با جامعه مدنی به‌ویژه سازمان‌های زنان اجرای احکام قانون اساسی و قانونی و حفظ حقوق زنان	اعتقاد به اینکه زنان می‌توانند در سطوح فردی و اجتماعی برای بهبود واقعیت‌های فردی خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، عمل کنند.	روان‌شناختی
ایجاد تصویری مثبت از زنان در جامعه و شناخت سهم آنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایجاد توانایی در بین زنان برای تفکر انتقادی تقویت تصمیم‌گیری و اقدام جمعی مقتدرسازی زنان برای انتخاب آگاهانه حصول اطمینان از مشارکت زنان در تمام عرصه‌های زندگی ارائه اطلاعات، دانش، مهارت برای خوداشتغالی	زنان به منابع تولیدی دسترسی دارند و بر آن‌ها کنترل دارند؛ بنابراین درجاتی از استقلال مالی را تضمین می‌کنند. بااین‌وجود، او خاطرنشان می‌کند که تغییرات در موازنه اقتصادی قدرت لزوماً نقش‌ها یا هنجارهای جنسیتی سنتی را تغییر نمی‌دهد.	اقتصادی
	زنان توانایی تجزیه‌وتحلیل، سازماندهی و بسیج برای تغییرات اجتماعی را دارند.	سیاسی
	عنصر به دست آوردن کنترل بر بدن و تمایلات جنسی و توانایی محافظت از خود در برابر خشونت جنسی تا فرایند مقتدرسازی	فیزیکی

مأخذ: (Singh & Singh, 2020)

حاکمیتی، دولتی و خصوصی از آزمون T تک‌نمونه‌ای استفاده شد. تعداد پرسش‌نامه‌های توزیع شده، ۴۰۰ نفر است که به‌صورت تصادفی توزیع شده و بر اساس فرمول کوکران به دست آمده است. برای استخراج مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه مقتدرسازی زنان کلان‌شهر از نظرات خبرگان استفاده شده است. جامعه آماری متشکل از ۲۰ نفر از استادان دانشگاه (اعضای هیئت علمی و مدرسان دانشگاه)، دانشجویان دکتری، کارشناسان با مدرک دکتری و کارشناسی ارشد شهرداری‌ها و سازمان‌های مرتبط با شهرها، مدیران اجرایی شهرداری‌ها و سازمان‌های سیاست‌گذار شهری است. قبل از انجام مصاحبه‌ها، تعهد اخلاقی مبنی بر عدم انتشار موارد مربوط به مصاحبه و اسامی آن‌ها اعلام شد. نمونه‌گیری بر اساس روش گلوله برفی بوده که در حوزه مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم‌گیری شهری، کار و پژوهش کرده‌اند و تا مرحله اشباع یا کفایت نظری

علیه زنان، اشتغال، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، باروری، تصمیم‌گیری و دسترسی به وسایل پیشگیری از بارداری، توجه شده است (Chowdhury et al., 2024; United Nations, 2024; UNDP, 2024). فرایند مقتدرسازی دارای پنج بعد است که عبارت‌اند از: شناختی، روانی، اقتصادی، سیاسی و فیزیکی. ابعاد مختلف در جدول شماره (۱) بیان شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی، از نظر روش شناختی اکتشافی و از لحاظ نوع پژوهش ترکیبی است. برای تحلیل پیامدهای مقتدرسازی زنان در کلان‌شهر اصفهان از آماره T و از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در پژوهش حاضر، جهت تحلیل و ارزیابی پیامدهای مقتدرسازی زنان در محیط شهری کلان‌شهر اصفهان بر اساس پرسش‌نامه توزیع شده بین زنان شاغل در سازمان‌ها و نهادهای

جدول شماره (۲): مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه مربوط به پیامدهای مقتدرسازی زنان در کلان‌شهر اصفهان به‌عنوان یک مضمون فراگیر

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
قدرت و عاملیت	آگاهی زنان و دختران به نبود مقتدرسازی
	آگاهی زنان و دختران به نابرابری‌ها
	درک حقوق فردی
	درک خویشتن
	اندیشه اعتقادی
	مشارکت زنان در فعالیت‌ها
	افزایش خودکارآمدی و توانایی تصمیم‌گیری زنان
	افزایش قدرت چانه‌زنی زنان
	افزایش کنترل زنان بر منابع خانوار
	افزایش استقلال مالی زنان
	داشتن اعتمادبه‌نفس
	آرزوهای مثبت برای آینده
	توانایی تصور انتخاب‌های احتمالی زندگی
	اعتقاد به توانایی شخصی برای دگرگونی جامعه
	زنان و دختران به‌عنوان عوامل فعال در رفاه خود
	توانایی حل مسئله
	تمایل به عمل به‌عنوان رهبر
	پیگیری فرصت‌های مشارکت مدنی (مانند رأی دادن، شرکت در جلسات اجتماعی و...)
	انتظارات بالا برای موفقیت
	تغییر روابط قدرت
تغییر در الگوهای جنسیتی کار خانگی	
توانایی شناخت هنجارهای اجتماعی که باعث ایجاد نابرابری بین زن و مرد می‌شود	
مذاکره در روابط زناشویی و تصمیم‌گیری	
توانایی شنیده شدن در خانواده	
تغییر در ارزش خالص نیروی کار خانگی	
توانایی تصمیم‌گیری در خانواده	
تغییر به‌سمت تصمیم‌گیری مشترک در خانواده	
تقویت همکاری بین زن و مرد برای تغییر ساختارهای اجتماعی	
کمک خانواده در افزایش دسترسی به منابع	
کمک اجتماع در افزایش دسترسی به منابع	
همکاری بین مراقبان و اعضای جامعه برای افزایش دسترسی به منابع	
تغییر در توزیع جنسیتی منابع	
تغییر در توزیع منابع به‌سمت افزایش رفاه خانواده	
توانایی اعمال قدرت با دیگران در قالب اقدام جمعی (برای مثال، انجمن‌های زنان درگیر در فعالیت‌های سیاسی یا باشگاه‌های دختران که حمایت اجتماعی را در به چالش کشیدن هنجارهای جنسیتی ارائه می‌دهند)	
حمایت همسالان یا بزرگسالان	

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
افزایش قابلیت‌ها	توانایی تصمیم‌گیری در مورد آینده
	توانایی انتخاب‌های مغایر با انتظارات فرهنگی و اجتماعی
	توانایی انتخاب‌هایی که بر انتظارات فرهنگی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد
	توانایی انتخاب‌های استراتژیک زندگی
	توانایی بیان تصمیم‌ها یا انتخاب‌های خود
	توانایی به فعلیت رساندن تصمیم‌ها یا انتخاب‌های خود
	افزایش ظرفیت برای تعیین سرنوشت (یعنی توانایی فرد برای تعیین توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود)
	امکان حرکت آزادانه
	توانایی سازماندهی و بسیج
	توانایی بیان نظر
	توانایی شنیدن در مدارس و انجمن‌های عمومی (مانند جلسات اجتماعی)
	توانایی تصمیم‌گیری در امور جامعه
	امکان دسترسی به منابع خانگی (زمین، آب، غذا، پوشاک)
اصلاح عوامل ساختاری	امکان دسترسی به فضاهای اجتماعی
	امکان دسترسی به شبکه‌های اجتماعی غیر خانوادگی
	وجود فرصت‌های شغلی
	فرصت عمل به‌عنوان راهبر
	افزایش فرصت برای مشارکت مدنی
	دسترسی ساختاری به منابع و شبکه‌های اجتماعی
	تغییر سیاست‌ها به نفع زنان و دختران در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی
	اعمال سیاست‌های موجود به نفع زنان و دختران
	حفاظت طبق قانون
	قوانینی که به زنان و دختران اجازه می‌دهد حقوق خود را مطالبه کنند
	تغییرات سیستمی در نهادهای اجتماعی
	تغییر رویه‌ها در سطح خانواده به نفع زنان و دختران
	تغییر رویه‌ها در سطح جامعه به نفع زنان و دختران
آگاهی انتقادی از ساختارها و هنجارهای اجتماعی گسترده‌تر	
توسعه اقتصادی	یافتن مکانیسم‌های محلی مقتدرسازی
	یافتن شاخص‌های محلی مرتبط با مقتدرسازی
	کسب مهارت‌های جدید توسط زنان و تغییرات در عملکرد تجاری
	دسترسی زنان به بازارهای جدید
رفع تبعیض	افزایش سود زنان از بازارهای جدید مالی
	بهبود معیشت زنان
	دسترسی عادلانه به فرصت‌های آموزشی
	دسترسی عادلانه به فرصت‌های شغلی
	دسترسی عادلانه به امکانات رفاهی شهری
دسترسی عادلانه به پست‌های مدیریتی	

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
زندگی و سلامتی	روش های مدرن پیشگیری از بارداری
	نرخ مناسب تولد
	میزان بالای امید به زندگی در بدو تولد
آموزش، مهارت سازی و دانش	جمعیت مناسب زن با تحصیلات متوسطه یا بالاتر
	درصد بالای زنان آشنا با فناوری های جدید
	درصد بالای زنان مسلط به دانش و تکنیک های جدید
	درصد بالای زنان مسلط به مهارت های کاربردی
کار و شمولیت مالی	نرخ مشارکت نیروی کار زنان در خانواده های دارای فرزند
	درصد بالای مالکیت زنان بر حساب مالی
مشارکت در تصمیم گیری	سهم مناسب زنان از کرسی های مجلس
	سهم مناسب زنان از کرسی های دولت محلی
	سهم مناسب زنان از پست های مدیریتی

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۴۰۳)

بحث و یافته ها

مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم کلان شهر اصفهان دارای پیامدهایی از جمله قدرت و عاملیت، تغییر روابط قدرت، افزایش قابلیت ها، اصلاح عوامل ساختاری، توسعه اقتصادی، رفع تبعیض، زندگی و سلامتی، آموزش، مهارت سازی و دانش، کار و شمولیت مالی و مشارکت در تصمیم گیری است. در ادامه، به تحلیل این پیامدها از دیدگاه شهروندان کلان شهر اصفهان می پردازیم.

قدرت و عاملیت

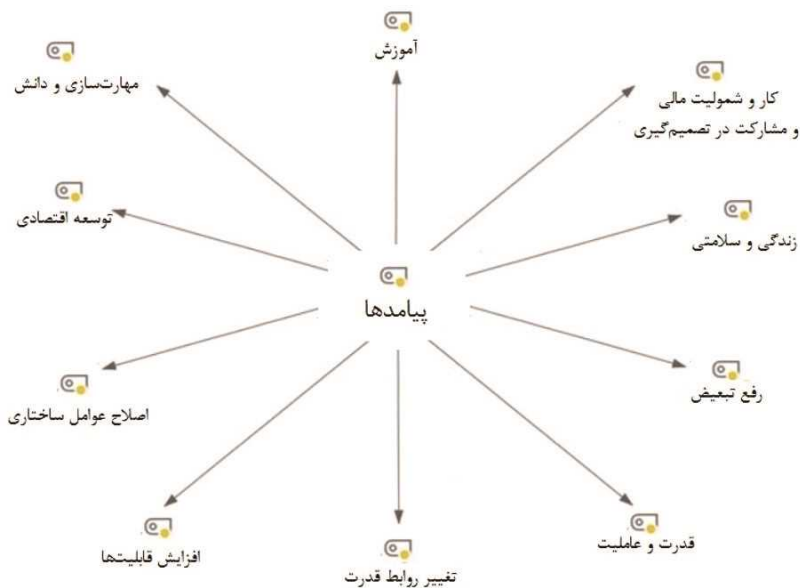
نتایج پژوهش بیانگر آن است که وضعیت مضامین قدرت و عاملیت در محیط تصمیم کلان شهر اصفهان در سطح نامناسب و وضعی قرار دارد؛ علت این امر، این است که مقدار آماره T منفی است و مقدار میانگین بیشتر مضامین از حد وسط پایین تر است. در این میان، تنها چهار مورد از مضامین پایه مشتمل بر افزایش کنترل زنان بر منابع خانوار (۳/۴۶۰۰)، توانایی تصور انتخاب های احتمالی زندگی (۳/۲۴۰۰)، توانایی حل مسئله (۳/۳۸۴۱) و تمایل به عمل به عنوان رهبر (۳/۳۹۰۵) بالاتر از میانگین هستند (پیوست، جدول شماره ۳). عدم تقویت کافی قدرت و عاملیت زنان در کلان شهر اصفهان را می توان به دلیل وجود

پیش رفته است. ابزار جمع آوری داده های پژوهش، مصاحبه نیمه ساختاریافته است. از راه مرور ادبیات موضوع، سؤال های مصاحبه تنظیم شد و با نظرخواهی از استادان و کارشناسان و تأیید روایی محتوایی سؤال ها، چهارچوب کلی مصاحبه نیمه ساختاریافته استخراج شد. در پایان هر مصاحبه محتوای ضبط شده و یادداشت های ثبت شده در حین مصاحبه پیاده سازی و به متن نوشتاری تبدیل شد. افزون بر این، گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها هم زمان صورت پذیرفت. این روند تا پایان مطالعه و دستیابی به اشباع داده ها تداوم پیدا کرد. پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه نخست، مصاحبه بعدی انجام شد.

داده ها و اطلاعات گردآوری شده با استفاده از معیارهای اعتماد پذیری^۱، نظیر باورپذیری، تأییدپذیری، اطمینان پذیری و انتقال پذیری^۲ احراز شد. مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بود. از این رو، مضامین سازمان دهنده و مضامین پایه مربوط به پیامدهای مقتدرسازی زنان در کلان شهر اصفهان به عنوان یک مضمون فراگیر، از نظرهای آن ها، استخراج شد که در جدول شماره (۲) به آن اشاره کرده ایم.

1. Trustworthiness

2. Credibility, Validation, Dependability, Transformability



شکل شماره (۱): پیامدهای مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم شهری کلان‌شهر اصفهان

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

خدمات مراقبتی مناسب، فرصت‌های شغلی منعطف و سیستم‌های حقوقی پشتیبان، زنان را با محدودیت‌هایی در انتخاب گزینه‌های زندگی خود مواجه می‌کند. این عوامل به‌طور مشترک موجب ضعف احساس قدرت و کنترل بر زندگی در زنان اصفهانی می‌شوند. به سخن بهتر، علت نامناسب بودن مضامین قدرت و عاملیت در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان آن است که از دیدگاه «قدرت و عاملیت»، زنان با محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی مواجه هستند که امکان تصمیم‌گیری مستقل، شرکت در فضاهای عمومی و تحقق خودآگاهی را برای آنها دشوار کرده است. فرهنگ‌های سنتی، نابرابری‌های قانونی، دسترسی محدود به منابع اقتصادی و نبود حمایت‌های اجتماعی، سبک زندگی زنان را تحت کنترل دیگران قرار می‌دهد و از توانمندی واقعی آنها می‌کاهد. این وضعیت باعث می‌شود زنان بیشتر نقش‌های واگذارشده را بپذیرند و امکان تصمیم‌گیری مستقل در زندگی شخصی و اجتماعی را نداشته باشند.

ساختارهای نابرابر جامعه‌شناختی، نگرش‌های فرهنگی محدودکننده و محدودیت‌های ساختاری سیاسی و اقتصادی تبیین کرد. بسیاری از زنان با وجود تحصیلات بالا و توانمندی‌های شایسته، هنوز در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی یا عمومی شهری نقش چشمگیری ندارند. این امر ریشه در الگوهای فرهنگی عمیق‌تر دارد که نقش زن را بیشتر در حیطه خانه و مراقبت می‌بیند و به او فرصت عمل و تصمیم‌گیری نمی‌دهد. از سوی دیگر، دسترسی نداشتن به منابع قدرت، مانند موقعیت‌های مدیریتی، حضور در شوراهای شهر و سمت‌های کلیدی در بخش‌های دولتی و غیردولتی نیز این ضعف را تشدید می‌کند. همچنین، سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی غالب در اصفهان به اندازه کافی زن‌محور نیستند. برنامه‌های توسعه‌ای اغلب نیازهای خاص زنان را در نظر نمی‌گیرند و این امر مانع از ایجاد فضایی مساعد برای افزایش «عاملیت» زنان می‌شود. علاوه بر این، نبود شبکه‌های حمایتی کافی، مانند

تغییر روابط قدرت

نتایج پژوهش بیانگر آن است که وضعیت مضامین تغییر روابط قدرت در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان در سطح نامناسب و ضعیفی قرار دارد؛ چراکه مجموع مقدار آماره T منفی است و مقدار میانگین بیشتر مضامین از حد وسط پایین‌تر است. در این میان، تنها چهار مورد از مضامین پایه مشتمل بر تغییر در الگوهای جنسیتی کار خانگی (۳/۵۴۰۰)، توانایی شنیده شدن در خانواده (۳/۲۶۹۸)، توانایی تصمیم‌گیری در خانواده (۳/۹۰۴۸) و تغییر به سمت تصمیم‌گیری مشترک در خانواده (۳/۳۳۳۳)، بالاتر از میانگین هستند (پیوست، جدول شماره (۴)). روابط قدرت موجود در ساختار خانواده، محل کار و فضاهای عمومی شهری در اصفهان هنوز به سود مردان است و تغییرات معناداری در این زمینه صورت نگرفته است. زنان، در بسیاری از مواقع، تصمیم‌گیرندگان ثانویه در نظر گرفته می‌شوند؛ چه در سطح خانواده و چه در محیط‌های سازمانی. این موضوع ناشی از آن است که ساختارهای نهادی و فرهنگی نمی‌توانند روابط قدرت برابر را محقق کنند. همچنین، مقاومت‌های نهادی و اجتماعی در برابر تغییر الگوهای قدرت قدیمی از ایجاد فرصت‌های واقعی برای زنان در فضای عمومی مانع می‌شود. سازمان‌ها و نهادهای شهری اصفهان نیز هنوز برای اجرای سیاست‌های برابری جنسیتی تعهد لازم و کافی ندارند. برای مثال، حضور زنان در شوراهای شهر، مدیریت‌های شهرداری و تشکل‌های مردمی بسیار محدود است که نشان از بی‌عدالتی ساختاری دارد. همین امر موجب می‌شود تا صدای زنان در تصمیم‌گیری‌های شهری ضعیف بماند و در روابط قدرت تغییر جدی صورت نگیرد. بدون تغییر در این روابط، زنان نمی‌توانند به‌طور مساوی در فرایندهای توسعه شهری مشارکت کنند یا از منابع بهره‌مند شوند. در نتیجه، علت نامناسب بودن مضامین تغییر روابط قدرت در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان آن است که در حوزه «تغییر روابط قدرت»، زنان غالباً در پایین‌ترین سطوح قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار

دارند. نمایندگی ناکافی زنان در مقاطع تصمیم‌گیری، دخالت کم آنها در ساختارهای مدیریتی و بی‌توجهی به حقوق گروهی زنان در تصویب قوانین، آنها را از تأثیرگذاری مؤثر در ساختارهای قدرت محروم کرده است. همچنین، مقاومت‌های فرهنگی و نهادی در برابر افزایش حضور زنان در فضاهای قدرت، روند تغییرات را کند و غیرقابل پیش‌بینی کرده است؛ بنابراین، نابرابری‌های قدرتی ساختاری همچنان پابرجاست و فرصت‌های واقعی برای زنان برای تحکیم موقعیت خود در سیستم‌های قدرت وجود ندارد.

افزایش قابلیت‌ها

نتایج پژوهش بیانگر آن است که وضعیت مضامین افزایش قابلیت‌ها در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان در سطح نامناسب و ضعیفی قرار دارد؛ چراکه مجموع مقدار آماره T منفی است و مقدار میانگین بیشتر مضامین از حد وسط پایین‌تر است. در این میان، تنها سه مورد از مضامین پایه مشتمل بر امکان دسترسی به منابع خانگی (زمین، آب، غذا، پوشاک) (۳/۰۷۶۲)، امکان دسترسی به فضاهای اجتماعی (۳/۲۴۱۰) و امکان دسترسی به شبکه‌های اجتماعی غیرخانوادگی (۳/۳۰۷۹) از میانگین بالاتر هستند (پیوست، جدول شماره (۵)). کمبود قابلیت‌های انسانی و اجتماعی زنان در اصفهان را می‌توان به دلیل محدودیت‌های دسترسی به آموزش‌های مهارتی، فرصت‌های شغلی منصفانه و خدمات رفاهی مناسب دانست. گرچه بسیاری از زنان اصفهانی سطح تحصیلات بالایی دارند، اما این سرمایه انسانی به‌خوبی در بازار کار یا فضاهای عمومی سیاسی-اجتماعی جذب نمی‌شود. همچنین، نبود برنامه‌های آموزشی متخصص و کاربردی برای زنان، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار شهری، از افزایش قابلیت‌های لازم برای ارتقای وضعیت شغلی و اجتماعی آنان مانع می‌شود. همین‌طور، محدودیت‌های ساختاری شامل تبعیض در استخدام، نبود محل کارهای دوست‌داشتنی برای زنان و فقدان سیاست‌های خانواده‌محور، مانع مرخصی والدین یا مراکز مراقبتی رایگان این امر را تشدید می‌کند. این شرایط باعث

کاهش انگیزه و مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و عمومی می‌شود و در نتیجه، مهارت‌ها و توانایی‌های لازم را برای قدرت گرفتن به دست نمی‌آورند. بدون سرمایه‌گذاری هدفمند در زمینه آموزش، بهداشت و توسعه مهارت‌های زنان، این شکاف ادامه خواهد داشت. در نتیجه، علت نامناسب بودن مضامین افزایش قابلیت‌ها در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان آن است که در حوزه «افزایش قابلیت‌ها»، دسترسی محدود زنان به آموزش، بهداشت، شغل و منابع اقتصادی، امکان توسعه استعدادها و پیشرفت فردی آنها را محدود کرده است. به طور مثال، نرخ سواد زنان در برخی از مناطق پایین نظیر سکونتگاه‌های غیررسمی است، خدمات درمانی و بهداشتی به ویژه در محله‌های حاشیه‌نشین و فقیرنشین، برای زنان به اندازه کافی فراهم نیست و فرصت‌های شغلی نیز اغلب با دستمزد ناعادلانه و بدون حمایت‌های قانونی همراه است. این مسائل باعث می‌شود زنان نتوانند تمام استعدادها و توانایی‌های خود را در زندگی فردی و اجتماعی به کار گیرند و به نوعی از توسعه پایدار فردی و جمعی محروم بمانند.

اصلاح عوامل ساختاری

نتایج پژوهش بیانگر آن است که وضعیت مضامین اصلاح عوامل ساختاری در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان در سطح نامناسب و ضعیفی قرار دارد؛ چراکه مجموع مقدار آماره T منفی است و مقدار میانگین اکثریت مضامین از حد وسط پایین‌تر است. در این میان، تنها یک مورد از مضامین پایه مشتمل بر تغییر رویه‌ها در سطح خانواده به نفع زنان و دختران (۳/۲۰۰)، بالاتر از میانگین است (پیوست، جدول شماره (۶)). علت نامناسب بودن مضامین اصلاح عوامل ساختاری در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان آن است که بسیاری از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و قانونی همچنان دارای تعصبات جنسیتی ذاتی هستند. قوانینی وجود دارند که به طور غیرمستقیم از حق مالکیت، دسترسی به منابع اقتصادی، شرکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و حتی حرکت آزاد زنان می‌کاهند. افزون بر این، ساختارهای خانوادگی و نهاد‌های فرهنگی اغلب

نقش سنتی زنان را در حوزه خصوصی تقویت و از شرکت فعال آنها در عرصه عمومی جلوگیری می‌کنند. بدون اصلاح این ساختارهای بنیادین، زنان نمی‌توانند به طور کامل در فرایندهای توسعه و تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند.

توسعه اقتصادی

نتایج پژوهش بیانگر آن است که وضعیت مضامین کار و شمولیت مالی در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان در سطح نامناسب و ضعیفی قرار دارد؛ چراکه مجموع مقدار آماره T منفی است و مقدار میانگین مضامین از حد وسط پایین‌تر است. در این میان، وضعیت دو مورد از مضامین مشتمل بر کسب مهارت‌های جدید توسط زنان و تغییرات در عملکرد تجاری (۳/۴۲۸۶) و دسترسی زنان به بازارهای جدید (۳/۱۸۱۰) از میانگین بالاتر است (پیوست، جدول شماره (۷)). علت نامناسب بودن مضامین توسعه اقتصادی در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان آن است که دسترسی نامساوی زنان به فرصت‌های شغلی، اعتبارات بانکی، آموزش‌های مهارتی و بازارهای اقتصادی باعث محدودیت قابلیت‌های اقتصادی آنها شده است. افزون بر این، زنان اغلب در مشاغل غیررسمی، پرخطر و کم‌درآمد بیشتر حضور دارند و حقوق برابر با مردان برای کار یکسان را دریافت نمی‌کنند. نبود حمایت کافی از سیاست‌های دولتی و برنامه‌های هدفمند اقتصادی برای زنان، این وضعیت نابرابری را تداوم می‌دهد. بدون ایجاد فرصت‌های برابر اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم در توانمندسازی اقتصادی زنان، نمی‌توان به دستاوردهای پایدار در برابر نابرابری جنسیتی دست یافت.

رفع تبعیض

نتایج پژوهش بیانگر آن است که وضعیت مضامین رفع تبعیض مناسب است، چنانچه سه مورد از مضامین مشتمل بر دسترسی عادلانه به فرصت‌های آموزشی (۳/۴۰۳۲)، دسترسی عادلانه به فرصت‌های شغلی (۳/۳۷۴۶) و دسترسی عادلانه به امکانات رفاهی شهری (۳/۴۲۸۶) از حد میانگین بالاتر هستند (پیوست، جدول شماره (۸)). یکی از دلایل وضعیت

نسبتاً مطلوب توانمندسازی زنان در اصفهان، در زمینه کاهش تبعیض جنسیتی، وجود زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی قوی و دسترسی گسترده بانوان به فرصت‌های تحصیلی است. اصفهان که یکی از مراکز علمی و صنعتی کشور است، زمینه‌های لازم را برای شرکت فعالانه زنان در حوزه‌های مختلف فراهم کرده است. همچنین، گسترش آگاهی‌های اجتماعی درباره حقوق زن و نقش آنها در توسعه جامعه طی سالیان اخیر باعث کاهش تبعیض مبتنی بر جنسیت شده است. مؤسسات آموزشی و رسانه‌ها در این شهر نقش مهمی در تغییر نگرش‌های جامعه و تشویق زنان به شرکت بیشتر در فرایندهای تصمیم‌گیری ایفا کرده‌اند. از سوی دیگر، پوشش گسترده خدمات بهداشتی، درمانی و اجتماعی در اصفهان نیز به بهبود وضعیت زنان و کاهش برابری‌های جنسیتی کمک کرده است. افزون بر این، وجود تشکل‌های مردمی و سازمان‌های مدنی در ارتقای مشارکت زنان در فضاهای عمومی و معرفی الگوهای موفق زن مؤثر بوده است. این عوامل باعث شده تا زنان بیش از قبل بتوانند در برابر انواع تبعیض ایستادگی کنند و خود را به‌عنوان افرادی شایسته و برابر در کنار مردان مطرح کنند. البته نباید فراموش کرد که هنوز هم گام‌های بیشتری باید برای دستیابی به برابری کامل جنسیتی برداشته شود، اما شاخص‌های موجود نشان از پیشرفت قبولی در این زمینه دارد.

زندگی و سلامتی

نتایج پژوهش بیانگر آن است که وضعیت مضامین زندگی و سلامتی مناسب است، چنانچه دو مورد از مضامین مشتمل بر روش‌های مدرن پیشگیری از بارداری (۳/۶۶۳۵) و میزان بالای امید به زندگی در بدو تولد (۳/۶۱۵۹) از حد میانگین بالاتر است (پیوست، جدول شماره ۹). وضعیت عوامل مقتدرسازی زنان در کلان‌شهر اصفهان از لحاظ زندگی و سلامتی، به دلیل توسعه نسبتاً خوب زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی، در دهه‌های اخیر روند مطلوبی را طی کرده است. دسترسی گسترده به خدمات بهداشتی-درمانی، وجود تعداد مناسبی از مراکز درمانی عمومی و تخصصی،

فعالیت‌های آموزشی و پیشگیرانه در حوزه سلامت زنان، افزایش سطح آگاهی عمومی و شناخت بهتر زنان از حقوق سلامتی خود، از جمله عواملی هستند که نقش مهمی در توانمندسازی زنان ایفا کرده‌اند. همچنین برنامه‌های وزارت بهداشت و سازمان‌های محلی در زمینه بهبود مراقبت‌های دوران بارداری، کاهش مرگ‌ومیر مادران و ارتقای سلامت عمومی زنان ساکن شهر اصفهان مؤثر بوده است. از سوی دیگر، تحولات اجتماعی و فرهنگی در این شهر باعث شده است که زنان بیش از گذشته بر سلامت جسمی و روانی خود تمرکز کنند. افزایش سطح تحصیلات زنان، حضور فعال‌تر آنها در عرصه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین دسترسی به اطلاعات سالم و موثق درباره سلامت، عوامل مهمی هستند که زنان را قادر می‌سازند تا در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سلامت خانواده و خودشان نقش بیشتری ایفا کنند؛ بنابراین، شاخص‌های مرتبط با سلامت زنان در اصفهان نسبت به بسیاری از مناطق دیگر کشور بهتر است و این موضوع به‌طور مستقیم موجب تقویت موقعیت مقتدرسازی زنان در این حوزه شده است.

آموزش، مهارت‌سازی و دانش

نتایج پژوهش بیانگر آن است که وضعیت مضامین آموزش، مهارت‌سازی و دانش در محیط تصمیم‌کلیان شهر اصفهان در سطح نامناسب و ضعیفی قرار دارد؛ چراکه مجموع مقدار آماره T منفی است و مقدار میانگین مضامین از حد وسط پایین‌تر است. در این میان، وضعیت یک مورد از مضامین مشتمل بر جمعیت مناسب زن با تحصیلات متوسطه یا بالاتر (۳/۳۵۸۷) از میانگین بالاتر است (پیوست، جدول شماره ۱۰). یکی از دلایل اصلی ضعف وضعیت آموزش، مهارت‌سازی و دانش زنان در کلان‌شهر اصفهان، نابرابری‌های ساختاری موجود در دسترسی به منابع آموزشی باکیفیت است. با وجود پیشرفت‌های آماری در سطح تحصیلات زنان در مقاطع مختلف، بسیاری از زنان، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای و کمتر توسعه‌یافته، از دسترسی مناسب به آموزش‌های تخصصی و فنی و

برنامه‌های تسهیل‌گری مالی و اعتبارات کم‌بهره برای کارآفرینی زنان به‌خوبی عملیاتی نشده‌اند و بسیاری از زنان به‌دلیل نبود ضمانت‌های معمول و یا نگرش‌های تبعیض‌آمیز بانکی از دسترسی به منابع مالی مناسب محروم می‌شوند. همراهی ضعیف بین بخش‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مردمی نیز از راه‌اندازی پروژه‌های مشاغل خانگی و کوچک زنانه جلوگیری کرده است.

مشارکت در تصمیم‌گیری

نتایج پژوهش بیانگر آن است که وضعیت مضامین مشارکت در تصمیم‌گیری در محیط تصمیم‌کلان شهر اصفهان در سطح نامناسب و ضعیفی قرار دارد؛ چراکه مجموع مقدار آماره T منفی است و مقدار میانگین تمام مضامین از حد وسط پایین‌تر است (پیوست، جدول شماره ۱۲)). یکی از دلایل اصلی کاهش مشارکت زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری شهری، ساختارهای قدرت سنتی و نگرش‌های فرهنگی-اجتماعی است که نقش زنان را در حیطه خانواده و فضاهای غیررسمی می‌داند. این رویکرد به محدودیت دسترسی زنان به موقعیت‌های مدیریتی، سیاسی و تصمیم‌گیرنده در سطوح مختلف شهرداری، شورای اسلامی شهر و سایر نهادهای دولتی یا محلی منجر شده است. همچنین، وجود دیوارهای نمایندگی ضعیف زنان در ساختارهای تصمیم‌گیری شهری، از شکل‌گیری صدای مؤثر آنها در برنامه‌های توسعه شهری و خدمات‌رسانی مانع می‌شود. از سوی دیگر، کمبود برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی متمرکز بر رهبری و شرکت سیاسی زنان نیز از دیگر دلایل این وضعیت است. بسیاری از زنان به‌دلیل نبود الگوهای مناسب، کمبود اعتمادبه‌نفس و نگرش‌های داخلی و خانوادگی، وارد فضای عمومی و تصمیم‌گیری نمی‌شوند. همراهی ناکافی نهادهای مدنی، دانشگاهی و رسانه‌ای در تقویت هویت سیاسی زنان و تشویق آنها به شرکت در فرایندهای عمومی نیز این ضعف را تشدید کرده است. نتیجه این وضعیت، تصمیم‌های ناهماهنگ و غیرقابل اجرا در بسیاری از سیاست‌های مرتبط با زنان و توسعه شهری است.

حرفه‌ای محروم هستند. همچنین، برنامه‌های آموزشی غالب بر نظام آموزشی، گاهی به نیازهای بازار کار و شرایط واقعی زنان پاسخگو نیست و فرصت‌های مهارت‌سازی منطبق با شرایط جدید اقتصادی و فناوری برای زنان به‌خوبی فراهم نشده است. علاوه بر این، بازدارنده‌های فرهنگی و اجتماعی نیز نقش مهمی در محدود کردن مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی و مهارتی دارند. خانواده و جامعه گاهی از زنان در اخذ مهارت‌های جدید و حضور در فضاهای آموزشی غیرسنتی حمایت نمی‌کنند. همچنین، نبود زیرساخت‌های مناسب مانند مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای مناسب برای زنان، کمبود مربیان متخصص زن و همراهی کمتر دستگاه‌های دولتی با بخش خصوصی در طراحی برنامه‌های مهارت‌محور، از دیگر دلایل این ضعف است. این عوامل در مجموع موجب کاهش ظرفیت رقابت زنان در بازار کار و کاهش میزان مشارکت آنها در فرایندهای توسعه شهری می‌شود.

کار و شمولیت مالی

نتایج پژوهش بیانگر آن است که وضعیت مضامین کار و شمولیت مالی در محیط تصمیم‌کلان شهر اصفهان در سطح نامناسب و ضعیفی قرار دارد؛ چراکه مجموع مقدار آماره T منفی است و مقدار میانگین تمام مضامین از حد وسط پایین‌تر است (پیوست، جدول شماره ۱۱)). نبود تعادل جنسیتی در بازار کار اصفهان یکی از دلایل اصلی ضعف وضعیت شغلی زنان است. بسیاری از زنان با چالش‌هایی، مانند تمایز حقوقی، دسترسی محدود به شغل‌های مناسب، نبود فضای امن شغلی و نبود امکانات حمایتی (مانند مراکز مراقبت از کودک) مواجه هستند. این عوامل باعث کاهش انگیزه زنان برای حضور در عرصه کار می‌شوند. همچنین، شغل‌های موجود برای زنان اغلب در بخش‌های غیررسمی، بدون پوشش بیمه‌ای و با درآمد پایین قرار دارند که این موضوع وضعیت شمولیت مالی و امنیت اقتصادی آنها را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، سیاست‌های اشتغال‌زایی و اعتباردهی متمرکز و عمومی در بیشتر موارد نتوانسته‌اند به نیازهای خاص زنان پاسخ دهند.

نتیجه گیری

نتایج پژوهش بیانگر آن است که وضعیت پیامدهای مقتدرسازی زنان در کلان‌شهر اصفهان در سطح نامناسب و وضعی قرار دارد؛ چراکه مجموع مقدار آماره T منفی است و مقدار میانگین بیشتر مضامین از حد وسط پایین تر است. در این میان، تنها تعداد محدودی از مضامین بالاتر از میانگین هستند. از جمله این مضامین می‌توان به مواردی مشتعل بر توانایی شنیده شدن در خانواده؛ توانایی تصمیم‌گیری در خانواده؛ تغییر به سمت تصمیم‌گیری مشترک در خانواده؛ امکان دسترسی به منابع خانگی (زمین، آب، غذا، پوشاک)، امکان دسترسی به فضاهای اجتماعی، امکان دسترسی به شبکه‌های اجتماعی غیر خانوادگی، میزان بالای امید به زندگی در بدو تولد، تغییر رویه‌ها در سطح خانواده به نفع زنان و دختران، کسب مهارت‌های جدید توسط زنان و تغییرات در عملکرد تجاری، دسترسی زنان به بازارهای جدید، دسترسی عادلانه به فرصت‌های آموزشی، توانایی تصور انتخاب‌های احتمالی زندگی، تمایل به عمل به عنوان رهبر، توانایی حل مسئله، دسترسی عادلانه به فرصت‌های شغلی، تغییر در الگوهای جنسیتی کار خانگی، دسترسی عادلانه به امکانات رفاهی شهری، روش‌های مدرن پیشگیری از بارداری، افزایش کنترل زنان بر منابع خانوار، جمعیت مناسب زن با تحصیلات متوسطه یا بالاتر اشاره کرد. خاطر نشان می‌شود از مجموع ۸۴ مضمون پیامدهای مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان، تنها وضعیت ۲۰ مضمون از میانگین بالاتر است. مقتدرسازی زنان در محیط‌های تصمیم‌گیری، به ویژه در سطح کلان‌شهری مانند اصفهان، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، تحلیل عمیق و اجرای راهکارهای همه‌جانبه است. این فرایند شامل شناسایی چالش‌ها، بررسی پیامدها و ارائه راهکارهای عملیاتی است. در ادامه، راهکارهای تحلیل پیامدهای مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم‌گیری کلان‌شهر اصفهان ارائه می‌شود:

- شناسایی و تحلیل وضعیت موجود: جمع‌آوری داده‌ها؛ انجام مطالعات آماری و جمعیت‌شناختی برای بررسی

وضعیت حضور زنان در ساختارهای تصمیم‌گیری شهری (مانند شورای شهر، سازمان‌های دولتی و خصوصی). شناسایی موانع: بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قانونی که مانع از مشارکت مؤثر زنان می‌شوند. تحلیل پیامدهای فعلی: بررسی تأثیرات مثبت و منفی حضور زنان در تصمیم‌گیری‌های شهری بر جنبه‌های مختلف زندگی شهری (مانند توسعه پایدار، برابری جنسیتی و بهبود کیفیت زندگی).

- طراحی چهارچوب نظری و مفهومی: تعریف مقتدرسازی: ارائه تعریف دقیق از مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم‌گیری شهری و تعیین ابعاد آن (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی). استفاده از مدل‌های تحلیلی: بهره‌گیری از مدل‌هایی مانند SWOT (نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها) برای تحلیل پیامدهای مقتدرسازی. بررسی الگوهای جهانی: مقایسه تجربه‌های شهرهای دیگر در مقتدرسازی زنان و استخراج درس‌های قابل اجرا برای اصفهان.

- ایجاد سازوکارهای حمایتی: تشکیل شبکه‌های حمایتی: ایجاد شبکه‌های محلی و منطقه‌ای برای حمایت از زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری. آموزش و مهارت‌آموزی: برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه‌های مدیریت، رهبری و مذاکره برای زنان. حمایت از سازمان‌های غیردولتی: تقویت نقش سازمان‌های مردمی و غیردولتی در ترویج مقتدرسازی زنان.

- اصلاح ساختارهای قانونی و سیاسی: اجرای قوانین حمایتی: تدوین و اجرای قوانینی که تضمین‌کننده مشارکت برابر زنان در تصمیم‌گیری‌های شهری باشد. تعیین سهمیه: اختصاص حداقل سهمیه‌ای از موقعیت‌های تصمیم‌گیری به زنان. شفافیت در فرایندها: اطمینان از شفافیت در فرایندهای استخدام، انتخاب و ارتقا در سازمان‌های شهری.

- تحلیل پیامدهای اجتماعی و اقتصادی: بررسی تأثیر بر توسعه پایدار: تحلیل اینکه چگونه مقتدرسازی زنان به توسعه پایدار شهر اصفهان کمک می‌کند. تحلیل تأثیر بر برابری جنسیتی: بررسی اینکه مقتدرسازی زنان چگونه به کاهش نابرابری‌های جنسیتی منجر می‌شود.

منابع

1. Akram, S., Imrab, S., & Safina, M. (2015). Socio-economic empowerment of women through micro enterprises: A case study of Ajk. *European Scientific Journal*, 11(22), 197–211. <https://core.ac.uk/download/pdf/328025055.pdf>
 2. Anderson, C., Leigh, T. W., Reynolds, P. B., Vedavati, P., & Carly, S. (2021). Economic benefits of empowering women in agriculture: Assumptions and evidence. *The Journal of Development Studies*, 57(2), 193–208. <https://doi.org/10.1080/00220388.2020.1769071>.
 3. Chowdhury, S., Hasan Khan, M. M., & Haque, M. A. (2024). Construction of women's empowerment index for Bangladesh. *Frontiers in Sociology*, 1(2024). 1-15. DOI 10.3389/fsoc.2024.1356756.
 4. Dellie, E., Tiruneh, M. G., Jejaw, M., Demissie, K. A., Getnet, M., Belachew, T. B., Teshale, G., Addis, B., Geberu, D. M., Yazachew, L., Tafere, T. Z., & Worku, N. (2024). What factors influence women's empowerment in Ethiopia? A multilevel analysis of Ethiopia's demographic and health survey data. *Frontiers in Global Women's Health*, 5 (2024), 1-20. <https://doi.org/10.3389/fgwh.2024.1463157>.
 5. Endalcachew, B. (2016). The role of empowering women and achieving gender equality to the sustainable development of Ethiopia. *Pacific Science Review B: Humanities and Social Sciences*, 2(1), 37–42. <https://doi.org/10.1016/j.psrb.2016.09.013>.
 6. Forum WE. (2023). *Global Gender Gap Report 2023*. Geneva.
- ارزیابی اثرات اقتصادی: بررسی تأثیر مقتدرسازی زنان بر افزایش تولید ناخالص داخلی شهری و بهبود شاخص‌های اقتصادی.
- ایجاد فضای فرهنگی و اجتماعی حمایتی: تغییر نگرش‌ها: اجرای کمپین‌های آگاهی‌بخشی برای تغییر نگرش‌های منفی نسبت به مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها. حمایت از رسانه‌ها: استفاده از رسانه‌ها برای ترویج موفقیت‌های زنان در محیط‌های تصمیم‌گیری. فعال‌سازی مشارکت مردمی: ایجاد فضایی برای مشارکت فعال زنان در تصمیم‌گیری‌های محلی و شهری.
- ارزیابی و نظارت مداوم: ایجاد سیستم ارزیابی: طراحی شاخص‌های عملکردی برای ارزیابی میزان موفقیت مقتدرسازی زنان. نظارت مستمر: ایجاد سازوکارهای نظارتی برای بررسی پیشرفت و شناسایی نقاط ضعف. بازخورد و اصلاح: جمع‌آوری بازخوردهای ذی‌نفعان و اعمال اصلاحات لازم در فرایندها.
- همکاری بین‌بخشی: همکاری بین سازمان‌ها: تقویت همکاری بین سازمان‌های دولتی، خصوصی و مردمی برای پیشبرد اهداف مقتدرسازی. مشارکت دانشگاهی: استفاده از پژوهش‌های دانشگاهی و دانشجویی برای تحلیل و ارائه راهکارهای نوین. هماهنگی با سازمان‌های بین‌المللی: استفاده از تجربه‌ها و حمایت‌های سازمان‌های بین‌المللی، مانند سازمان ملل متحد و سازمان جهانی کار.
- ایجاد الگوهای موفق: معرفی الگوهای موفق: شناسایی و معرفی زنان موفق در محیط‌های تصمیم‌گیری به‌عنوان الگو برای دیگران. توسعه برنامه‌های مشوق: ایجاد برنامه‌هایی برای تشویق زنان به ورود به عرصه‌های تصمیم‌گیری.
- توجه به خصوصیات محلی: بررسی ویژگی‌های فرهنگی اصفهان: توجه به خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر اصفهان در طراحی راهکارها. توجه به نیازهای محلی: شناسایی نیازهای خاص زنان در اصفهان و تطبیق راهکارها با این نیازها.

14. Malhotra, A., Schuler, S. R., and Boender, C. (eds.). (2002). *Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development*. Background Paper Prepared for the World Bank Workshop on Poverty and Gender: New Perspectives. Washington, DC: The World Bank.
15. Pavanello, S. (2015). *Qualitative research on women's economic empowerment and social protection: A research guide*. Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO): Rome.
16. Reza, M. M. H. (2018). Use of Customer Satisfaction in Total Quality Improvement of Malaysian Use of Customer Satisfaction in Total Quality Improvement of Malaysian Automotive (Car) Manufacturing Industry. *IOSR Journal of Business and Management*, 20(2018). doi: 10.9790/487X-2007034751.
17. Reza, M. H., & Yasmin, N. (2019). Empowering Women: Empowering Bangladesh. *Open Journal of Women's Studies*, 1(2019), 15-23.
18. Sanawar, S. B., Islam, M. A., Majumder, S., & Misu, F. (2018). Women's Empowerment and Intimate Partner Violence in Bangladesh: Investigating the Complex Relationship. *Journal of Biosocial Science*, 51(2):1-15. DOI:10.1017/S0021932018000068.
19. Sen, A. (1987). *Gender and Cooperative Conflicts*. Helsinki: World Institute for Development Economics Research. United Nations University, Tokyo.
20. Sen, A. (1993). Capability and well-being. *Qual. Life* 30, 270-293. doi: 10.1093/0198287976.003.0003.
21. Singh, S., & Singh, A. (2020). Women Em-
 7. Galià, A., Nils, T., Amy, W. G., Isabelle, B., Paula, D. S., Mindy, J. P., Rebecca, J., Ben, L., Luke, K., Ilana, G. R., Kristie, S., & Kathryn, M. Y. (2019). Women's empowerment, food security and nutrition of pastoral communities in Tanzania. *Global Food Security*, 23, 125-134. <https://doi.org/10.1016/j.gfs.2019.04.005>.
8. Kabeer, N. (2005). Gender equality and women's empowerment: A critical analysis of the third Millennium Development Goal. *Gender and Development*, 13(1), 13-24. doi: 10.1080/13552070512331332273.
9. Kabeer, N. (1999). Resources, agency, achievements: reflections on the measurement of women's empowerment. *Dev. Change*. 30, 435-464. doi: 10.1111/1467-7660.00125.
10. Kabir, M., Zini, S. W., & Markovic, R. M. (2023). Women empowerment through agricultural technology: case study of Myensingh-Bangladesh. *Int. Rev.* 3, 57-66. doi: 10.5937/intrev2204059M.
11. Kuma, B., & Godana, A. (2022). Factors affecting rural women economic empowerment in Wolaita Ethiopia. *Cogent Economics & Finance*, 11(2023), 2235823. <https://doi.org/10.1080/23322039.2023.2235823>.
12. Mahmud, S., Shah, N. M. & Becker, S. (2012). Measurement of Women's Empowerment in Rural Bangladesh. *World Development*, 40(3), 610-619. doi: 10.1016/j.worlddev.2011.08.003.
13. Malhotra, A., & Schuler, S. R. (2002). Women's empowerment as a variable in International Development. *World Bank.org*, pp. 71-88. doi: 10.1596/0-8213-6057-4.

24. UNDP (2024). *Gender Equality, Women's Empowerment, and Leadership in National Biodiversity Planning, Monitoring, and Reporting*. United Nations Development Programme: New York.

25. United Nations Development Programme. (2023). *The Paths to Equal: Twin Indices on Women's Empowerment and Gender Equality*. UNDP, New York, NY.

powerment in India: A Critical Analysis, *Tathapi (UGC Care Journal)*, 19(44), 227-253.

22. Toufique, M. M. K. (2016). The context specific factors affecting women empowerment and empowerment's implications for resource allocation, awareness and fertility: an econometric analysis. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, 66, 38-44. <https://doi.org/10.18052/www.scipress.com/ILSHS.66.38>.

23. United Nations. (2024). *Women's Eco-*

پیوست‌ها:

جدول شماره (۳): تحلیل مضامین قدرت و عاملیت در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان

درجه آزادی	سطح معناداری	آماره T	حد پایین	حد بالا	انحراف معیار	اختلاف میانگین	میانگین	مضامین پایه
۲۸۳	۰/۰۰۱	-۵/۷۲	۲/۵۲	۲/۹۴	۰/۴۴۰۰۱	-۰/۲۷۰۰	۲/۷۳	آگاهی زنان و دختران به نبود مقتدرسازی
۲۸۳	۰/۰۰۱	-۱/۹۹	۲/۵۹	۳/۲۳	۰/۳۹۰۰۲	-۰/۰۹۰۰	۲/۹۲	آگاهی زنان و دختران به نابرابری‌ها
۲۸۳	۰/۰۰۱	-۶/۶۱	۲/۲۱	۲/۹۵	۰/۴۱۰۰۲	-۰/۴۲۰۰	۲/۵۸	درک حقوق فردی
۲۸۳	۰/۰۰۱	-۷/۲۰	۲/۳۴	۲/۹۴	۰/۴۰۱۵۸	-۰/۵۸۱۹	۲/۴۲	درک خویشتن
۳۸۳	۰/۰۰۱	-۸/۲۱	۲/۲۲	۲/۸۲	۰/۴۵۱۵۸	-۰/۴۸۱۹	۲/۵۲	اندیشه اعتقادی
۳۸۳	۰/۰۰۱	-۹/۲۹	۲/۰۶	۲/۸۰	۰/۴۴۱۵۹	-۰/۵۷۰۱	۲/۴۳	مشارکت زنان در فعالیت‌ها
۳۸۳	۰/۰۰۱	-۹/۳۵	۲/۰۴	۲/۸۰	۰/۴۳۱۲۰	-۰/۵۸۱۵	۲/۶۴	افزایش خودکارآمدی و توانایی تصمیم‌گیری زنان
۳۸۳	۰/۰۰۱	-۱۰/۰۱	۲/۰۲	۲/۷۱	۰/۳۸۰۰۸	-۰/۶۴۰۱	۲/۳۶	افزایش قدرت چانه‌زنی زنان
۳۸۳	۰/۰۰۱	۵/۴۱۱	۳/۳۷۲۰	۳/۵۴۸۰	۰/۸۵۰۰۰	-۰/۴۶۰۰	۳/۴۶۰۰	افزایش کنترل زنان بر منابع خانوار
۳۸۳	۰/۰۰۱	-۹/۳۸	۲/۱۲	۲/۸۰	۰/۳۷۰۱۸	-۰/۶۰۱۲	۲/۴۰	افزایش استقلال مالی زنان
۳۸۳	۰/۰۰۱	-۷/۸۰	۲/۱۷	۲/۸۹	۰/۴۱۰۱۹	۰/۴۷۰۱	۲/۵۳	داشتن اعتمادبه‌نفس
۳۸۳	۰/۰۰۱	-۵/۴۷	۲/۴۵	۲/۹۷	۰/۵۳۰۰۴	۰/۲۹۰۷	۲/۷۲	آرزوهای مثبت برای آینده
۳۸۳	۰/۰۰۱	۳/۷۵۰	۳/۱۶۵۰	۳/۳۱۵۰	۰/۶۴۰۰۰	-۰/۲۴۰۰	۳/۲۴۰۰	توانایی تصور انتخاب‌های احتمالی زندگی
۳۸۳	۰/۰۰۱	-۵/۴۴	۲/۴۶	۲/۹۶	۰/۳۷۳۰۹	-۰/۲۹۵۱	۲/۷۶	اعتقاد به توانایی شخصی برای دگرگونی جامعه
۳۸۳	۰/۰۰۱	-۸/۹	۲/۱۵	۲/۸۱	۰/۴۳۵۱۰	-۰/۵۲۰۵	۲/۴۸	زنان و دختران به‌عنوان عوامل فعال در رفاه خود
۳۸۳	۰/۰۰۱	۱۳/۸۹۲	۳/۳۰۹۹	۳/۴۵۸۳	۰/۶۷۹۴۸	۰/۳۸۴۱	۳/۳۸۴۱	توانایی حل مسئله
۳۸۳	۰/۰۰۱	۱۴/۰۳	۳/۳۱۴۲	۳/۴۶۶۸	۰/۶۸۰۳۰	۰/۳۹۰۵	۳/۳۹۰۵	تمایل به عمل به‌عنوان رهبر
۳۸۳	۰/۰۰۱	-۴/۴۲	۲/۴۴	۳/۱۶	۰/۳۸۶۰۷	-۰/۲۰۲۸	۲/۸۰	پیگیری فرصت‌های مشارکت مدنی (مانند رأی دادن، شرکت در جلسات اجتماعی...)
۳۸۳	۰/۰۰۱	-۹/۷۵	۱/۹۹	۲/۷۵	۰/۴۲۰۶۱	-۰/۶۳۰۳	۲/۷۲	انتظارات بالا برای موفقیت

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

جدول شماره (۴): تحلیل مضامین تغییر روابط قدرت در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان

درجه آزادی	سطح معناداری	آماره T	حد پایین	حد بالا	انحراف معیار	اختلاف میانگین	میانگین	مضامین پایه
۳۸۳	>/۰۰۱	-۹/۰۵	۲/۰۵	۲/۸۳	۰/۴۶۰۰۹	-۰/۵۶۰۲	۲/۴۴	تغییر نگرش مردان به‌عنوان حامی مقتدرسازی زنان
۳۸۳	>/۰۰۱	-۵/۴۳	۲/۴۱	۲/۹۳	۰/۵۴۰۰۹	-۰/۳۱۰۹	۲/۷۳	تغییر نگرش پسران به‌عنوان حامی مقتدرسازی زنان
۳۸۳	</۰۰۱	۵/۸۷۳	۳/۴۳۶۱	۳/۶۲۴۳	۰/۸۹۰۰۵	-۰/۵۴۰۰	۳/۵۴۰۰	تغییر در الگوهای جنسیتی کار خانگی
۳۸۳	>/۰۰۱	-۵/۷۳	۲/۳۵	۲/۹۵	۰/۴۵۰۱۲	۰/۳۵۰۰	۲/۶۵	توانایی شناخت هنجارهای اجتماعی که باعث ایجاد نابرابری بین زن و مرد می‌شود
۳۸۳	>/۰۰۱	-۴/۹۱	۱/۵۰	۳/۰۶	۰/۴۸۰۰۶	-۰/۲۲۰۰۹	۲/۷۸	مذاکره در روابط زناشویی و تصمیم‌گیری
۳۸۳	</۰۰۱	۱۳/۳۷۲	۳/۱۸۵۹	۳/۳۵۳۷	۰/۶۷۲۶۳	۰/۲۶۹۸	۳/۲۶۹۸	توانایی شنیده شدن در خانواده
۳۸۳	>/۰۰۱	-۱/۷۵	۲/۶۹	۳/۱۱	۰/۵۷۰۱۸	-۰/۱۰۱۹	۲/۹۰	تغییر در ارزش خالص نیروی کار خانگی
۳۸۳	</۰۰۱	۱۶/۰۷۱	۳/۸۲۶۰	۳/۹۸۳۶	۰/۷۱۱۹۲	۰/۹۰۴۸	۳/۹۰۴۸	توانایی تصمیم‌گیری در خانواده
۳۸۳	</۰۰۱	۱۵/۳۳۴	۳/۲۴۸۷	۳/۴۱۷۹	۰/۷۲۲۷۰	۰/۳۳۳۳	۳/۳۳۳۳	تغییر به‌سمت تصمیم‌گیری مشترک در خانواده
۳۸۳	>/۰۰۱	-۶/۳۳	۲/۴۱	۲/۹۰	۰/۴۶۲۰۲	-۰/۳۵۰۰۶	۲/۶۵	تقویت همکاری بین زن و مرد برای تغییر ساختارهای اجتماعی
۳۸۳	>/۰۰۵	-۱/۹۲	۲/۷۱	۳/۱۳	۰/۴۸۱۰۳	-۰/۰۸۱۰۹	۲/۹۳	کمک خانواده در افزایش دسترسی به منابع
	>/۰۰۱	-۶/۸۲	۲/۲۹	۲/۹۵	۰/۴۲۱۰۹	۰/۳۸۰۶	۲/۶۲	کمک اجتماع در افزایش دسترسی به منابع
۳۸۳	>/۰۰۱	-۷/۸۷	۲/۱۱	۲/۸۷	۰/۳۸۹۰۶	-۰/۵۱۱۲	۲/۴۹	همکاری بین مراقبان و اعضای جامعه برای افزایش دسترسی به منابع
۳۸۳	>/۰۰۱	-۶/۹۴	۲/۳۴	۲/۹۶	۰/۴۹۰۸۱	-۰/۳۴۴۷	۲/۶۶	تغییر در توزیع جنسیتی منابع
۳۸۳	>/۰۰۱	-۶/۹۳	۲/۳۱	۲/۹۵	۰/۴۶۱۲۰	-۰/۳۷۰۰	۲/۶۳	تغییر در توزیع منابع به‌سمت افزایش رفاه خانواده
۳۸۳	>/۰۰۱	-۵/۷۴	۲/۳۹	۱/۹۹	۰/۵۴۰۱۶	-۰/۳۱۰۱۷	۲/۶۹	توانایی اعمال قدرت با دیگران در قالب اقدام جمعی نظیر انجمن‌های زنان درگیر در فعالیت‌های سیاسی یا باشگاه‌های دختران که حمایت اجتماعی را در به چالش کشیدن هنجارهای جنسیتی ارائه می‌دهند
۳۸۳	>/۰۰۱	-۸/۱۹	۲/۱۶	۲/۸۹	۰/۵۶۰۷۱	-۰/۴۹۰۰۴	۲/۵۲	حمایت همسالان یا بزرگسالان

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

جدول شماره (۵): تحلیل مضامین افزایش قابلیت‌ها در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان

درجه آزادی	سطح معناداری	آماره T	حد پایین	حد بالا	انحراف معیار	اختلاف میانگین	میانگین	مضامین پایه
۳۸۳	>/۰۰۱	-۷/۸۳	۲/۲۲	۲/۹۲	۰/۴۵۰۲۳	۰/۴۳۰۲	۲/۵۸	توانایی تصمیم‌گیری در مورد آینده
۳۸۳	>/۰۰۱	-۷/۵۷	۲/۲۵	۲/۹۵	۰/۳۸۲۵۰	-۰/۴۰۵۲	۲/۶۰	توانایی انتخاب‌های معیار با انتظارات فرهنگی و اجتماعی
۳۸۳	>/۰۰۱	-۹/۲۶	۲/۰۳	۲/۸۳	۰/۴۱۷۰۹	-۰/۵۷۰۰۶	۲/۴۳	توانایی انتخاب‌هایی که بر انتظارات فرهنگی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد
۳۸۳	>/۰۰۱	-۴/۱۲	۲/۵۴	۳/۰۲	۰/۵۳۴۹	-۰/۲۲۰۰۹	۲/۷۸	توانایی انتخاب‌های استراتژیک زندگی
۳۸۳	>/۰۰۱	-۸/۲۴	۲/۱۸	۲/۸۵	۰/۳۹۰۰۷	-۰/۴۸۰۰۹	۲/۵۴	توانایی بیان تصمیم‌ها یا انتخاب‌های خود
۳۸۳	>/۰۰۱	-۶/۶۸	۲/۳۹	۲/۸۷	۰/۴۳۰۰۱	-۰/۳۷۱۰	۲/۶۳	توانایی به فعلیت رساندن تصمیم‌ها یا انتخاب‌های خود
۳۸۳	>/۰۰۱	-۸/۱۰	۲/۱۲	۲/۸۴	۰/۴۶۰۱۶	-۰/۵۲۰۰۳	۲/۴۸	افزایش ظرفیت برای تعیین سرنوشت (یعنی توانایی فرد برای تعیین توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود)

مضامین پایه	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	حد بالا	حد پایین	آماره T	سطح معناداری	درجه آزادی
امکان حرکت آزادانه	۲/۶۱	-۰/۳۷۰۱	۰/۴۵۱۲۹	۲/۹۴	۲/۳۱	-۶/۹۳	>۰/۰۰۱	۳۸۳
توانایی سازماندهی و انسجام اجتماعی	۲/۵۹	-۰/۴۱۰۵	۰/۵۰۲۱۴	۲/۹۹	۲/۱۹	-۸/۲۲	>۰/۰۰۱	۳۸۳
توانایی بیان نظر	۲/۳۷	-۰/۶۳۱۲	۰/۴۳۱۰۹	۲/۸۳	۱/۹۱	-۹/۳۰	>۰/۰۰۱	۳۸۳
توانایی شنیدن در مدارس و انجمن‌های عمومی نظیر جلسات اجتماعی	۲/۵۴	-۰/۴۶۱۵	۰/۳۹۱۸	۲/۸۹	۲/۱۹	-۸/۲۰	>۰/۰۰۱	۳۸۳
توانایی تصمیم‌گیری در امور جامعه	۲/۴۵	-۰/۵۵۰۱	۰/۵۵۱۲۳	۲/۹۵	۱/۹۵	-۸/۶	>۰/۰۰۱	۳۸۳
امکان دسترسی به منابع خانگی (زمین، آب، غذا، پوشاک)	۳/۰۷۶۲	۰/۰۷۶۲	۰/۷۳۶۱۷	۳/۱۵۳۸	۳/۰۰۶	۱۰/۱۴	<۰/۰۰۱	۳۸۳
امکان دسترسی به فضاهای اجتماعی	۳/۲۴۱۰	۰/۲۴۱۰	۰/۷۱۷۵۳	۳/۳۱۶۵	۳/۱۶۵۵	۱۶/۵۹۹	<۰/۰۰۱	۳۸۳
امکان دسترسی به شبکه‌های اجتماعی غیر خانوادگی	۳/۳۰۷۹	۰/۳۰۷۹	۰/۷۱۹۴۳	۳/۳۹۴۶	۳/۲۲۱۲	۱۲/۸۴۷	<۰/۰۰۱	۳۸۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

جدول شماره (۶): تحلیل مضامین اصلاح عوامل ساختاری در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان

مضامین پایه	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	حد بالا	حد پایین	آماره T	سطح معناداری	درجه آزادی
وجود فرصت‌های شغلی	۲/۶۴	-۰/۳۶۰۵	۰/۴۶۵۲۱	۲/۹۶	۲/۳۳	-۶/۹۶	>۰/۰۰۱	۳۸۳
فرصت عمل به‌عنوان راهبر	۲/۵۲	-۰/۴۸۰۲	۰/۴۹۱۹۳	۲/۹۱	۲/۱۳	-۵/۷۱	>۰/۰۰۱	۳۸۳
افزایش فرصت برای مشارکت مدنی	۲/۵۴	-۰/۴۶۱۸	۰/۴۸۱۹۶	۲/۹۴	۲/۱۴	-۶/۸۷	>۰/۰۰۱	۳۸۳
دسترسی ساختاری به منابع و شبکه‌های اجتماعی	۲/۴۷	-۰/۵۳۵۶	۰/۴۴۱۹۸	۲/۸۶	۲/۰۸	-۸/۷۴	>۰/۰۰۱	۳۸۳
تغییر سیاست‌ها به نفع زنان و دختران در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی	۲/۵۱	-۰/۴۰۱۵	۰/۳۸۰۱۷	۲/۸۷	۲/۱۵	-۸/۲۶	>۰/۰۰۱	۳۸۳
اعمال سیاست‌های موجود به نفع زنان و دختران	۲/۵۵	-۰/۴۵۰۰۲	۰/۴۴۰۰۹	۲/۹۵	۲/۱۵	-۷/۳۷	>۰/۰۰۱	۳۸۳
حفاظت طبق قانون	۲/۸۰	-۰/۲۰۰۰۶	۰/۴۲۰۰	۳/۰۴	۲/۵۶	-۴/۷۶	>۰/۰۰۱	۳۸۳
قوانینی که به زنان و دختران اجازه می‌دهد حقوق خود را مطالبه کنند	۲/۴۵	-۰/۵۵۱۵	۰/۴۴۱۷۰	۲/۸۷	۲/۰۳	-۸/۸۷	>۰/۰۰۱	۳۸۳
تغییرات سیستمی در نهادهای اجتماعی	۲/۵۰	۰/۵۰۱۹	۰/۵۳۱۳۲	۲/۹۰	۲/۲۰	-۶/۸۷	>۰/۰۰۱	۳۸۳
تغییر رویه‌ها در سطح خانواده به نفع زنان و دختران	۳/۲۰۰۰	۰/۲۰۰۰	۰/۷۸۶۸۳	۳/۲۷۸۸	۳/۱۲۱۲	۲/۵۴۲	<۰/۰۰۱	۳۸۳
تغییر رویه‌ها در سطح جامعه به نفع زنان و دختران	۲/۷۴	-۰/۲۶۵۲	۰/۴۸۰۷۶	۳/۰۲	۲/۴۶	-۵/۴۲	>۰/۰۰۱	۳۸۳
آگاهی انتقادی از ساختارها و هنجارهای اجتماعی گسترده‌تر	۲/۵۹	-۰/۴۱۱۲	۰/۴۶۱۹۸	۲/۹۱	۲/۲۷	-۷/۰۴	>۰/۰۰۱	۳۸۳
یافتن سازوکارهای محلی مقتدرسازی	۲/۵۶	۰/۴۴۱۲	۰/۴۸۷۳۶	۲/۸۴	۲/۲۸	-۶/۶۹	>۰/۰۰۱	۳۸۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

جدول شماره (۷): تحلیل توسعه اقتصادی در محیط تصمیم کلان شهر اصفهان

مضامین پایه	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	حد بالا	حد پایین	آماره T	سطح معناداری	درجه آزادی
کسب مهارت‌های جدید توسط زنان و تغییرات در عملکرد تجاری	۳/۴۲۸۶	۰/۴۲۸۶	۰/۷۰۷۴۰	۳/۵۱۰۳	۳/۳۴۶۹	۱۴/۴۵۷	<۰/۰۰۱	۳۸۳
دسترسی زنان به بازارهای جدید	۳/۱۸۱۰	۰/۱۸۱۰	۰/۷۷۱۰۶	۳/۲۴۰۱	۳/۱۲۱۹	۳/۳۵۰	<۰/۰۰۱	۳۸۳
افزایش سود زنان از بازارهای جدید مالی	۲/۶۵	۰/۳۵۴۱	۰/۴۵۱۳۸	۲/۹۵	۲/۳۵	-۵/۷۱	>۰/۰۰۱	۳۸۳
بهبود معیشت زنان	۲/۶۲	-۰/۳۸۳۵۰	۰/۴۸۱۲۹	۲/۹۰	۲/۱۲	-۶/۸۷	>۰/۰۰۱	۳۸۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

جدول شماره (۸): تحلیل مضامین رفع تبعیض در محیط تصمیم کلان شهر اصفهان

مضامین پایه	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	حد بالا	حد پایین	آماره تی	سطح معناداری	درجه آزادی
دسترسی عادلانه به فرصت‌های آموزشی	۳/۴۰۳۲	۰/۴۰۳۲	۰/۶۸۶۰۷	۳/۴۸۲۲	۳/۳۲۴۲	۱۶/۱۲۵	<۰/۰۰۱	۳۸۳
دسترسی عادلانه به فرصت‌های شغلی	۳/۳۷۴۶	۰/۳۷۴۶	۰/۶۷۶۷۲	۳/۴۵۲۲	۳/۲۹۷۰	۱۳/۶۳۴	<۰/۰۰۱	۳۸۳
دسترسی عادلانه به امکانات رفاهی شهری	۳/۴۲۸۶	۰/۴۲۸۶	۰/۷۲۰۸۱	۳/۵۱۰۴	۳/۳۴۶۸	۱۴/۲۱۵	<۰/۰۰۱	۳۸۳
دسترسی عادلانه به پست‌های مدیریتی	۲/۶۸	-۰/۳۲۱۶	۰/۴۵۴۷۰	۲/۹۵	۲/۴۱	-۶/۷۳	>۰/۰۰۱	۳۸۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

جدول شماره (۹): تحلیل مضامین زندگی و سلامتی در محیط تصمیم کلان شهر اصفهان

مضامین پایه	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	حد بالا	حد پایین	آماره T	سطح معناداری	درجه آزادی
روش‌های مدرن پیشگیری از بارداری	۳/۶۶۳۵	۰/۶۶۳۵	۰/۸۶۷۵۵	۳/۷۵۲۱	۳/۵۷۴۹	۷/۴۶۳	<۰/۰۰۱	۳۸۳
نرخ مناسب تولد	۲/۷۵	-۰/۲۵۲۴	۰/۴۷۰۲۳	۳/۰۵	۲/۴۵	-۵/۳۲	>۰/۰۰۱	۳۸۳
میزان بالای امید به زندگی در بدو تولد	۳/۶۱۵۹	۰/۶۱۵۹	۰/۸۱۶۴۷	۳/۷۱۱۷	۳/۵۲۰۱	۱۴/۵۶۹	<۰/۰۰۱	۳۸۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

جدول شماره (۱۰): تحلیل مضامین آموزش، مهارت‌سازی و دانش در محیط تصمیم کلان شهر اصفهان

مضامین پایه	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	حد بالا	حد پایین	آماره T	سطح معناداری	درجه آزادی
جمعیت مناسب زن با تحصیلات متوسطه یا بالاتر	۳/۳۵۸۷	۰/۳۵۸۷	۰/۶۶۸۸۳	۳/۴۳۶۱	۳/۲۸۱۳	۱۷/۱۳۰	<۰/۰۰۱	۳۸۳
درصد بالای زنان آشنا با فناوری‌های جدید	۲/۵۳	-۰/۴۷۰۳	۰/۵۶۰۱	۲/۹۵	۲/۱۱	-۷/۴۲	>۰/۰۰۱	۳۸۳
درصد بالای زنان مسلط به دانش و تکنیک‌های جدید	۲/۴۹	-۰/۵۱۰۱	۰/۴۱۰۰۸	۲/۸۶	۲/۱۲	-۸/۲۲	>۰/۰۰۱	۳۸۳
درصد بالای زنان مسلط به مهارت‌های کاربردی	۲/۶۲	-۰/۳۸۰۳	۰/۴۷۰۰۵	۲/۸۷	۲/۳۸	-۶/۷۲	>۰/۰۰۱	۳۸۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

جدول شماره (۱۱): تحلیل مضامین کار و شمولیت مالی در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان

مضامین پایه	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	حد بالا	حد پایین	آماره T	سطح معناداری	درجه آزادی
نرخ مشارکت نیروی کار زنان در خانواده‌های دارای فرزند	۲/۷۳	۰/۲۷۱۸	۰/۴۷۸۰۶	۲/۹۹	۲/۴۷	-۵/۷۳	۰>/۰۰۱	۳۸۳
درصد بالای مالکیت زنان بر حساب مالی	۲/۵۸	-۰/۴۲۱۷	۰/۴۵۱۸۹	۲/۹۰	۲/۲۶	-۷/۲۳	۰>/۰۰۱	۳۸۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

جدول شماره (۱۲): تحلیل مضامین مشارکت در تصمیم‌گیری در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان

مضامین پایه	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	حد بالا	حد پایین	آماره T	سطح معناداری	درجه آزادی
سهام مناسب زنان از کرسی‌های مجلس	۲/۴۶	-۰/۵۴۱۲	۰/۳۹۱۵۴	۲/۸۵	۲/۰۷	-۹/۱۶	۰>/۰۰۱	۳۸۳
سهام مناسب زنان از کرسی‌های دولت محلی	۲/۴۰	-۰/۶۰۰۱۲	۰/۴۵۰۰۱	۲/۹۰	۱/۹۱	-۹/۶۴	۰>/۰۰۱	۳۸۳
سهام مناسب زنان از پست‌های مدیریتی	۲/۴۷	۰/۵۳۰۰۱	۰/۳۷۰۰۲	۲/۸۷	۲/۰۷	-۸/۹۱	۰>/۰۰۱	۳۸۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

نحوه ارجاع به این مقاله:

مهدوی سعیدی، پسند، بهزاد فر، مصطفی، مسعود، محمد و رشتیان، سید محمد. (۱۴۰۳). تحلیل پیامدهای مقتدرسازی زنان در محیط تصمیم کلان‌شهر اصفهان. پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، ۸(۳۳)، ۷۱-۹۴. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2055358.1119>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2055358.1119>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_724336.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions

of the Creative Commons Attribution 4.0 International

(CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





ارتباط بین پیکره‌بندی فضایی معماری و مناسک اجتماعی - مذهبی عیلامیان (مورد مطالعه: محوطه چغازنبیل)

سیما خالقیان^۱

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

شیما قندهاری

کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

مهدی سعدوندی

دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

بررسی شواهد تاریخی مبین آن است که تاریخ و معماری «عیلام»، مستندترین نمونه تاریخی قبل از زمان حکومت «مادها» است. «اوتناش‌گال» پادشاه مذهبی عیلامیان، با ساخت شهر «دور-اوتناش» و بنای معماری‌های مذهبی دیگر مانند «زیگورات چغازنبیل» و محوطه اطراف آن و تقدیم آن‌ها به خدایان حکومت می‌کرد. این زیگورات و معابد و کاخ‌های آن، محل برگزاری مناسک مذهبی و جشن‌ها بوده است. مرور اعتقادات، نحوه انجام این مناسک و افرادی که در آن حضور داشته‌اند، از تأثیر آن بر شاکله بناها و معماری این دوران حکایت دارد. مطالعه فضای رخداد آیین‌های مذهبی یا سنتی در مجموعه چغازنبیل و تعبیری که برای تسهیل انجام آن مراسم و سهولت دستیابی شرکت‌کنندگان به فضاهای مورد نیاز برای اجرای مناسک توسط معمار عیلامی در نظر گرفته شده، از اهداف پژوهش حاضر است. از سوی دیگر، این نگارش سعی دارد با بررسی «کاخ-آرامگاه‌های زیرزمینی» در مجموعه چغازنبیل، نحوه نگرش انسان عیلامی به زندگی پس از مرگ و بازتاب آن در پیکره‌بندی فضای معماری را تشریح کند. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر در آمده است. شیوه گردآوری اطلاعات به روش مطالعات اسنادی-کتابخانه‌ای و همچنین با مراجعه به بنا و از طریق مطالعه میدانی آثار به‌جامانده از زیگورات، در حال حاضر، بوده است.

وجود منابع آب برای تطهیر در جای‌جای معبد و صحن‌ها و تعبیه آبراه در مقبره‌ها نیز از دیگر مؤلفه‌های نشئت‌گرفته از عقاید عیلامی در ساخت فضای زیگورات است که در حفاری‌های صورت‌گرفته کشف شده‌اند. این ساخته‌های معماری که از عقاید انسان عیلامی نشئت می‌گیرند، شکل‌دهنده فضای عبادی و اجرای مناسک بوده‌اند. پژوهش نشان می‌دهد، درباریان و مردم عادی از لحظه ورود به محوطه در فضای متفاوتی به سر می‌برند. افتراق در ابعاد تناسبات و فرم صحن‌ها و حتی نوع مصالح و منابع نشان‌دهنده تفاوت سطح اجتماعی و اقتصادی کاربران آن بوده است. ابعاد و نوع برخی مسیرهای دسترسی مبین محدودیت عامه مردم در استفاده از بخشی از فضا است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، در این حریم اجتماعی - مذهبی تأثیر متقابل تفکر و عقاید انسان عیلامی و به‌ویژه پادشاهان

۱. ایمیل نویسنده مسئول: sima.khaleghian@yahoo.com

آن دوره را بر ساخته‌های معماری، مسیرهای دسترسی و فضای مصرفی در پیکره‌بندی و شکل‌گیری معماری، شاهد هستیم.

کلیدواژه: تاریخ و معماری عیلام، زیگورات چغازنبیل، مناسک، کاخ-آرامگاه زیرزمینی، مکان، فضا.

پرسش‌های پژوهش

نگارش حاضر بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. انسان عیلامی با ورود به حریم زیگورات چغازنبیل در چه مناسکی شرکت می‌کرده است؟
۲. فضاهای معماری طراحی شده برای انجام مناسک مذهبی در باریان و مردم عادی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشته‌اند؟
۳. براساس معماری مقبره‌های چغازنبیل، اعتقادهای عیلامیان نسبت به جهان پس از مرگ چگونه در طراحی این فضاها بازتاب یافته است؟

مقدمه

«...در نزدیکی‌های برج زیگورات مقدس، هیچ چیزی بدون یک معنای معین و بدون یک ارزش مذهبی و آئینی به وجود نیامده است...» (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۳۵).

تنها شواهد تاریخی که قبل از دوران «ماد» و «هخامنشی» در ایران وجود دارد، مربوط به عیلامی‌هاست (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۱۲). محدودیت شواهد و اطلاعات تاریخی از دوران قبل از مادها، اهمیت و ضرورت شناخت پررنگ‌ترین اثر این دوران یعنی معابد، کاخ‌ها و حریم بنای زیگورات چغازنبیل را دوچندان می‌کند. شناخت عقاید انسانی که در آن دوران می‌زیست و تأثیری که در پس آن تفکرات بر معماری پیرامونی خود و شکل آن می‌گذاشت، رابطه‌ای رفت‌وبرگشت‌گونه بین انسان و محیط یا انسان و مکان را تعریف می‌کند. خوانش صحیح این رابطه، مسیر اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

شهر بزرگ و مذهبی دوراونتاش، در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد، به فرمان اونتاش‌گال از پادشاهان سلسله عیلام ساخته شد. زیگورات چغازنبیل، در استان خوزستان ایران، جنوب شرقی شهر باستانی شوش (پایتخت سرزمین عیلام) جای گرفته است. بناهای مقدس و مذهبی بر مبنای فلسفه‌ای که از باورها و اعتقادهای آدمیان سرچشمه می‌گیرد، ساخته می‌شوند. این اثر نیز یکی از بناهای مقدسی است که عناصر تفکر آمیخته با تقدس، در آن دیده می‌شود؛ زیگورات عظیم‌الجثه‌ای که عظمتش بیانگر عواطف عمیق مذهبی حکمرانان و مردم عیلام است. از آنجاکه مردمان سرزمین‌های شرقی، مقرر خدایان را در کوه‌ها می‌پنداشتند، در مناطق جلگه‌ای، برای خدایان ساختمان‌هایی مرتفع می‌ساختند و آن‌ها را تپه مقدس می‌نامیدند. آنچه مسلم است اینکه، بنا بر تفکر و تلقی زمینیان، همواره جایگاه خدایان در منزلگاه‌های بلند است (قهاری، ۱۳۸۸: ۱۰۱).



تصویر شماره (۱): حکاکی از مراسم مذهبی عیلامیان (منبع: هینتس، ۱۳۷۱: ۶۸)

تنها اطلاع موجود در مورد مراسم مذهبی عیلامیان، از چند یافته پراکنده ناشی می‌شود. در میان اسناد و مدارک بی‌شمار موجود که رویدادها و تصاویر گوناگون را نشان می‌دهد، تا امروز تعدادی انگشت‌شمار، و آن هم به‌سبکی غریب و نه‌چندان احترام‌آمیز، به موضوع مراسم مذهبی پرداخته است (هینتس، ۱۳۷۱: ۵۸).

اعمال منظم نیایشی عیلامیان - جدا از سفرهای زیارتی‌شان - در معابد و زیارتگاه‌هایی صورت می‌گرفت که به فراوانی در کتیبه‌ها یاد شده‌اند (تصویر شماره (۱))، (هینتس، ۱۳۷۱: ۶۵). منابع موجود، اطلاعاتی جزئی درباره اعمال مذهبی عیلامیان به دست می‌دهد؛ از جمله اینکه عبادت معمولاً همراه با موسیقی بوده و قربانی کردن، جزئی از مراسم روزانه معابد عیلامی بوده است (هینتس، ۱۳۷۱: ۶۸). تقویم، همچنین شاهد نفوذ عمیق مذهبیون در زندگی عادی مردم عیلام بوده است. تا اواسط هزاره دوم قبل از میلاد، عیلامیان باید ابتدا مزارع وقفی معابد را سامان می‌دادند تا اجازه یابند به خیش زدن و بذرافشانی مزارع خود بپردازند (هینتس، ۱۳۷۱: ۷۰).

پژوهش حاضر به مطالعه اعمال و مناسک عیلامی، با استناد به وجوه مشترک این مناسک با دیگر مناسک

مذهبی در میان ایرانیان، و با تکیه بر مؤلفه و ویژگی های مکان (چغازنبیل) می پردازد. سعی نگارندگان بر این است که با نگاهی به نحوه زیست، تعامل و عبادت انسان معاصر، به بازخوانی نحوه انجام آیین های عبادی، مناسک و آداب و رسوم عیلامیان در زیگورات چغازنبیل پردازند و سپس با ارائه تصاویر و مدارک گرافیکی، خواننده را در شناسایی و بازخوانی مناسک این بنای تاریخی یاری رسانند.

روش پژوهش

این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی به رشته تحریر درآمده است. در این روش پژوهشگر علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می پردازد. پژوهشگر برای تبیین و توجیه دلایل، به تکیه گاه استدلالی نیاز دارد. این تکیه گاه از طریق جست و جوی در ادبیات و مباحث پیشینه پژوهش و تدوین گزاره های موجود درباره آن فراهم می شود. پژوهشگر از نظر منطقی جزئیات مربوط به مسئله پژوهش خود را با گزاره های کلی مربوطه ارتباط می دهد و به نتیجه گیری می پردازد.

از ویژگی های پژوهش توصیفی این است که پژوهشگر دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها ندارد و آن ها را دستکاری یا کنترل نمی کند و صرفاً آنچه را وجود دارد مطالعه می کند و به توصیف و تشریح آن می پردازد. در نتیجه از طریق این گونه تحقیقات شناخت های کلی حاصل می شود. شیوه گردآوری اطلاعات به طریق مطالعات اسنادی-کتابخانه ای و همچنین با مراجعه به بنا و از طریق مطالعه میدانی آثار به جامانده از زیگورات، در حال حاضر، بوده است. با توجه به همسویی این پژوهش در بخشی از قسمت ها با پژوهش های باستان شناسی، در این مقاله نیز از ابزارهای مشاهده میدانی، برداشت های کوتاه میدانی و رجوع به اسناد کتابخانه ای همچون مطالعات مفصل گیرشمن در این محوطه استفاده شده و داده ها با تفسیر و تحلیل به پرسش های پژوهش پاسخ داده اند.

پیشینه پژوهش

درخصوص زیگورات چغازنبیل، مطالعات به چاپ رسیده که به قدر کفایت به بررسی ویژگی های معماری، عمرانی و باستان شناسی این بنا پرداخته است. در این میان، یکی از بهترین منابع موجود، مجموعه چهارجلدی چغازنبیل (دوراوتاش) اثر رومن گیرشمن (۱۳۷۵) است. کتاب دنیای گمشده عیلام نوشته والتر هینتس (۱۳۷۱) و کتاب تاریخ عیلام اثر پیر آمیه (۱۳۴۹) نیز از دیگر آثار برجسته در موضوع چغازنبیل است. از طرف دیگر، آنچه تا حدود زیادی از نظر پژوهشگران مغفول مانده، مطالعه مناسک مذهبی عیلامیان است که از نظر نگارندگان، برای شناخت هرچه بیشتر انسان آن دوره و درک تفکر و اعتقادات او ضروری به نظر می رسد. چراکه شناخت انسان، رفتار او در محیط و عقاید و بینش او موجب شناخت بیشتر آثار و دست سازه های محیط زیست وی می شود. همچنین برطرف کردن نیاز عیلامیان به مکانی برای اجرای مناسک مذهبی و خاکسپاری مردگان و عبادت خدایان ضرورت داشته که شیوه ساخت و پاسخگویی به این نیاز، با طرح معماری محوطه چغازنبیل صورت پذیرفته است. از این رو، مطالعه محوطه باستانی چغازنبیل، به عنوان مهم ترین مرکز تجمع انسانی برای انجام مراسم مذهبی، به عنوان نمونه موردی موضوع نگارش حاضر (مناسک مرتبط با معماری و اعتقادات عیلامیان) انتخاب شده است.

تاریخ عیلام

تنها شواهد تاریخی موجود از قبل از دوران «ماد» و «هخامنشی» در ایران، مربوط به عیلامی هاست (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۱۲). شمار مدارک تاریخی درباره عیلامی ها نسبت به مدت زمان تاریخ فرمانروایی آن ها بسیار ناچیز است (موسوی، ۱۳۹۴: ۲۳۵). چنانچه تاریخ عیلام نشان می دهد، عیلامی ها نوعی تمدن، صنایع پرورده و خط برای خود ترتیب داده بودند؛ اما از حیث تشکیلات سیاسی، نتوانستند از حالت ملوک الطوائفی خارج شوند (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۵۴).

که در دوره شکوفایی و تولد دوباره عیلامیان ساخته می‌شود و پیش از پایان یافتن سلسله خاندان پادشاهی، تحت ضربات دشمن رنگ می‌بازد (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰)، (نقشه شماره ۱ و ۲)).

مناسک عیلامیان

«زیگورات» واژه‌ای سومری و به معنای صعود به آسمان است. طرح این‌گونه معابد، هرمی‌شکل بوده و هرچه به بالا می‌رود، قاعده آن کوچک‌تر می‌شود. اکثر این زیگورات‌ها، دارای هفت یا پنج طبقه هستند. در طرح اولیه چغازنبیل، بناها و فضاهای عبادت، گرداگرد یک حیاط مرکزی قرار داشتند و احتمالاً مراسم مذهبی و تقدیم قربانی و هدایا، در فضای حیاط انجام می‌شده و چنین تصور شده که عامه مردم، تنها در مراسمی که در حیاط پیرامون بنا برگزار می‌شده، شرکت داشته و به داخل معبد نمی‌رفته‌اند؛ چنانکه دیواری که این حیاط را در بر داشته دارای هفت دروازه مجلل بود (تصویر شماره ۲)). سپس تحولی در مذهب رخ می‌دهد. از شواهد چنین برمی‌آید که معبودی به نام «گال»، در کنار اینشوشیناک که پیش از آن از برتری کامل برخوردار بود، قرار می‌گیرد و در پی آن، در نحوه ستایش نیز تغییرهایی حاصل می‌شود و مجموعه این تغییرها، به تغییر معماری بنای معبد به شکل زیگورات منجر می‌شود. ارتفاع زیگورات حدوداً ۵۲ متر است (تصویر شماره ۳)). برای دسترسی به طبقات بالا، به جای ساختن یک پلکان یکسره، پلکان‌های متعددی در بنا تعبیه شده است؛ چنانکه برای رفتن به اتاق اصلی معبد در طبقه پنجم، باید چهار طرف معبد را در طبقات زیرین طی کرد که این کار، به سبب ایجاد عدم تمرکز زیاد و تنوع در مسیر حرکت، حائز اهمیت است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۵۴-۵۳)، (تصویر شماره ۴ و ۵ و ۶)).

گفتنی است تنها افراد و شخصیت‌های مهم جامعه، از جمله کاهنان بزرگ و خانواده‌های شاهی، حق صعود به آن جایگاه را داشته‌اند. برای مؤمنان عادی، معابدی دیگر بر روی زمین و در کنار زیگورات برپا



نقشه شماره (۱): موقعیت جغرافیایی چغازنبیل در ایران



نقشه شماره (۲): موقعیت محوطه باستانی چغازنبیل

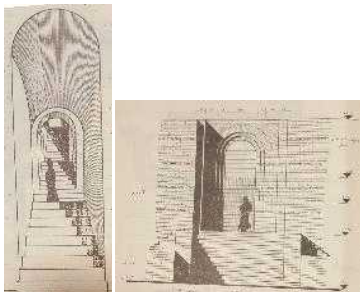
در زمان پادشاهی «هومبان نومن»، (حدود ۱۲۸۵-۱۲۶۶ ق م)، تجدید حیات عیلامی‌ها قطعی شد. از او چندین کتیبه شاهی بر جای مانده است و عناوین وی، بیانگر گسترش قدرت اوست (بروک و دیگران، ۱۹۲۶، ۴: ۷۵). پس از وی «اونتاش گال» به پادشاهی رسید. در دوره این پادشاه، معابد زیادی برای خدایان عیلامی برپا شد. زیگورات چغازنبیل و شهر دوراونتاش در ۴۳ کیلومتری جنوب شرق شوش، به فرمان وی، به عنوان مرکز عمده مذهبی و اقامتگاه اصلی پادشاهی ساخته شد (موسوی، ۱۳۹۴: ۲۴۳). دوراونتاش شهرکی مذهبی است



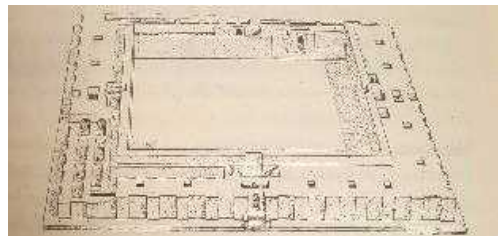
تصویر شماره (۴): پلکان جنوب غربی (منبع: نگارندگان)

بود تا آن‌ها نیز بتوانند از دور به زیارت خدای خود نائل آیند.

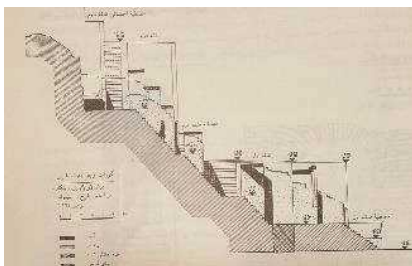
شهرسازان عیلامی، که تمام مجموعه شهر مقدس را در فکر خود طراحی کرده بودند، گستره‌های آزادی در بین دیوار تمنوس و دیوار خارجی شهر تعبیه کرده بودند. این گستره‌ها برای اقامت زائران، اعم از شاهان و مؤمنان ساده در نظر گرفته شده بود. حفاری‌ها، اطلاعات اندکی درباره محل اقامت زائران ساده در اختیار می‌گذارد؛ چراکه اکثر ساختمان‌هایی که می‌توانسته محل سکونت ایشان باشد، آب تخریب کرده است. نظر به اینکه تمامی بناهای مذهبی که برای این شهر زیارتی در نظر گرفته شده بود، ساخته نشده و ساخت خود شهر نیز هرگز به اتمام نرسیده، می‌توان حدس زد که توده عظیمی از زائران، در زیر چادر یا کپره‌های ساخته‌شده از نی اقامت می‌کرده‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۶۷).



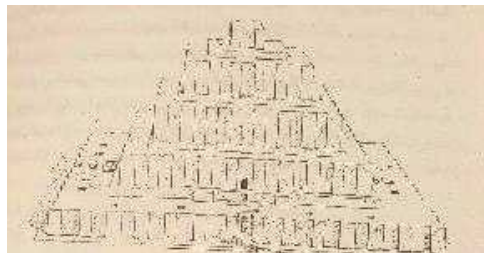
تصویر شماره (۵): پلکان و دروازه جنوب غربی (منبع: گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۷۱).



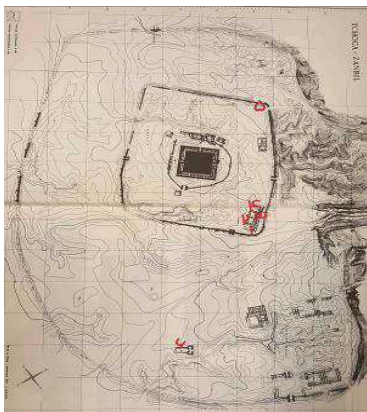
تصویر شماره (۲): وضعیت اولیه زیگورات چغازنبیل (منبع: هیتس، ۱۳۷۱: ۵۳).



تصویر شماره (۶): پلکان جنوب غربی (منبع: گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۷۳).



تصویر شماره (۳): وضعیت نهایی زیگورات چغازنبیل (منبع: هیتس، ۱۳۷۱: ۵۴).



نقشه شماره (۶): موقعیت نیایشگاهها (گرافیک: نگارندگان)

آن متصل می‌شود. در زیگورات نیز درهای ورودی حصار صحن‌ها، هرگز در محور درهای برج زیگورات قرار ندارد. به نظر می‌رسد معمار عیلامی از گذاشتن ورودی‌ها در محور پرهیز می‌کرده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۶۰)، (نقشه شماره (۳ و ۴ و ۵)).

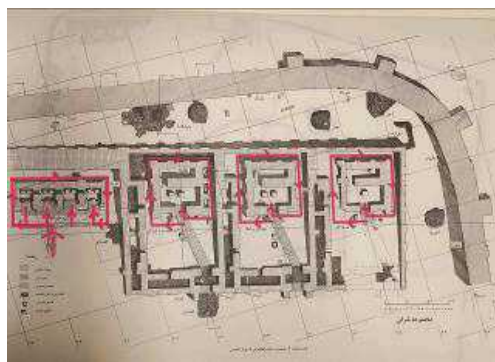
معابد اطراف زیگورات

در دورانتاش شش نقشه مختلف از نیایشگاه‌ها شناخته شده که پنج نقشه آن روی خود تمنوس و ششمین نقشه که مربوط به نیایشگاه رب النوع «نوسکو» بوده، در محله شاهی برپا شده است. این مجموعه معماری مقدس، با تنوع مشخص نقشه‌ها، معرف موردی منحصر به فرد برای یک تمنوس است که معابد متعددی همزمان برای خدایان مختلف یا برای زوج‌های خدایان بر روی آن برپا می‌شود (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۵۷)، (نقشه شماره (۶)).

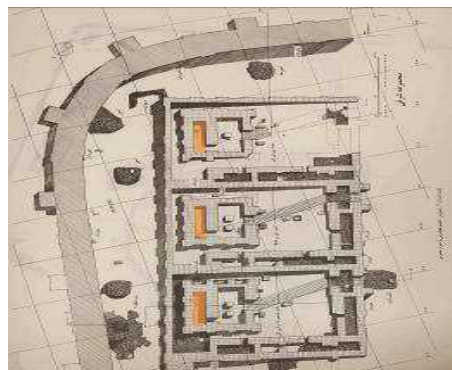
۱-۷: معبد پینیکی

دیوارهای خارجی معبد پینیکی، دارای پیش‌آمدگی‌ها و فرورفتگی‌هایی با فاصله‌های منظم است. این ساخت دیوار به صورت پیش‌آمدگی و فرورفتگی، که معمولاً از ویژگی‌های وجوه خارجی بناست، بر اهمیت بنای مرکزی که در حیاط جای گرفته است تأکید دارد. در واقع، یک فضای عریض، نمای آن را از ورودی حیاط جدا می‌کند. فضای خالی در اطراف ارجمندترین

در معماری دورانتاش یک قاعده کلی وجود دارد: «قبل از اتاق محراب اتاق دیگری نیز وجود دارد» (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۵۷). معبد به معنی واقعی کلمه، هم در بابل و هم در دورانتاش، حالتی منزوی دارد و گذرگاهی که دور آن را احاطه کرده، احتمالاً برای مراسم طواف و ذکر بوده است. در هر دو سرزمین، اتاق قبل از اتاق محراب و اتاق محراب، به صورت عرضی و به موازات یکدیگر قرار گرفته‌اند. با این همه، نیایشگاه عیلامی از نظر برخی جزئیات، از قرینه بابی خود فاصله می‌گیرد؛ به این معنی که ورودی اصلی آن، هرگز در محور در ورودی اتاق قبل از محراب قرار ندارد، بلکه جابه‌جا و با راهی کف‌سازی شده که به صورت انحرافی به

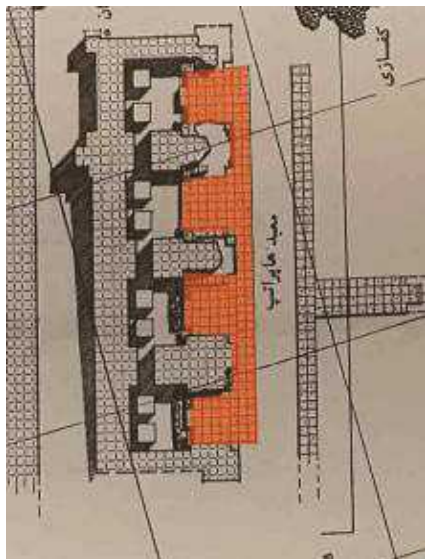


نقشه شماره (۳): مسیر طواف به دور معابد پینیکی، ایم و شالا، شیموت و نین‌الی و ناترابت (گرافیک: نگارندگان)



نقشه شماره (۵): اتاق محراب (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۶۰)

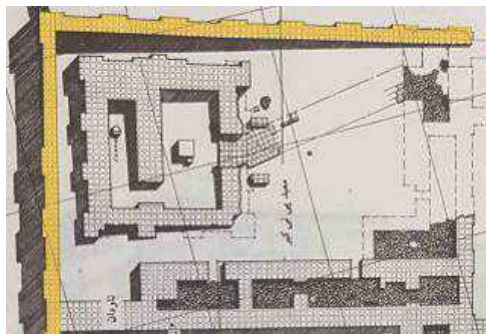
و بنابراین، مانع رسیدن سریع او از طرف مقابل به مکان خداست، در این مکان مستقیماً به طرف ورودی معبد می‌رفته است. بدون تردید در سلسله مراتب خدایان عیلامی، ناپراتپ جایی ثانوی را اشغال می‌کرده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۳۶-۳۸)، (نقشه شماره ۸)).



نقشه شماره (۸): ورودی معبد ناپراتپ
(گرافیک: نگارندگان)

۷-۳. معبد هیشمیتیک و روهوراتیر
از آنجایی که هیچ‌یک از این بناها از هیچ طرف آزاد نیستند، می‌توان گفت هیچ نوع مراسم یا مناسک طواف گونه که همراه با ذکر باشد، در این اماکن انجام نمی‌گرفته است. معبد کوچک (نقشه شماره ۱۰)) از سه طرف توسط گذرگاهی به عرض ۲/۵ متر احاطه شده و همین امر، امکان این تصور را به وجود می‌آورد که در اینجا نیز مراسم طواف و دعا خواندن و ذکرگفتن جریان داشته است. به این ترتیب، هم نقشه و هم موقعیت منزوی این معبد در حیاط و نیز ساختمان‌سازی دقیق و کف‌سازی عریض‌تر آن، نشانگر اهمیت خاصی است که برای این نیایشگاه قائل بوده‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۴۴)، (نقشه شماره ۹)).

قسمت نیایشگاه می‌توانسته موجب به وجود آمدن این نظریه شود که در این محل، مراسمی همراه با طواف وجود داشته است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۲۷)، (نقشه شماره ۷)).



نقشه شماره (۷): وجوه خارجی معبد پینیکیر
(گرافیک: نگارندگان)

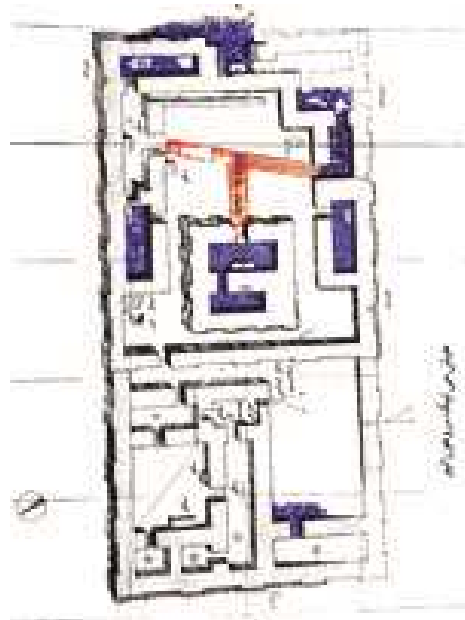
۷-۲. معبد ناپراتپ

این معبد شامل چهار نیایشگاه کوچک است. این نیایشگاه‌ها بلوک واحدی را تشکیل می‌دهند که در اطراف آن‌ها نیز گذرگاهی تعبیه شده است. از این گذرگاه‌ها فقط قطعه‌ای کف‌سازی باقی مانده است. بنابراین، این مجموعه چهار نیایشگاهی در مجموع، از بلوکی که سه معبد قبلی را تشکیل می‌دادند جداست. نامتناسب بودن درهای بسیار گشاد به نسبت عمق اتاق‌ها، نشان می‌دهد که مراسم یا مناسکی که در آن‌جا به عمل می‌آمده، اکثراً تداوم مراسمی بوده که در خارج انجام می‌شده است. چهار نیایشگاه کوچک، توسط سه دری که در میان سه دیوار جداکننده ایجاد شده، و از طریق سه گذرگاه تنگی که چهار جفت سکوی نیایش در پشت آن‌ها قرار داشت، به هم مربوط می‌شوند.

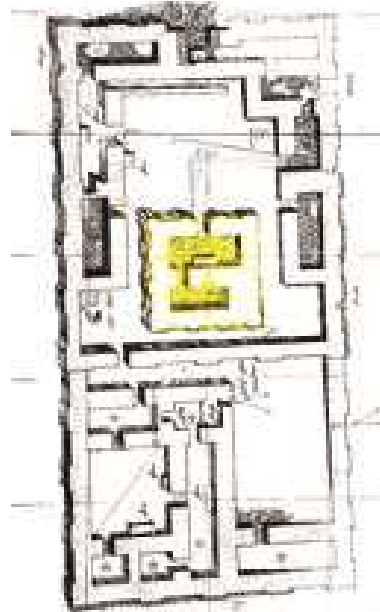
نقشه این نیایشگاه با تمام نیایشگاه‌هایی که در دوراوتاش پیدا شده متفاوت است. این نیایشگاه به طور گسترده و فراخی به بیرون باز می‌شود. مؤمن به‌جای اینکه مانند جاهای دیگر، برای رسیدن به معبد، با نوعی احترام و تعظیم، راهروی کف‌سازی شده‌ای را طی کند که به طور غیرمستقیم و انحرافی به معبد منتهی می‌شود

به گفته گیرشمن، کف این معبد، پوشیده از اندود گچ و دارای نوعی تأسیسات حوض و حمام بوده و این تأسیسات، به شکل یک تشت آب نما دیده می‌شده که تمام طول اتاق را اشغال کرده است. جریان آب نیز توسط کانالی که از زیر دیوار جنوب غربی می‌گذرد و به دومین حیاط بخش الحاقی، یعنی حیاط جنوب غربی می‌رسد، هدایت می‌شود (۱۳۷۵، ۲: ۵۰). باید باور کرد که آب در اینجا نقش خاصی ایفا می‌کرده است؛ چنانچه در همه جا، تأسیسات مربوط به آب بیانگر اهمیتی آئینی هستند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۵۳). طبیعی است که تأسیسات مربوط به طهارت، در مقابل ورودی یک معبد جای گرفته باشد. مناسبی مربوط به غسل، فقط به صورت نمادین انجام می‌شده است. این امر به خصوص شامل شستن دست‌هاست که به نظر می‌رسد در دوراوتناش روی صحن انجام می‌شده؛ یعنی جایی که در اطراف زیگورات، خمره‌های آب در طول دیوار حصار قرار داشت و یکی از آن‌ها نزدیک «دروازه شاهی» پیدا شد که ظاهراً برای استفاده زوج شاهانه تعبیه شده بود (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۵۴).

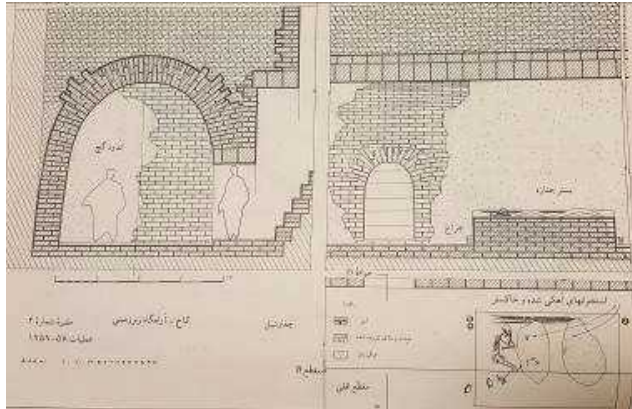
زندگی پس از مرگ در باور انسان عیلامی
 در مورد نحوه تفکر انسان عیلامی در زمینه زندگی بعد از مرگ، باور دنیای دیگر و حیات دوباره او، می‌توان به شواهد و مدارک موجود در مقبره‌های آن دوران توجه کرد. اغلب شواهد درباره نحوه اندیشیدن انسان‌های آن دوران درباره مرگ و مردگان، و تصوره‌های خاص ایشان از سرنوشت انسان بعد از مرگ و جهان آخرت و اتفاق‌های آن را می‌توان در گورهای عیلامیان جست‌وجو کرد. هنگامی که مرگ یکی از مردمان عادی عیلامی فرامی‌رسید، به سادگی و بدون کفن، در زیر خانه‌اش دفن می‌شد و تقریباً همواره کوزه‌ای گلی نیز به عنوان هدیه، پیش پای او، در گور قرار داده می‌شد؛ هرچند که فردی فقیر می‌بود. درعین حال، کانال‌هایی برای گذر آب نیز در قبر وجود داشت؛ چراکه عیلامیان اعتقاد داشتند آب نیز در قبر وجود داشت؛ چراکه عیلامیان مرگ لازم است (هیتس، ۱۳۷۱: ۷۶). به جای آوردن مناسبی مذهبی مربوط به خاکسپاری



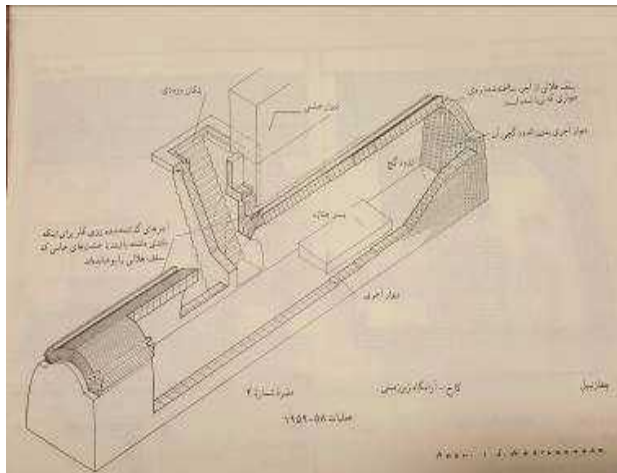
نقشه شماره (۹): کفسازی معبد هیشمیتیک و روهوراتیر (منبع: نگارندگان)



نقشه شماره (۱۰): معبد کوچک در داخل معبد هیشمیتیک و روهوراتیر (منبع: نگارندگان)



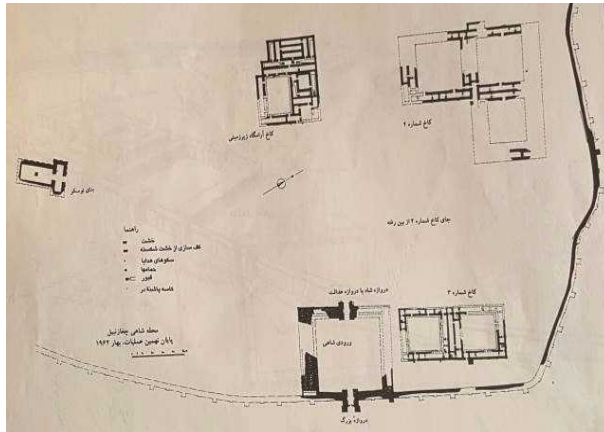
نقشه شماره (۱۱): برش از کاخ-آرامگاه زیرزمینی (منبع: گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۹۵)



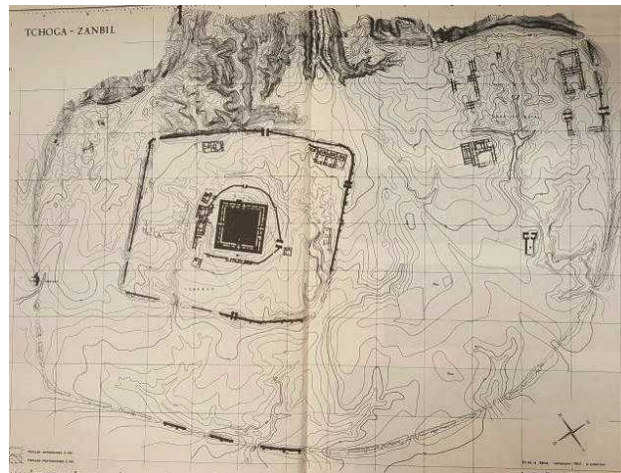
تصویر شماره (۷): مقطع-پرسپکتیو از کاخ-آرامگاه زیرزمینی (منبع: گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۹۶)

پس از مرگ او نتاش گال، شدت و حدت زندگی مذهبی در دوراو نتاش کاهش می‌یابد و جانشین او به نام کیدین خوتران، ظاهراً صلاح و فایده‌ای در پیگیری کار برادرش نمی‌بیند. خاکسپاری او در یکی از گورهای باشکوه که در زیرزمین‌های قصر یافت شده، احتمالاً نمایش مردمی بزرگی را که شهرک مقدس با آن مأنوس بود، محدود کرده باشد. فقط به‌هنگام این جشن‌ها و مراسم بزرگ مذهبی بود که شاه و درباریان به این شهرک می‌آمدند و در اینجا اقامت می‌کردند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۸). به نظر می‌رسد کاربری کاخ‌ها، در ارتباط مستقیم با

مردگان در عیلام، با اعمال و رسوم بابلی‌ها و آشوری‌ها که همگی مردگان را در زیر محل اقامتشان دفن می‌کرده‌اند، تفاوتی ندارد (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۸۳). دقتی که برای ساختن این کاخ-آرامگاه‌ها به کار رفته، طلب می‌کند که بدان به‌عنوان بنای اختصاصی شاه نگریسته شود. این کاخ-زیرزمین را فقط باید به‌مثابه یک اقامتگاه موقتی تصور کرد که پادشاه تنها در طول دوره‌های کوتاه‌مدت زیارت، مراسم و جشن‌های بزرگ در آنجا سکنی می‌گزیده است (تصویر شماره (۷) و نقشه شماره (۱۱))، (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۷۶).



نقشه شماره (۱۲): موقعیت کاخ- آرامگاه‌های محوطه چغازنبیل (منبع: گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۶۹)



نقشه شماره (۱۳): موقعیت کاخ- آرامگاه‌های محوطه چغازنبیل (منبع: استو، ۱۳۷۵، ۳: ۲۱۹-۲۱۸)

حصار شهر باز شده بود و یکی در طرف جنوب شرقی و دیگری در مقابل رودخانه، یعنی در طرف شمال شرقی قرار داشت. موج زائران و همچنین حرکت دسته‌های انسان‌ها که با طواف‌های مقدس و ذکر ادعیه همراه بوده، در جریان جشن‌های بزرگ توسط چهار دروازه، به‌طرف صحن‌های خارجی متمسک هدایت می‌شده که یکی از این چهار دروازه از سایر دروازه‌ها بزرگ‌تر بوده است. این دروازه، همان دروازه شمال شرقی (طرف رودخانه) است. دروازه دیگر به نام «گذرگاه

خاکسپاری و مراسم‌های مذهبی مربوط به مردگان بوده و تصور اقامت در این کاخ-آرامگاه‌ها بعید است (نقشه شماره ۱۲ و ۱۳).

ذکر این موضوع که دروازه‌ها و دسترسی‌های دوراوتناش مرتبط با نوع مراسم و حجم جمعیت زائران، کاهش یا افزایش پیدا می‌کرده است، لازم است. این درها و دروازه‌ها در مقابل زائران دوراوتناش باز می‌شده و از سه حصار متحدالمرکز عبور می‌کرده‌اند. ورودی خارجی شهر مقدس، فقط از دو دروازه‌ای بود که در دیوار

جشن‌ها و مسیر حرکت مقدس دسته‌جمعی

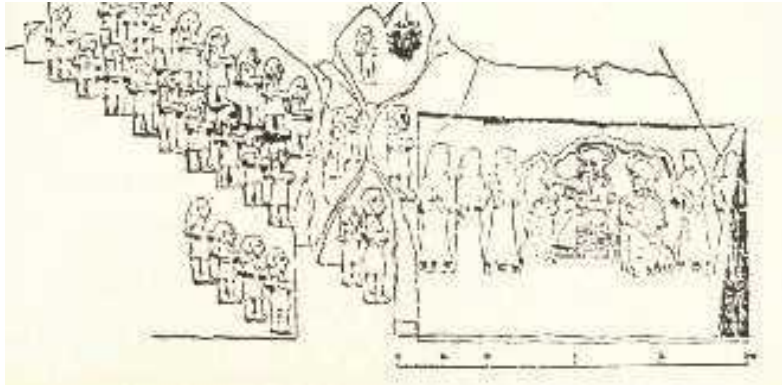
حرکت گروه‌های مذهبی، در حال حمل مجسمه خدایان، در سرتاسر بین‌النهرین شایع بوده است. اما این رژه‌ها در عیلام، حالتی عجیب و مخصوص به عیلامیان داشته است. مؤمنان که به‌وسیله سران مذهبی و برجستگان قوم و شاید حتی به‌وسیله خانواده سلطنتی هدایت می‌شدند، برای زیارت یک مکان مقدس به راه می‌افتادند. در این مکان‌ها، مجسمه‌های مذهبی و محراب‌ها و مذبح‌ها قرار داشت. قربانی‌ها انجام می‌شد و عبادت‌کنندگان پیشکش می‌دادند. مقصد مطلوب این‌گونه مسافرت‌های زیارتی، مکان‌های مرتفع یا معبد بلندی در شهر یا زیارتگاهی در قلّه یک کوه، در فاصله‌ای دور در روستا بود (هینتس، ۱۳۷۱: ۵۹). شرکت‌کنندگان در مراسم پرستش عیلامی، کاملاً با دو روش متفاوت خطاب و سکوت نیاپش آشنا بوده‌اند. اولین روش متشکل بود از دراز کردن دست‌ها به‌سوی بالا در حضور خدای و احتمالاً ادای دعا در همان زمان. اگر فرد مؤمن در موقع زیارت هدیه‌ای نیز با خود همراه داشت، فقط دست راستش را بلند می‌کرد. روش سکوت را می‌توان در میان گروهی که روی پله‌ها قرار دارند دید. دست‌های آن‌ها به کمر بندهاشان روی هم قرار گرفته است (تصویر شماره ۸)، (هینتس، ۱۳۷۱: ۶۱).

شاه و ملکه که اطرافیان‌شان به‌دنبالشان بوده‌اند، بدون تردید از «دروازه مجلل و با شکوه شاهی»، (تصویر شماره ۹) وارد صحن می‌شده‌اند. به نظر می‌رسد پذیرفتن این فرضیه که یک کالسکه زوج شاهی را تا روی صحن برسانند، مشکل است. مسلماً شاه و ملکه پیاده از زیباترین دروازه می‌گذشته‌اند، سپس بلافاصله به خمره پر از آب مخصوص وضو، غسل و یا هر نوع طهارت و سه سکوی مخصوص هدایا و دو سکوی می‌رسیده‌اند که در کنار هم قرار داشته و مخصوص نشستن آن‌ها بوده است. کالسکه یا کالسکه‌هایی که به روی صحن زیگورات می‌رسیده، احتمالاً به‌نوعی مراسم «حمل روی چرخ‌ها» تعلق داشته‌اند. می‌توان فرض کرد که هنگام رسیدن به مقابل معبد «زیرین»، که

شاهی؛ دیگری که به‌صورت مسدود شده پیدا شد، در طرف جنوب شرقی است و «دروازه شوش» در طرف جنوب غربی قرار دارد. بنابراین، مؤمنان می‌توانسته‌اند از طریق هفت دروازه به صحن‌های اطراف زیگورات دسترسی پیدا کنند. در سه زاویه، این حصار سوم که برج را محاط می‌کرد، یعنی زوایای غربی، شرقی و شمالی، دروازه‌های معمولی وجود داشته است. دو دروازه دیگر نیز وجود داشته که یکی از آن‌ها بزرگ‌تر بوده و این همان دروازه شاهی است که مسلماً به شاه و اطرافیان او اختصاص داشته است. دروازه دیگر، دروازه ارابه‌ها یا کالسکه‌هاست که در ضلع جنوب شرقی و در نزدیکی دروازه شاهی بوده است. دروازه بسیار بزرگی نیز در وسط دیوار شمال شرقی قد علم کرده بود. آخرین دروازه، دروازه‌ای است که در دو طرف آن دو برج مجلل وجود داشت و دروازه به آن‌ها تکیه می‌کرد. این دو برج تنها برج‌هایی بودند که از آجر ساخته شده بودند. این دروازه بین دو نیایشگاه دو الهه بزرگ، ایشنی کاراب و کیریریشا که مورد احترام خاصی بوده‌اند، برپا شده و به‌طرف صحن روبه‌روی دروازه شمال غربی پیش آمده بود (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۲۴)، (نقشه شماره ۱۴).



نقشه شماره ۱۴): موقعیت دروازه‌ها و معابد، محوطه باستانی چغازنبیل (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۳۴۹).



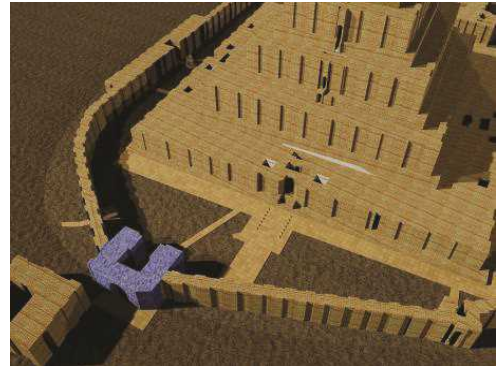
تصویر شماره (۸): روش سکوت
(هینتس، ۱۳۷۱: ۶۰)

مقدس) دوراوتناش یافت شده، یعنی کف‌سازی‌هایی که از زیگورات شروع می‌شدند یا به‌طرف آن رو می‌آوردند و آن را به معابد، کاخ‌ها و دروازه‌های حصار مربوط می‌کردند، نمی‌توانسته‌اند هدف غیر مذهبی داشته باشند. طواف‌های مقدس همراه با ذکر ادعیه در مذهب عیلامی وجود داشته است و این امر را کتیبه‌ای تأیید می‌کند. زائران به‌طرف دروازه بزرگ شمال شرقی «تمنوس» روی می‌آوردند و در آنجا به دروازه شمال شرقی حصار شهر می‌رسند تا از همین جا شهر را ترک کنند.

در جریان مراسم مربوط به جشن‌های بهاری که زیگورات و حمل شمایل خدایان ایفاگر نقشی بنیادین در آن‌ها بوده‌اند، حرکت دسته‌جمعی زائران دعاخوان به‌طرف بیت اکتیو یا خانه جشن‌ها هدایت می‌شده که مکانی خارج از شهر و حصار آن، و همیشه نزدیک به یک رودخانه و یا یک جریان آب قرار داشته است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۴).

به نظر می‌رسد که در دوراوتناش نیز زیگورات، محل اجتماع خدایان و الهه‌ها بوده که پس از آن، در نزدیکی دروازه شمال شرقی تمنوس گرد می‌آمده‌اند. در مورد خدای ایشوشیناک باید گفت که او از معبد خود که در ضخامت طبقه اول برج زیگورات قرار داشته، خارج

مختص ظهور خدای ایشوشیناک بوده، این کالسکه یا ارابه‌ها، مسئول حمل تمثال این خدا بوده‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۴-۱۴۳).



تصویر شماره (۹): طرح سه‌بعدی از دروازه شاهی چغازنبیل
(منبع: نگارندگان)

ساکنان قدیم بین‌النهرین و ایران جنوب غربی، جاده‌های خود را کف‌سازی نمی‌کرده‌اند. قدمت اولین راه‌های سنگ‌فرش و سازماندهی شده با تعدادی منزل یا ایستگاه، فقط به اولین امپراطوری جهانی می‌رسد که «هخامنشیان» آن را تشکیل داده و سازماندهی کردند. به این ترتیب، کف‌سازی‌هایی که روی تمنوس (محلّه

می‌شده و از کف‌سازی عریضی که در امتداد دیوار جنوب شرقی حصار صحن‌ها قرار داشته عبور می‌کرده تا به طرف دروازه شمال شرقی دیوار حصار تمنوس هدایت شود (تصویر شماره (۱۰))، (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱۴۶: ۲).



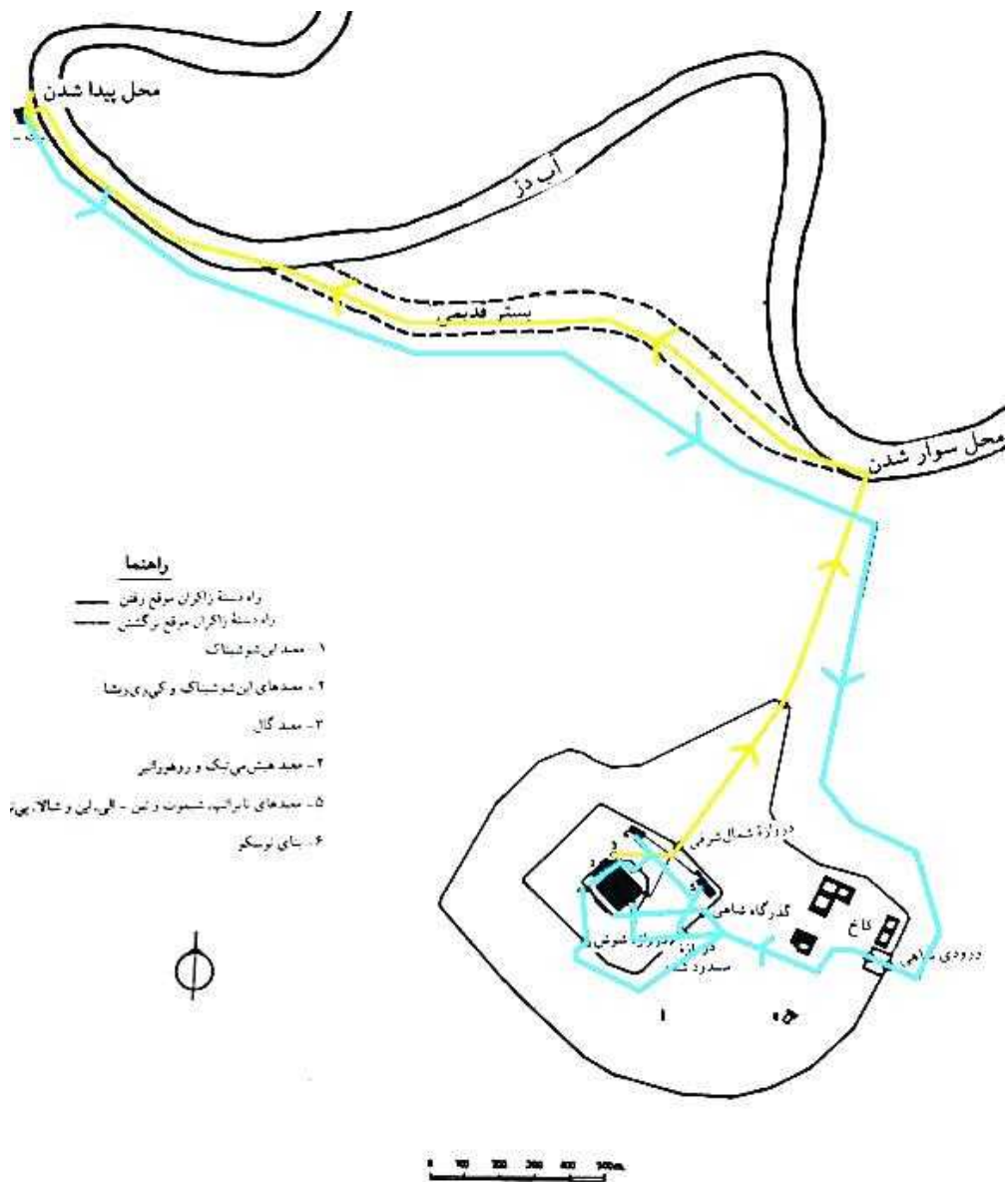
نقشه شماره (۱۵): کف‌سازی مربوط به مسیری شده از گذرگاه شاهی به دروازه شاهی توسط شاه (منبع: نگارندگان)

مراسم حرکت دسته‌جمعی همراه با ذکر ادعیه، باید از دروازه بزرگ شهر که در مقابل رودخانه قرار داشته، آغاز می‌شده و در آنجا به ساحل رود، ملقب به «ساحل مقدس» می‌رسیده است. در دوراوتناش این ساحل مقدس در حاشیه یک نهر قدیمی یا در حاشیه بازویی از رودخانه قرار داشته است. در آنجا باید تمثال خدایان را در قایق‌هایی قرار می‌دادند تا برخلاف جریان آب رودخانه آب دز، بالا روند. همه خدایان و انسان‌ها در فضائی مملو از آزادی در تماس مستقیم با طبیعت که جریانی باطراوت از زندگی را بر آن‌ها می‌دمید، نیرویی تازه می‌گرفتند که رودخانه کاملاً نزدیک، تضمینی

برای این نیرو بود (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۷). با توجه به آثار باقی‌مانده از دوراوتناش، برپا کردن رسمی جشن اکتیو، جز با حضور شاه امکان‌پذیر نبوده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۸۱).

راه و مسیر بازگشت این حرکت دسته‌جمعی به طرف شهر و مأوای خدایان، از همان راه رفت نبوده و هرچند این حرکت، در کلیت خود حالت دورگردی و طواف نداشته، باین‌حال، مهم‌ترین بناها را دور می‌زده است. همه مردم نه از طریق آب، بلکه از مسیر خشکی و با صعود به پشته‌ای که شهر روی آن ساخته شده بود، از طریق مقابل زاویه شرقی حصار خارجی، به شهر بازمی‌گشتند و پس از اینکه مسیر اندکی را در امتداد دیوار جنوب شرقی شهر تا «ورودی شاهی» طی می‌کردند، وارد دروازه بزرگ و سپس وارد «دروازه شاه» یا «دروازه عدالت» می‌شدند. به محض پشت‌سر گذاشتن «ورودی شاهی» نیز وارد قسمت شاه‌نشین شهر می‌شدند. برای داخل شدن به تمنوس و در آنجا رسیدن به معابدی که در قسمت‌های مختلف این حیاط وسیع جا داشته، به نظر می‌رسد که حرکت دسته‌جمعی ذاکران باید تقسیم می‌شده و مسیرهای مختلفی را در پیش می‌گرفته است. از بین چهار دروازه‌ای که در دیوار حصار محله مقدس تعبیه شده، بزرگ‌ترین آن یعنی دروازه شمال شرقی که حرکت دسته‌جمعی ذاکران از طریق آن تمنوس را ترک کرده بود، برای بازگشت باید از مسیر حذف شود؛ زیرا چنین به نظر می‌رسد که هنگام بازگشت به شهر مقدس از این در عبور نمی‌کرده‌اند. بنابراین، برای عبور مردمی که از جنوب شرقی می‌آمدند، سه دروازه دیگر باقی می‌ماند: دو دروازه که در دیوار جنوب شرقی باز می‌شده و یکی که در دیوار جنوب غربی تعبیه شده بود (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۸).

«گذرگاه شاه» که برای عبور جمعیت چندان راحت نبود، ظاهراً مختص عبور شاه بوده که تمثال خدای ایشوشیناک را همراهی می‌کرده است. این نظریه را کشف کف‌سازی‌ای تأیید می‌کند که این دروازه را مستقیماً به «دروازه شاهی» حصار صحن‌ها متصل می‌کرد (تصویر شماره (۱۱)).

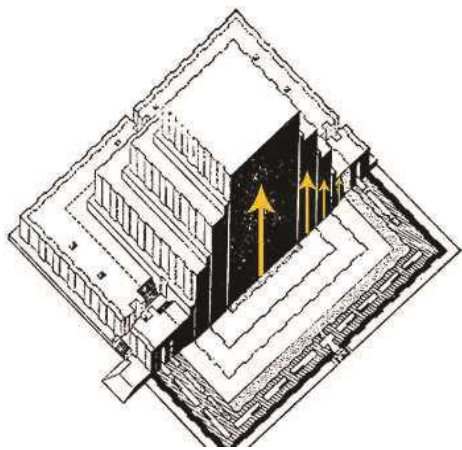


تصویر شماره (۱۰): سیر حرکت رفت و برگشت زائران به بیت اکتیو
 (منبع: گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۵) رنگ آبی رفت و رنگ زرد برگشت را نشان می‌دهد.

حیاط‌های این معابد، باید مراسمی ذکرگویان و در حال طواف به دور بناها جریان داشته باشد؛ درست نظیر آنچه در اطراف زیگورات وجود داشته است. چون در اطراف بنای مرکزی کف‌سازی از آجر شکسته حفظ شده بود (معبد شیموت و نین الی)، (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۳۴).

کف‌سازی‌هایی که در روی تمنوس دوراوتناش پیدا شدند نمی‌توانسته‌اند هدفی غیر مذهبی داشته باشند. این امر را کتیبه‌ای تأیید می‌کند که برای تمثال خدای اینشوشیناک معبدی برپا کرده‌اند که دارای یک راه کف‌سازی شده برای حرکت دسته‌جمعی همراه با ذکر و دعاست. این کف‌سازی‌ها می‌طلبند که راه‌ها و مسیرهای حرکت دسته‌جمعی زائران دعاگو باشند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۴).

به نظر نگارندگان، تفاوت عرض طبقات به این علت بود که اجرای زیگورات برخلاف آنچه همیشه اتفاق افتاده، بر مبنای یک نقشه عمودی بنا شده است؛ به این معنی که هر طبقه از روی زمین آغاز شده و بالا رفته است. کم شدن ابعاد هر طبقه تا رسیدن به طبقه پنجم، به ایجاد حس تقدس و احترام برای معبد اعلی کمک می‌کند؛ علاوه بر این، سبک شدن بنا در ارتفاع، صعود به آسمان را در ذهن تلقی می‌کند (تصویر شماره ۱۲).



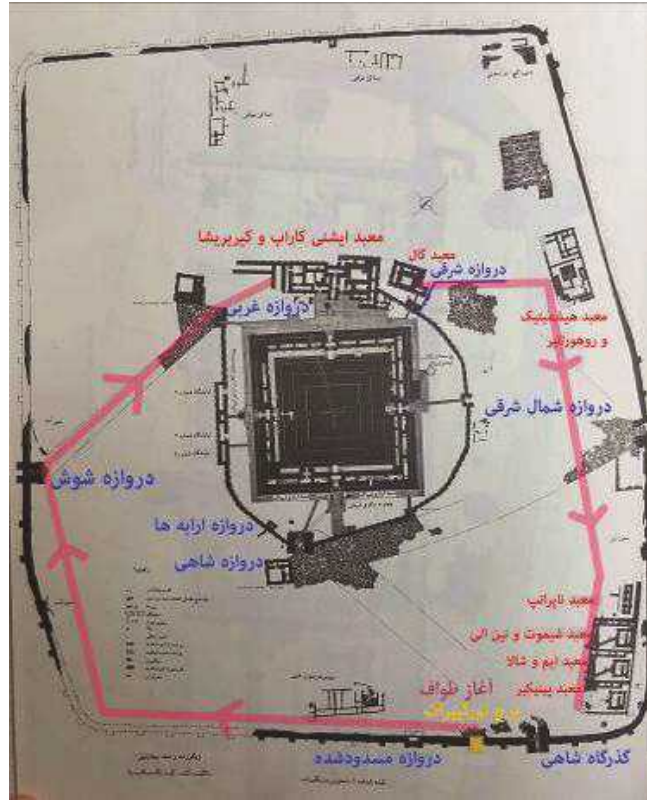
تصویر شماره ۱۲: ایجاد طبقات فوقانی از روی زمین (هینتس، ۱۳۷۱: ۲۰۴)



تصویر شماره ۱۱: کف‌سازی مربوط به مسیر طی شده از معبد اینشوشیناک به دروازه شمال شرقی (منبع: نگارندگان)

خدایانی که معابد آن‌ها در زاویه شرقی تمنوس قرار داشتند و خدایانی که در نپایشگاه‌های طول دیوار شمال شرقی آن ساکن بوده‌اند، احتمالاً از دری می‌گذشته‌اند که بعداً مسدود شده است. بین این در و «گذرگاه شاهان»، برج مستحکم نورکیپرات، نور ناحیه‌های جهان برپا شده بود، برجی که با غنای بسیار با گل میخ‌های پایه‌پهن و گل میخ‌های ساده، همگی لعاب‌دار و درخشان در زیر اشعه خورشید تزیین شده بود (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۹-۱۴۸). قسمت اعظم دسته‌ذاکران در زیر این برج حرکت می‌کرده، و این دسته پس از گذشتن از دروازه «مسدود شده»، از روی کف‌سازی شناخته شده، در طول وجه درونی حصار جنوب شرقی تمنوس، عبور می‌کرده تا به معابد مجموعه‌های شرقی و شمال شرقی برسد (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۹). (نقشه شماره ۱۵).

در اطراف هر یک از این سه بنای به‌پاخواسته در میان



نقشه شماره (۱۵): روند طواف زائران (منبع: نگارندگان)

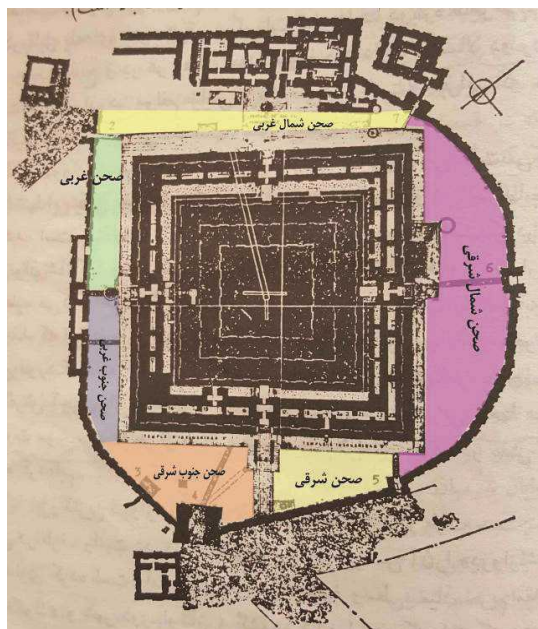
را حفظ کرده است، باعث شگفتی است. هیچ نوع نشستی و هیچ نوع جابه‌جایی حتی در یک خشت آن دیده نمی‌شود و هیچ چیزی از جای خود بلند نشده است.

صحن‌ها، دیوارها و دروازه‌های آن‌ها

در تمام اضلاع زیگورات، صحن‌های وسیعی با ابعاد و اشکال و سامان‌دهی‌های بسیار متفاوت وجود داشته که همگی درون یک حصار با هفت دروازه محصور شده است (نقشه شماره ۱۶).

در حالی که صحن شمال شرقی وسیع‌ترین صحن است، صحن جنوب غربی کوچک‌ترین آن‌ها را تشکیل می‌دهد. صحن‌های شمال غربی و جنوب غربی، بیشتر شکل مستطیل بوده، در حالی که صحن‌های شمال

با حرکت از صحن به‌طرف مرکز زیگورات، ضخامت حجم‌هایی که همه از کف زمین شروع شده‌اند و هرکدام یکی از طبقات زیگورات را تشکیل می‌دهند، دیده می‌شود. در طول مسیر، شیوه‌های ساختمانی این حجم‌ها، بافت و دوخت و پیوند آن‌ها به یکدیگر، مصالح به‌کاررفته در هر یک از آن‌ها، مهارت‌هایی که مهندسان و معماران عیلامی هزاره دوم قبل از میلاد داشتند، شناخت آنان درباره فشار حجم‌های خشتی، تجربه آن‌ها در مورد چگونگی استفاده از مواد و مصالح گوناگون، محاسبه‌های دقیق و حاصل کار آن‌ها، با وجود بیش از سه هزار سالی که از عمر این کار می‌گذرد و هنوز هم تمام ساخت‌وساز و سازه‌های درونی خود



نقشه شماره (۱۶): صحن‌ها (گرافیک: نگارندگان)

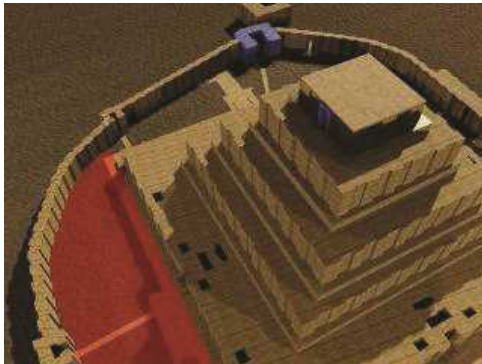


نقشه شماره (۱۷): روند طواف زائران (منبع: www.choghazanbil.ir)

وسیع انبوه جمعیت را در این مکان‌ها به زیگورات نزدیک سازند. طول چهار وجه سکوی طبقه اول، از یک «پیاده‌رو» کف‌سازی‌شده با خشت‌هایی زیبا و سالم تشکیل شده

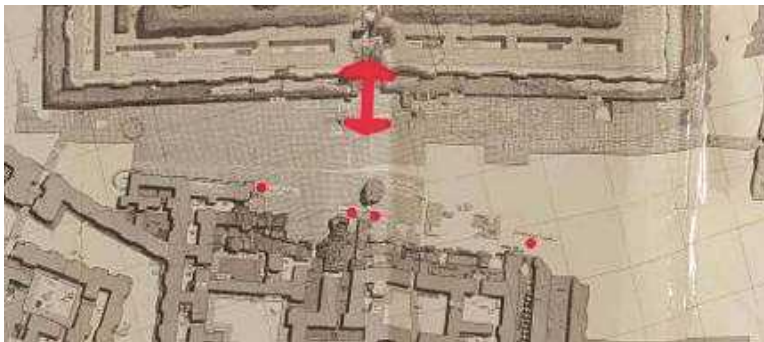
شرقی و جنوب شرقی شکلی مدور دارند. در حواشی زوایای زیگورات، صحن‌ها به باریک‌تر شدن تمایل دارند؛ این جمع‌شدگی مسلماً همراه با اندیشه و تعمد بوده و سازندگان به دنبال آن بوده‌اند که گستردگی‌های

به طرف رودخانه هدایت می‌شد، قسمت اعظم حاضران و یا همه آن‌ها باید از طریق این دروازه شمال شرقی صحن‌ها و در جهت بزرگ‌ترین دروازه حصار تمنوس، که درست در روبرو قرار دارد، حرکت می‌کردند. (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۸۸)، (تصویر شماره (۱۳)).



تصویر شماره (۱۳): بخشی از صحن شمال شرقی در مقابل مدخل معبد اعلی (منبع: نگارندگان)

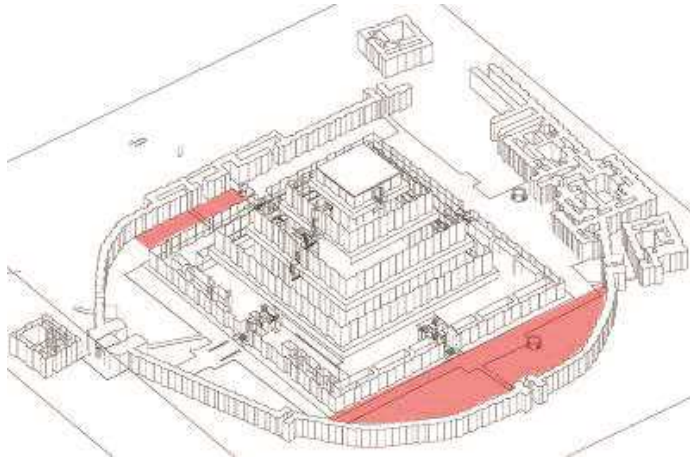
صحن شمال غربی تنها صحنی است که در خارج از «راه حرکت دسته‌جمعی ذاکران» در تمام طول نمای دو معبد کف‌سازی شده است. سه سکوی مربوط به هدایا از آجر لعاب‌دار در روی این صحن وجود دارد. سکوی چهارم در جوار مدخل معبد شرقی الهه کری ریشاست. دو عدد از این سکوها در مقابل دروازه زیگورات هستند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۸۹)، (تصویر شماره (۱۴)).



تصویر شماره (۱۴): سکوه‌های آجری صحن شمال غربی (گرافیک: نگارندگان)

که بدون تردید یادآور یک «راه حرکت دسته‌جمعی برای ذکر» و طواف به دور زیگورات است. راه‌های حرکت دسته‌جمعی ذاکران، به مناسک مذهبی عیلامی مربوط می‌شود و این امر را می‌توان از متون شاهانه دریافت؛ کتیبه‌ای از شاه کوتیر-ناهوته و پسرش تمتی-اگوندیت که به علامت اینشوشیناک، الهه معبدی بنیاد گذاشتند که راهی فرش کرده برای حرکت دسته‌جمعی ذاکران داشت (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۸۵)، (نقشه شماره (۱۷)).

صحن شمال شرقی مسلماً به حرکت مؤمنان، غیر روحانیان یا پیشوایان آیین و در مجموع، طواف جمعیتی انبوه که نظیر آن در هیچ‌یک از صحن‌های دیگر جمع نمی‌شده، اختصاص داشته است. اهمیت این صحن شاید از این موضوع نشئت می‌گیرد که در مقابل مدخل معبد اعلی قرار گرفته است و همین امر نیز شاید توانسته است خود را بر سازندگان بنا در مورد جهت‌گیری برج تحمیل کند. فرضیه اختصاص این صحن به طواف، از حضور یک پودیوم (سکویی به صورت دیوار، دور یک تماشاخانه ساخته می‌شده و بزرگان بر آن قرار می‌گرفته‌اند) نشئت می‌گیرد. همچنین همین اشخاص می‌توانسته‌اند، بعد از مراسمی که در بالا و اطراف برج جریان داشت، روی این پودیوم گرد هم آیند تا از آنجا روی وسیع‌ترین صحن سرازیر شوند. اگر پشت‌سر این مراسم، مراسم دیگری در خارج حصارهای شهر مقدس جریان داشت، یا اگر حرکت دسته‌جمعی ذاکران باید



تصویر شماره (۱۶): صحن شمال شرقی و جنوب غربی (منبع: نگارندگان)

صحن شمال شرقی با دیواری که به صورت بخشی از یک دایره است و سطح آن اضافه شده، نشان می‌دهد که هدف از آن پذیرا شدن تعداد زیادی شرکت‌کننده برای طواف و نیایش بوده است. در مقابل، تنگی صحن جنوب غربی این احساس را زنده می‌کند که در اینجا فقط امکان یک نیایش و طواف کاملاً محدود وجود داشته است. به نظر می‌رسد که هدف از ساختن هر دو صحن، گردش‌هایی بوده که رابطه تنگاتنگی با خود زیگورات، طبقات آن و صعودهای آن داشته است (تصویر شماره (۱۶)).

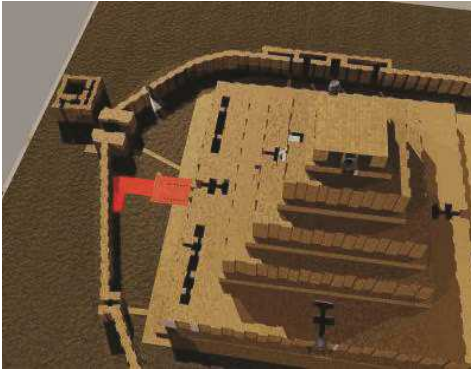
با توجه به شکل و ساماندهی صحن جنوب شرقی، می‌توان دریافت که کاربری این صحن با صحن قبلی کاملاً متفاوت است: این صحن برای طواف نبوده و اغلب برای مراسم وزین و موقرانه، عملیات شکرانه و برای قربانی‌ها به کار گرفته می‌شده است. در حقیقت، فعالیت‌هایی که الزاماً مستلزم جابه‌جایی تعداد زیادی از افراد نبوده و این افراد وارد زیگورات نمی‌شوند، اما در تقدیس و بزرگداشتی همکاری می‌کنند که توسط مردان خدا به عمل می‌آید (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰۲-۱۰۳). «دروازه شاهی»، دیوار حصار صحن جنوب شرقی را بریده و به دو بخش تقسیم کرده است که هرکدام از آن‌ها جهتی مخصوص به خود دارند. «دروازه شاهی»

اهمیت صحن جنوب شرقی شاید بیشتر از صحن شمال شرقی بوده؛ زیرا صعود به معبد اعلی از همین صحن شروع می‌شده است. این صحن نیز مانند دیگر صحن‌ها در سرتاسر طول طبقه اول زیگورات دارای کف‌سازی «راه دسته‌جمعی ذاکران» بوده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۹۲)، (تصویر شماره (۱۵)).



تصویر شماره (۱۵): صحن جنوب شرقی و صعود به معبد اعلی (منبع: نگارندگان)

در دیوار حصار جنوب غربی به موازات وجه زیگورات، با طرح پیش‌آمدگی‌ها و پسر رفتگی‌ها و باز هم با همان ابعاد ادامه می‌یابد. در مقابل آن چهار عدد خمره یافت شده که مخصوص تطهیر و غسل بوده‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۹۷).



تصویر و نقشه شماره (۱۷): کف‌سازی از پلکان دروازه جنوب شرقی تا دروازه شاهی (منبع: نگارندگان)

وسیع را به «دروازه شاهی» متصل می‌سازد (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰۳)، (تصویر و نقشه (۱۷)).

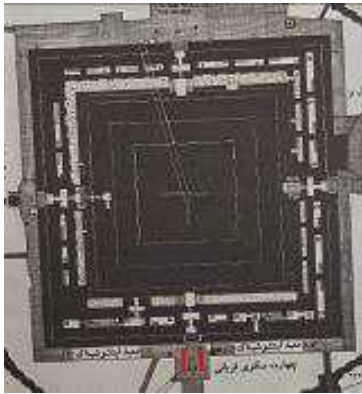
احتمالاتی وجود دارد که سه پیشخوان مناسک مذهبی عیلامی، به‌هیچ‌وجه با پیشخوان‌های مناسک مذهبی آکدی تفاوتی نداشته‌اند. اگر این چنین باشد، آنچه در روی صحن جنوب شرقی دوراوتناش کشف شده، در این قسمت نزدیک به زیگورات جای داشته است؛ چراکه در این محل، هم مراسم مربوط به تقدیم هدایا و هم مراسم مربوط به انجام قربانی انجام می‌شده و هر دو در یک زمان بوده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰۶)، (تصویر شماره (۱۸ و ۱۹)).

در مقابل پلکان دروازه زیگورات، روی وسیع‌ترین قسمت سراشیب کف‌سازی شده، در دو ردیف، ۱۴ سکو به ارتفاع ۲۵ سانتی متر از خشت پخته، با

که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بنای این حصار است، این احساس را برمی‌انگیزد که برای ایجاد پهنای بیشتر در صحن و جای بیشتر برای مراسم مورد نظر برپا شده است. در این صحن نیز مانند سایر صحن‌ها، کف‌سازی دور تا دور سکو چرخیده است. کف‌سازی دیگری که بسیار پهن و اندکی شیب‌دار است، از پلکان دروازه جنوب شرقی زیگورات به بعد گسترش می‌یابد و به طرف دیوار حصار ره می‌برد. این کف‌سازی در نیمه راه تنگ می‌شود و با رسیدن به دیوار حصار، در یک سطح مستطیلی در طول این دیوار امتداد می‌یابد. تمام گستره صحن، دارای کف‌سازی از جنس خشت شکسته است؛ به استثنای دو راه که به عرض چهار خشت با خشت سالم کف‌سازی شده‌اند که یکی از آن‌ها «راه حرکت دسته‌جمعی ذاکران» بوده و دیگری کف‌سازی



تصویر شماره (۱۸) و (۱۹): تریبون (منبع: نگارندگان)



تصویر شماره (۲۰) و نقشه شماره (۱۹): سکوی قربانی (منبع: نگارندگان)



تصویر شماره (۲۱): سکوی قربانی (منبع: نگارندگان)

کار می‌رفته که به افتخار خدایان می‌نوشیدند و بقیه جام را به زمین می‌ریختند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰۷).

۱-۱۰: صحن جنوب شرقی و مراسم و مناسک مذهبی

صحن جنوب شرقی عناصری در خود دارد که بعضی از آن‌ها به تزکیه و هدایا و بعضی دیگر به قربانی‌ها و مراسم جرعه‌افشانی بر خاک اختصاص دارد. همه این مراسم‌ها، در حضور زوج شاهانه انجام می‌شده و برای این زوج، دو سکو در نظر گرفته شده بود که احتمالاً در هنگام تاج‌گذاری در روی آن جلوس می‌کردند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰۹). زوج شاهانه به محض عبور از «دروازه شاهی»، در مقابل خمره بزرگی قرار

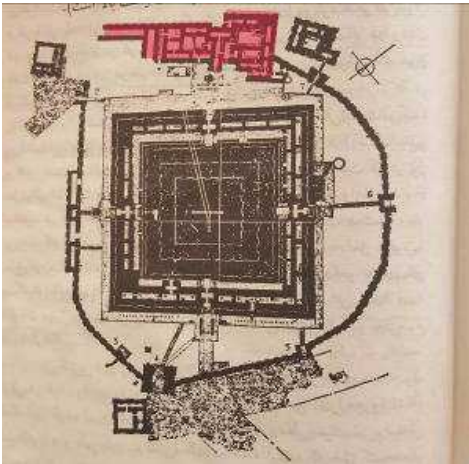
دیواره‌های شیب‌دار برای قربانی‌های خونین در نظر گرفته شده است. خون قربانیان به طرف خمره‌ای جاری می‌شده که در وسط کف‌سازی و در زیر آن تعبیه شده بود (تصویر شماره ۲۰ و ۲۱) و نقشه شماره (۱۸)).

راه حرکت دسته‌جمعی ذاکران در امتداد مصطبه ادامه می‌یابد. در نزدیکی حجم کوچک آجری واقع در حاشیه طرف راست پلکان، که احتمالاً سکو یا پیشخوان بوده، چاهی در کف‌سازی این راه وجود داشته است. زاویه سکوی آجری به حاشیه این چاه می‌رسد و قسمتی از آن را می‌پوشاند. در کنار این چاه، حفره‌ای دیده می‌شود که در زیر کف‌سازی با چاه ارتباط پیدا می‌کند. این حفره محل استقرار ظرفی بوده که برای جمع‌آوری مایعی به

از این سه معبد، دارای چند حیاط و چند عبادتگاه و انبار و اتاق‌های متعدد هستند. در اتاق مرکزی معبد ایشنی کاراب، یک قربانگاه هست (واندنبرگ: ۷۲-۷۱؛ و آمیه، ۱۳۴۹: ۵۵). حصار درونی سایر معابد را در خود جای داده بود. تعداد زیادی از این معابد محل انجام تشریفات مذهبی بوده‌اند (آمیه، ۱۳۴۹: ۵۶)، (نقشه شماره ۲۰).



تصویر شماره (۲۲): کتیبه آیینی (منبع: نگارندگان)



نقشه شماره (۲۰): موقعیت معابد ایشنی کاراب، هوبان و کیریریشا (منبع: گرافیک: نگارندگان)

براساس اطلاعات به دست آمده از کتیبه‌های موجود، اونتاش هوبان به غیر از این معبد، معابد دیگری برای خدایان گوناگون ساخته بود. در کنار برخی از معابد، کارگاه‌هایی یافت شده که عده‌ای از صنعت‌گران در آن‌ها هدایایی از طلا، نقره و مفرغ به شکل‌های گوناگون

می‌گرفتند که برای تزکیه در نظر گرفته شده بود و در کنار آن سه پیشخوان مخصوص هدایا قرار داشت. پس از انجام مراسم، شاه و ملکه روی دو سکو جلوس می‌کردند؛ بنابراین، این دو «تخت»، دارای ابعاد مشابه نیستند و سکو کوچک‌تر در کنار سکو بزرگ‌تر قرار نگرفته و اندکی عقب‌تر است. در عین حال که ملکه در تمام مراسم و تشریفات رسمی شرکت می‌کرد، همواره در پشت سر شاه جای داشت. گمان می‌رود در آن لحظه حیواناتی که از «دروازه اراه‌ها» آورده می‌شدند، بر روی چهارده سکو قربانی، در حضور شاهانه قربانی می‌شده‌اند. شاه عیلام و همچنین ملکه در متون، به مثابه هدیه‌کنندگان شناخته شده و پذیرفته شده بود که قربانی کردن حیوانات در مقابل تاج پادشاه یا در مقابل مجسمه او انجام گیرد. پس از قربانی حیوانات، زوج شاهانه به طرف ظرف مربوط به جرعه‌نوشی و جرعه‌افشانی بر خاک و نهایتاً به سوی معبد اینشوشیناک (رج: نقشه شماره ۱۴) رهسپار می‌شدند. در آنجا در مقابل پلکان کوچکی که قبل از ورود به نیایشگاه، باید به زحمت از آن بالا رفت، محرابی وجود داشته که از همه سکوها ساخته شده از آجر لعاب‌دار که در روی تمام صحن‌ها ساخته شده، بهتر حفظ شده است. هدف از ساختن این محراب مشخص نیست (گیرشمن، ۱۳۷۵: ۱: ۱۰۹). مدخل معبد بسیار نزدیک است. چنانکه پذیرفته شده، این مکان، جای ظهور الهه بزرگ است که تندیس او باید در روی سکو و در مقابل مدخل بوده و حضورش در مجمعی برپا می‌شده که با توجه به تنگی اتاق‌هایی که این نیایشگاه را تشکیل می‌دهند، ظاهراً خیلی محدود بوده است. شاه و ملکه ظاهراً غیر از چند روحانی عالی مقام و چند تن از نزدیکان، نمی‌توانسته‌اند شخص دیگری را در کنار خود داشته باشند (گیرشمن، ۱۳۷۵: ۱: ۱۱۰). غیر از بنای اصلی زیگورات، چند معبد دیگر نیز در کنار آن قرار دارد. در اطراف زیگورات سکویی وجود داشته که با آجر فرش شده است. در قسمت مقدسی که همین سکو حدفاصل آن با زیگورات است، سه معبد به نام‌های ایشنی کاراب، هوبان و الهه کیریریشا در طرف شمال غربی زیگورات واقع شده است. هرکدام

و مجسمه‌هایی از سفال می‌ساختند و آن‌ها را به زائران برای تقدیم به خدایان می‌فروختند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۵۵). مجموعه مقدس در مرکز شهر واقع بوده و اداره‌های حکومتی در ضلع شرقی و جنب دروازه اصلی شهر موسوم به «دروازه شاهی» قرار داشته است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۸).

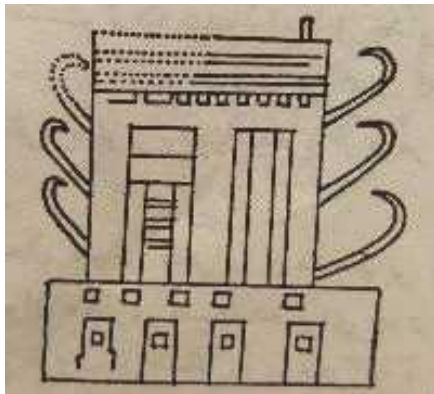
کتیبه‌های آیینی

«من، اونتاش گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش، یک صحن محصور، آن چیزی که شاه قدیمی و جانشینان آن‌ها نشناختند، من ساختم. این معبدها را ساختم؛ حصاری قرار دادم، خارج و داخل، من زیگورات را به سوی آسمان برافراشتم؛ آن را به خدای اینشوشیناک (رب) مکان مقدس هدیه کردم» (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۳: ۷۷). دروازه شاهی و دروازه شوش که کتیبه‌های ما از آنجا پیدا شده‌اند، به میدانگاه وسیعی باز می‌شوند که راه‌های طواف و حرکت دسته‌جمعی زائران دعاخوان آن‌ها را منحط کرده و در بین دو حصار اول و دوم واقع شده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۳: ۷۷).

«من، اونتاش گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش، در طول سال‌ها و روزها سلطنتی طولانی به دست آوردم، از سلامتی برخوردار هستم، به همین دلیل معبدی برای الهه کیریریشا در بیشه ساختم و آن را به الهه کیریریشا هدیه کردم» (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۳: ۸۸). «من، اونتاش گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش، معبد پی‌نیکیر را با طاق‌های آجری ساختم؛ مجسمه‌ای طلایی از پی‌نیکیر را در آن برپا کردم. باشد که کارها و اعمال من به‌عنوان هدیه مورد قبول پی‌نیکیر بانوی مکان مقدس قرار گیرد» (تصویر شماره ۲۲).

جالب‌ترین ویژگی معابد ایلامی، وجود سه شاخ بزرگ است که در هر طرف دیوارهای معبد نصب می‌شد. سنگ‌نیشته‌های ایلامی میانه، ثابت می‌کند که این شاخ‌ها -اول جزء مهمی از هر معبد را تشکیل می‌دادند؛ زیرا نماد الوهیت بودند (هینتس، ۱۳۷۱: ۴۶)، (تصویر شماره ۲۳).

محتویات مهرهای استوانه‌ای و آنچه در آن‌ها نشان داده شده، دارای بیان و اشاره‌های مذهبی است (پورادا،



تصویر شماره (۲۳): شاخ در نمای معابد

(منبع: هینتس، ۱۳۷۱: ۶۵)

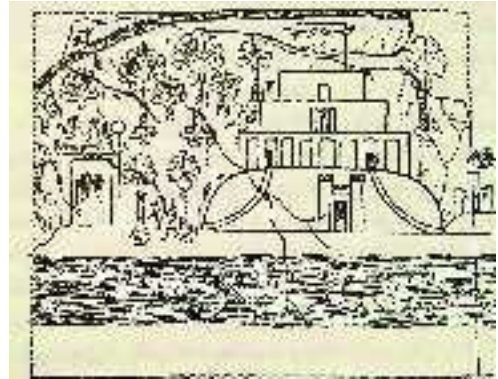


تصویر شماره (۲۴): مناسک عیلام

(منبع: پودارا، ۱۳۷۵، ۴: ۴۵)

آنچه از منابع بر می‌آید این است که آئین آن‌ها بیشتر حاکی از توجه به طبیعت بوده است (تصویر شماره ۲۵). نقوشی از این خدایگان یافت شده که برخی از آن‌ها در سر شاخی دارند که نشانه قدرت ایشان است.

در فرهنگ ایران زمین، در زمان‌های بعد نیز تصاویر و نقوشی از پهلوانان قهرمانی و یادبودها مشاهده می‌شود که دارای شاخ بوده‌اند؛ چنانچه عده‌ای «ذوالقرنین» را صاحب دو شاخ معنا کرده‌اند که حکایت از اقتدار او دارد (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۵۶-۵۵).



تصویر شماره (۲۵): زیگورات و ارتباط با طبیعت

(منبع: هینتس، ۱۳۷۱: ۱۸۳)

یافتن مراسم، از مسیر متفاوتی به محوطه زیگورات بازمی‌گشتند. گفتنی است، در تمامی مراحل انجام مناسک، حضور شخص شاه ضروری بوده است. شهر دور اونتاش با وجود سه حصار که به دور خود دارد و با توجه به طبیعت مقدس اطراف این مرکز زیارتی بزرگ، هیچ‌گاه به‌عنوان شهری بسته و رمزآلود به نظر نمی‌رسید. مؤید این ادعا، نبود استحکامات خاص دفاعی، خندق‌ها، درهای مخفی، معابر پرپیچ‌وخم و برج و باروی دیدبانی است.

زائران علاوه بر طواف به دور زیگورات، تمامی معابد کوچک اطراف زیگورات را نیز به ترتیب زیارت می‌کردند. از سویی زیارت معبد اعلی در طبقه پنجم بنا، تنها توسط شاه و ملکه و تعدادی از کاهنان از طریق راه‌پله‌هایی با گردش به دور بنا انجام می‌شد. نکته قابل توجه اینکه کلیه مراسم‌های مذهبی عیلامیان با پای پیاده صورت می‌گرفته و مستقل از طبقه اجتماعی زائر بوده است.

با توجه به بررسی مسیرهای کف‌سازی شده برای عبور انسان، می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف بسیاری از نمونه‌های معماری که در آن، بنا و معمار بنا حائز اهمیت هستند، در معماری زیگورات چغازنبیل، به حضور انسان به‌عنوان عنصر مهم‌تر در فضا توجه شده است. توجه به محل و چگونگی عبور زائران، اعم از شاهی و غیرشاهی در فضای مقدس معبد، خود نشانگر آن است که انسان عیلامی فارغ از طبقه اجتماعی‌اش، تا چه حد در معماری عیلام و در نظر معمار عیلامی اهمیت داشته است. از سویی وجود این کف‌سازی‌ها علاوه بر بهبود خوانایی بناهای مختلف معابد، در کوتاه کردن دسترسی‌ها نیز نقش داشته که نشان دیگری از توجه به انسان است.

در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های انجام مناسک مذهبی در باریان و مردم عادی، باید گفت؛ اول اینکه، چنانچه در بالا ذکر کردیم؛ پیاده انجام شدن مناسک برای همه اقشار وجود داشته و خود نوعی

نتیجه‌گیری

بنابر گفته‌های متن مقاله، بیشترین حجم مدرک‌ها و مستندها از دوره‌های پیش از مادها به تمدن عیلامی اختصاص دارد. در این نوشتار، با بررسی زیگورات چغازنبیل و محوطه‌های اطراف آن به دنبال پاسخ به سه پرسش بوده‌ایم. نخست، در پاسخ به اینکه انسان عیلامی در حریم زیگورات چغازنبیل در چه مناسکی شرکت می‌کرد و چه فضاها و سلسله‌مراتبی را طی می‌کرد، باید گفت که عیلامیان با ورود به محدوده چغازنبیل، پس از عبور از دروازه‌ها و ورود به صحن، به انجام مناسکی مانند تطهیر و غسل، قربانی، دعا، شرکت در مراسم سخنرانی و طواف‌های مقدس همراه با ذکر ادعیه می‌پرداخته‌اند. آن‌ها طی مراسمی با پای پیاده و از طریق خشکی به سمت بیت اکتیو حرکت کرده و مجسمه خدایان را نیز سوار بر کالسکه‌ها برای شست‌وشو به آنجا می‌بردند. سپس تمثال خدایان را در قایق‌هایی می‌گذاشتند و بر خلاف جریان آب بالا می‌بردند؛ و با پایان

منابع

- شباهت و توجه به همهٔ اقشار است. همچنین، عبور از سردر ورودی مجلل شاهی، برای مردم عادی هم امکان‌پذیر بوده است. مردم با عبور از این سردر، به صحن جنوب شرقی وارد می‌شدند و هدایا، نذورات و قربانی‌های خود را تقدیم می‌کردند و به ادامهٔ مناسک می‌پرداختند. تفاوت در فضای مورد نیاز برای درباریان و مردم عادی از لحظهٔ ورود به محوطه با افتراق ابعاد، تناسبات و فرم صحن‌ها قابل تشخیص است، آن‌گونه که صحن شمال شرقی با بیشترین مساحت و حصار منحنی آن، محل تجمع مردم عادی بوده است. شایان ذکر است، نفوذ و سلطهٔ روحانیان معبد بر عیلامیان، باعث می‌شد مردم عامی اجازهٔ حضور در زیگورات، زیارت مستقیم معبد ایشوشیناک، عبور از پله‌ها و رسیدن به معبد اعلی را نداشته باشند. طراحی پله‌ها و ابعاد و اندازه‌های آن نیز نشان می‌دهد که این مسیر برای تعداد محدودی در نظر گرفته شده است.
- در مورد پرسش سوم، تدفین در کاخ-آرامگاه‌های زیرزمینی محوطهٔ چغازنبیل و انجام مراسم مذهبی برای مردگان، تنها محدود به شاه و اطرافیان نزدیکش بوده است. بر روی آرامگاه‌های زیرزمینی، تالارهای طویل و مجللی برای پذیرایی از افرادی که در این مراسم شرکت می‌کردند وجود داشته است. حفاری‌های این کاخ-آرامگاه‌ها، وجود کانال‌های آب در کنار مقبره‌ها را تصدیق می‌کنند. با توجه به اینکه حضور آب در هر بخش از معماری عیلامی دلیلی مذهبی داشته است، گمان آن می‌رود که وجود آب به جهت غسل مردگان یا انجام مراسم مذهبی در آنجا بوده است. همچنین حفاری‌های مقبره‌های مردگان عیلامی نشان می‌دهد، تدفین با کوزه‌های گلی، آب و غذا صورت می‌گرفته است. در باور عیلامیان، مردگان در حیات جدید خود در سرایی دیگر، به وسایلی که همراه آن‌ها در قبرها می‌گذاشتند، نیازمند می‌شدند.
۱. استو، ماری جوزف. (۱۳۷۵). چغازنبیل متون عیلامی و آکدی (ترجمهٔ اصغر کریمی)، جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲. آمیه، پیر. (۱۳۴۹). تاریخ عیلام (ترجمهٔ شیرین بیانی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. پورادا، ادیث. (۱۳۷۵). چغازنبیل (حکاکی‌ها) (ترجمهٔ اصغر کریمی)، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۴. پیرنیا، حسن؛ اقبال آشتیانی، عباس و معتضد، خسرو. (۱۳۸۹). تاریخ ایران، چاپ چهارم، تهران: نگارستان کتاب.
۵. سلطانزاده، حسین. (۱۳۶۲). روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.
۶. سلطانزاده، حسین. (۱۳۹۰). تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات چهارطاق.
۷. قهاری، سید علیرضا. (۱۳۸۸). چغازنبیل ولوله در سرزمین خدایان، نشریهٔ معماری و ساختمان، سال دوم، شمارهٔ ۱۳، ۴۳-۳۹.
۸. گیرشمن، رومن. (۱۳۷۵). چغازنبیل (تمنوس، معابد، کاخ‌ها، قبور) (ترجمهٔ اصغر کریمی)، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۹. گیرشمن، رومن. (۱۳۷۵). چغازنبیل (زیگورات) (ترجمهٔ اصغر کریمی)، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۰. موسوی و دیگران. (۱۳۹۴). تاریخ جامع ایران، چاپ دوم، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
۱۱. نگهبان، عزت‌الله. (۱۳۷۵). شوش، کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

Wilhelm König.(1926). Corpus Inscriptionum
Elamitarum. Published by Lafaire: Hannover
14. www.choghazanbil.ir

تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۹/۱

۱۲. هینتس، والتر. (۱۳۷۱). دنیای گمشده عیلام
(ترجمه فیروز فیروزنیا)، تهران: شرکت انتشارات علمی
فرهنگی.

13. Brok, Ferdinand; Georg Hüsing; Friedrich

نحوه ارجاع به این مقاله:

خالقیان، سیمیا، قندهاری، شیما و سعدوندی، مهدی. (۱۴۰۳). ارتباط بین پیکره‌بندی فضایی معماری و مناسک اجتماعی-مذهبی عیلامیان (مورد مطالعه: محوطه چغازنبیل). پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، ۸(۳۳)، ۹۵-۱۲۱. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2044570.1084>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2044570.1084>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_720051.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





مرور کتاب شناختی مولفه های موثر بر پیاده روی زنان در فضاهای شهری (بازه زمانی ۲۰۲۴-۲۰۱۴)

نیلوفر پناهی^۱

استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

فاطمه مرادی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

بررسی عوامل تأثیرگذار بر پیاده روی زنان در فضاهای شهری نه تنها به ارتقای سلامت و کیفیت زندگی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه گامی اساسی در جهت طراحی شهرهای فراگیر، امن و پاسخگو به نیازهای جنسیتی است. هدف از این مطالعه، مروری کتاب‌شناختی بر مطالعات انجام شده در زمینه پیاده روی زنان در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ است. بدین منظور پس از جست‌وجوی مقالات در پایگاه استنادی اسکوپوس ۴۱۵۳ مقاله یافت شدند که پس از اعمال فیلترهای مد نظر، ۱۳۰ مقاله حاصل شدند. تجزیه و تحلیل داده‌های استنادی نشان می‌دهد که کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا، ژاپن، انگلستان، آمریکا، استرالیا و ایران بیشترین تعداد مقالات را در این حوزه ارائه داده‌اند. همچنین بیشترین تعداد مقالات مربوط به سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۱۷ و کمترین تعداد مقالات مربوط به سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ است. علاوه بر این، عملکرد نویسندگان و نشریات و سازمان‌ها نیز بررسی شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، مطالعات انجام شده در این حوزه به چهار دسته تقسیم می‌شوند: پژوهش‌هایی که نقش عوامل محیطی و طراحی شهری را بر پیاده روی زنان بررسی کرده‌اند؛ مطالعاتی که به بررسی تأثیر احساس ایمنی و امنیت بر پیاده روی زنان توجه داشته‌اند؛ پژوهش‌هایی که تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی بر پیاده روی زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند و مطالعاتی که رفتار پیاده روی زنان و مردان را مقایسه کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نه تنها به شناسایی روندهای پژوهشی و شکاف‌های تحقیقاتی در ادبیات موجود یاری می‌رساند، بلکه بستری برای توسعه چهارچوب‌های نظری یکپارچه و سیاست‌گذاری‌های آگاهانه در ایجاد فضاهای شهری که به نیازهای زنان پاسخ دهند، فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: پیاده روی، زنان، فضای شهری، مرور کتاب‌شناختی.

پیاده‌روی یکی از شیوه‌های پایدار جابه‌جایی است که باعث کاهش آلودگی صوتی، آلودگی هوا و همچنین کاهش وابستگی به خودروی شخصی می‌شود. (D. K. Hassan&Elkhateeb, 2021: 517; Kim et al., 2024: 1). پیاده‌روی بر سلامت جسمی و روحی افراد نیز تأثیرگذار است. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که پیاده‌روی تأثیر عمده‌ای بر کاهش استرس و افزایش احساس موفقیت، رضایت، خودکارآمدی و رفاه افراد دارد (Plaut et al., 2021:1; Walsh& Simpson, 2020:14). در این بین فضاهای شهری به‌عنوان بستری زنده و پویا، نه تنها تعیین‌کننده الگوهای حرکتی شهروندان هستند، بلکه به‌طور مستقیم بر تصمیم افراد برای پیاده‌روی یا خودداری از آن تأثیر می‌گذارند. گفتنی است که پیاده‌روی در فضاهای شهری یک فعالیت چندوجهی است که فراتر از حمل‌ونقل صرف است و بر تعاملات اجتماعی و رفاه فردی افراد جامعه تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین ایجاد بستر مناسب پیاده‌روی در فضاهای شهری برای افزایش کیفیت محیطی، دسترسی و استفاده‌کارا از مناطق شهری بسیار مهم است (Bahendwa, 2017: 44).

در این بین زنان از جمله آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی هستند که به‌اندازه مردان از فضاهای عمومی شهر استفاده نمی‌کنند. از سن هشت سالگی، ۸۰ درصد از فضاهای عمومی تحت سلطه پسران است و دختران ابراز می‌کنند که به‌طور قابل توجهی احساس ناامنی و طرد شدن دارند (UN Habitat, 2022:120)؛ بنابراین شناخت موانعی که زنان برای حضور و پیاده‌روی در فضاهای شهری با آن‌ها مواجه هستند بسیار مهم است. این موانع شامل نگرانی‌های مرتبط با ایمنی، کمبود زیرساخت‌ها و هنجارهای اجتماعی است که ممکن است زنان را از مشارکت در فعالیت‌های خارج از منزل منصرف کند. پرداختن به این موانع برای اطمینان یافتن از اینکه همه زنان می‌توانند از مزایای پیاده‌روی بهره‌مند شوند، بسیار مهم است.

تابه حال، مطالعات مروری زیادی در خصوص پیاده‌روی

زنان و عوامل تأثیرگذار بر آن انجام نشده است؛ دویی و همکاران (Dubey et al., 2025) در پژوهشی به مروری بر عوامل تأثیرگذار بر امنیت ادراکی زنان در فضاهای عمومی و حمل‌ونقل عمومی پرداخته‌اند؛ یافته‌های پژوهش آنها، اهمیت اقدامات طراحی شهری، مانند روشنایی خیابان و شرایط مسیر پیاده‌روی بر ارتقای امنیت ادراک‌شده زنان را نشان می‌دهد. آن‌ها همچنین یکپارچه‌سازی عوامل اجتماعی و محیط ساخته‌شده با راهبردهای امنیتی را پیشنهاد می‌دهند و بر پتانسیل تکنولوژی‌های نوظهور برای جمع‌آوری داده و ارزیابی ادراکات امنیتی در گروه‌های مختلف جمعیتی تأکید دارند. روی و همکاران (Roy et al., 2024) نیز در یک مرور نظام‌مند به بررسی موانع مؤثر بر تحرک زنان در کشورهای با درآمد کم و متوسط پرداخته‌اند؛ نتیجه مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد این موانع به‌طور عمده با حمل‌ونقل عمومی، حمل‌ونقل غیرموتوری، امنیت، هنجارهای جنسیتی، فرم شهر و سیاست‌ها در ارتباط هستند. مهم‌ترین نگرانی‌های زنان در زمینه جابه‌جایی، نبود حمل‌ونقل عمومی کافی، قابل اعتماد، همه‌شمول، امن و یکپارچه، زیرساخت‌های پیاده‌روی ضعیف و محیط‌های ناامن است. پولارد و واگنیلد (Pollard&Wagnild, 2017) نیز در مطالعه‌ای مروری به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در پیاده‌روی افراد پرداخته‌اند؛ نتیجه مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد زنان جوان بیشتر از مردان جوان پیاده‌روی تفریحی انجام می‌دهند، اما این تفاوت جنسیتی با افزایش سن کاهش می‌یابد و به نظر می‌رسد که در سالمندترین گروه سنی معکوس شود. سورش و پاراشار (Suresh&Parashar, 2024) نیز در یک مطالعه کتاب‌شناختی در خصوص ایمنی زنان و پیاده‌مداری به این نتیجه رسیده‌اند که پیاده‌مداری در ارتباط با امنیت زنان موضوع بسیار مهمی است و در بین مطالعات انجام‌شده در خصوص بررسی ارتباط پیاده‌مداری و افزایش امنیت زنان گرایشی وجود دارد.

به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت پیاده‌روی زنان، انجام مطالعه کتاب‌شناختی در این حوزه، نه تنها به شناسایی

روندهای غالب و خلأهای پژوهشی در ادبیات موضوع کمک کند، بلکه زمینه را برای تدوین چهارچوب‌های نظری جامع و سیاست‌گذاری‌های آگاهانه در طراحی فضاهای شهری پاسخگو به نیازهای جنسیتی فراهم سازد؛ بنابراین با توجه به کمبود مطالعات کتاب‌شناختی جامع در زمینه پیاده‌روی زنان، در این پژوهش به مرور کتاب‌شناختی پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ در پایگاه استنادی اسکوپوس پرداخته شده است؛ اسکوپوس به‌عنوان یکی از معتبرترین پایگاه‌های استنادی، پوشش گسترده‌ای از مقالات مرتبط با حوزه‌های علوم اجتماعی، برنامه‌ریزی شهری و سلامت عمومی ارائه می‌دهد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات است: روند انتشارات در حوزه پیاده‌روی زنان در طول این سال‌ها به چه شکلی بوده است؟ تأثیرگذارترین نویسندگان و مؤسسات در این حوزه کدام‌اند؟ موضوعات غالب و حوزه‌های نوظهور کدام‌اند؟

مبانی نظری

یکی از نظریات مطرح در حوزه حمل و نقل، نظریه حمل و نقل پایدار است که با هدف کاهش آلایندگی‌های زیست‌محیطی، بهینه‌سازی مصرف انرژی و عدالت در دسترسی به خدمات شهری، بر استفاده از شیوه‌های جابه‌جایی دوستدار محیط زیست مانند، پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، حمل و نقل عمومی کارآمد و وسایل نقلیه با سوخت پاک تأکید می‌کند. پیاده‌روی به‌عنوان یکی از شیوه‌های حمل و نقل پایدار، نه تنها به دلیل عدم تولید آلودگی و کمترین مصرف انرژی، بلکه به واسطه نقش آن در تقویت سلامت فردی و عدالت اجتماعی جایگاهی ویژه در این نظریه دارد (World Bank, 2020). سازمان بهداشت جهانی نیز پیاده‌روی را به‌عنوان یک روش کم‌هزینه و همه‌شمول معرفی می‌کند که دسترسی عادلانه به تحرک بدنی را برای همه گروه‌های اجتماعی (از جمله زنان، کودکان، سالمندان و افراد کم‌درآمد) فراهم می‌سازد (WHO, 2018). گفتنی است که طراحی فضاهای شهری نقش مهمی در تشویق یا بازدارندگی پیاده‌روی ایفا می‌کند. فضاهای

شهری با کیفیت محیطی پایین یا ساختار فرسوده با تبدیل تجربه پیاده‌روی به فعالیتی ناخوشایند، مشارکت شهروندان، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیری نظیر زنان را کاهش می‌دهند. این مسئله در مناطقی که از مؤلفه‌های آسایش محیطی نظیر فضای سبز مناسب محروم‌اند و در عوض با چالش‌های زیست‌محیطی نظیر آلودگی هوا و آلودگی صوتی مواجه هستند، به‌وضوح مشهود است (O. Sadeghi & Di Marzo Serugendo, 2024).

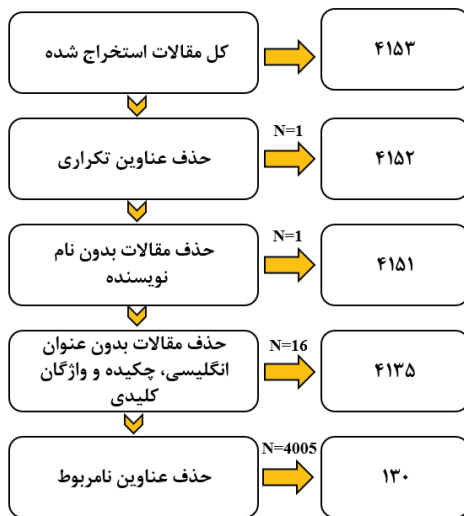
در این بین، برخی از نظریات بر ارتباط بین جنسیت و فضاهای شهری تأکید می‌کنند. برای مثال، مفهوم تولید فضای هنری لوفور، برای درک چگونگی ایجاد و تجربه فضاهای جنسیتی، نقشی محوری دارد. به گفته لوفور، فضای یک پس‌زمینه خنثی یا منفعل نیست، بلکه به‌طور فعال از طریق رویه‌های اجتماعی، روابط قدرت و گفت‌وگوها تولید می‌شود. جنسیت نقش مهمی در این تولید ایفا می‌کند؛ زیرا بر نحوه طراحی، استفاده و تجربه فضاهای تأثیر می‌گذارد (K Pradeep et al., 2024).

نظریه لوفور در واقع تأکید می‌کند که فضا ساختاری اجتماعی است که توسط تعاملات زندگی روزمره شکل می‌گیرد. در زمینه جنسیت، این بدان معناست که فضاهای اغلب از طریق هنجارها، رویه‌ها و پویایی‌های قدرتی که در آن‌ها عمل می‌کنند، جنسیتی می‌شوند. برای مثال، فضاهای عمومی ممکن است به‌گونه‌ای طراحی شوند که فعالیت‌ها و تجربه‌های مردان را در اولویت قرار دهند و زنان و سایر گروه‌های جنسیتی را به حاشیه برانند (K Pradeep et al., 2024; Priori Saenz et al., 2025). نظریه دیگر در این مورد نظریه شهرسازی فمینیستی است. این نظریه تعصبات جنسیتی سنتی در برنامه‌ریزی شهری را که اغلب نیازها و تجربه‌های زنان و سایر گروه‌های به حاشیه رانده شده را نادیده می‌گیرد، به چالش می‌کشد. شهرسازی فمینیستی با گنجاندن رویکردهای حساس به جنسیت، به دنبال ایجاد شهرهایی فراگیرتر و عادلانه‌تر است (Ortiz et al., 2025; Priori Saenz et al., 2025). شهرسازی فمینیستی و حق بر شهر، اهمیت فرآیندهای برنامه‌ریزی مشارکتی را که زنان و سایر گروه‌های به

قلبی و سکتته کمک می کند، (Balpande&Siddiqui, 2022: 83). پیاده‌روی با سوزاندن کالری و حفظ توده عضلانی نقش مهمی در مدیریت وزن افراد دارد. مطالعات نشان داده‌اند که پیاده‌روی منظم به کاهش چربی بدن، کاهش شاخص توده بدنی و بهبود ترکیب کلی بدن کمک می کند، (Balpande&Siddiqui, 2022: 83; Huang&Chen, 2025: 229). نشان می‌دهد، پیاده‌روی با شدت متوسط، چاقی و عوامل خطر قلبی عروقی را برای زنان در دوره پساقاعدگی کاهش می‌دهد؛ (Son et al., 2023). 2. پیاده‌روی علاوه بر فوائد جسمی، تأثیر عمیقی بر سلامت روان زنان دارد؛ میزان استرس و علائم اضطراب و افسردگی را کاهش می‌دهد و بهزیستی روانی افراد را افزایش می‌دهد. پیاده‌روی در واقع، کاهش‌دهنده طبیعی استرس است که به کاهش سطح کورتیزول کمک می‌کند و باعث ایجاد آرامش می‌شود. مطالعات نشان داده‌اند که پیاده‌روی در محیط‌های طبیعی، مانند پارک‌ها یا جنگل‌ها، با ایجاد حس آرامش و ارتباط با طبیعت، تأثیر بسزایی بر کاهش استرس افراد دارد (Ma et al., 2024:21; Neale et al., 2022: 53). بر اساس مطالعات انجام‌شده، پیاده‌روی ترشح اندورفین را تحریک می‌کند که خلق‌وخو را بهبود می‌بخشد و احساس غم و اندوه و نگرانی را کاهش می‌دهد (Huang&Chen, 2025:229 Jakubowska et al., 2024:53). پیاده‌روی در محیط‌های گروهی یا با دوستان حمایت اجتماعی را فراهم و مزایای سلامت روانی آن را بیشتر می‌کند. پیاده‌روی همچنین با بهبود عملکرد شناختی، به‌ویژه در افراد سالمند، به کاهش خطر ابتلا به اختلالات شناختی و زوال عقل کمک می‌کند و همچنین حافظه و تمرکز را بهبود می‌بخشد (Siqueira Junior et al., 2022; Ungvari et al., 2023). با این حال، دسترسی به این مزایای سلامتی برای تمام افراد جامعه به‌صورت برابر امکان‌پذیر نیست و برخی گروه‌های اجتماعی نظیر زنان با موانع متعددی حین پیاده‌روی مواجه هستند. بر اساس مفاهیم و نظریات مطرح‌شده، پیاده‌روی زنان

حاشیه رانده‌شده را در تصمیم‌گیری درگیر می‌کند، برجسته می‌کند. این رویکرد نه تنها تضمین می‌کند که به نیازهای این گروه‌ها توجه می‌شود، بلکه آن‌ها را در شکل‌دهی به محیط‌های شهری که در آن زندگی می‌کنند، توانمند می‌سازد (Anneroth, 2024; Priori et al., 2025). بنابراین بررسی عوامل تأثیرگذار بر پیاده‌روی زنان در فضاهای شهری اهمیت ویژه‌ای دارد. طبق مطالعات انجام‌شده، عوامل اجتماعی جمعیتی نظیر سن، نژاد و ساختار خانوار بر پیاده‌روی زنان تأثیر می‌گذارد. سن بیشتر، سیاه‌پوست بودن و تنها زندگی کردن با کاهش پیاده‌روی در زنان سالمند ناتوان همراه است (Simonsick et al., 1999: 672). گفتنی است که هنجارهای فرهنگی و توقعات اجتماعی موجود در برخی کشورهای در حال توسعه نیز بر پیاده‌روی زنان تأثیر می‌گذارد (Abdous&Mahmoudabadi, 2018). 1. احساس امنیت و ایمنی زنان عامل تعیین‌کننده مهم دیگری در تجربه پیاده‌روی آن‌هاست. میزان جرم و جنایت به‌شدت بر تصمیم زنان برای پیاده‌روی در مناطق شهری تأثیر می‌گذارد (Golan et al., 2019). 501. ویژگی‌های فضاهای عمومی، از جمله وجود پناهگاه‌های امن، نیز بر تجربه پیاده‌روی زنان تأثیرگذار است. پروژه STEP UP ویژگی‌های فضایی، کاربری شهری و نقاط حساس را به‌عنوان عوامل ایمنی حیاتی برای زنانی که در فضاهای عمومی پیاده‌روی می‌کنند، شناسایی کرده است (Scarponi et al., 2023: 2). توجه به موارد ذکرشده در خصوص عوامل تأثیرگذار بر پیاده‌روی زنان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه پیاده‌روی نقش بسزایی در ارتقای سلامت جسمی و روحی زنان ایفا می‌کند. پیاده‌روی یک فعالیت مؤثر است که به میزان قابل توجهی به آمادگی جسمانی افراد کمک می‌کند، سلامت قلب و عروق را بهبود می‌بخشد، استقامت عضلانی را افزایش می‌دهد و به کنترل وزن افراد کمک می‌کند. پیاده‌روی با تقویت قلب و افزایش جریان خون راهی مؤثر برای بهبود سلامت قلب و عروق است. پیاده‌روی منظم به کاهش فشار خون، بهبود گردش خون و کاهش خطر بیماری‌های قلبی عروقی، مانند حملات

نامربوط مقالاتی هستند که بر پیاده‌روی زنان در فضاهای شهری تمرکز نداشتند و بر سایر شیوه‌های حمل‌ونقل پایدار نظیر دوچرخه‌سواری توجه بیشتری داشتند. برخی مطالعات نامرتبط نیز پیاده‌روی زنان در فضاهای غیرشهری (روستایی) را بررسی کرده بودند. برخی از این مطالعات نیز به تحلیل آماری پیاده‌روی زنان پرداخته و به عوامل مؤثر بر پیاده‌روی زنان توجه نکرده بودند. فرایند گزینش مقالات در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است.



نمودار شماره (۱): فرایند گزینش مقالات

یافته‌ها

اطلاعات اصلی کتاب‌شناختی

در جدول شماره (۱) اطلاعات اصلی کتاب‌شناختی نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ تعداد ۱۳۰ مقاله بررسی شده است. این مقالات از ۷۶ منبع استخراج شده‌اند که این منابع شامل نشریات و کنفرانس‌ها بوده‌اند. سن متوسط مقالات ۴/۵ بوده که به معنای تفاضل سال انتشار مقاله با سال ۲۰۲۴ است. همچنین نرخ رشد سالانه مقالات ۷۶/۵ و متوسط تعداد استنادات مقالات ۷۲/۲۰ بوده است. ۲۱ مقاله را یک نویسنده

در فضاهای شهری پدیده‌ای چندبعدی است که عوامل مختلفی بر آن تأثیرگذارند؛ بنابراین مبانی نظری این پژوهش بر ضرورت نگاهی یکپارچه و میان‌رشته‌ای برای درک جامع مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پیاده‌روی زنان صحه می‌گذارد و چهارچوبی را برای بازناندیشی در الگوهای رایج برنامه‌ریزی شهری ارائه می‌کند. این پژوهش، با انجام یک مطالعه کتاب‌شناختی نظام‌مند در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ در پی آن است تا با گردآوری و تحلیل ادبیات موجود، درکی جامع از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تجربه پیاده‌روی زنان ارائه دهد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع بیبلیومتریک (کتاب‌شناختی) است. تحلیل کتاب‌شناختی یک شیوه کمی مطالعه اسناد با کاربست شیوه‌های آماری برای تحلیل داده‌های استنادی است (De Sousa et al., 2024; Saputro et al., 2023). هدف از این روش، ارزیابی تأثیر مطالعات انجام‌شده، شناسایی روندهای پژوهشی و به تصویر کشیدن گسترش زمینه‌های علمی است (Blakeman 2018:293; Chen&Wu, 2017:234). تحلیل کتاب‌شناختی در واقع برای ارزیابی بهره‌وری و تأثیر پژوهشگران و تیم‌ها و مؤسسات پژوهشی استفاده می‌شود (Benton, 2017: 44). در این پژوهش به جست‌وجوی مقالات منتشرشده در پایگاه استنادی اسکوپوس در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ پرداخته شده است. برای جست‌وجوی مقالات از کلیدواژه‌های «Women»، «Walkability»، «Walking» و «Female» استفاده شده است. از آنجاکه تأکید این پژوهش بر پیاده‌روی زنان در فضاهای شهری است، مقالات منتشرشده در حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم محیطی بررسی شده‌اند. کل مقالاتی که در بازه زمانی گفته‌شده و با کلیدواژه‌های مورد نظر و حوزه‌های مورد مطالعه به دست آمد، ۴۱۵۳ عدد بوده که با توجه به پالایش انجام‌شده با عنوان، نام نویسنده، حذف مقالات بدون عنوان انگلیسی، چکیده و واژگان کلیدی و در نهایت حذف عناوین نامربوط تعداد ۱۳۰ مقاله به دست آمد. گفتنی است که منظور از عناوین

نوشته است و بقیه مطالعات با نرخ همکاری ۳۲/۳ نفر نگارش شده‌اند.

جدول شماره (۱): اطلاعات اصلی کتاب‌سنجی مقالات

ویژگی‌های مقالات	نتایج
بازه زمانی	۲۰۱۴:۲۰۲۴
تعداد منابع (نشریه و کنفرانس)	۷۶
تعداد مقالات	۱۳۰
نرخ رشد سالانه	۵/۷۶
سن متوسط مقالات	۵/۴
متوسط تعداد استنادات هر مقاله	۲۰/۷۲
تعداد کلیدواژگان استخراج شده توسط اسکوپوس	۷۵۵
تعداد کلیدواژگان نویسندگان	۴۳۴
تعداد نویسندگان	۳۹۷
تعداد نویسندگان مقالات تک‌نویسنده	۲۰
مقالات تک‌نویسنده	۲۱
متوسط تعداد همکاران به‌ازای هر مقاله	۳/۳۲
نرخ همکاری بین‌المللی	۲۷/۶۹
تعداد مقالات	۱۳۰

زنان و مردان ارائه می‌دهد. پراستنادترین مقالات نیز در جدول شماره (۳) ارائه شده‌اند. پژوهش اول را کلارک و همکاران (۲۰۲۰) انجام دادند که دارای ۱۵۱ استناد است. این پژوهش به بررسی تأثیر رفت‌وآمد (زمان و شیوه جابه‌جایی) بر جنبه‌های چندگانه رفاه ذهنی افراد شامل رضایت کلی از زندگی و رضایت شغلی، رضایت از زمان در دسترس برای اوقات فراغت و وضعیت سلامتی گزارش شده توسط افراد پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زمان رفت‌وآمد طولانی‌تر رابطه منفی شدیدتری با رضایت شغلی زنان در مقایسه با مردان دارد. پژوهش دوم مربوط به ناگاتا و همکاران (۲۰۲۰) است. این مطالعه روش خودکار جدیدی را برای ارزیابی پیاده‌مداری منظر خیابان با استفاده از روش تقسیم‌بندی معنایی و مدل‌سازی آماری بر روی تصاویر Google Street View پیشنهاد کرده است. با استفاده از ترکیب‌بندی عناصر منظر خیابانی، نظیر ساختمان‌ها و درختان، یک مدل رگرسیونی برای پیش‌بینی پیاده‌مداری منظر خیابانی ارائه شده است. نتیجه مطالعه نشان داد زنان سالمندی که مدام پیاده‌روی تفریحی انجام می‌دهند با امتیازات پیاده‌مداری مناظر خیابانی پیش‌بینی شده توسط مدل مرتبط هستند، اما در مورد مردان سالمند این رابطه وجود ندارد. پژوهش سوم را با ۸۶ استناد، مارکوت و میرالس (۲۰۱۵) انجام داده‌اند که به بررسی این نکته پرداخته است که آیا سرزندگی و پیاده‌مداری محله با سالمندی فعال افراد سالمند در ارتباط است. نتایج حاکی از آن است که محیط ساخته‌شده با توجه به جنسیت افراد دارای اثرات متفاوتی است؛ زیرا مردان سالمند نسبت به زنان سالمند بیشتر تحت تأثیر سرزندگی محله قرار می‌گیرند. پژوهش چهارم را نیز با ۸۰ استناد وارن (۲۰۱۷) انجام داده است. این مقاله به بررسی شیوه‌هایی می‌پردازد که در آن‌ها پیاده‌روی با تفاوت‌های اجتماعی، به‌ویژه در ارتباط با مذهب، قومیت و جنسیت، تلاقی می‌یابد. مقاله استدلال می‌کند که برای پرداختن ظریف‌تر به تمایزات اجتماعی، به تنوع بخشیدن به روش‌های سیال

تحلیل عملکرد نویسندگان و اسناد

در خصوص نویسندگان، همان‌طور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌کنید، بیشترین تعداد مقالات (۴ مقاله) در این حوزه را یاسر حاتم‌زاده و همکاران نوشته‌اند. مقاله اول که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده به بررسی رفتار پیاده‌روی دختران و پسران در سفرهای آموزشی در شهر رشت پرداخته است. مقاله دوم نیز در سال ۲۰۲۰ منتشر شده و به مقایسه رفتار پیاده‌روی زنان و مردان با اهداف کاری و خرید در شهر رشت پرداخته است. مقاله سوم نیز در سال ۲۰۲۰ ارائه شده و به مقایسه رفتار پیاده‌روی زنان و مردان سالمند در رشت پرداخته است. مقاله چهارم نیز در سال ۲۰۲۱ ارائه شده و به مقایسه رفتار پیاده‌روی زنان و مردان با استفاده از مدل مبتنی بر خطر پرداخته است. بررسی این مقالات شناخت خوبی در خصوص مقایسه رفتار پیاده‌روی

نیاز است. همچنین، این مقاله مشاهدات تجربی را در مورد تجربه‌های جسمانی و اجتماعی-فضایی زنان مسلمان در شهر بیرمنگام بریتانیا ارائه می‌دهد. پژوهش پنجم را نیز با ۷۸ ارجاع آدیبل و همکاران (۲۰۱۷) انجام داده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد شکاف‌های گسترده‌ای بین جابه‌جایی زنان و مردان در کشور پاکستان وجود دارد؛ جایی که زنان کمتر احتمال دارد سفر کنند، نیمی از جابه‌جایی مردان را دارند و ممکن است به‌شدت به پیاده‌روی وابسته باشند. به نظر می‌رسد، زمینه اجتماعی و فرهنگی خاص این کشور، که زنان را به‌عنوان موجوداتی خصوصی، منزوی و حافظان شرافت خانواده تصور می‌کند، در شکل‌دهی به جابه‌جایی و انجام فعالیت‌های آن‌ها تأثیرگذار باشد. عوامل جمعیت‌شناختی نظیر سن، درآمد خانوار و وضعیت تأهل نیز به‌طور قابل توجهی بر سطح جابه‌جایی زنان تأثیر می‌گذارند. پژوهش ششم را نیز با ۷۶ استناد، بوهلر و همکاران (۲۰۲۰) انجام داده‌اند. در این مطالعه به بررسی دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ در ایالات متحده آمریکا پرداخته‌اند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد احتمال استفاده مردان از دوچرخه سه برابر بیشتر از زنان است، درحالی‌که نرخ پیاده‌روی تقریباً برای مردان و زنان یکسان است. پژوهش هفتم را نیز با ۷۲ استناد آنسیایس و جونز (۲۰۱۸) انجام داده‌اند. در این مطالعه به بررسی ترجیحات برای انواع مختلف تسهیلات پیاده‌روی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد زنان و افراد مسن‌تر به استفاده از پل‌های عابر پیاده و زیرگذرها تمایل کمتری دارند. پژوهش هشتم را نیز با ۶۹ استناد پایدار و همکاران (۲۰۱۷) انجام داده‌اند. این مطالعه به بررسی تأثیر امنیت/ناامنی ادراک‌شده بر رفتار پیاده‌روی زنان در سه محله با درآمد متوسط در سانتیاگو شیلی پرداخته است. اگرچه پاسخ‌دهندگان به‌طور عمده اعلام کردند که محله‌شان تا حدی امن است، توافق داشتند که احساس ناامنی بر مسیری که در پیاده‌روی روزانه خود انتخاب می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. این یافته نشان‌دهنده اهمیت ناامنی ادراک‌شده توسط

زنان برای الگوهای پیاده‌روی روزانه آن‌هاست. نتایج سؤالات باز نشان می‌دهد که «حضور دیگران» از نظر نظارت ثابت و پویا، «مجاورت با فروشگاه‌ها، مدارس و پارک‌ها»، «فضاهای باز» و «حضور افراد آشنا» به‌عنوان مهم‌ترین عوامل برای افزایش احساس امنیت زنان قابل بررسی هستند. پژوهش نهم را نیز با ۶۷ استناد رودریگز و همکاران (۲۰۱۵) انجام داده‌اند. در این پژوهش به بررسی تأثیر محیط ساخته‌شده بر انتخاب مسیر پیاده‌روی در دختران نوجوان پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کوتاه‌تر بودن مسافت بیشترین رابطه مثبت را با انتخاب مسیر دارد، درحالی‌که وجود مسیر سبزی یا پیاده‌رو، ایمنی بیشتر، وجود پیاده‌روها و دسترسی به مقاصد در طول مسیر نیز با انتخاب مسیر رابطه مثبت دارد. پژوهش دهم را نیز با ۶۷ استناد هرمن لونک و همکاران (۲۰۲۰) منتشر کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که برخلاف سرمایه‌گذاری‌های عمومی اولیه‌ای که عمدتاً زیرساخت‌های مربوط به خودروها را در اولویت قرار داده‌اند، پیاده‌روی در شیلی تا به امروز به‌عنوان شیوه اصلی جابه‌جایی باقی مانده است، به‌ویژه برای گروه‌های با درآمد متوسط به پایین و به‌طور خاص برای انجام کارهای روزانه‌ای که بیشتر زنان انجام می‌دهند.

جدول شماره (۲): پرکارترین نویسندگان

تعداد مقالات	نویسندگان اول
۴	Hatamzadeh Y
۳	Basu N
۳	Hanibuchi T
۳	Haque Mm
۳	Kamruzzaman M
۳	King M
۳	Nakaya T
۳	Oviedo-Trespalcacios O
۲	Adlakha D
۲	Bauman A

جدول شماره (۳): پراستادترین مقالات

استنادات	انتشارات	نشریه	سال	عنوان	نویسندگان
151	Springer	Transportation	2020	How commuting affects subjective wellbeing	Clark B.; Chatterjee K.; Martin A.; Davis A.
146	Elsevier Ltd	Health and Place	2020	Objective scoring of streetscape walkability related to leisure walking: Statistical modeling approach with semantic segmentation of Google Street View images	Nagata S.; Nakaya T.; Hanibuchi T.; Amagasa S.; Kikuchi H.; Inoue S.
86	Elsevier Ltd	Social Science and Medicine	2015	Neighborhood vitality and physical activity among the elderly: THE role of walkable environments on active ageing in Barcelona, Spain	Marquet O.; Miralles-Guasch C.
80	Routledge	Social and Cultural Geography	2015	Pluralizing the walking interview: researching (im) mobilities with Muslim women	Warren S.
78	Springer New York LLC	Transportation	2017	Gender inequality in mobility and mode choice in Pakistan	Adeel M.; Yeh A.G.O.; Zhang F.
76	Elsevier Ltd	Journal of Transport and Health	2020	Physical activity from walking and cycling for daily travel in the United States, 2001–2017: Demographic, socioeconomic, and geographic variation	Buehler R.; Pucher J.; Bauman A.
72	Elsevier Ltd	Transportation Research Part F: Traffic Psychology and Behaviour	2018	Estimating preferences for different types of pedestrian crossing facilities	Anciaes P.R.; Jones P.
69	Elsevier Ltd	Cities	2017	Perceived security of women in relation to their path choice toward sustainable neighborhood in Santiago, Chile	Paydar M.; Kamani-Fard A.; Etmnani-Ghasrodashti R.
67	SAGE Publications Ltd	Environment and Behavior	2015	Influence of the Built Environment on Pedestrian Route Choices of Adolescent Girls	Rodríguez D.A.; Merlin L.; Prato C.G.; Conway T.L.; Cohen D.; Elder J.P.; Evenson K.R.; McKenzie T.L.; Pickrel J.L.; Veblen-Mortenson S.
67	Routledge	Transport Reviews	2020	Persistence of walking in Chile: lessons for urban sustainability	Herrmann-Lunecke M.G.; Mora R.; Sagaris L.

شبکه همکاری نویسندگان نیز در نمودار شماره (۲) تحلیل عملکرد انتشارات و سازمان‌ها نشان داده شده است. در این نمودار گره‌ها نشان‌دهنده نویسندگان و اتصالات نشان‌دهنده ارتباطات بین نویسندگان در پژوهش‌هاست.

در خصوص انتشارات، با توجه به جدول شماره (۴) بیشترین تعداد مقالات متعلق به Elsevier LTD بوده است و بعد از آن به ترتیب، Routledge، MDPI،



نمودار شماره (۲): شبکه همکاری نویسندگان مقالات

جدول شماره (۵): دانشگاه‌های برتر

نام دانشگاه	تعداد مقالات
Queensland University of Technology	۱۱
Amirkabir University of Technology	۷
University of South Carolina	۷
University of Utah	۷
Nanjing University	۶
Ningbo University	۶
University of California	۶
Nc State University	۵
The University of Tokyo	۵
Tohoku University	۵

عملکرد نشریات

در جدول شماره (۶) نشریاتی که بیشترین تعداد مقالات را منتشر کرده‌اند، ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، بیشترین تعداد مقالات در نشریه Journal of Transport and Health و پس از آن International Journal of Environmental Research and Public Health منتشر شده‌اند. نشریه اول از نشریات مطرح در حوزه حمل‌ونقل است

SAGE Publications Inc., Taylor and Francis

Ltd و... قرار دارد. همچنین در جدول شماره (۵) نام مؤسسه‌ای که در افیلیشن مقالات اشاره شده است ارائه شده. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، در حوزه جابه‌جایی زنان، دانشگاه صنعتی کویینزلند، بیشترین تعداد مقالات را ارائه کرده است و پس از آن دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه کارولینای جنوبی و دانشگاه یوتا در جایگاه دوم قرار دارند.

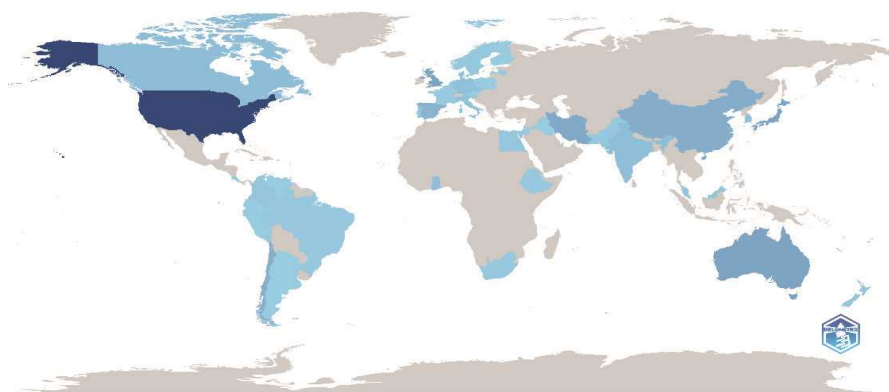
جدول شماره (۴): انتشارات منتشرکننده مقالات

انتشارات	تعداد مقالات
Elsevier Ltd	۴۵
Routledge	۱۸
MDPI	۱۳
SAGE Publications Inc.	۶
Taylor and Francis Ltd.	۴
John Wiley and Sons Inc	۳
Springer	۲
Cambridge University Press	۲
Springer New York LLC	۲

جدول شماره (۶): آمار نشریات

نام نشریه	h_index	g_index	m_index	TC	NP
Journal of Transport and Health	۱۲	۱۶	۱/۲	۴۰۹	۱۶
International Journal of Environmental Research and Public Health	۹	۱۲	۰/۸۱۸	۲۹۸	۱۲
Journal of Transport Geography	۵	۵	۰/۵	۱۱۲	۵
Sustainability (Switzerland)	۳	۴	۰/۳۷۵	۲۳	۴
Cities	۳	۳	۰/۳۳۳	۱۰۷	۳
Social Science and Medicine	۳	۳	۰/۲۷۳	۱۲۱	۳
Transportation Research Part A: Policy and Practice	۳	۳	۰/۳۳۳	۸۱	۳
Transportation Research Part D: Transport and Environment	۳	۳	۰/۴۲۹	۵۴	۳
Case Studies on Transport Policy	۲	۳	۰/۲۲۲	۳۴	۳
Health and Place	۲	۳	۰/۲۲۲	۱۸۴	۳

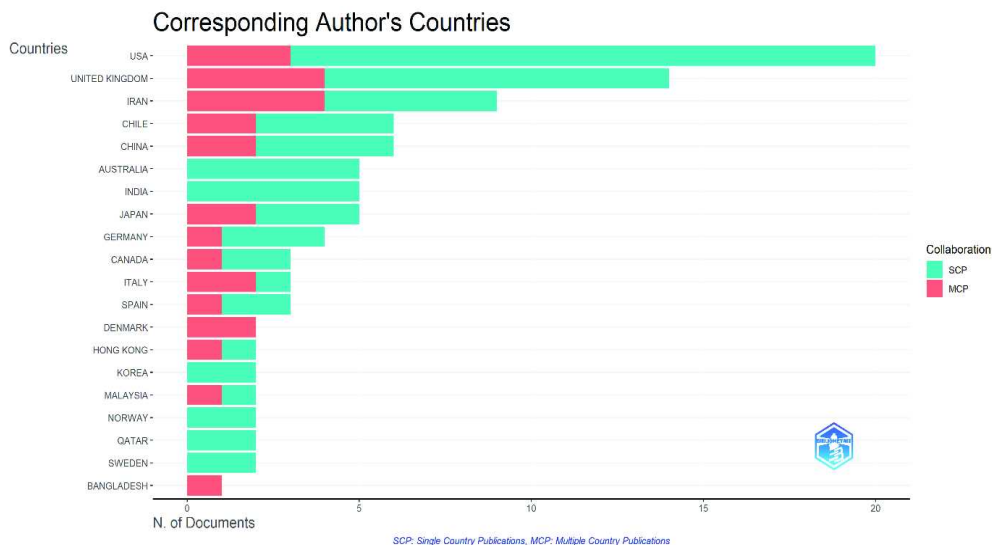
Country Scientific Production



شکل شماره (۱): تولیدات علمی کشورها

رفتاری و روانی، بیماری‌های عفونی، بیماری‌های مزمن و پیشگیری از بیماری‌ها، ورزش و سلامت مرتبط با کیفیت زندگی و بهداشت محیط را در بر می‌گیرد. شاخص‌هایی مانند h-index، g-index، m-index، TC (مجموع تعداد استنادها) و NP (تعداد

که به انتشار پژوهش‌هایی اختصاص دارد که دانش ما را در مورد بسیاری از تعاملات میان حمل و نقل و سلامت و سیاست‌هایی که بر این تعاملات تأثیر می‌گذارد، گسترش می‌دهد. نشریه دوم نیز حوزه‌هایی نظیر بهداشت جهانی، علوم بهداشت و درمان، سلامت



نمودار شماره (۳): مطالعات تک‌کشوری و چندکشوری

بوده‌اند، اما در مورد کشورهای نظیر ایتالیا یا دانمارک اکثر مطالعات چندکشوری بوده‌اند.

تحلیل سال انتشار

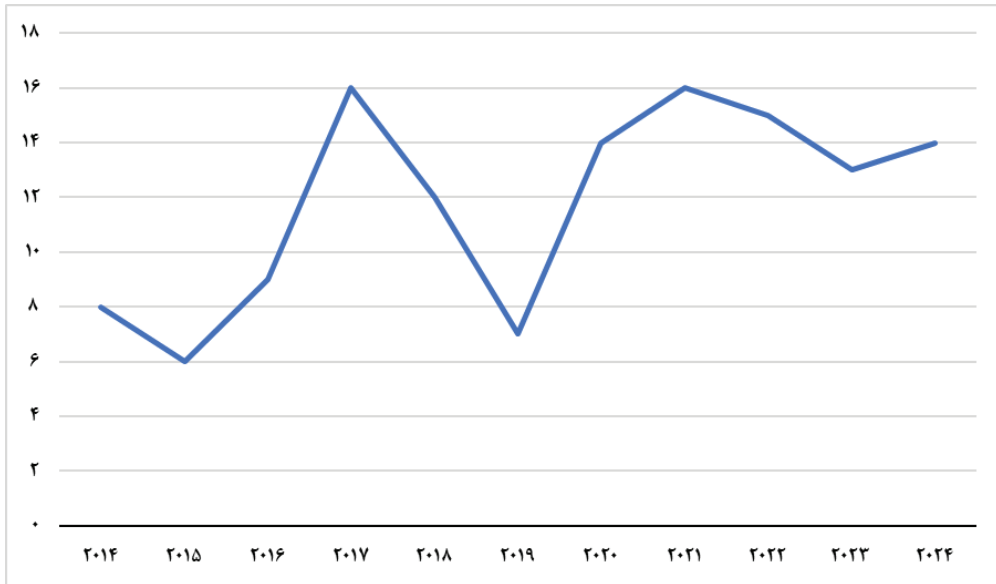
بیشترین تعداد مقالات مربوط به سال ۲۰۲۱ و ۲۰۱۷ (۱۶ مقاله) و کمترین تعداد مقالات مربوط به سال ۲۰۱۴ (۸ مقاله) و ۲۰۱۵ (۶ مقاله) است. با بررسی دقیق‌تر نمودار شماره (۴) این نتیجه حاصل می‌شود که تعداد مقالات در سال‌های مختلف با فرازونشیب‌هایی همراه بوده است. تعداد مقالات از هشت مقاله در سال ۲۰۱۴ به شش مقاله در سال ۲۰۱۵ رسیده که روندی نزولی داشته است، اما پس از آن با روندی صعودی به ۱۶ مقاله در سال ۲۰۱۷ رسیده است. پس از آن تا سال ۲۰۲۰ انتشار مقالات روندی نزولی داشته و به ۱۴ مقاله رسیده است. در ادامه نیز تعداد مقالات به ۱۶ مقاله در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته و پس از آن با روندی نزولی به ۱۳ مقاله در سال ۲۰۲۳ کاهش یافته است. در سال ۲۰۲۴ نیز ۱۴ مقاله در این حوزه نوشته شده است. این نمودار نشان‌دهنده این است که در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ درکل به حوزه پیاده‌روی زنان توجه کمی شده است، اما نوساناتی در این بازه وجود

انتشارت) نیز در جدول نشان داده شده است.

تحلیل عملکرد کشورها

تعداد مقالات منتشرشده توسط کشورهای مختلف در شکل شماره (۱) دیده می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین تعداد مقالات به ترتیب مربوط به ایالات متحده (۱۰۷ مقاله)، ژاپن، انگلستان، استرالیا (هریک ۲۹ مقاله) و ایران (۲۴ مقاله) است. رشد تعداد مقالات در این حوزه نشان می‌دهد این موضوع در محافل دانشگاهی و پژوهشی اهمیت بیشتری یافته است. یکی از دلایل افزایش این اهمیت مشکلاتی است که زنان برای پیاده‌روی با آن‌ها مواجهند. در کشور ایران نیز از آنجایی که زنان حدود نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند، توجه به حوزه پیاده‌روی زنان و چالش‌هایی که زنان برای پیاده‌روی با آن‌ها مواجه هستند، در حال افزایش است.

در نمودار شماره (۳) مطالعات تک‌کشوری (SCP) و مطالعات چندکشوری (MCP) بین‌المللی برای ۲۰ کشور اول دیده می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، اکثر مطالعاتی که در کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا، انگلستان و چین انجام شده‌اند، تک‌کشوری



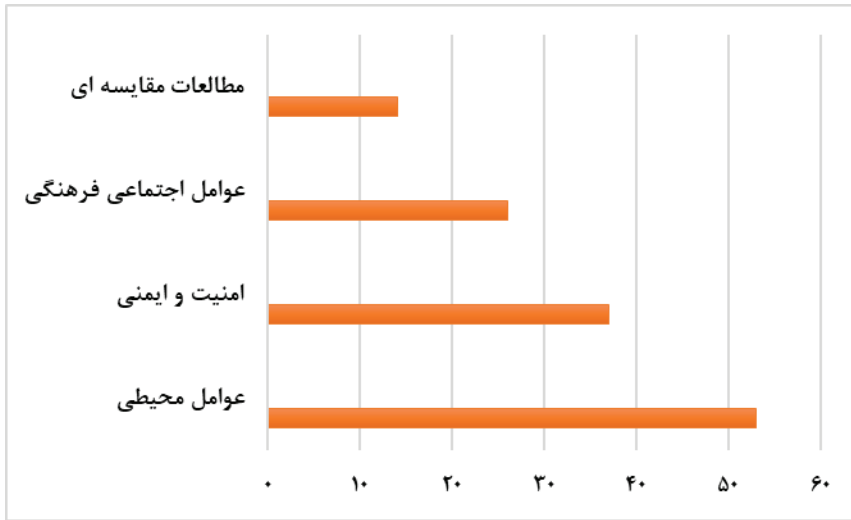
نمودار شماره (۴): سال انتشار مقالات

متوجه می‌شویم که واژگان کلیدی به خوشه‌هایی تقسیم شده‌اند. برای مثال، در خوشه اول، کلمات مرتبط با طراحی شهری و زیرساخت‌ها، نظیر «فضای عمومی شهری»، «پیاده‌رو»، «پیاده‌مداری» و «حمل‌ونقل فعال» قرار دارند. این امر نشان‌دهنده تمرکز مطالعات بر ویژگی‌های کالبدی شهر است که پیاده‌روی را برای زنان تسهیل می‌کند. در خوشه دوم، کلمات مرتبط با جنسیت و عدالت اجتماعی نظیر «برابری جنسیتی»، «تفاوت‌های جنسیتی»، «تنوع جنسیتی» و... قرار دارند. این خوشه موانع یا تسهیل‌کننده‌های اجتماعی پیاده‌روی زنان را برجسته می‌کند. در خوشه سوم نیز کلمات کلیدی مرتبط با سلامت و رفتار، نظیر «زندگی فعال»، «سلامت روان» و «رفتار پیاده‌روی» قرار دارند. همچنین به نظر می‌رسد مفاهیمی نظیر «برندسازی» و «تحلیل ویدیو محور اتوماتیک» مفاهیمی نوظهور در این حوزه باشند. شایان ذکر است که کمبود کلمات کلیدی مربوط به عوامل اجتماعی فرهنگی ممکن است شکاف‌های مهمی را در رفع موانع دنیای واقعی برجسته کند.

دارد. برای مثال در سال ۲۰۱۷ توجه به این حوزه افزایش پیدا کرده است که بازتاب‌دهنده تغییر اولویت‌های پژوهشی است. در فاصله سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ توجه به این حوزه به صورت چشم‌گیری افزایش یافته است. افزایش تعداد مقالات در فاصله سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ به دلیل افزایش تأکید بر جابه‌جایی پایدار زنان در فضاهای شهری به دلیل شیوع کوید ۱۹ است. توجه به این حوزه تا سال ۲۰۲۳ همچنان ادامه داشته است. یکی از دلایل این امر، راهبردهای سلامتی جنسیت‌محور ارائه‌شده توسط سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۲۲ است که باعث توجه به حوزه پیاده‌روی زنان شده است.

تحلیل واژگان کلیدی

در نمودار شماره (۵) واژگان کلیدی به‌کاررفته در مقالات نمایش داده شده است. همان‌طور که انتظار می‌رود بیشترین تکرار مربوط به واژگان «پیاده‌روی»، «زنان» و «جنسیت» است. پس از آن نیز کلماتی، نظیر «فعالیت فیزیکی» و «ویژگی‌های واحد همسایگی» تکرار قابل توجهی داشته‌اند. همچنین با دقت در نمودار



نمودار شماره (۶): فراوانی مقالات چهار دسته

محدود شدن حضور زنان به‌ویژه در ساعات خاصی از شبانه‌روز می‌شود. یکی دیگر از مطالعات در این زمینه را بدوی و فاراگ (۲۰۲۱) انجام داده‌اند و نشان داده‌اند خودروی شخصی همچنان شیوه اصلی جابه‌جایی برای زنان جوانان سعودی در جده است؛ چراکه شرایط خاص فرهنگی، محدودیت‌هایی را برای استفاده از سایر شیوه‌های جابه‌جایی ایجاد می‌کند. گفتنی است که علاوه بر عوامل فرهنگی، نبود شیوه‌های جابه‌جایی جایگزین و شبکه جابه‌جایی یکپارچه، پراکنده‌رویی شهری و نبود سیستم سرمایه‌ی مناسب همگی از عواملی هستند که مانع از شیوه‌های فعال جابه‌جایی می‌شوند.

دسته چهارم، مطالعاتی هستند که رفتار پیاده‌روی زنان و مردان را مقایسه می‌کنند. برای مثال، مازولا و همکاران (۲۰۲۴) به مقایسه تفاوت ادراک زنان و مردان در خصوص جذابیت مسیرهای پیاده در ایتالای جنوبی پرداخته‌اند. نتیجه مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد زنان در مقایسه با مردان نسبت به بسیاری از جنبه‌های مهم از جمله جنبه‌های زیست‌محیطی نظیر آلودگی هوا و آلودگی صوتی یا امنیت شخصی در برابر سرقت یا وجود مبلمان در مسیر پیاده‌روی و تمیزی

و مزاحمت است. ستروفیا و همکاران نیز به این نتیجه رسیده‌اند که دانش‌آموزان دختر، جوان‌تر و دانش‌آموزان ابتدایی به‌طور عمده بیشتر قربانی تصادفات عابر پیاده هستند؛ زیرا دانش ایمنی عابر پیاده در بین این گروه پایین‌تر است. پژوهش زیسک (۲۰۲۴) نیز نشان می‌دهد که نبود روشنایی، پایین بودن جذابیت بصری، نبود نیمکت و سرویس بهداشتی و آلودگی صوتی باعث کاهش امنیت و راحتی زنان در فضاهای شهری می‌شود. فضای شهری دوستدار زنان باید دارای روشنایی کافی و هموار باشد و شامل عناصر زیرساختی از جمله سرویس بهداشتی، مبلمان مناسب و فضای سبز مناسب باشد.

دسته سوم، مطالعاتی هستند که تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی را بر پیاده‌روی زنان بررسی کرده‌اند. برای مثال، المحمود و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی بر پیاده‌روی زنان در ریاض عربستان پرداخته‌اند. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که محیط‌های داخلی نظیر مراکز خرید تجاری به‌عنوان پناهگاه‌های شهری برای زنان عمل می‌کنند و به همین دلیل زنان به پیاده‌روی در چنین مکان‌هایی تمایل زیادی دارند. خیابان‌ها به‌طور عمده به‌عنوان فضاهای پیاده‌روی مردان شناخته می‌شوند و همین باعث

محیط حساس‌تر هستند. از سوی دیگر، مردان بیشتر تداوم مسیر عابر پیاده و وضعیت مسیر پیاده‌روی و همچنین مزاحمت ناشی از حرکت وسایل نقلیه را در نظر می‌گیرند. از نظر شباهت در ادراک، زنان و مردان به طور مساوی به اهمیت وجود درختان سایه‌انداز در طول مسیر برای ایجاد آسایش اقلیمی تأکید کردند. شی و همکاران (۲۰۲۳) نیز به مقایسه رفتار پیاده‌روی زنان و مردان در گولانگینچین پرداخته‌اند. نتیجه مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که مردان احتمال بیشتری دارد که پیاده‌روی کنند. همچنین از نظر مردان محیط‌های پیاده‌روی میزان راحتی بیشتری دارند. نتیجه این مطالعه، تفاوت ادراک زنان و مردان از محیط‌های شهری را نشان می‌دهد و در این بین با توجه به حساسیت بیشتر زنان، باید به نیازهای ویژه این گروه توجه بیشتری شود.

مطالعه دیگری که باسو و همکاران (۲۰۲۱) در بریزبن استرالیا انجام داده‌اند نشان می‌دهد زنان در مورد آزار و اذیت یا سرعت نگرانی بیشتری دارند. نتایج نشان می‌دهد در حالی که کاربری مسکونی، تجاری و مختلط در مقایسه با زمین‌های بایر حس ایمنی بیشتری برای افراد پیاده ایجاد می‌کنند، این تأثیر برای زنان بیشتر از مردان است. همچنین زنان در شب‌ها احساس ناامنی بیشتری در حومه‌های شهری دارند. شماری از این مطالعات تفاوت رفتار پیاده‌روی زنان و مردان را در دوره شیوع کوید ۱۹ بررسی کرده‌اند. برای مثال، نتیجه پژوهش شاعر و همکاران (۲۰۲۳) در مورد شهر شیراز نشان می‌دهد مدت زمانی که مردان صرف پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری می‌کردند قبل و بعد از پاندمی بیشتر از زنان بوده است. محیطی با کاربری‌های ترکیبی، متنوع، مترکم و در دسترس به‌همراه مسیرهای دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی ایمن تأثیر بسزایی بر جابه‌جایی فعال شهروندان در حین بحران دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی مطالعات منتشر شده در حوزه پیاده‌روی زنان در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ نشان داد که بیشترین تعداد مقالات در این حوزه را یاسرزاده و همکاران در کشور ایران انجام داده‌اند. این امر نشان‌دهنده توجه

روزافزون به این حوزه در کشور ماست. همچنین بیشترین تعداد مقالات مربوط به انتشارات الزویر و دانشگاه صنعتی کوئینزلند بوده است. دانشگاه صنعتی امیرکبیر نیز از مؤسسات فعال در این حوزه بوده است. نشریات Transport and Health و Environmental Research and Public Health نیز بیشترین تعداد مقالات را در این حوزه منتشر کرده‌اند. بیشترین تعداد مقالات نیز مربوط به سال ۲۰۱۷ و ۲۰۲۱ و کمترین تعداد مقالات مربوط به سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ است. همچنین این مطالعات از نظر موضوعی به چهار دسته تقسیم می‌شوند: پژوهش‌هایی که نقش عوامل محیطی و طراحی شهری را بر پیاده‌روی زنان بررسی کرده‌اند؛ مطالعاتی که به بررسی تأثیر احساس ایمنی و امنیت بر پیاده‌روی زنان توجه کرده‌اند؛ پژوهش‌هایی که تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی بر پیاده‌روی زنان را بررسی کرده‌اند و مطالعاتی که رفتار پیاده‌روی زنان و مردان را مقایسه کرده‌اند. همچنین گرایش به سمت مطالعاتی در حوزه برندینگ و نقش تکنولوژی‌های هوشمند در تشویق زنان به پیاده‌روی وجود داشته است.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به عدم پوشش همه پایگاه‌های استنادی اشاره کرد؛ چراکه در این پژوهش تمرکز اصلی بر پایگاه استنادی اسکوپوس بوده است. همچنین به دلیل دسترسی محدود به متون کامل برخی مقالات، تنها چکیده‌ها و کلیدواژه‌ها مبنای تحلیل قرار گرفتند که به سوگیری در تفسیر نتایج منجر می‌شود. تمرکز این پژوهش بر مقالات انگلیسی‌زبان بوده است؛ بنابراین مطالعات به زبان‌های دیگر (مانند فارسی، عربی یا چینی)، که ممکن است دیدگاه‌های فرهنگی خاصی را منعکس کنند، نادیده گرفته شده‌اند. بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اکثر مطالعات در کشورهای پیشرفته انجام شده‌اند و تعداد اندکی از مطالعات در کشورهای در حال توسعه. از آنجاکه کشورهای در حال توسعه دارای زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی هستند، بررسی این موضوع در این کشورها، اطلاعات مفیدی را در خصوص عوامل مؤثر بر پیاده‌روی زنان در اختیار ما قرار

(2017). Gender inequality in mobility and mode choice in Pakistan. *Transportation*, 44(6), 1519–1534. <https://doi.org/10.1007/s11116-016-9712-8>

3. Almahmood, M., Scharnhorst, E., Carstensen, T. A., Jørgensen, G., & Schulze, O. (2017). Mapping the gendered city: Investigating the socio-cultural influence on the practice of walking and the meaning of walkscapes among young Saudi adults in Riyadh. *Journal of Urban Design*, 22(2), 229–248. <https://doi.org/10.1080/13574809.2016.1273742>

4. Anciaes, P. R., & Jones, P. (2018). Estimating preferences for different types of pedestrian crossing facilities. *Transportation Research Part F: Traffic Psychology and Behaviour*, 52, 222–237. <https://doi.org/10.1016/j.trf.2017.11.025>

5. Anneroth, E. (2024). Renovating Marginalised Urban Areas with Girls and Young Women: A Case Study from Sweden. *The Journal of Public Space*, 9(1), 11–24. <https://doi.org/10.32891/jps.v9i1.1811>

6. Badawi, S., & Farag, A. A. (2021). Young Saudi Women's travel behavior change over 2015/2020. *Journal of Transport & Health*, 21, 101080. <https://doi.org/10.1016/j.jth.2021.101080>

7. Bahendwa, F. (2017). Relevance of Walking and Informal Activities in Urban Space: A Case of Dar es Salaam City, Tanzania. *Journal of Sustainable Development*, 10(4), 43. <https://doi.org/10.5539/jsd.v10n4p43>

8. Balpande, M., & Siddiqui, S. (2022). Effect of walking exercise on the human body.

می‌دهد. همچنین اکثر مطالعات انجام‌شده، مطالعات مقطعی هستند؛ بنابراین انجام مطالعات طولی که به بررسی اثرات بلندمدت پیاده‌روی بر سلامت زنان یا تأثیر اقدامات طراحی شهری بر پیاده‌مداری محیط‌های شهری پردازد، اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین از آنجایی که شماری از مطالعات با رویکرد کیفی و شماری با رویکرد کمی انجام شده‌اند، به نظر می‌رسد کاربست رویکرد ترکیبی بینش جامع‌تری را در خصوص عوامل تأثیرگذار بر پیاده‌روی زنان در اختیار ما قرار می‌دهد.

با توجه به تأثیر بسزای عوامل محیطی بر پیاده‌روی زنان، پیشنهاد می‌شود شهرداری‌ها و نهادهای برنامه‌ریزی، طراحی کاربردی و دسترسی آسان گروه‌های مختلف به خصوص زنان را به فضاهای شهری از طریق اقداماتی، نظیر گسترش پیاده‌روهای عریض و بدون مانع، در نظر گرفتن سایه‌بان‌ها و نیمکت‌ها در فضاهای شهری و اتصال بهتر مسیرهای پیاده به ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی، مراکز خرید و فضاهای سبز مدنظر قرار دهند. همچنین با توجه به تأثیر احساس ایمنی و امنیت بر پیاده‌روی زنان پیشنهاد می‌شود راهکارهایی، نظیر افزایش نورپردازی در مسیرهای پیاده‌روی به‌ویژه در پارک‌ها، زیرگذرها و معابر کم‌تردد، نصب دوربین‌های نظارتی و ایجاد ایستگاه‌های امنیتی در نقاط حساس و طراحی فضاهای باز با قابلیت دید بالا در نظر گرفته شود. در خصوص عوامل اجتماعی فرهنگی تأثیرگذار بر پیاده‌روی زنان نیز پیشنهاد می‌شود در خصوص نحوه برخورد با زنان در جامعه، برنامه‌های آموزشی به‌منظور فرهنگ‌سازی در نظر گرفته شود.

منابع

1. Abdous, H., & Mahmoudabadi, A. (2018). PW 0580 Vulnerability of female pedestrians in different crash locations, a case-study for iran. *Abstracts*, A54.2-A54. <https://doi.org/10.1136/injuryprevention-2018-safety.147>

2. Adeel, M., Yeh, A. G. O., & Zhang, F.

- British Journal of Dermatology*, 176(1), 234–236. <https://doi.org/10.1111/bjd.14802>
15. Clark, B., Chatterjee, K., Martin, A., & Davis, A. (2020). How commuting affects subjective wellbeing. *Transportation*, 47(6), 2777–2805. <https://doi.org/10.1007/s11116-019-09983-9>
16. De Sousa, M. N. A., Almeida, E. P. D. O., & Bezerra, A. L. D. (2024). Bibliometrics: What is it? What is it used for? And how to do it? *Cuadernos de Educación y Desarrollo*, 16(2), e3042. <https://doi.org/10.55905/cuadv16n2-021>
17. Dubey, S., Bailey, A., & Lee, J. (Brian). (2025). Women's perceived safety in public places and public transport: A narrative review of contributing factors and measurement methods. *Cities*, 156, 105534. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.105534>
18. Golan, Y., Wilkinson, N., Henderson, J. M., & Weverka, A. (2019). Gendered walkability: Building a daytime walkability index for women. *Journal of Transport and Land Use*, 12(1). <https://doi.org/10.5198/jtlu.2019.1472>
19. Hassan, D. K., & Elkhateeb, A. (2021). Walking experience: Exploring the trilateral interrelation of walkability, temporal perception, and urban ambiance. *Frontiers of Architectural Research*, 10(3), 516–539. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2021.02.004>
20. Herrmann-Lunecke, M. G., Mora, R., & Sagaris, L. (2020). Persistence of walking in Chile: Lessons for urban sustainability. *Transport Reviews*, 40(2), 135–159. <https://doi.org/10.1080/01441647.2020.1712494>
- International Journal of Health Sciences*, 8783–8787. <https://doi.org/10.53730/ijhs.v6nS1.6977>
9. Basu, N., Haque, M. M., King, M., Kamruzzaman, M., & Oviedo-Trespalcacios, O. (2021). The unequal gender effects of the suburban built environment on perceptions of security. *Journal of Transport & Health*, 23, 101243. <https://doi.org/10.1016/j.jth.2021.101243>
10. Basu, N., Oviedo-Trespalcacios, O., King, M., Kamruzzaman, M., & Haque, M. M. (2023). What do pedestrians consider when choosing a route? The role of safety, security, and attractiveness perceptions and the built environment during day and night walking. *Cities*, 143, 104551. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104551>
1. Benton, D. C. (2017). Using bibliometrics to support revalidation requirements. *Nursing Standard*, 32(1), 44–51. <https://doi.org/10.7748/ns.2017.e10589>
12. Blakeman, K. (2018). Bibliometrics in a Digital Age: Help or Hindrance. *Science Progress*, 101(3), 293–310. <https://doi.org/10.3184/003685018X15337564592469>
13. Buehler, R., Pucher, J., & Bauman, A. (2020). Physical activity from walking and cycling for daily travel in the United States, 2001–2017: Demographic, socioeconomic, and geographic variation. *Journal of Transport & Health*, 16, 100811. <https://doi.org/10.1016/j.jth.2019.100811>
14. Chen, S. -Y., & Wu, J. -T. (2017). Global productivity of dermatological research: A bibliometric analysis from 1985 to 2014.

- <https://doi.org/10.37230/CyTET.2024.220.4>
27. Ma, J., Lin, P., & Williams, J. (2024). Effectiveness of nature-based walking interventions in improving mental health in adults: A systematic review. *Current Psychology*, 43(11), 9521–9539. <https://doi.org/10.1007/s12144-023-05112-z>
28. Marquet, O., & Miralles-Guasch, C. (2015). Neighbourhood vitality and physical activity among the elderly: The role of walkable environments on active ageing in Barcelona, Spain. *Social Science & Medicine*, 135, 24–30. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2015.04.016>
29. Mazzulla, G., Eboli, L., & Forciniti, C. (2024). Do women perceive pedestrian path attractiveness differently from men? *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, 179, 103890. <https://doi.org/10.1016/j.tra.2023.103890>
30. Nagata, S., Nakaya, T., Hanibuchi, T., Amagasa, S., Kikuchi, H., & Inoue, S. (2020). Objective scoring of streetscape walkability related to leisure walking: Statistical modeling approach with semantic segmentation of Google Street View images. *Health & Place*, 66, 102428. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2020.102428>
3. Neale, C., Hoffman, J., Jefferson, D., Gohlke, J., Boukhechba, M., Mondschein, A., Wang, S., & Roe, J. (2022). The impact of urban walking on psychophysiological wellbeing. *Cities & Health*, 6(6), 1053–1066. <https://doi.org/10.1080/23748834.2022.2123763>
32. Ortiz, C., Franco Calderon, A. M., Mil-
2. Huang, M.-L., & Chen, M.-C. (2025). Effectiveness of Walking Exercise in Improving Physical Fitness and Depression in Patients With Schizophrenia. *Biological Research For Nursing*, 27(2), 229–235. <https://doi.org/10.1177/10998004241290526>
22. Jakubowska, K., Jerzak, A., Janocha, A., & Ziemba, P. (2024). The impact of physical activity on mental disorders. *Quality in Sport*, 18, 53286. <https://doi.org/10.12775/qs.2024.18.53286>
23. K Pradeep, Jisha Vg, Baiju Paul, & Paul T Benziker. (2024). Gendered Space and Spatial Discourses in Everyday Life: Exploring The Notion of Henri Lefebvre. *International Research Journal on Advanced Engineering and Management (IRJAEM)*, 2(11), 3273–3281. <https://doi.org/10.47392/irjaem.2024.0482>
24. Kim, Y., Yeo, H., & Lim, L. (2024). Sustainable, walkable cities for the elderly: Identification of the built environment for walkability by activity purpose. *Sustainable Cities and Society*, 100, 105004. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2023.105004>
25. Lak, A., Aghamolaei, R., & Myint, P. K. (2020). How Do Older Women Perceive their Safety in Iranian Urban Outdoor Environments? *Ageing International*, 45(4), 411–433. <https://doi.org/10.1007/s12126-020-09398-3>
26. Lizárraga, C., Castillo-Pérez, I., Martín-Blanco, C., & Grindlay, A. L. (2024). Influencia del entorno construido en la percepción de inseguridad y en la preferencia por caminar desde una perspectiva de género. *Ciudad y Territorio Estudios Territoriales*, 56(220).

- the Built Environment on Pedestrian Route Choices of Adolescent Girls. *Environment and Behavior*, 47(4), 359–394. <https://doi.org/10.1177/0013916513520004>
38. Roy, S., Bailey, A., & Van Noorloos, F. (2024). Understanding the barriers affecting women's mobility in the first- and last-mile stretches in low- and middle-income countries: A systematic review. *Journal of Transport Geography*, 121, 104036. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2024.104036>
39. Sadeghi, A. R., & Jangjoo, S. (2022). Women's preferences and urban space: Relationship between built environment and women's presence in urban public spaces in Iran. *Cities*, 126, 103694. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103694>
40. Sadeghi, O., & Di Marzo Serugendo, G. (2024). *Assessing Walkability in Urban Environments: A Comprehensive Overview*. MDPI AG. <https://doi.org/10.20944/preprints202412.0689.v1>
4. Saputro, D. R. S., Prasetyo, H., Wibowo, A., Khairina, F., Sidiq, K., & Wibowo, G. N. A. (2023). BIBLIOMETRIC ANALYSIS OF NEURAL BASIS EXPANSION ANALYSIS FOR INTERPRETABLE TIME SERIES (N-BEATS) FOR RESEARCH TREND MAPPING. *BAREKENG: Jurnal Ilmu Matematika Dan Terapan*, 17(2), 1103–1112. <https://doi.org/10.30598/barekengvol17iss2pp1103-1112>
42. Scarponi, L., Abdelfattah, L., Gorrini, A., Valenzuela Cortés, C., Carpentieri, G., Guida, C., Zucaro, F., Andreola, F., Muzzonigro, A., Da Re, L., Gargiulo, E., Cañas, C., Walker, J., Ian Franco, G., & Jaramillo Diaz, I. (2025). Spatialising intersectionality: An approach to public space design in self-built neighbourhoods in Cali, Colombia. *URBAN DESIGN International*. <https://doi.org/10.1057/s41289-024-00267-y>
33. Paydar, M., Kamani-Fard, A., & Etmiani-Ghasrodashti, R. (2017). Perceived security of women in relation to their path choice toward sustainable neighborhood in Santiago, Chile. *Cities*, 60, 289–300. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.10.002>
34. Plaut, P., Shach-Pinsly, D., Schreuer, N., & Kizony, R. (2021). The reflection of the fear of falls and risk of falling in walking activity spaces of older adults in various urban environments. *Journal of Transport Geography*, 95, 103152. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2021.103152>
35. Pollard, T. M., & Wagnild, J. M. (2017). Gender differences in walking (for leisure, transport and in total) across adult life: A systematic review. *BMC Public Health*, 17(1), 341. <https://doi.org/10.1186/s12889-017-4253-4>
36. Priori Saenz, M., Aguirre, J., & Roitman, A. (2025, January). URBANISMO FEMINISTA Y DERECHO A LA CIUDAD. *Seminario Internacional de Investigación En Urbanismo*. Seminario Internacional de Investigación en Urbanismo. <https://doi.org/10.5821/siiu.12854>
37. Rodríguez, D. A., Merlin, L., Prato, C. G., Conway, T. L., Cohen, D., Elder, J. P., Evenson, K. R., McKenzie, T. L., Pickrel, J. L., & Veblen-Mortenson, S. (2015). Influence of

- S., Godtsfriedt, C. E. S., Justina, M. D. D., Paiva, K. M. D., d'Orsi, E., & Rech, C. R. (2022). Neighbourhood walkability and mental health in older adults: A cross-sectional analysis from EpiFloripa Aging Study. *Frontiers in Aging*, 3. <https://doi.org/10.3389/fragi.2022.915292>
48. Son, W.-H., Park, H.-T., Jeon, B. H., & Ha, M.-S. (2023). Moderate intensity walking exercises reduce the body mass index and vascular inflammatory factors in postmenopausal women with obesity: A randomized controlled trial. *Scientific Reports*, 13(1). <https://doi.org/10.1038/s41598-023-47403-2>
49. Suresh, S., & Parashar, A. (2024). *Calibrating Urban Livability in the Global South*.
50. UN Habitat. (2022). *Cities for girls; Cities for all*.
5. Ungvari, Z., Fazekas-Pongor, V., Csiszar, A., & Kunutsor, S. K. (2023). The multifaceted benefits of walking for healthy aging: From Blue Zones to molecular mechanisms. *GeroScience*, 45(6), 3211–3239. <https://doi.org/10.1007/s11357-023-00873-8>
52. Walsh, A., & Simpson, E. E. A. (2020). Health cognitions mediate physical (in)activity and walking in midlife women. *Maturitas*, 131, 14–20. <https://doi.org/10.1016/j.maturitas.2019.10.005>
53. Warren, S. (2017). Pluralising the walking interview: Researching (im)mobilities with Muslim women. *Social & Cultural Geography*, 18(6), 786–807. <https://doi.org/10.1080/14649365.2016.1228113>
54. WHO. (2018). *Global action plan on physical activity 2018–2030: More active* & Choubassi, R. (2023). Thematic Review on Women's Perception of Safety While Walking in Public Space: The STEP UP Project. *Sustainability*, 15(21), 15636. <https://doi.org/10.3390/su152115636>
43. Setorwofia, A. E., Nana Otoo, J. E., Arko, E. A., Adjakloe, Y. A., & Ojo, T. K. (2020). Self-reported pedestrian knowledge of safety by school children in cape coast metropolis, Ghana. *Urban, Planning and Transport Research*, 8(1), 158–170. <https://doi.org/10.1080/021650020.2020.1758203>
44. Shaer, A., Rezaei, M., & Moghani Rahimi, B. (2023). Assessing the COVID-19 outbreak effects on active mobility of men in comparison with women. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 16(4), 480–497. <https://doi.org/10.1080/17549175.2021.1995028>
45. Shi, Y., Shamsul Harumain, Y. A., & Mohidin, H. H. B. (2023). EXPLORING GENDERED WALKING BEHAVIOR AND ENVIRONMENT PERCEPTION IN HERITAGE CITY: THE CASE OF GULANGYU, CHINA. *PLANNING MALAYSIA*, 21. <https://doi.org/10.21837/pm.v21i30.1406>
46. Simonsick, E. M., Guralnik, J. M., & Fried, L. P. (1999). Who Walks? Factors Associated with Walking Behavior in Disabled Older Women With and Without Self-Reported Walking Difficulty. *Journal of the American Geriatrics Society*, 47(6), 672–680. <https://doi.org/10.1111/j.1532-5415.1999.tb01588.x>
47. Siqueira Junior, J. D. A., Lopes, A. A. D.

minants That Reduce Women's Safety and Comfort in Urban Public Spaces (UPS). *Sustainability*, 16(22), 10075. <https://doi.org/10.3390/su162210075>

people for a healthier world.

55. World Bank. (2020). *Sustainable Mobility for All: A Global Roadmap for Action.*

56. Zysk, E. (2024). Identification of Deter-

نحوه ارجاع به این مقاله:

پناهی، نیلوفر و مرادی، فاطمه. (۱۴۰۳). مرور کتاب شناختی مولفه های موثر بر پیاده روی زنان در فضاهای شهری (بازه زمانی ۲۰۲۴-۲۰۱۴). پژوهشهای فضا و مکان در شهر، ۸(۳۳)، ۱۲۳-۱۴۳. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2057333.1132>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2057333.1132>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_724844.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions

of the Creative Commons Attribution 4.0 International

(CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



women and men, providing insights into how gender influences walking patterns, motivations, and experiences in urban settings.

The review of the literature revealed that most research has been conducted in developed countries, with a conspicuous gap in studies focusing on developing nations. Given the unique cultural and social contexts of developing countries, there is a pressing need for research that examines the factors affecting women's walking behaviors in these regions. Insights derived from such studies could inform policy and planning efforts that are more culturally sensitive and tailored to the specific needs of women in diverse urban contexts.

Furthermore, the predominance of cross-sectional studies in the existing literature suggests that longitudinal research is particularly important for understanding the long-term effects of walking on women's health and the impact of urban design on pedestrianization. Longitudinal studies could provide valuable data on how changes in urban environments influence walking behaviors over time and the subsequent effects on health outcomes.

Another significant finding is the variability in research methodologies. While some studies have adopted qualitative approaches to explore women's lived experiences, others have employed quantitative methods to analyze walking patterns and behaviors. A mixed-methods approach, integrating both qualitative and quantitative methodologies, could yield a more comprehensive understanding of the factors influencing women's walking behaviors and experiences.

Conclusion

The findings of this study not only identify current research trends and gaps in the literature on women's walking in urban environments but also offer a foundation for developing integrated theoretical frameworks. This framework can inform policymaking aimed at creating urban spaces that cater to the unique needs of women. Addressing the barriers women encounter in accessing walking opportunities is essential for fostering environments that promote health, well-being, and social equity.

By enhancing the inclusivity of urban design and planning, policymakers can help create urban communities where all individuals can thrive. Such efforts can contribute to a more sustainable urban future, where walking is not only a viable mode of transportation but also a pathway to improved health outcomes, enhanced social connections, and greater community cohesion. Ultimately, the promotion of walking as a fundamental component of urban life is essential for building vibrant, resilient, and inclusive urban environments. Through targeted research and informed policy interventions, it is possible to realize the transformative potential of walking in urban areas, ensuring that all individuals, particularly women, can fully participate in and benefit from the rich tapestry of urban life.

Keywords: Women, Walking, Urban Space, Bibliometric Review

Citation:

Panahi, N., Moradi, F. (2025). Bibliographic review of factors affecting women's walking in urban spaces . *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(33), 123-143. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2057333.1132>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2057333.1132>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_724844.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



Methodology

To investigate the current state of research on women's walking in urban environments, we conducted a comprehensive examination of scholarly articles published in the Scopus citation database between 2014 and 2024. The search utilized specific keywords, including "Walking," "Walkability," "Women," and "Female," to identify articles relevant to our focus on women's walking patterns in urban settings. The emphasis on both social sciences and environmental sciences in our review allowed for a multifaceted understanding of the issues at play.

Initially, our search yielded a total of 4,153 articles. To refine this extensive dataset, we implemented a rigorous filtering process. We assessed the relevance of articles based on title and author name, and systematically eliminated those lacking English titles, abstracts, or keywords. Additionally, we excluded titles that were deemed irrelevant to our study focus. This meticulous approach resulted in a final selection of 130 articles, extracted from a diverse array of 76 sources, including academic journals and conference proceedings.

The articles selected for review were analyzed for various metrics, including publication age, citation frequency, and author collaboration rates. The average age of the articles was determined to be 5.4 years, indicating the recency of the research focus. The annual growth rate of published articles was calculated at 5.76%, with an average of 20.72 citations per article. Notably, 21 of the selected articles were authored by a single researcher, while the remaining articles exhibited an average collaboration rate of 3.32 authors, highlighting the collaborative nature of research in this field. The findings reveal a dynamic and growing body of literature focused on women's walking in urban environments.

Results and Discussion

The analysis of the articles indicated a notable trend in the geographic distribution of the research. The majority of articles were published by authors based in the United States (107 articles), followed by significant contributions from Japan, England, and Australia (29 articles each), and Iran (24 articles). This distribution suggests a concentration of research activity in developed countries, where urban design and policy issues related to walking have garnered significant academic attention.

Among the selected articles, the most frequently published journals included the Journal of Transport and Health and the International Journal of Environmental Research and Public Health. These journals are known for their focus on public health, urban planning, and environmental issues, making them appropriate venues for research on women's walking behaviors. In terms of thematic categorization, the studies were grouped into four distinct categories:

- 1. Environmental Factors:** This category encompasses research examining how physical urban environments, including infrastructure, green spaces, and walkability features, influence women's walking behaviors. Studies in this area often highlight the importance of well-designed sidewalks, safe crossings, and accessible public spaces.
- 2. Safety and Security:** Research in this category focuses on how perceptions of safety and security impact women's willingness to walk in urban areas. This includes examining factors such as crime rates, lighting, and the presence of other pedestrians, which can either encourage or discourage walking.
- 3. Sociocultural Factors:** This group of studies investigates the sociocultural dynamics that shape women's walking behaviors, including societal norms, cultural expectations, and gender roles. Understanding these factors is crucial for addressing the barriers women face in accessing walking opportunities.
- 4. Gender Comparisons:** Some studies explore the differences in walking behaviors between



Bibliographic review of factors affecting women's walking in urban spaces¹

Niloofer Panahi*

Assistant Professor, Department of Urban Planning, Art and Architecture Faculty, Persian Gulf University, bushehr, Iran.

Fatemeh Moradi

Master's student, Urban Planning Department, Art and Architecture faculty, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Extended Abstract

Introduction

Walking has emerged as a highly sustainable mode of transportation that plays a crucial role in enhancing urban livability and reducing environmental degradation. In an age where urban areas are grappling with severe issues such as noise and air pollution, walking offers an eco-friendly alternative to the reliance on private vehicles. This mode of transport not only contributes to environmental sustainability but also offers significant public health benefits. Numerous studies have indicated that walking serves as an effective means of alleviating stress, fostering mental well-being, and promoting physical fitness. It is not merely a physical activity; it is a holistic practice that fosters social connections and encourages community engagement, thereby enriching urban life.

The significance of walking extends beyond its environmental and health benefits. It is a multifaceted activity that encompasses various aspects of social interaction and individual well-being. Walking provides an opportunity for individuals to connect with their surroundings and with one another, creating a sense of community and belonging. The act itself can serve as a platform for socialization, where individuals engage in conversations, share experiences, and build relationships. Consequently, the design and accessibility of urban spaces play a pivotal role in facilitating or hindering walking behaviors among residents.

However, despite its many benefits, certain groups—particularly women—face unique challenges that can impede their walking experiences. Gender-based disparities in urban environments often lead to safety concerns, social restrictions, and infrastructural inadequacies that disproportionately affect women. Recognizing and addressing these barriers is essential for ensuring that all individuals, especially women, have equitable access to walking opportunities and can reap the associated health benefits. In this context, promoting inclusivity and equity in urban planning is vital for fostering environments that support the health and well-being of all community members

1. Corresponding Author: Niloofer.panahi@pgu.ac.ir

Findings and Discussion

The research findings show that the spatial configuration of Chogha Zanbil, including the courtyards, gates, access routes, and temples, was directly related to the rituals and religious ceremonies of the Elamites. For example, the vast courtyards around the ziggurat were designed to hold processions and gatherings of pilgrims. The large and magnificent gates were a symbol of the power and greatness of the Elamite kingdom, as well as a way to enter the sacred space of the ziggurat.

The specific access routes guided the pilgrims towards the temples and special spaces.

Also, in the architecture of Chogha Zanbil, differences can be observed in the spaces allocated to the courtiers and ordinary people. For example, the royal gate and some special temples were probably intended for the use of courtiers and high-ranking officials, while ordinary people used other gates and more public spaces to perform religious rituals.

In addition, the architecture of the underground tombs of Chogha Zanbil depicts the Elamites' belief in life after death and the needs of the dead in the afterlife. The existence of water channels next to the tombs indicates the importance of water in the Elamites' beliefs, and probably for the purification of the dead or the performance of special ceremonies. Placing objects such as clay pots, water, and food in the tombs shows that the Elamites believed that the dead would need these items in the afterlife.

Conclusion

In general, the present research shows that the spatial configuration of the architecture of Chogha Zanbil was a reflection of the beliefs, convictions, and socio-religious rituals of the Elamites. The careful and intelligent design of this vast religious complex was such that it facilitated the performance of religious rituals and enhanced the spiritual experience of the pilgrims. Also, the differences in the spaces allocated to different strata of society indicate the existence of social and class distinctions in the performance of religious rituals in the Elamite civilization.

Citation:

Khaleghian, S., Ghandehari, SH & Saedvandi, M. (2025). The relationship between architectural spatial configuration and religious social rituals of Elamites (case study: Chaghazanbil site). *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(33), 95-121. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2044570.1084>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2044570.1084>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_720051.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





The relationship between architectural spatial configuration and religious social rituals of Elamites (case study: Chaghazanbil site)

Sima Khaleghian¹

PhD student in Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Shima Ghandehari

Master of Iranian Architecture Studies, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Mahdi Saedvandi

Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Extended Abstract

Introduction

The ancient site of Chogha Zanbil is a magnificent legacy of the Elamite civilization, built around 1250 BC by order of Untash-Gal, the Elamite king. This complex includes a ziggurat, temples, palaces, and underground tombs, all of which were designed and built with special care and elegance. The purpose of constructing this complex was to create a space for performing religious rituals and honoring the Elamite gods.

Background of the Research

Numerous studies have been conducted in the field of architecture and archeology of Chogha Zanbil, but fewer studies have examined the relationship between spatial configuration and religious rituals of the Elamites. In this research, an attempt has been made to achieve a better understanding of how the beliefs and convictions of the Elamites influenced the architecture of this complex by carefully examining the various spaces of Chogha Zanbil and analyzing texts and archaeological evidence.

Research Methodology

This research was conducted in a descriptive-analytical method. The required information was collected through library studies and field studies of the Chogha Zanbil site. In the library studies section, historical and archaeological sources related to the Elamite civilization and the Chogha Zanbil site were studied. In the field study section, the remaining from the ziggurat, temples, palaces, and underground tombs were examined and analyzed.

1. Corresponding Author: sima.khaleghian@yahoo.com

Methodology

This study is qualitative, applied in its objective, and exploratory in its methodological approach. The statistical population includes the legal boundaries of the Isfahan metropolis in the year 2024 (1403 Hijri-Shamsi). Data collection tools include interviews and questionnaires. A one-sample t-test was used for data analysis. The sample size for the questionnaire includes 400 employed women in governmental, semi-governmental, and private organizations, selected randomly. Additionally, the interview sample consists of 20 experts chosen through purposive sampling.

Result and discussion

The research findings indicate that out of 84 basic themes related to the consequences of women's empowerment in the Isfahan metropolis, only 20 are above the average level. The overall average score for these themes is 2.7922, which reflects an undesirable situation. Among the themes, only "eliminating discrimination" and "life and health" scored above average. The negative values of the t-statistics for most themes further emphasize the overall weak and unsatisfactory state of women's empowerment outcomes in this context.

Conclusion

The results suggest that the consequences of women's empowerment in the decision-making environment of the Isfahan metropolis are generally at a weak and undesirable level. The low average scores and negative t-statistic values underscore the need for a comprehensive policy review and the implementation of proactive strategies to enhance women's participation in urban governance. Strengthening women's roles in decision-making structures is essential for achieving more equitable, effective, and accountable urban management.

Keywords: Women's Empowerment, Consequences, Decision-Making Environment, Isfahan

Citation:

Mahdavi Saeidi, P., Behzadfar, M., Masood, M & Rashtiyani, SM. (2025). Analyzing the consequences of women's empowerment in the decision-making environment of Isfahan metropolis. *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(33), 71-94. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2055358.1119>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2055358.1119>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_724336.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions

of the Creative Commons Attribution 4.0 International

(CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





Analyzing the consequences of women's empowerment in the decision-making environment of Isfahan metropolis

Pasand Mahdavi Saecidi

Ph.D. Candidate of Urban Planning, Architecture and Urban Planning Faculty, Isfahan (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Mostafa Behzadfar*¹

Professor, Department of Urbanization , Architecture and Urbanization faculty, Science and University of Iran, Tehran, Iran.

Mohammad Masood

Professor, Department of Urban Planning, Architecture and Urbanplanning faculty, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Seyed Mohammad Rashtiyān

Assistant Professor, Department of Urban Planning, Isfahan (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Extended Abstract

Introduction

Empowering women in the decision-making environment of the Isfahan metropolis is regarded as a socio-cultural necessity that plays a key role in enhancing transparency, justice, and efficiency in urban management. This process allows for more accurate attention to women's needs and challenges in urban policymaking. Women's active participation in urban decision-making processes not only increases the diversity of perspectives but also contributes to sustainable development and the fair distribution of urban resources and services, ultimately helping to reduce gender inequalities.

Theoretical Framework

The insufficient participation of women in urban decision-making structures may result in the neglect of crucial issues such as urban safety, access to public services, and work-life balance—all of which have a direct impact on citizens' quality of life. This study draws on theories of social justice, participatory governance, and gender equality to explore the consequences of empowering women, positioning this empowerment as a vital element in improving urban management outcomes.

1. Corresponding Author: behzadfar@iust.ac.ir

This article is an excerpt from the first author's doctoral dissertation entitled: "Empowering Women to Improve Their Position in the Urban Decision-Making Environment (Case Study of Isfahan)" with the guidance of the second and third authors and the advisor of the fourth author at the Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan).

challenge; it is the cumulative outcome of structural inequalities, disciplinary practices, and the commodification of space. Reversing this trajectory demands a **paradigm shift** toward justice-centered, community-led planning that treats public space as a collective right rather than a market commodity. Only through such integrated, multi-scalar interventions can cities break the cycle of alienation, restore the social vitality of public realms, and realize the inclusive promise of the “right to the city.”

Keywords: Urban Space, Spatial Alienation, Isolation, Bibliometric Analysis.

Citation:

Torabi, Sh., Shabani, A., Toghiani, Sh & Farokhi, M . (2025). Bibliometric Analysis and Systematic Review of Spatial Alienation Concepts: Examining Conceptual Developments, Paradigmatic Transformations, and Emerging Trends in Global Research . *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(33), 47-70. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2056654.1128>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2056654.1128>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_724070.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



to the city.' After duplicate removal and abstract screening, full-text eligibility was assessed against peer-review status and thematic relevance. Bibliometric indicators (co-authorship networks, citation counts, and keyword co-occurrences) were then visualized to reveal prevailing research clusters and conceptual lineages. Complementary qualitative coding captured theoretical inflections—from early structuralist explanations through critical and post-modern turns—allowing a layered interpretation of how discourses on power, space, and inequality have evolved.

Result and discussion

The findings demonstrate that spatial alienation emerges as a complex and multidimensional phenomenon deeply embedded in macroeconomic, social, and spatial mechanisms. It reflects entrenched power relations, uneven resource distribution, and exclusionary spatial production processes within urban contexts. The systematic literature review and scientometric analysis reveal that dominant theoretical frameworks—primarily rooted in Western structuralist and critical theories, as developed by Lefebvre, Harvey, Foucault, and Bourdieu—have shaped much of the discourse on spatial alienation. These frameworks effectively expose power dynamics, spatial inequality, and social exclusion yet often marginalize local lived experiences and contextual specificities.

Moreover, the scientometric analysis highlights a concentration of knowledge production within a limited network of institutions and scholars, which narrows the diversity of perspectives and overlooks critical local narratives. This centralization of research limits the inclusion of varied geographic and cultural contexts, especially those from the Global South, where the manifestations of spatial alienation may differ significantly due to unique socio-economic and cultural factors.

The results emphasize expanding analytical approaches by integrating interdisciplinary and cross-cultural perspectives. Incorporating diverse epistemologies and acknowledging local experiences can enhance spatial alienation studies' theoretical robustness and practical relevance.

From a policy and planning perspective, the study underlines the imperative for equity-focused urban strategies that systematically address spatial alienation's economic, social, cultural, and physical dimensions. Such methods require revisiting spatial organization, promoting equitable resource redistribution, and fostering social cohesion through participatory and culturally sensitive governance. Effective interventions must simultaneously interrogate urban form, power relations, and dominant discourses to disrupt cycles of alienation and revive the social vitality of public spaces.

In conclusion, confronting spatial alienation demands a comprehensive, multi-level approach capable of intervening at individual, institutional, and structural scales. Beyond physical infrastructure, policies must address social, cultural, and psychological dimensions to facilitate meaningful social interaction, identity formation, and inclusivity in urban environments. Continuous reflexivity and adaptability in urban policy are essential to respond to ongoing economic and spatial transformations, ensuring resilient and just urban futures.

5. Conclusion

Spatial alienation is neither an inevitable by-product of urban growth nor a purely technological



Bibliometric Analysis of Spatial Alienation Concepts: Examining Conceptual Developments, Paradigmatic Transformations, and Emerging Trends in Global Research

Shiva Torabi

Ph.D. Student in Urban Planning, Department of Urban Planning, NA.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Amirhossein Shabani*¹

Assistant professor, Department of Urban Planning, NA.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Shirin Toghiani

Assistant professor, Department of Urban Planning, NA.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Maryam Farokhi

Assistant professor, Department of Urban Planning, NA.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Extended Abstract

Introduction

Processes of social polarization have increasingly reshaped urban public spaces through systemic inequalities, restrictive policies, and uncontrolled development. Mechanisms such as hostile architecture, unequal spatial distribution of amenities, technological dominance, and reductionist planning have profoundly altered the meaning and function of public space, intensifying spatial alienation. The legacy of these tactics is a diminished public sphere, fading symbolic value, and erosion of the collective urban spirit—conditions that perpetuate a self-reinforcing cycle of exclusion and detachment. A genealogical reading of this history reveals how successive intellectual and structural currents have chipped away at social capital and undermined the activist role of public spaces. Ignoring the escalating dynamics of spatial inequality is no longer possible; understanding them is essential for reclaiming inclusive urban commons.

Methodology

To trace and contextualize the genealogy of spatial alienation, this study employs a systematic literature review aligned with the PRISMA protocol and a scientometric analysis using VOSviewer. Three authoritative databases—Scopus, Web of Science, and Google Scholar—were queried for the period 1867 – 2025 with Boolean search strings that paired ‘spatial alienation’ with terms such as ‘urban exclusion,’ ‘public space commodification,’ and ‘right

1. *Corresponding author: Amirhossein shabani, ashabani@iaun.ac.ir

27 components were selected as practical components (with different effect intensity), into nine indicators. Physically, nine components out of 13 social indicators, 10 components, and eight components out of 13 economic indicators were left as practical components, and eight components were omitted due to the coefficient being less than 0.3%. On the other hand, it should be noted that in the physical index, the quality of lighting at night with a factor load of 0.93 is the most relevant and influential; In the social dimension, the level of satisfaction with feelings and mental health with a factor load of 0.91, the level of satisfaction of the residents with the income of the head of the household, the job security of the head of the household, in the economic dimension of the household with 0.79% are the priority.

Conclusion

Today, cities have become fragmented and chaotic places, significantly affecting the residents' vitality. The rapid growth of urbanization in the metropolis of Isfahan has caused critical and spiritual problems, and the increase in social vitality and the factors affecting the happiness of citizens can effectively solve these problems. Therefore, it is necessary to evaluate each of the indicators of the happy city and identify the influential factors in its promotion. Therefore, in line with the research hypotheses, the main goal of this research is to measure the indicators of a happy city by relying on the practical physical and social components. It is economic in the metropolis of Isfahan; The results of the research show that Isfahan metropolis, in terms of having happy city indicators, in order of priority, physical index with 0.511%, social index with 0.287% and finally economic index with 0.266% have the most role in the city indicators. have been happy in the studied area, which indicates the importance of the physical dimension compared to other dimensions.

Comparing the current research with other researches, Oraki et al. (2018) analyzed the spatial factors affecting the happy city from the perspective of the citizens, and the researcher's findings show that the most important influencing factor is the physical characteristics, including the quality of the landscape, which The present research is consistent. Gemini et al. (1400) evaluated and analyzed the state of the happy city and identified its determinants in small urban spaces. They concluded that physical-spatial structure has the most role in social vitality, and low participation has the least role. It is effective. Also, Samavati et al. (2017) identified factors affecting happiness in urban public spaces, and the results of multiple regression analysis showed that at the level of social characteristics, the sub-index of satisfaction with feeling and physical health has the most significant effect on the level of a happy city. It is consistent with the present study.

Keywords: Happy city, Structural equations, Geographic information system, Isfahan city.

Citation:

Hajarian, A. (2025). Evaluation and spatial analysis of the components affecting Shad city (Case study: Isfahan metropolis). *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(33), 31-45.
<https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2053593.1116>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2053593.1116>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_723120.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



Spatial assessment and analysis of the factors affecting a happy city (Case study: Isfahan metropolis)

Ahmad Hajarian ¹

Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Geography and Planning,
University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Extended Abstract

Introduction

Considering the importance of the indicators of a happy city in improving the quality of life of citizens and overall significant impact in achieving sustainable urban development, examining the status of a happy city and the factors affecting it can be an essential tool for improving the level of a happy town by city managers and those involved in the development of the metropolis. Isfahan. In this regard, the evaluation of each of the quality indicators of the urban environment in three physical, economic, and social dimensions has been done. This research was conducted to answer the question, What is the level of Isfahan metropolis in terms of happy city indicators? Which components have had the most significant influence on the city's indicators?

Methodology

The purpose of this research is applied-developmental research. In terms of its nature, it is a descriptive-analytical research, and the research method is correlational analysis. Two library and field methods have been used to collect the information needed for the research. The research area is the metropolis of Isfahan. The data analysis in this research was done in two stages. In the first stage, to measure the status of the happy city indicators in the study area, the study's sample size was estimated to be 315 households through Cochran's formula. In this research, a random sampling method was used, the sampling error level was 5% and the samples were selected with a confidence level of 95%; In the GIS environment, the samples were randomly selected using the Hawth's Tools function; From the Sampling Tools menu, by selecting the Generate Random Points option, 315 samples were chosen as points. The validity of the questionnaire was also determined using the pre-test, and its reliability was assessed using Cronbach's alpha in the SPSS software environment, which indicates the high consistency and reliability of the data.

Research Findings

According to the factor loadings extracted in the standardized model in the LISREL software (Table 3) in Isfahan metropolis, it is stated in this way that out of 35 components,

1. Corresponding author: a.hajarian@ltr.ui.ac.ir

Citation:

Owraei, M., Mansouri Roudkoli, S & Soltani, N. (2025). Revisiting Historical Collective Spaces: A Framework for Enhancing the Design Principles of Multi-functional Urban Spaces (Case Study: Isfahan City). *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(33), 5-29 <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2047395.1092>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2047395.1092>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_719925.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



Beyond merely fulfilling physical needs, contemporary public spaces must also foster a sense of connection among citizens and between individuals and their environment. They should provide opportunities for social interactions, encourage recreation, and strengthen the sense of belonging and identity within urban communities. These spaces can unite, bridging generational and cultural divides while promoting inclusivity and accessibility for all societal groups.

This research investigates the successful attributes of traditional public spaces in Iran, uncovering their enduring relevance in today's urban contexts. By analyzing principles such as human-centered design, multifunctionality, and integration with cultural and historical values, the study proposes guidelines for creating contemporary public spaces. While addressing the practical needs of modern society, these spaces must also serve as custodians of cultural heritage, ensuring that the identity and legacy of their communities endure amidst the dynamism of urban evolution.

Methodology

This research employs a historical-evolutionary method combined with a qualitative approach. Historical documents and sources related to Iranian architecture and urban planning during the Ilkhanid, Timurid, Safavid, and Qajar periods were analyzed in the initial stage. These periods were selected for their profound influence on the development of public spaces. Content analysis of these historical sources focused on uncovering the spaces' architectural, social, and cultural characteristics.

In the second stage, field studies were conducted in Isfahan, examining locations such as Shahid Rajai Parks, Nazhvan, Mardavij, Khaju Bridge, Si-o-Se Pol Bridge, Shahrestan Bridge, and the Metropol Complex on Chaharbagh Street. Citizen interviews and direct observations of how these spaces are utilized provided insight into contemporary needs and expectations. Finally, the data were synthesized using comparative analysis to propose design solutions tailored to modern multifunctional spaces.

Conclusion

This research analyzes successful historical collective space design principles and adapts them to contemporary needs, yielding valuable insights. Key findings include:

Contemporary Markets: Modern markets should integrate public and private spaces to facilitate social and commercial interactions.

Squares as Cultural Hubs: Public squares must be designed for cultural, educational, and recreational activities and serve as venues for community engagement.

Gardens as Educational Centers: Green spaces should incorporate educational and cultural elements alongside recreational uses.

Cultural Identity in Design: Emphasizing local cultural identity in public spaces can enhance community attachment and collective identity.

Overall, applying successful historical patterns to contemporary design can improve urban life quality and create spaces that address citizens' cultural, social, and psychological needs.

Keywords: Historic Public Space, Multi-Functional Urban Space, Principles of Design



Revisiting Historical Collective Spaces: A Framework for Enhancing the Design Principles of Multi-functional Urban Spaces (Case Study: Isfahan City)¹

Mohsen Owraei

Master Student, Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Engineering and Technology, Shahid Ashrafi Isfahani University, Isfahan, Iran.

Samira Mansouri Roudkoli²

Assistant Professor, Department of Architecture Urban Planning, Faculty of Engineering and Technology, Shahid Ashrafi Isfahani University, Isfahan, Iran.

Narges Soltani

Associate Professor, Department of Architecture Urban Planning, Faculty of of Engineering and Technology, Shahid Ashrafi Isfahani University, Isfahan, Iran.

Extended Abstract

Introduction

Public spaces have always been fundamental to the urban fabric, acting as physical venues for social interactions and enduring symbols of cultural and social identity. Across civilizations, such spaces have provided a sense of continuity, reflecting their societies' values, priorities, and aspirations. In Iranian architecture, public spaces such as squares, markets, mosques, and gardens hold particular importance. These spaces were thoughtfully designed over various historical periods to address a spectrum of needs, from facilitating trade and social gatherings to fostering spiritual and recreational experiences. Their defining features include a focus on human scale, climate-appropriate designs, and a deep respect for the social, cultural, and economic contexts in which they were embedded.

In contemporary times, the rapid pace of urbanization, changing lifestyles, and evolving societal values have transformed the role and expectations of public spaces. Once primarily centered on singular or localized functions, modern public spaces are expected to address a broader and more diverse array of needs. They must accommodate the demands of dense urban living, provide platforms for cultural expression and community engagement, and adapt to changing mobility and technology use patterns. Designing multifunctional spaces that cater to these diverse requirements has become a challenge and a necessity in urban planning and architecture.

1. This article is derived from a master's thesis entitled "Designing a Multifunctional Urban Space to Enhance Social Interactions and a Sense of belonging in society," which is being conducted by the first author (Mohsen Owrei), the first supervisor, the second author (Dr. Samira Mansouri Rudkali), and the second supervisor, the third author (Dr. Narges Soltani) at Shahid Ashrafi University of Isfahani.

2. Corresponding author: s.mansouri@ashrafi.ac.ir

Index of articles

**Revisiting Historical Collective Spaces: A Framework for
Enhancing the Design Principles of Multi-functional Urban Spaces
(Case Study: Isfahan City) 5**

Mohsen Owraei, Samira Mansouri Roudkoli, Narges Soltani

**Spatial assessment and analysis of the factors affecting a happy city
(Case study: Isfahan metropolis) 31**

Ahmad Hajarian

**Bibliometric Analysis of Spatial Alienation Concepts: Examining
Conceptual Developments, Paradigmatic Transformations, and
Emerging Trends in Global Research 47**

Shiva Torabi, Amirhosein Shabani, Shirin Toghyani, Maryam Farokhi

**Analyzing the consequences of women's empowerment in the
decision-making environment of Isfahan metropolis 71**

Pasand Mahdavi Saedi, Mostafa Behzadfa, Mohammad Masood, Seyyed Mohammad Rashtiyani

**The relationship between architectural spatial configuration and
religious social rituals of Elamites (case study: Chaghazanbil site) 95**

Sima Khaleghia, Shima Ghandehari, Mahdi Saedvandi

**Bibliographic review of factors affecting women's walking in
urban spaces 123**

Nilofar Panahi, Fatemeh Moradi

Journal of Urban Studies on Space and Place

Vol.8, No 33, Winter 2024 | <https://jspr.jdisf.ac.ir>



Concessionaire: Academic Center for Education Culture and Research

Director responsible: Mehdi Zhianpour

Chief editor: Mohamad Masoud

Specialized secretary: Ehsan Ranjbar

Editorial board:

Nematullah Akbari, Hamed Bakhshi, Frozandeh Jafarzadehpour, Ali Hassani, Zahed Shafiei, Nematullah Fazeli, Iraj Ghasemi, Mahmoud Ghalehnoee, Mohammad Masoud, Mehdi Montazeri, Hojjah, Morteza Mirgholami

Manager: Elham Ghasemi

Executive Manager: Khatereh Amiri

Managing Editor: Reyhaneh Sajadi

Persian editor: Aida Ghavidel

English editor: Zahra Sadat Esmaeliani

Cover designer: Erfan Gholami

Sketch on the cover: Ziba Azar

Layout: Jafare Khoddady

Dedicated site: www.jspr.ac.ir

Email: jsprjdisf@gmail.com / jspr.es@acecr.ac.ir

Licenses: 78539 of the Ministry of Culture and Islamic Guidance

ISSN: 3060-6985

ISSN: 3060-7094

Quarterly articles will be displayed in the following databases:

www.noormags.com

www.magiran.com

www.Civilica.com

www.ensani.ir

Journal of Urban Studies on Space and Place

Volume 8, No33, Winter 2025

- Revisiting Historical Collective Spaces: A Framework for Enhancing the Design Principles of Multi-functional Urban Spaces (Case study: Isfahan City)
- Spatial assessment and analysis of the factors affecting a happy city (Case study: Isfahan city)
- Bibliometric Analysis of Spatial Alienation Concepts: Examining Conceptual Developments, Paradigmatic Transformations, and Emerging Trends in Global Research
- Analyzing the consequences of women's empowerment in the decision-making environment of Isfahan metropolis
- The relationship between architectural spatial configuration and religious social rituals of Elamites (Case study: Choghazanbil site)
- Bibliographic review of factors affecting women's walking in urban spaces



Print ISSN: 3060-6985

Online ISSN: 3060-7094